



کتاب و وقت

شماره آبان ۱۳۶۰، مطبوعه مهرالبرز، ۱۳۶۰، مطبوعه
سازمان انتشارات و نشر، شماره مسلسل ۵۵۰۰
۴۷

Ketabton.com

در گفت دست تان چیست

عشق و فان

صفا صفا میایی

سپاروون

شماره "چهارم" ماه مرداد ۱۳۷۰ سال چهارم شماره مسلسل ۴۳



چند سال پیش پدر رئیس خانواده بود و حق داشت فرزندانش را به راه مستقیم رهنمایی کند و پدر میتواند کار کند و لقمه نانی که تهیه می کند تن فرزندانش را سیر سازد و در چنین حال فرزندانش از پدر اطاعت داشتند و جوانان پدر و مادر را نمیگرفتند. اما امروز بچه‌ها پدر نمیخوانند در سن سختی روزگاران شکم سورتیهه کند بسیاری شان یا در استان خود عزیزتر - بین جوانان خانواده را دفن کرد و پسران و دختران دیگر در سراق فرزند پسر شدند و حسرت و پندار بر دل هنوز منتظر برگشت آنان اند.

امروز بسیاری از جوانان از پدرها - پشان اطاعت ندارند امروز بسیاری از - پرایم های ما از همین امر ناشی میگردد که جوانان نسبت به بزرگان ادب و احترام قایل نیستند و امروز بسیاری از جوانان به معلمان و استادان - اهمیت قایل نمیشوند امروز بسیاری از خانواده ها شیرازه و وراثت های سنتی دیرین را از دست داده اند و در نتیجه بدبختی های زیادی داشته اند که شان شده است و این همه هدیه جنگ و مهابت است که پیش از سیزده سال از همراس می گذرد - میتوان تره ویران شده را آباد کرد و میتوان اقتصاد پرباد رفته را رونق داد اما مشکل اصلی انسان های پرباد شده راه ساده کسی از نو ساخت و درد بزرگ ما همین است و هر روز که جنگ عمر بیشتر کسب می کند این درد بزرگتر میشود.

اداره مجله دوربرایس مطالب دست باز دارد
عقاید و نظریات در مضامین
نویسنده گان معلق است

بیماری های ژنتیکی

صفحه ۶۶

برونی کشور پرتو مند

صفحه ۸۲

عشق و نان

داستان کوتاه

صفحه ۲۸

سرنوشت شما در کف دست

صفت و شواهد

صفحه ۳۲

ملیونا

صفحه ۵۴



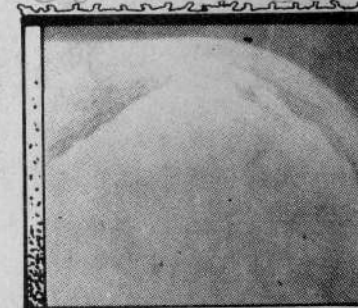
قلع روبا

صفحه (۲۰)

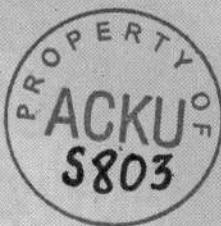


باغ وحش کابل

صفحه ۱۱



SABAWOON
Monthly Magazine of
Journalists Union of
Afghanistan
Editor-in-Chief
Dr. Z. Tanin
Assistant
M.A. Mar



حساب بانکی (۰۲۳۳۰۰۰۸) د افغانستان بانک

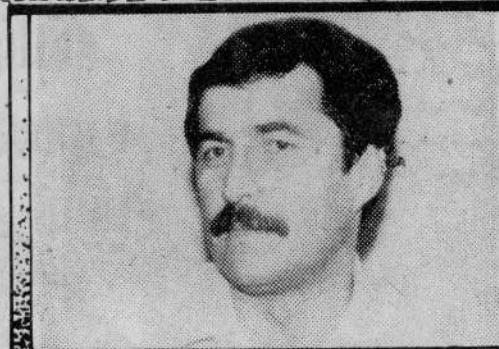
Add:
Block 106, 3rd Microtan
Kabul - Afghanistan

مدیرمسوول: دوکوردظاهرطنین
تلفون: ۲۴۵۱۰
معاون: محمد آصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
مکرمترمسوول: ضیاء عیادی
نشریه اتحادیه ژورنالهاستان

خطاط: کبیرامیر و محمدنعیم نیکزاد
مگرافیک: نورمحمد ورزیه
عکاس: شمعن گل
نایب: محمدجمععه، خواجه مرزا — و زلمی "بول"
آمر چاپ: عبدالله
آدرس: مکسروردیان سوم، بِللاک (۱۰۶) کابل - افغانستان

زموڼر ستره نړی

صفحه ۱۴



تصویر ترملودی ها معنی رسا

هند طلا تولید نمی کند اما به فروش می رساند.

کشور هند یکی از بزرگترین کشورهای خریدار طلا در جهان است. در سال ۱۹۸۱ هند ۱۶۶ تن طلا خریداری نمود که این رقم به مراتب بیشتر از سالهای قبل است. ولی این مقدار طلا نیز برای هند و استان گانی نبود. قاچاقچیان شتافتند و در سال ۱۹۰ مقدار ۱۶۸ تن طلا اضافی را به هند و استان وارد نمودند.

اما تعجب آورینا است نه با وجود نیازند به این کشور به طلا هند در لیلیم زوین ۲۰- تن طلا را به فروش رسانید، که از دیگر آن ۲۴۰ میلیون دالر بدست آورد.

فروص خارجی هند و استان به بیس از ۷۰ میلیارد دالر بالغ میشود.

به اساس گزارش آژانس نووستی هند و استان برای رفع بحران بولی خود قرار است ۱۰ تن طلا دیگ وجود را بفروش برساند. اما معلوم نیست که هند و استان را رفع خواهد کرد یا خیر.

در خود کشور هند و استان سالانه بینالی دو تن طلا تولید می شود.



بن چه میشود؟

در گزارش در مدت ۸ الی ۱۰ سال، پارلمان و حکومت آلمان بهرین انتقال باید در پیر از جنگ دوم جهانی که آلمان به دو بخش تقسیم کرد بد روز ران کشور قرار گرفته بود.

بزرگ آلمان شرق برلین و مرکز آلمان فدرال بن تعیین کرد بد اما این که بروسه وحدت آلمان تکمیل کرد بد به مساهله انتقال مجدد پایتخت آلمان واحد به برلین یعنی از سایل د روز ران کشور قرار گرفته بود.

اشعه آفتاب بهترین وسیله تدایوی

از اثر تجیع تشعشعات نور آفتاب تا تیر معالجوی اشعه نور آفتاب بالای ارتقا بین انسان بلند می رود. نور این العبالوی جسم مریض انداخته میشود و عمیق تیره جسم فرو می رود که سایر وسایل معالجه بسا چنین عمق به جسم انسان تاثیر افکنده نمی تواند.

به اساس گزارش آژانس نووستی به اثر استعمال این جسم مریض تحت اشعه قرار می گیرد و این شیوه تدایوی غرض معالجه امراض پراشمیت راد یو کولیت و امراض ساری استفاده می شود.

در نتیجه تحقیقات به اثبات رسیده که از اشعه آفتاب میتوان به حیث بهترین آله تدایوی که از نقطه نظر ایکلوزیک صاف و قدره تدایوی هرگونه امراض است، استفاده کرد. بعد از تحقیقات همه جانبه، تولید چنین آله تدایوی در قزاقستان شوروی آغاز گردیده است. این آله از است آیینه مقعره قطر ۷۰ سانتی که با الکترویدی که اهتزازات را بوجود می آورد ترتیب یافته است.

در اکثر کشورهای جهان حقوق بشر نقض شده

سازمان عمومی بین المللی که چگونه می تطبیق حقوق بشر در کشورهای جهان را مورد ارزیابی قرار میدهد در این اواخر گزارش آزادی را، بهرامون وضع حقوق بشر در کشورهای جهان به نشر سپرده است.

این گزارش آزاد وضع حقوق بشر در سال ۱۹۹۰ در اکثر کشورهای سواره ما مورد بررسی قرار داده است.

مغربین المللی به مجازات های کلوی در عراق و کوهستان در هنگام اشغال کوهت توسط عراق نیز تاکید شده است.

در گزارش مذکور همچنان به حادثه قتل سی نفر از ارضی ها که در نتیجه مناقشه مسلمانان و آذیها جهان بوقوع

به اساس اطلاع آژانس اطلاعاتی نووستی که این گزارش سال ۱۹۹۰ در ۱۴۱ کشور جهان بازداشت های غیر قانونی، شکنجه و کشتار ده ها هزار انسان وجود داشته است.

در گزارش تصریح شده که در سال ۱۹۹۰ در ۱۴۱ کشور جهان بازداشت های غیر قانونی، شکنجه و کشتار ده ها هزار انسان وجود داشته است.

عاشق نووستی که این گزارش سال ۱۹۹۰ در ۱۴۱ کشور جهان بازداشت های غیر قانونی، شکنجه و کشتار ده ها هزار انسان وجود داشته است.

کرد بد اند ۱۰۰ در ۱۰ کشور جهان حکم اعدام وجود داشته که هشتاد فیصد اعدام شدگان در اتحاد شوروی و چین انجامیها بود است.

وزارت صحت عامه کشور بلانکا برای جلوگیری از تشعشعات در موسسات طبی، گروه های کنترولی را بوجود آورده است که بنام (گروه های پرواز کننده) پاد می گردد.

اعضای این گروه ها بطور ناگهانی از شناخانه ها باز بد می کنند و از موجودیت و عدم موجودیت برسویل طبی کنترولی بعمل می آورند.

آنها همچنان تعمیر و سروطه شناخانه را نیز کنترول می نمایند که همسایر های طبی مطابقت دارند یا نه.

گروه های پرواز کننده

بنای یادگاری اسرای جاپانی

در دهکده لیبونیکا واقع در ساحل جنوبی پایتخت که در ۷۰ کیلومتری ایرتوتست اتحاد شوروی قرار دارد بنای یادگاری اسرای جنگی جاپانی افتتاح گردیده است.

آژانس خبری نووستی گزارش داده که در تخته سنگ این بنا اسامی آن سده جاپانی های که در این منطقه بدون اند و قبل از جنگ اسیر بوده اند، در آن است. این جاپان در جنگ دوم جهانی اسیر شده بودند.

هنرمندان زودتر از سیاستمداران متحد می شوند

برایم بیکاری یکی از بزرگترین های اجتماعی چین است. آنچه که آژانس نووستی گزارش داده بیشتر از ۲ فیصد اهالی مستعد به کارشهرهای مختلف چین بیکاراند.

چین برای رفع بیکاری در سال ۱۹۸۶ سیستم پیچیده را بوجود آورد.

مطابق ارزیابی های اولی این سیستم نتایج مثبت به بار آورد.

در حال حاضر این سیستم ۴ (۴) میلیون نفر را در موسسات و ادارات مختلف چین احتوا کرده است.

انجمن کوریایی های ساخالین که یک انجمن جانب دار اتحاد مجدد کوریا است پیشنهاد نموده تا در ماه اگست (اگست - سنبله) سال جاری عیسوی فیمتوال هنرهای ملی کوریا با شرکت هنرمندان جمهوری دموکراتیک کوریا تا هنوز بهمان باسخی تداعات

کوریای جمهوری کوریا در شهر ساخالین جنوبی دایوگورد، به مقصد مسکرمین امین فستوال رسد قات هنرمندان گام دیگری به سوی اتحاد کوریا خواهد بود. جمهوری کوریا این پیشنهاد را بدوخته اما جمهوری دموکراتیک کوریا تا هنوز بهمان باسخی تداعات

بیکاری در چین

توفان بی سابقه در جزیره تسپین

در این اواخر در جزیره تسپین توفان بی سابقه بی توقع بود. سته است. توفان مذکور ملغم کشتی نظامی را با نیروی عظیم به ساحل پرتاب نموده که کشتی مذکور به یک منزل اصابت نمود که منزل مذکور را تخریب کرده اما تلفات جانی به بار نیاورده است.

از پیشانی زودتر از سیاستمداران

نعمت و تنظیم از (ناظم)

تعمیر از صفحہ داری

از زمین و از زمان

از آنسوی در آنسوی



از رواج شہرت سیمینا

الہیازت تاپلور ہنر ہمشہ
مشہور سیمینا ہالہود اخیرا
اعلام نموده است کہ برای بار
ہشتم ازدواج میکند . داما د
یک کارگر سی و نہ سالہ سا۔
ختمانی بنام فورتنسکی است
کہ الہیازت تاپلور اورادریک
درمانگاہ معتادین مواد مخدرہ
کہ ہر دو در آن جاتحت
تداوی قرار داشتند ملاقات
نمود .

این ہنر ہمشہ پنجاہ و نہ
سالہ گتہ است : " زندگی
لذت بخش و شیرین است یا
سہری شدن ہر روز ہوشتر از

روز دیگر عاشق ہم می شوم .
مراسم عروسی ہر دو قسرا
است در ماہ اکتوبر صورت گورد
آنها در کلنہیک بیٹی فورد کہ
یک در مانگاہ معتادین مواد
مخدرہ و الکول در شہر رانچو۔
مہراز در ایالت کلفورنیا موقعیت
دارد با ہم ملاقات کردہ اند .
خانم تاپلور در گذشتہ
ہفت بار ازدواج کردہ کہ دو
بار آن باہچارہ عسرتسون
ستارہ نامدار سینمای ہالیوود
بودہ است . فورتنسکی از
خانمش طلاق گرفتہ است .

نہ روز کشی یک ہنر ہمشہ

خانم دول انور ستارہ مشہور
سیمینا و تلو یز یون بنگلہ دیش
با گرفتن مقدار زیاد تابلوہت۔
ہای خواب آور خود کشی نمود .
پولیس بنگلہ دیش گتہ : خانم
دول انور کہ چہل و سہ سال
عمر داشت قبل از آنکہ دست
بہ خود کشی بزند پیامی رانو۔
شہتہ بود کہ در آن گتہ آمد ۔
است : " هیچ کسی سہو و ل
مرگ من نیست ہ ولی از شو۔
ہرش تقاضا کردہ کہ قبل از آن
کہ اورا بہ خاک بسپارد از وی
عکس برداری نماید .

زنانی زنا زانی گشتہ

یک زندانی پاکستانی زندا۔
نی دیگر را کہ ہندو بود در شہر
کوہتہ بہ روز دوشنبہ (۲۲) جو۔
لای صرف بہ خاطر آن گشت کہ
اودر بسترش برای لحظہ لمبده
بود .

اللہ دیتا مرد سی و پنج
سالہ و تیکہ دید گوہرلال در
بسترش لمبده فوق العادہ ۔
خشکیکن شدہ و بہ گسو ہرلال
حمل کرد مازگلوہش گرفتہ وسرترتا
وقتی بہ زمین کوبید کہ جان
از تنش برآمد . مقامات زندان
بعد از آن اللہ دیتا را بمسلول
یک نفری انتقال دادند . وی
کہ بہ اتهام قاچاق زندانی شدہ

است اکنون انتظار محاکمہ
مجدد خود را باخاطر آدم کشی
می کشد .

تہنیتیہ زنان

یک مرد امریکایی کہ در رشتہ
کمپیوٹر کار می نماید در ایالت
کونکتیکت ایالات متحدہ امر۔
یکا بہ این اتهام بازداشت شد
کہ سی ہزار مکالمہ تیلیفونی را
انجام داد و در جریان آن بہ
زنان مخاطبش می گتہ کہ اگر
در برابر منازل شان برہنہ
ایستادہ نشوند یکی از اعضای
خانوادہ او کشتہ خواہد شد .
این شخص کہ انتونی گارا۔
نستی نام دارد بہ زنانکہ
بین سنہن سی و چہار تا ہفتاد
و چہار سال دارد تیلیفون
نمودہ می گتہ کہ وی اعضای
خانوادہ شانرا در اسارت دارد
واگر طبق خواست او عمل نکنند
او گروگانش را خواہد کشت۔
پولیس گتہ است کہ وی زنان
را بطور تصادفی انتخاب می کرد
ویدریک روز حتی بہ یکصدوسی
زن تیلیفون کردہ است .
شخص مذکور بعد از پرداخت
۴۵۰۰ دالر جریمہ رہاگردید

زنان بہ منزل ولایتی

الکسندر ہنر ہمشہ

در حدود صد زن طرفدار
حمصن محمد ارشاد رئیس
جمہور مخلوع بنگلہ دیش باجا۔
روپ ہا بر منزل یک قانون دان
دولتی کہ دوسہ ارشاد را در
محکمہ پیش می برد حملہ نمودند .
آنها کہ مربوط بہ جناح زنان
حزب جتایا ارشاد استند بہ
محلہ دہانماندی کہ اقامتگاہ
امون الحق مدعی العموم ۔
بنگلہ دیش است را ہمہمایی نمود۔
دند . و چاروہا را کہ با خود
حمل می کردند بہ منزل مدعی۔
العموم پرتاب کردند .

روز نامہ رسمی چاپ ہیکنگہ
گزارش دادہ است کہ یک خدمتہ
بہ طور تصادفی کودکی یک سالہ
را بعد از آنکہ تلاش کرد اورا در
ماشین رختشویی غسل بدہد
کشت .

این تراژدی ماہ گذشتہ در
منطقہ خنچانگہ در خانہ شخصی
بنام ہیرگوما و ہیرکولی ہمسرش
کہ ہر دو معلمین مکتب اند
اتفاق افتاد .

آنها بہ خدما گتہ بودند
کہ بعد از ختم رختشویی طفل
را نیز شستشو دہد این خدما
سادہ کہ فکر میکرد کودک نیز
مانند لباس در ماشین شستہ
می شود بعد از ختم شستشو
لباس طفل را نیز در ماشین
انداختہ و ساکت ماشین را۔
روشن نمودہ کہ در نتیجہ کو۔
دک در ماشین لباس شویی
غرق گردید و جسدش کہ
آغشتہ از خراشیدہ گی ہا و۔
کیودی ہا بود بدست آمد .
روزنامہ می افزاید کہ ایمن
زن و شوہر بعدا بہ خاطر
استخدام یک خدمتہ سادہ و۔
بی عقل اظہا تا سف نمود۔
دند .

زن ہای پیشتر از مرد ہا

در فلپین کارمندین

روزنامہ " فلپین ستار "۔
اخیرا نوشتہ است کہ کارمندان
زن در دستگاہ دولتی خانم
کورازون آکینو رئیس جمہور
فلپین نسبت بہ کارمندان مرد
افزایش یافتہ اما مردان پست
ہای حساسی پالوسی سا ز را
احراز کردہ اند .
این روز نامہ طبق ارقام دفتر
احصائہ فلپین نوشتہ است
کہ در فلپین ہشتصد ہزار زن

بحث کارگر در دستگاه حکومت کاری نمایند در حالیکه تعداد مردان کارگر به هفتصد هزار نفر می رسد. خانم کور - ازون اکهنواولین رئیس جمهور زن در فلپین است. اما او سما - تی را اتخاذ نکرده که به استخدام زنان ترجیح داده شود.

فهمیده نشد که آیا اعضای خانواده وی آگاهانه بود رکشده را خورده اند و یا خمر ؟ فلپینانو خسر کابینی گفته است که خانواده دامادش به پراپلم های زیاد پولی مواجهه بودند و همیشه دامادش را - نصیحت می کره که باکم بخود گذران نموده و تشویش نکند.

مجازات بخاطری محکوم شدند که دراطاق های شان سگرت دود کرده بودند. اجساد این دوسرودختر که چهار - ده و شانزده سال عمر داشتند به روز هفت اسد درهک کانتینر - متروک که از طرف این مرکز در هپروشمیا جاپان برای تدا - بیر انتظامی استفاده میشد در هانت شد.

در ششوی از دواج زوج

مردان مسلمان سنگاپوری - متاهل به سوی جزایر باتام و نیتان اندو نیز یا رجوع می نمایند تا در خفای خانم های شان بار دیگر با زنان اندو - نیز یایی ازدواج نمایند . روز نامه سندی تایمز نوشته است که بسیاری این زنان کما - نی اند که بهین - نهین بیست الی سی ساله گی قراردا - شته و از شوهران شان طلاق گرفته اند .

این زنان ازدواج بایک مرد مسلمان سنگاپوری رایگانه نجات شان از فقر می دانند . بسیاری مردان سنگاپوری بعد از ازدواج با زنان حیوانتر اند و نیز یایی همسران و اطفال شان را در - سنگاپور رها کرده اند .

پولیس با وقت رسیدن

تهران : چندی قبل در قسمت جنوبی شهر تهران هنگام کندن کاری تعداد یک گنج بزرگی ازسکه های طلائی مربوط عصر ساسانی هاسال های ۴۴۹ - ۱۱۱ و عباسی ۸۷۴ - ۱۱۱ و عباسیان سال های ۷۵۰ - ۱۲۵۸ کشف گردید پولیس ناوقت رسید کارگران ساختمان تارسیدن آنها ۳۶۰ سکه طلائی را بالای زوگران به فروش رسانیده بود که از آن خشت طلائی به وزن ۱۰۲ کیلوگرام بوجود آمد و به تعداد ۸۶۰ سکه را پولیس ضبط نمود .

این روزنفر برای چهل - و چهار ساعت در داخل کانتینر قفل شدند و آنها - اجاز داشتند صرف یک جرعه چای بنوشند باوصف آنکه درجه حرارت هوادر ساه به سی و پنج درجه سانتسی گزارد میسید . پولیس، آمراین مرکز را که یک مومسه شخصی است تحت تحقیق قرار داده است

صدراعظم ایران

هند اجازت میباید

میرا قتل میگردند

چندرا شیکر صدر اعظم سابق هند درهک فستیوال اجازت نیافت مو ام، را قطع نماید - نهرا انفرادی امنیتی استفاده از چاقو را درین محل منع قرار داده بودند . شیکر از نوامبر سال ۱۹۱۰ تا انتخابات یکماه گذشته صدراعظم هند بود حتی اعضای حزب جناتادال شیکر در فستیوال سالانه (منگو) که در شهر شاهجهان بود برگزار شده بود اجازت نیافتند نزدیک وی قرار گیرند به تعقیب این ادعا که ترتیبات امنیتی بیشتر می توانست از قتل راجهو گانندی صدراعظم سابق هند جلوگیری کند خدا - ظت شخصیت های بسیار مهم در هند بطور اساسی تشدید یافته است .

دو نفر زوجهان

در یک کانتینر

جان سپردند

پولیس بتاريخ ۱۸ اسد سال جاری در توکیوگت دو تن از زوجوانان جاپانی بعد از آنکه درهک مرکز تریه مجد دنوجوا - نان بخاطر مجازات، درهک کانتینر قفل شدند، جان سپردند . زوجوانان مذکور به این

مردی بخانواده خود زهر داد

یک روز نامه فلپینی نوشته است که یک کارگر کابینی یک نجار فقیر فلپینی بخاطر آنکه نمی توانست برای نفقه خانواده اش پول کافی بدست بیاورد اعضای خانواده خود را زهر داد و - خودش نیز خودکشی کرد . روز نامه مانهلا تایمز نوشته است کابینی که بیست و نه سال عمر داشت به تاریخ پنج جولای بعد از آنکه پودر کشنده را به خورد خانواده اش داد و خود نیز آنرا سر کشید با همسر و سه طفلش در شفاخانه جان سپردند .

قتل

بخاطر

جهنم عروسان

دوبارلمان هند به روز پنجشنبه ۲۷ سرطان گفته شد که پولیس هند هشتصد و هفتاد و هشت قاضی قتل هک هزار و چهار صد و هفتاد و نه حاد می خودکشی را در ال ۱۹۱۰ ثبت کرده که به جهنم زنان ارتباط داشته است .

علاوه به آن دو هزار و چهار صد و هفتاد و هشت قاضی مرگ در بخش قانون جزای هند ثبت شده است .

پرداخت جهنم از طرف فانیل مروس به خانواده داماد در سال ۱۹۱۱ در هند غیر قانونی اعلام شد اما این عمل با تقاضای صریح تر به شمول پرداخت عیو اهرات تلوهینون ، موتو موتو سیکل علاوه اداه یافته است .

روزنامه های برجسته شهری هند هر روز گزارشات را برامون خودکشی عروسان نشر می نمایند . این خودکشی ها زمانی بر وقوع می پیوند که خانم خانه احساس می نمایند که نمی تواند فشار خانواده خسر را بخاطر جهنم بیشتر تحمل کند و هم نمی تواند از خانواده پدر تقاضای جهنم بیشتر نماید . ارقام نشان میدهد که مرگ های مربوط به جهنم در دهات هند رو به افزایش است .

گروپ های حقوق بشر می گویند که صرف یک بخش کوچک مرگ های مربوط به پرداخت جهنم در دفتر پولیس ثبت میشود

فرد روز بزرگ مسیریابی

چرا این همه ازدحام و ترافیک وحشتناک شهری را می توانیم

توافق هر چه عاجلتر کنترل سرعت وسایط را در دست های معین این جاده اعمار نماید و برای کنترل از سرعت در جاده های دیگر شهر نیز ازین نوع موانع عبور یا سرعت ایجاد شود البته این موانع نباید بلند از ده سانتی باشد زیرا بعضی ازین موانع در ایام سرما موجب ایجاد مشکلات میگردد در بسیاری کشورها ای جبهان این موانع را از طریق نصب سنگ ها در فاصله های نزدیک ایجاد میکنند

تاجیکیک دیده میشود بعضی از راننده گان دارای اجازه نامه درپوری نبودند یا برخی شان دارای اجازه نامه هستند اما درپوری را درست بلد نمی باشند باید قرا نیز مورد توجه باشد که گهرود تاکسون که دیده شده شرایط مجازاتی برای راننده های که موجب ایجاد حوادث ترافیکی میشوند مخصوصا وسایط دولتی را متضرر می سازند خیلی جسدی نبوده و متراست " قوانین موجود یا حداقل در تطبیق آن تجدید نظر شود و برخورد مجازاتی شدید تر وضع شود اداره مجله سبازون در نظر دارد تا در زمینه نظریات شهریان و مسوولین راه نشیر رسانند

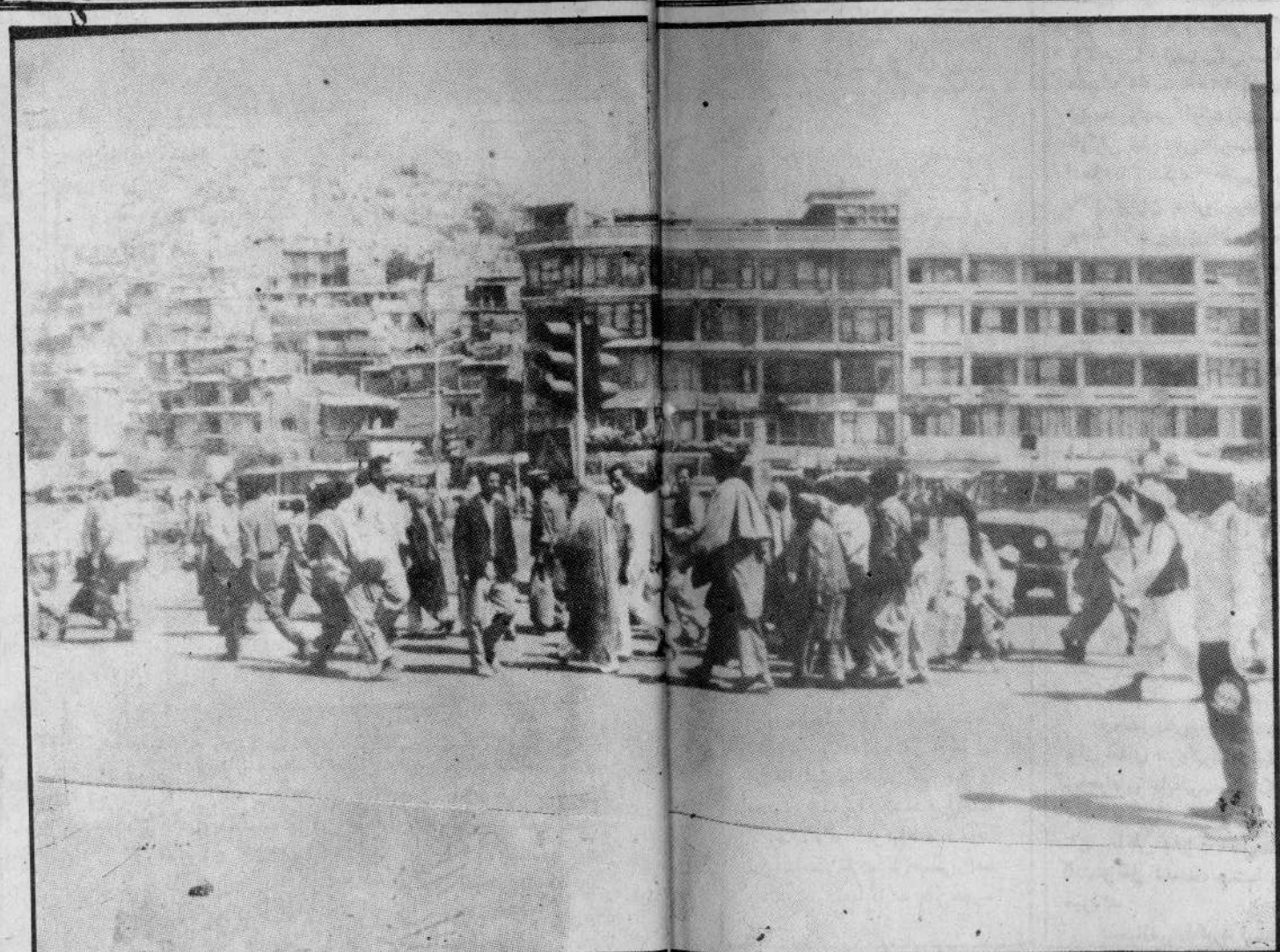
در ورترا مرکز شهر انتقال با بنسلا چنین ازدحام در جاده نالند که وات مقابل وزارت تعلم و ترهه نیز وجود دارد که گاهی موجب ایجاد درد سر زیاد برای راننده گان میگردد

چگونه ممکن خواهد بود که جلو سرعت موترها در شهر گرفته شود و وسایط نقلیه در شهر با معمارها و موازین بین المللی قانون ترافیک را رعایت کنند و جان همشهریان را از خطر محفوظ داریم

بختراست برخورد ترافیک نسبت به تخلفات همه وسایط نقلیه قاطع و جدی باشد درپورود رعایت و جانبداری خلاف عدالت است

در مورد جاده های مزدحم تجدید نظر شده و برای وسایط نقلیه همشهریان که در شهر ضرورت دارند محلات پارکنگ جستجو شود بهتر خواهد بود در این پارکنگ ها وسایط از طرف یک نگهبان محافظت شود ضمنا از نظریق از وقوع حوادث انفجاری نیز جلوگیری بعمل آید

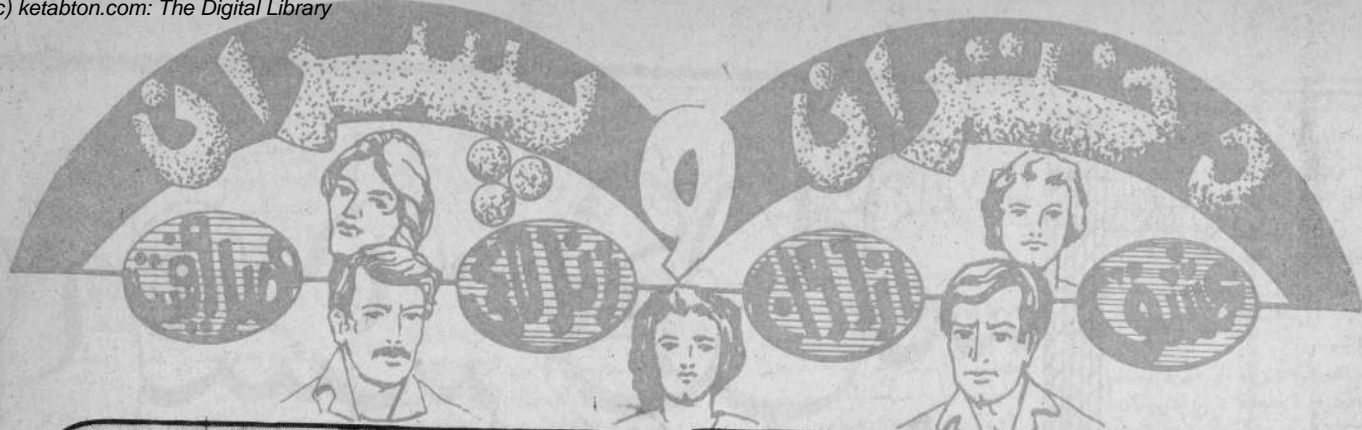
ترافیک برعلاوه جاده های که از آنجا تصادفات رسمی عبور و مرور دارند به نقاط دیگر شهر نیز توظیف شوند مثلا بارها شاهد حادثه های در مسرک جدید مکررون چهارم بوده ام بختراست رعایت



خود " برخی وسایط تیز رفتار مربوط به فرماندهان های قطعات قوس یا سرمایدا را نیز روزی با چنان سرعت از جاده ها عبور می کنند که گویا طهاره می است که میخواهد در خط رنوی اوچ بگردد و جالب اینست که برخی از ترافیک ها بچسبای متوقف ساختن آنان برایشان سلام و لبخندی نیز اهدا می کنند این وضعیت ها موجب مسر افروختگی و صیانت شهریان میشود گاهی ترافیک کارنیزون ش بهر کابل در شهر حضور دارد که حداقل برخورد قاطع تر و جدی مخصوصا با وسایط نظامی دارند

پروپلم دیگر مربوط به تقسیم ایستگاه های ملی پس و جاده های یکطرفه و دوطرفه است مثلا جاده کنار راه مقابله فروشگاه بزرگه افغان برترم آنکه خیلی کوچک است اما چو حالی که در آنجا نیست از همه طرف موترها میروند چندان ایستگاه در آنجا متمرکز شده است گاهی ترافیک رفع مشکل را با ازین بردن کراچی ها و تینگ های دست فروش چاره می کند اما اینکه ممکن نیست به ایستگاه علت ازدحام در آنجا داده دارد آبا بهتر نخواهد بود که تعداد ایستگاه ها از آنجا کم شود و در نقاط

تقریبا در طول چند سال اخیر و مخصوصا در یکی دو سال اخیر وضع ترافیک شهری بهنا بر ازدحام بیش از حد وسایط نقلیه محدود بودن جاده های شهر افزایش نفوس و عوامل متعدد دیگر خلی وحشتناک شده رقم سالانه و روزانه تلفات ناشی از حوادث ترافیکی بمقایسه نفوس شهر بسیار بلند است قربانان حوادث ترافیکی بیشتر به علت پراکنده گی افکار راننده و تهاپین و عداست به علت سرعت بیشتر و سبقتجوی بوجود می آید ترافیک شهر برغم آنکه در طول روز در کرم و سرما به خدمت مردم قرا دارند و ابتکارات متعددی را بکار می برند تا جلوی حوادث گرفته شود اما به دلایل زیادی تاکنون موفق نیستند طوری که ملاحظه میشود وسایطی بعضی از خازند و بعضی ترافیک در شهر با قادن هستند که جلو سرعت برخی موترها را بگیرند یا اینکه توانایی آنرا ندارند مثلا بارها دیده شده که یک واسطه نقلیه نظامی با سرعت خیلی زیاد ازچا راه ها عبور کرد و با موترهای با بری کاماز و تانکرها با همین سرعت چاده را میسود اند که هر کس آنرا دیده دلش هول کرده و گفته: " خدایا



سید عبدالله ستومان منحل در رشته کیمیا و بولویژی در اتحاد شوروی

تالحال هیچ ارزویم برآورده نشده و فکر میکنم هیچگاهی هم بخت و طالع با من یاری نخواهد کرد زیرا ارزویم اتمت دا کتر شوم به پولیتخنیک کامیاب شدم خواستم بورس بگیرم برایم بورس در رشته تخنیک موتر دادند وقتی برای تحصیل رفتم اینجا در رشته کیمیا و بولویژی معرفی ام کردند نمیدانم این رشته را چطور ر بخدمتیم به هر صورت امید دارم که بتوانم با هر گونه تلاش و وساطت رشته خود را تغییر داده و به ارزوی اولم برسم.

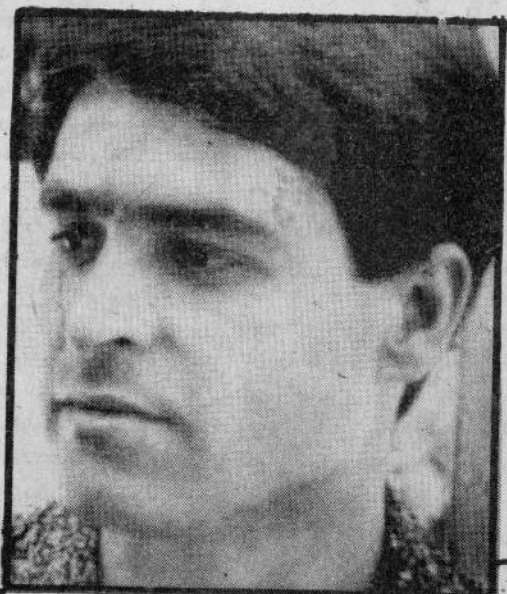
راحله رحمانی کارمند ریاست تفتیش وزارت تعلیم و تربیه :

آرزو دارم با پسری پیوند زنده گی بزنم که تحصیل عالی و اخلاق نیکو و خانواده نجیب داشته باشد تا بتوانم در کسار هم و به پای هم زنده گی خانوادگی را با فرزندان خود پراز خوشی و سرود و محبت سپری نمایم . تا مریمان خوبی در امور زنده گی باشم .



عبد الطیف سید منحل سال اول لسان خارجی در شهر پتسی کورس شوروی

یگانه خواستم این که روزی از ملک دور بم کشور خود بیایم و مادرم با خوشرویی دسترخوان را برایم هموار کند بگوید :- پسرم قیمت کپدا لو و گوشت پانچین آمده و ما میتوانیم بادل جمعی و آرامی بیشتر میزبان گوشت باشم مخصوصاً گوشت کو سفند .



محموده کارمند ریاست تعلیمات عمومی وزارت تعلیم و تربیه در زنده گی یک دختر جوان چن چیزی میتواند وجود داشته باشد به جز این که گاهی پدر میکند دخترم را به فلان کسی میدهم و گاهی هم مادرو گاهی هم غنی میشوند و قیم ارزو دارم عروس خانه شان شود در هر صورت من هم درین کشمش های خانوادگی و خوبی قرار دارم که نمیدانم تقدیر بخت با من چن خواهد کرد ؟



ذکیره آرایشگری، آرایشگاه کهرابنده |
۹ سال است به کار آرایشگری خانم
ها مشغول هستم . البته هفتاد
دوست داشتی و مورد علاقه ام است
خیلی دلم میخواهد زنان و دخترانی
که برای آرایش صورت خویش میایند
بدانند که زیبایی شان در آرایش
ساده است . اما اغلب آنها تقاضا
میکنند که آرایش صورت شان بسیار
ظریف باشد . من شخصا طرفدار
آن نیستم .

تراز پیش شده بودند اما انگار در جستجوی
 ناپافته می بود که لحظه بی آرامش
 نهنگ داشت. زیرا او در باطنش چنان
 گرمای مهال نهازی را احساس نمیکرد که
 نمیتوانست آنرا به کمک مویک و رنگها
 روی کاغذ بیاورد. به همین جهت بود
 که گاهگاهی تنگ آمده گی های سینه اش
 را بانواها و زمزمه های بی سرانجامی
 فریاد میکرد.

وی با هوای نقاشی در سر و ذوق مسو-
 سیقی در دل، آهسته آهسته در جستجوی
 ایماها و اشارتهای پنهانی درون پرده هلی
 ساز به سوی ا قلم های جاودانگی هنسر
 پانهاد.

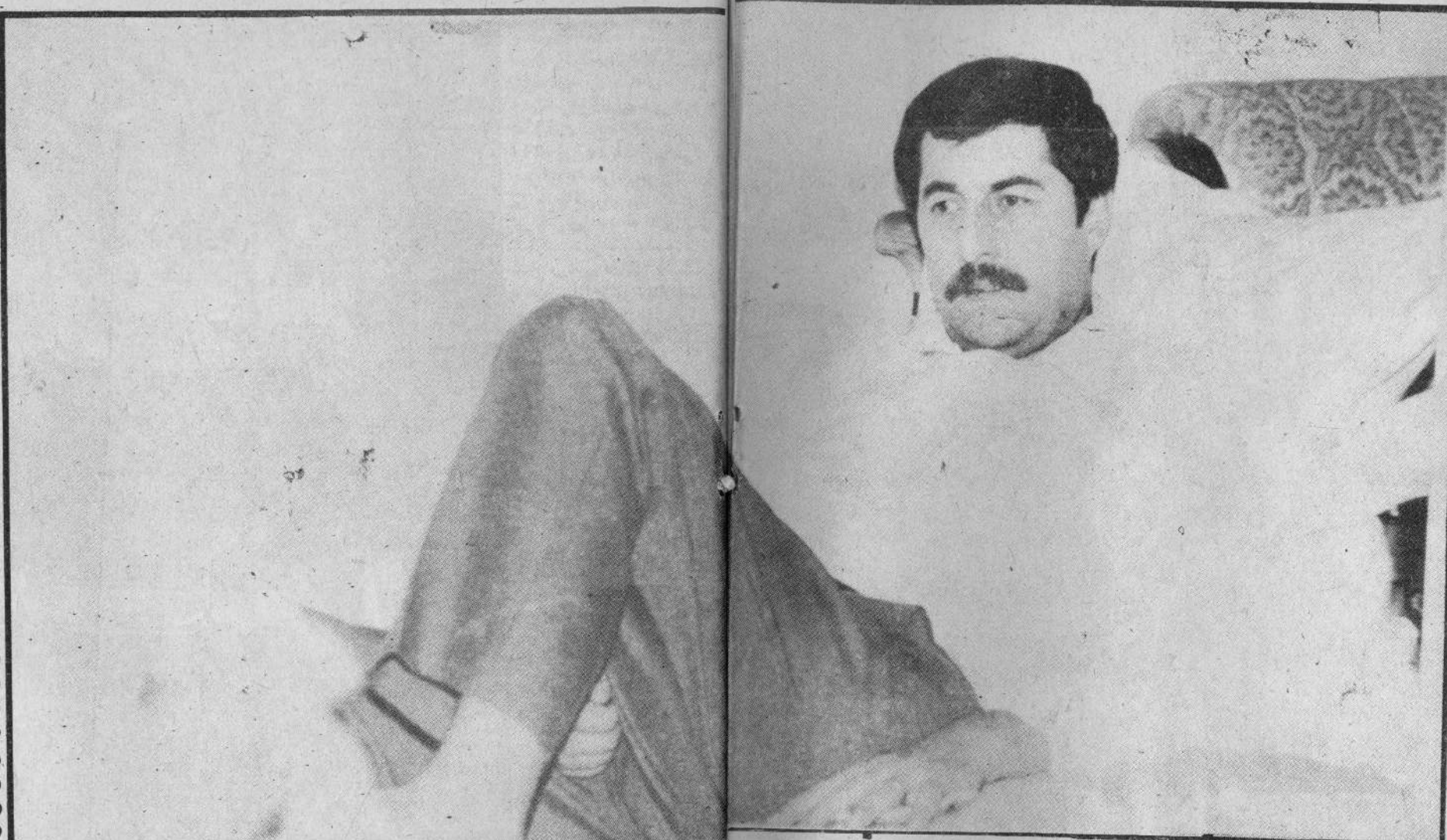
شاید پرهه همین امید های تمامی ناپذیر
 بود که او را تا سواخیل نامکشوف زند و کسی
 نمیرد.

♦ ♦

سفر جسی این هنرمند جوان نیز مانند
 دنیا له واد امخط نقط چین مویک کساره
 تا بلوهایش یک بعد بالنده را تشکیل میکرد.
 ذوق - رشار و جوهر های نهفته در روان
 هنر آفرین وی او را سرانجام پ-
 دیار تمنت هنر های زیبای پوهند-
 زبان و ادبیات رسانید. این سه سال
 تحصیل، الهای دریافت تازه تر و شنایی
 بیشتر به ناشناخته گی های ا قلم هنسر
 برای او بود.

انگار این همان نگارگری مویک
 رسام و غوغای پر شور دنیای رنگها بود
 که با سحر و اعجاز پرداخت های آواها و
 آهنگها به هم آمیخت و چونان منادی نا
 پیدا او را از سوی بسوی میرد و راه ها
 و راهکوره های دشوار گذاری را برایش
 شکن شکن چراغ داری میکرد دوستانش
 در مسافتی که نجیب رستگار در میان
 تار بود چلوه های هنری در ره رشتنه
 بی تاب خورد و زمزمه هرمتی را تشکیل
 داده است. اما خود شافاده دیگری
 دارد. او زما نی گفته بود: در زنده گی
 من هنر رسامی از ریشه با هنر موسیقی دست-
 به هم داده و در من ذوق شعر آفرینی
 را ایجاد کرده است.

اگر هنر وجود هنرمند چیزهایی
 را ایجاد کرده است و هنر آفرین نمیز
 در هنر و قانتیهای آن ایما دتازه
 تری می آفریند. به عقیده وی همانگونه
 که کمپوز در موسیقی مرکز توجه است
 کمپوز در تابلو ها و رسم هانوز چنان است
 یکی از نقطه نظرهای بسیار جالب
 و ابتکاری نجیب در این اصل نهفته است،
 که روان هر تابلو باید آهنگ داشته باشد
 بغیه در صفحه (۲۰)



نجیب رستگار بعد از یک بیماری شدید در حال صحت یابی است

خوشبو و پیرنگر ملودی ها

هر با باد و وقتی پایک کوچک بهمه برانسه
 از باد برش میبرد: امروز پدرم گپ زد -
 خواهد توانست؟

مادریا امید واری نهرمند تراز در پروز با صبح
 کوتاهش را تکرار میکند: انشاء الله ...
 درست سه ماه از لب به همستن و چیز نگفتن
 و چیز نسرودن هنرمندی میگردد و لسی
 هنوز هم همزمان با طلوع خورشید سکوت
 برد رود بیار این خانه میاید.
 ... و چه درد انگیز است سطره - سکوت
 و غموف نار بر سر زمین ساز و آوازه تا غما
 نخستن!

♦ ♦ ♦

این غموف خاموش و غموفی همه خروش
 را می و سه سال آنسو تراز امروز پدر
 و مادرش - نجیب - نام گذاشتند. در کوب
 دکوپلا صهای آرام و حصاصی داشت.
 اما میشد به سهولت در روزی مصممست
 آرامش ظاهر وی و بیقراری و پهنده گی
 روح پر رنگا بیی را خواند که پیوسته
 او را به تلاش خسته گی نشاناس و میداشت.
 سالها بیشتر از آنکه راهی مکتب بود،
 و معلم خانه راه دست راستش میدهند
 با کلکهای کوچک و بارکش بیشت عهده های
 نمازده کلکین های خانه چه کسک
 سیاهه های زغالی روی دیوارها،
 روی خاک و چوب اینجا و آنجا را خط
 خط میکشید و چیز چیزهایی رسم میکرد.
 تا اینکه نوبت به ورقه ها رسیده
 روزها تا شام کاغذ سیاه میکرد و هر چه راکه
 به دلش می آمد روی کاغذ میکشید ... و بدو
 ن اینکه خسته شود فردا باز هم همین
 کار را تکرار میکرد.

سرانجام روزی نجیب شامل مکتب
 شد.

بهترین سرگرمی همسنان و دوستان
 کوچکش دیدن کتابچه های نجیب بود.
 به خاطر اینکه او در تمام کتابچه هایش
 رسام میکرد و آرزوهای کوچک (و شاید
 بزرگ) خود و همسالانش را با زبان رنگها
 روی - پدید میآورد. کاغذ بیان مینمود ...
 و به اینگونه خود نیز در میان پخته گی
 رنگهای آمیخته با آواها و ضیاء هابه سوی
 پخته شدن میرفت.

♦

نجیب رستگار شانزده سال داشت
 که شامل کورسهای صنایع مد نظره که
 در آن هنگام متوسط وزارت اطلاعات و کلتور بود
 گردید. او برای نخستین بار جهت آمو زنی
 فیه ها و روزنامه های نزد استاد خورشید
 پاری میانی این هنر را فرا گرفت. دیگری
 تا بلوهای پکار کرد های او رنگین تر و مستودنی

زموڼيز په لويه نړۍ كې داسې ستوري شته چې كه پوښتېر مكمېد د هغه نه د مخكېسې برخه ولوېږي مخكې له منځه يي تړون كراوس د سر په وپه حال كې دې چې البته د هغه دوران ۲۰۰ كها سو د نړۍ په سرعت شپږ مياشتې سفرو كړي، په پورته راتگ كې به زوكالسه د مخكې له عمر څخه تېر شوي وي.

پسر هسكه ته وکتل اوسه حيرانتيا سره هغو روښانو ټكو ته چې شپې پرې خپل ناست وو مخپه شوه ۲۰۰ څخه شې دې اولي؟ ۲۰۰ دغه روښانه ټكي څه شې دې اولي وجود لري؟ ولې د شپې ناري - سپوږمۍ (كله لكه زېږن ټكي مخكې يي اولكه هم لكليښدي هلالې شي.

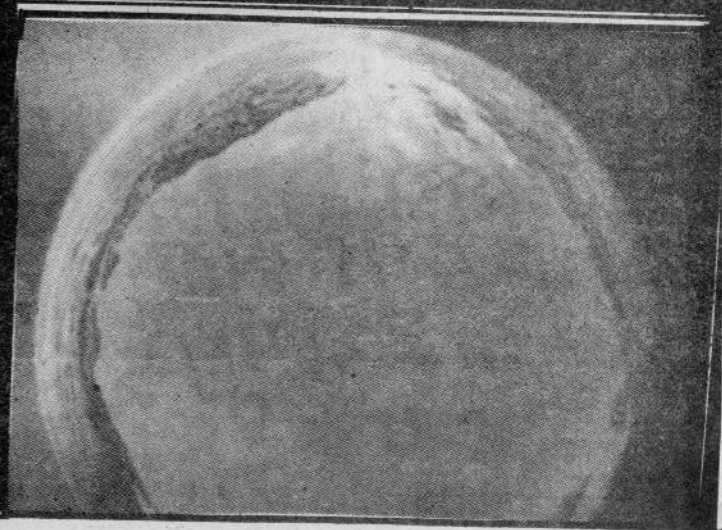
د بشر په وړاندي دغې پوښتنې د ستوري پيژندنې لار پرانستله، هغه لومړني پلټونكي چې پمې يا په صحراكس د گسوزي چت لاندې ناست وو اوله پمې شپې يي بېگانه ترسهاره د ستورو حركت ته سترگې مخپه كړې وي ناخپله يي پوراز پوه شو.

هغه سرگردانه ستوري چې په مېنيو وختونو او وختونو كې راښكارېدل دغه راز يي د ده ته ونيو. ده د پورته وليدل چه كم ستوري د پسر لې په راتلو او باران په وړيدو د دې په گړس اوله لوله فصل سره سمون لري نوله خان سره يي وويل دا هغه ستوري دي چې د دوي كړنډ نه د انسان سرنوشت ټاكي.

دوي فكر كارو چې ستوري خدايان دي يا د خدايانو په لاس مري چې د هغوي وځايي په تعبيرولو مخكې په وضع كې بدلون راځي هغو كاسو چې ستوري يي خدايان بېلې زهره يا ناهيد يي د مېنيو خداي او مري يي د جگړې خداي، لښو لمر خداي گانه او مېنيو هم د مېنيو پوښتنې كارو.

پايليان چې د سومر د قومونو د روښانه تمدن وارثان و لومړني كسان و چې د ستورو د راز په پلټونكي شول، او پايلې منجمينو د ستورو د خوږ ليدو لوري وټاكل، شپه وځ، مياشت او كال يي محاسبه كړل. خو ستوري پيژندنه

زموڼيز ستوره نړۍ



د جاد و اوسر ترڅنگ گام پورته كارو.

مصريان هم په دې لارې له بابليانو سره مخ ته لاړل اياكله چې مصريانو لوي هرم جيزه او د مخكې اولر واټن يي سم ټاكلې وو چې د هرم لوړوالی يي د دغه واټن پيو مليارد م په برخه ونيوله، يا شپاړس نوري لمبې چې د هرمونو د اجزاوو ترمنځ په جغرافيايي نجومي واټنونو او انډونو ټاكل شوي، له كوسه لاس ته راغلي؟

د ستور راز نجوم خپلې كړنې ته دوام وركاوه، د فيثاغورث پلويانو پوهانو د زره كره چې مخكې گرده بل پوښانې منجم وويل چې مخكې خوځېدنه ده اولمسر په چاپېر څرخي بل منجم هپارک د پوښتنې نظريې پرضد تينگار كارو، مخكې يي د عالم مركز او ثابته وگڼله، خودغه سري د ستورو په لور نورو رازونو پوه شو، بطليموس په هغه پسي لار او د بطليموس منجم د كورنيد ترعصره په نړۍ حاكم وو.

كوسيتك په ۱۶۲۲ كال د تورن په ښار كې زېږيدلسې اوله زده كړې وروسته يي په كليسا كې د روحاني دنده غوره كړه، دغه مفكر روحاني كليسا د اعتقاد لټو پرځه لاري چې د بطليموس د هپارک (نجوم علم) پر بنسټي مخكې گرده كڼله، راز لار شو، او د لرغوني هيات اصول يي سره وپاتل او ثابته يي كړه چې مخكې خوځېدنه ده اولمسر ثابت دي او د پوښانې منجم عقیده يي چې له پاره وټلې وه، رازوندي كړه يي لكه دي چې پوهېږي كلونه مخكې هم چا د ده عقیده يي نه وروته عقیده د رلوده كور.

پرېنك كتاب هغه وخت خپور شو چې دې مړ شوي وو، اولكلې ونيوای كړي د هغه پرضد كم اقدام وکړي، اما د دې پلوي د كليسا د قهر په اور كې راگېږشو، او ايتاليايي پوه يي د فكر په جبر پورې وسوځاوه واركېلر ته ورسېد هغه د ښار ستر منجم شاگرد وو.

ده د كورنيد له عقیده سره د خپل استاد د مخالفت سره سره د (كنيش) روحاني لاره ونيوله، كېلر ته د اسان

قانون ايښودنكي وايي، دې ووجې كشف يي كړه د ستور وروندار بېضوي پته لوي، په دغه كشف او (نوي نجوم) د كتاب په خپرېدو كې كېلر ليدل شو وو د بطليموس نجوم منجم او د مثبت تفكر او تجسس لاره خلاصه شوه.

د الخ بېنك محاسبي په همدغه وخت كې د اسيا په زره كې د اميرتيمور كورگان لمسي الخ بېنك وگولاي شول د خپلو منجمينو او د خپلو كتابونو لكه عمر خيام او خواجبه بصرالد بن طوسي په مرسته لمبې كشفيات وكړي چې اوس يي پوهان د تلسكوب له اختراع څخه بنحوس كاله وروسته په هغه پوه شول.

خپلاد شاه د متمصير او وچو پوهانو د زور زياتي او توطيېو په اثر استعفا ته مجبور شو او وروسته وژل شو، او كه د ستر منجم علي توشيجي مېرانه نه وايي د الخ بېنك اثار هغه له منځه تللي وايي په اولسه بېرې ئي كله چې د الخ بېنك كتاب په اروپا كې خپور شو پوهان حيرانتيا كې ووب شول او وروسته تلسكوب ونيو له چر د الخ بېنك او دې خاورې د نورو پوهانو محاسبي تركومه سمې وي، تلسكوب په ايتاليا كې اختراع شو د ايتاليا د (پاد وي) د پوهنتون رياض پوه كاليه، د نيمك جوړونكي (زاجاري پانر) د كشف څخه په استفادو نجومون د وروين اختراع كړ او د لومړي محل لپاره يي وگولاي شول د سپوږمې سطح د خپل د وروين په واسطه وروين او متوجه شو چې د سپوږمې سطح د پوهانو وويلو برخلاف هوار يا صافه نه ده.

گاليه د پوښتوي چې لېږد يي برته نه ليدل كېدل كشف كړل، ده دغه شان هغه خپلور قهرته چې د مشترې په چاپېر څرخي هم كشف كړل د كليسا قيام او د گاليه توبه خوټولو او د لې خولم اړوه برخه تلونكي وه او متمصير وو نه د رلودو چې د پرمختك مخه ونيسي.

د جاد يي قانون او د نوري



له پيړۍ د موجودو موادو د استوگنې منځ كې واټن له منځه ولاړ شي، مخكې كې واټن له پيړۍ

د گاليه له مرضيه نه يو كال وروسته نيوتن ونيو په هغه ماشوم چې د خپل وخت ترټولو ستر مفكر منځو ژورميد، داسې خوك چې د سيملي د مشر رياض پوه اړشيد تر مړې وروسته لكه ده غوندي تر هغه وخت نه وپيښېدې.

د جاد يي قانون او د نوري تپوري چې د دغه پوه د سلگونو سترو كشفونو څخه وي، د نجوم په علم كې يي زياته اغېزه درلوده او د نفا د پلټونكو پوهانو په مخ يي نوي لار پرانستله.

په پاريس كې د نفا د خاكي جوړول او په هغه كې د ايتاليايي ستر پوه كاسيني كارل د نفا د اسرار و د كشف په لار كې سترگام وو، كاسيني د زحل قمر و كشف كړل او وروسته يي د مخكې اولر واټن ۱۳۲ مليون كيلومتره وټاكه، واټن واټن ۱۴۹ مليون او شپږ سره كيلو متره دي.

په دغه لويه اړۍ پايه نړۍ كې داسې كسري وجود لري چې كه يومتر مكمب يي د مخكې پر مخ ولوېږي، د دې امكان شته چې مخكې له نړۍ سره تړنه كړي، هكه د دغو كسري پوهان الكترون او برتون ترمنځ واټن وجود لري، د توضيح له پاره بايد وويل شي كه د مخكې د ټولو موجودو مواد و د اتم په منځ كې واټن له منځه لاړ شي د مخكې كره به خپل همدې عظمت سره د نارنج اندازې ته رسېږي، دغه اصل په لسو پي نړۍ كې هم سمون لري، پمې كد كسرو او اتمونو واټنونه له منځه لاړ شي زموڼيز نړۍ بيا يي د نوري مليونونو كلونو په واټن د فوتيال د پوه توب په اندازه او وگي شي.

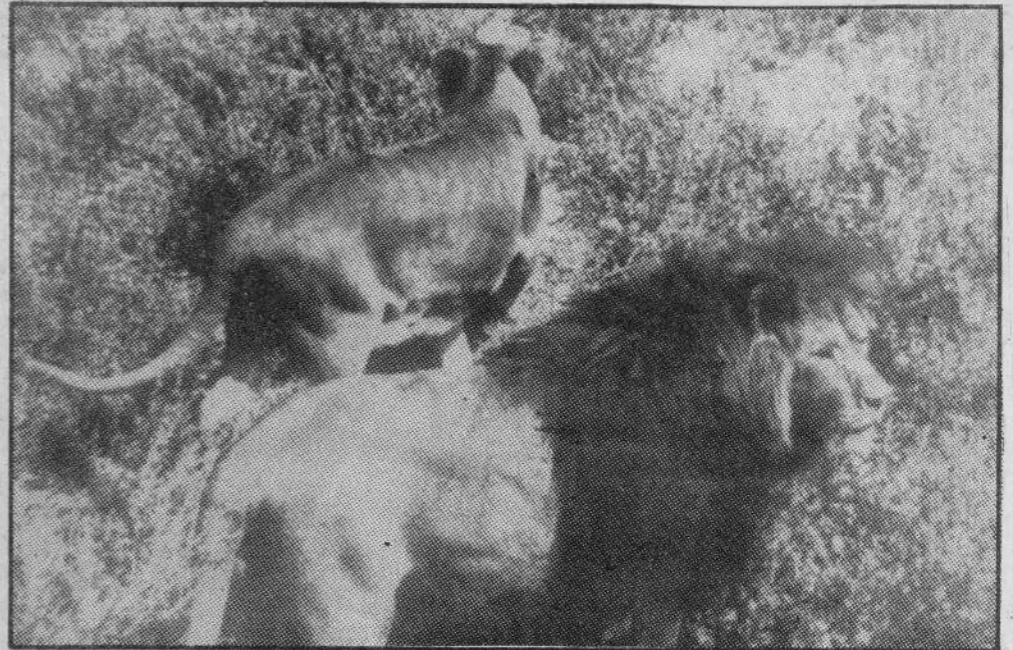
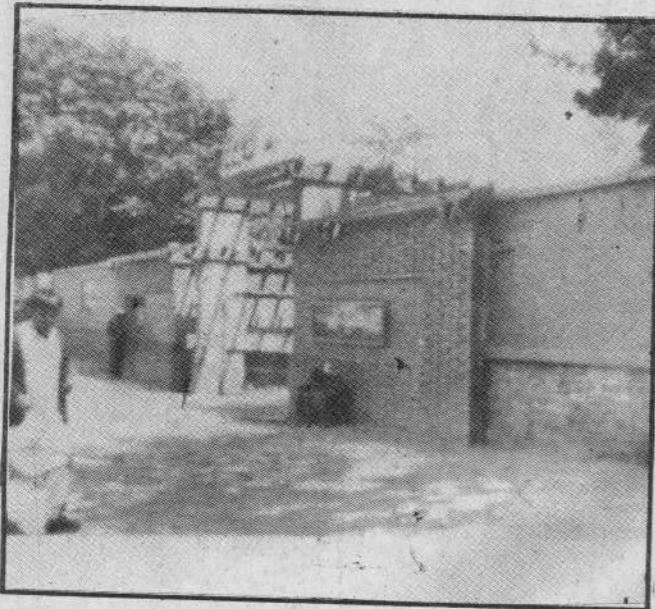
اوس نرسېږي چې په پيل كې د نړۍ تونسي موجودې نړۍ يي واټنه وي، د فوتيال د پوه توب په اندازه او وروسته دغه د فوتيال توب منفي شوي او چاودې د چاودې د پوه اثر د اتم اوساسي كراتو ترمنځ واټن رامنځ ته شوي او دغه يي پايه نړۍ يي منځ ته راوړي او د كڅكڅانو د سويته لاهم د هماغه لومړي چاودېدني په اثر ده.

اوس وځو د نفا اوزمان هكه به څه پوهېږي؟ نن تا پمې چې حركت او خويښت نه د وخت اوزمان د سكرې لښووالي سبب گومېږي، مانا چې كه يوه د سفينه د سر په سرعت (دري سوه زره كيلو متره په يوه ثانيه كې) وځو، لمخې يي او دغه سفينه د زمكې د كسري نه د حركت له وخته شپږ مياشتې سفرو كړي او وروسته له شپږ مياشتو پورته راورگړي د مخكې له عمر څخه زوكاله تېروي دي په پله عياره كې ۲۰۰۰ ميلادي كال كې نرسي سفينه د نوري سرعت له مخكې نورو لمخې يي اوسه ۲۰۰۰ كال پورته مخكې ته راځي د سيملي د سترې مري واټن لس كالن پات شوي دي، د دې محاسبي ملاحظو هغو فضانو ته اوسن چې فضا يي سفر يي په تگ او راتگ كې لمر ونيو، دوام وكړي، يوازې يوه ثانيه زيات شوي دي، داسې حال كې چې د هغولو پاتې په (۸۷) منځ كې



چون ماهه روزه ما پدات را به پانک تحویل مینمایم از این سبب از صورت چگونه کسی ما بد و صرف چیزی نمیدانیم و پس فدای حیوانات را کدایم مرجع تهیه مینماید ؟
- راست کلتوری شاروالی فدای حیوانات را به طوری قرار دادی تهیه و به دستر می مقرر مینماید .

قسمیکه ما اطلاع یافته ایم میگویند ، گوشت حیوانات از این رفته بلغ برای حیوانات گوشتخوار باغ داده میشود آیا واقعا همین طور است ؟
- من به کلی این گپ را رد مینمایم ، هیچگاه چنین اتفاق نی افتاده ، هیچگاه فدای فیوضی را برای تغذیه حیوانات نمی گذاریم .
چه گونه که دریافتیم در این جنگل کینک حیوانی وجود ندارد حیوانات مریض را به کجا تداری میکنند ؟
اگر قابل یادآوری بدانیم بیهوشی برای باغ وحش نفعی از نیازهاست که به آن توجه صورت نگرفته است .
باشنیدن سخنان امراغ ما به طرف قسمهای مختلف لطفاً صفحه برگردانید



راهنما: ف اتفی

است!

تاریک و ترسناک

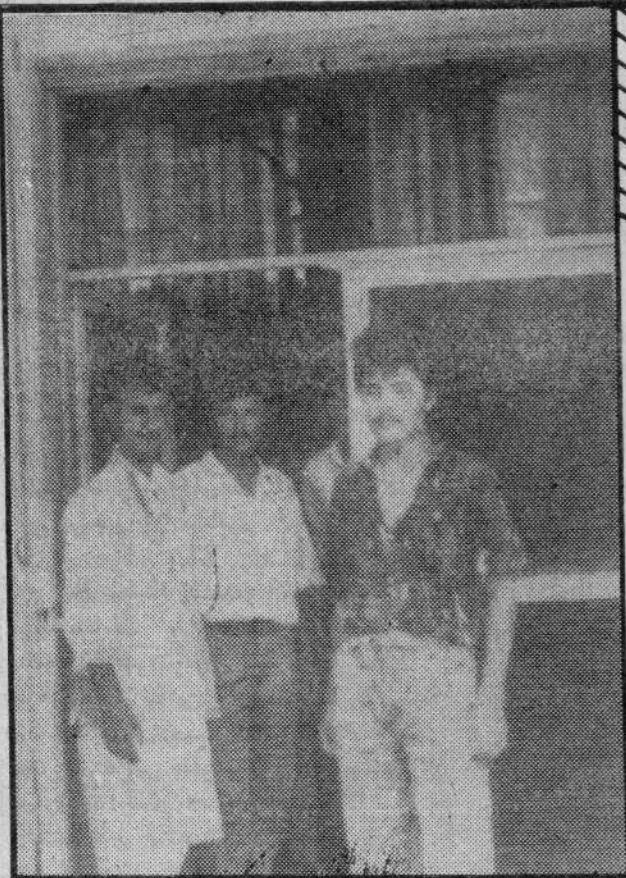
کد داشته و زوی در مورد پاسخ های دریافت کنیم .
و بسیاری از قسمها از حیوانات خالی اند سبب چیست ؟
- اکنون که شما بسیاری قسمها را خالی مینماید حیوانات آن ها از این رفته اند و ما بنابه مشکلات که دامنگیر ما بود نتوانسته ایم جای آنها را پر سازیم .
وقتی ما از کلتوری تقاضای فرستادن حیوانی را که در کشور ما نیست به عمل میآوریم ، در برابر آن ها نیز از حیواناتی که در کشور ما پیدا می شوند در این خصوص میخواهند و چون امکانات به دست آوردن و فرستادن آن حیوان برای ما ممکن نیست ، پس طبیعتاً که طرف مقابل نیز حاضر نمیکرد تا بدین تهرهی حیوانی را به ما بفرستد .
و آیا ما پدات بعد است آمده معارف تان را کاپت میکند ؟

برای ماهیان به شکل زیبایی تزئین گردیده بود اکنون به رستوران تبدیل شده است ای گاش در صورت تبدیل ساختن محل ماهیان به رستوران است آبی را از ماهیان دریخ نمیدانند در نظافت و پاکیزگی صحن باغ تاحدی توجه داشته اند اما چوکیهایی که قبلاً در گوشه و کنار وجود داشت ، یا جای شان خالی شده است و یا هم اگر در جایی به چشم میخیزند شکسته و ناسالم هستند .
کلینیک حیوانی به منظور تداری حیوانات وجود ندارد انتقال دادن حیوانات از باغ وحش به کلینیک های حیوانی شهری از مشکلات و کمبودهای عمده به شمار میرود .
بعدتر خواهد بود تا سوالات مان را با عید الطیف شاه نوری امراغ باغ در میان



مختلف جهان آورده شده اند ایجاب مینماید تا در مورد نگهداری و پرورش آن ها توجه و وقت زیاد صورت گیرد ، چه در فیر آن تغییر آب و هوا خوراک و حتی محل نگهداری ، سبب تلف شدن آن ها میگردد .
شداری از خواننده گان عزیز مجله در نامه های شان از چگونگی وضع باغ وحش کابل شکایت های رایج داشت کرده اند که ما را داشت تا خود به آن جا سری زده و بطلسی در مورد تهیه و تعمیم کابینک چشم دید را به خواننده گان عزیز نقل میکنم :
من کبسی از سالها باری از سو به تماشای آن ام در گونیهایی زیاد را میبینم . تعدادی از قسمها خالی اند و بدست که اهل خود را از دست داده اند .
جاییکه در گذشته ها

باغ وحش کابل رانیده آید ؟
حتماً عده بی زیادی از شهریان ما آن را بیلد اند و اگر کسی آن را در گذشته هاد دیده باشند و اکنون بارد بگر به آن جا سری بزنند شاید تعجبی نمایند که چس تغییراتی در آن جا رونما گردیده است .
ما هم کجنگا و شدیم تا به آن جا سری بزنیم و نگاه کنیم کچی خبر است ؟
در بعضی کشورها حیوانات باغی وحش ساحنه های وسیعی را در بردارده حیوانات بزرگه گان زیاد در آنجا زنده می مینمایند .
باغ وحش کابل که در ساحنه نه چند آن وسیع در کنار دریای کابل قرار دارد روزانه ده ها تن به منظور سیرون تماشای آن جا سری بزنند .
چون شماری از حیوانات و مردمان این باغ از ضابطی



دیگراره ماهیان رنگین باغ وحش

ماهی‌های نماینده است
 آنها اختصاص داده شد
 خیلی زیباست در آن جاسا
 تبه گونه بی برای نشان ساخته
 شده ، بادیدن باای اهوها
 تکرمینایی که زیباترین منطقه
 باغ وحش همینجا است
 پس از تماشای آن
 داخل رستوران رفتیم آن جا
 با بوشی های سیاه رنگ و سرهای
 بارش برای تفریح ترین
 یافته است و رفتنی از آن جا
 ماری را که ناری مینامند
 ماریه خواب عمیقی موربسته
 بود هر قدر کوشش نمودیم
 تا به ما بگرد هیچ توجهی
 نمود
 اما با تا سف باگته مانند
 خواننده عزیز هنگامیکه
 نزدیک قفس میوم هاشد بیوم
 همه استراحت بودند و از آن
 جمله یکی هم به طرف ما
 نندیدند آمد



به طرف قفس شیر رسیدیم -
 شیرها هم آمده بودند
 اما پناه خواهر تماشاچیان
 آنها را از داخل اتاق نشان
 بچون نمودند یکی پایال های
 بلند و آن دیگر کم لایق تر
 نظر میامدند هر دو غمزه در
 چمنزاری که برای نشان اختصا
 میداده شده است چند قدم
 گذاشته بعد در گوشه ای لید
 شد . آن ها هم موجودیت
 احساسات و لبخند های آسان
 هارا نایده میگرفتند
 خانگی در مقابل قفس خود
 میگفت (سبیل شوه چطور شد
 بوی اس) شاید شوهرش
 خود را نمیدانند توان بود
 کرد و گفت : (خاصیتش هم بطور
 اس)
 آهنگها مشغول خوردن
 علف بودند جایی که برای



رفتیم .
 نخست از همه توجه ما سرا
 اد و طاووس که در همین روزها
 یک محفل آن هارا از آنجا در
 شوی آورد و برای باغ وحش
 هدیه نموده است جلب نمود
 طاووس ها آرام به نظر میخور
 دند شاید هم با محیط آن جا
 هنوز آشنایی کامل نیافته
 بودند ، باترس و هراس نزدیک
 یک یگر میاستادند
 بادیدن آن هاراه مان
 راد انه دادیم چند
 قفس خالی به نظر میخورند
 اما نظیف و بان پس از طرس
 مسافه کوتاه رسیدیم مقابل
 جایگاه فیل قسمیکه از رنگه
 و رخسارش میامد خیلی خسته
 بود انگار زنده گی پارگرانی بر
 شانه هایش بینش نیست فیل
 سی و دو سال دارد یعنی فیل
 بیواست ، پهرها هم با طاق های
 شان فلتید بودند ، خیلی
 سر حال معلوم نمیشد
 قدم زدیم و باهمتسه
 آهسته رسیدیم نزدیک قفس
 گرگها آن هاجنان تحریف
 و لاف به نظر میامدند که گویس
 از کم خوراگهست ؟ اما نه ، آن
 ما هم سخی شده اند .

و همه فراز و فرود های يك پارچه اهنك در تابلوها نهمانند ریتم های موسیقایش و برجسته باشند و با گوش چشم شفته شوند و احساس پرتانگیز باشند .

در حقیقت میتوان به هم آمیزی و ترکیب موسیقی و نقاشی را یکی از خدمات غیر قابل فروگذاشت این هنرمندان نام آور دانست . بدون شبهه به چنین پنداری دست یافتن ، زاد و تصادف محض نیست . زیرا پیوست دادن دوروند آفرینشی با همدیگر در يك متن نمیتواند معلول و محصول اتفاق بدون ریاضت و ممارست باشد به ویژه وقتی که شوره چنین آموزه ای ایجاد عرصه سوم آفرینشی (هنر شاعری) میکرد .



نجیب رستگار با وجود آنکه از سه جلوه متفاوت (ولی به گفته خود ش غیر متفاوت) هنری بهره زیاد دارد اما به طر و رخا ص نقاشی را بر سایر عرصه های پرداخت خوشتر ترجیح میدهد . شاید به خاطر اینکه این هنر تنها بی های آدمست و نهازی به ارکستر و همکاران وجود ندارد . او منتها در د وقتهاش نقاشی را صرف برای خود برگزیده است بلکه درصدد تصویرگری مملود میا برآمد ما ست او میگوید :

وقتی طرح اولیه يك تصویر چارچوب بندی میشود ، درست همان وقت بایستی هنر مند در نظر داشته باشد که غیر از سیماها و شمایل و زمانها و مکانها صورتها و آواها را فراموش نکند . به عبارته دیگر وقتی تصویر مناسب خزان در تابلو خود صدای آمیزش برگها را دارد ، صدای خشک شدن و از هم پاشیده شدن هر برگ آوای باد تاراجگر نیز باید ترمیم شده بتواند این داشته و قیست که خزان با کلبتش تصویر شده باشد ، مثلاً ، وقتی تصمیم میگیرم تصویر يك ضفل را در حال گریستن طرح ریزی نمایم ، اگر در کارچوب تصویر گری موفق باشم ، آنگاه بیننده با دیدن رسم طفل در حال گریه ، صدای گریه او را میشنود . این پس منظرهای حقیقی هر بخش هنرمیتواند باشد . پس تصویر صدا تعلق دارد به تصویر حالت .



ایموشتر از یکصد تابلورا که بیشترین بازنتاب دهند ، زنده گی اصول و واقعیتهای عینی جامعه افغانی میباشد ، نقاشی کرده و چندین بار آنها را در داخل و خارج از کشور به نمایش گذاشته است . کما جمله تابلوهای زیرین توانست شهرت زیادی را کمایی

ملودی ما

ملودی ما



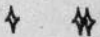
نمایند :

به سوی کشتزار ، چوپان ، کوجه دریا - لای کوه ، برف در کوجه ، دختردهاتی - چوری فروشان ، دختری در لباس محلی .



نجیب رستگار افزون بر نواختن نغمات دلنواز فلوت و شهنایی که اوج قدرت و توانمندی استعداد او را ثابت میسازد اهنك های زیادی نیز به آواز گرم و گیرایش - روده است که با استقبال شایان و گرمی از جانب شنونده گان مواجه گردیده است . اشعار و تصنیف های از وی هم به شکل پراکنده در جزایر و نشریه های مختلف و هم از طریق گزینه های شعری به نشر رسیده و نیز برخی از آنها توسط آوازخوانان معروف کشور اجرا شده است .

نجیب رستگار جهت آشنایی و دیدار به هم رسانی با محافل و حلقهات هنری خارج از کشور به کشورهای شوروی ، کوبا ، آلمان ، چکوسلواکیا ، هند و ترکیه سفرهای داشته که به یقین گامی بوده در جهت شناساندن فرهنگ کشور و هنر این هنرمند عزیز .



باد ریخ فراوان آگاه شدیم که وی از مدتی به اینسو و بنا بر هجمه ناگهانی خوشریزی دماغ ، تبادل صحن خود را موقتاً از دست داده است و اینک در خموشی به سر میبرد . خوشبختانه حالت صحن این هنرمند گران اوج بهسوی بهبود رفت و قرار نظریه دو کشوران معالج احتمالاً به زودی ها صحت کامل خود را باز خواهد یافت .

وی که هم اکنون نیز تحت کورس منظم تداوی و مراقبت طبی قرار دارد و با زبان اشاره از هواخواهان و دستداران با کمال صمیمیت و خلوص ، احساس عمیق مهمان نوازی و تعارف دست گل های سکوت پذیرا - بی نموده و بروی ناملايمات پیروز مندانه لبخند میزند .



سپاوون با ابراز همدردی قلبی برای نجیب رستگار ، این هنرمند گرانمستگ قبل از شمه صحت کامل ارزو نموده و از درگاه خداوند تمنا دارد تا او بار دیگر با خانواده خوشبخت و کوچکش بخندد ، با زهم بنوازد ، بخواند ، و بسراید و بازنیز رستگار شش را دریا بسازد .

" سپاوون "

مرب المملها ورا بیده ما در هستی

۱۹) با یک دست نمی‌شود دو تا هندوانه برداشت
عربی: لا یجمع سیفان فی غمد دو شمشیر در یک غلاف جای نمی‌گیرند
انگلیسی: *if you choose two horse both will escape you* اگر دو اسب را انتخاب کنی هر دو از دستت می‌گریزند
ایضاً: *Two watermelons can't be hold in one hand* مشابه مثل فارسی

۲۰) با یک گل بهار نمی‌شود
عربی: سنونو واحده لا یبشر بقدمول الصیفد یک چلچله تنها مزده آمدن تابستان نیست
انگلیسی: *One swallow does not make a summer* مشابه مثل عربی
ایضاً: *One flower makes no garland* با یک گل تاج گل درست

بخندد تا دنیا برویت بخندد
عربی: اضحک یضحک العالم معک.
بخند دنیا با تو خواهد خندید
انگلیسی: *Laugh and the world laughs with you, weep, alone*
مشابه مثل عربی
۲۲) بد چو آید، هر چه آید بد شود
عربی: المصائب لاتانی فرادی بدیختیها تک، تک بسراغ آدم نمی‌آیند
انگلیسی: *Misfortunes seldom come alone* بدیختیها بندرت تک‌تک می‌آیند

۲۳) بر اثر صبر نوبت ظفر آید همچنین صبر تلخ است و لیکن بر شیرین دارد
ایضاً: گر صبر کنی زغوره حلوا سازی
عربی: بشر بنفسک بالظفر بعد الصبر: پس از صبر مزده پیروزی را بخود بده

ایضاً: الصبر مفتاح الفرج (در فارسی نیز رایج است)
انگلیسی: *Evryting comes to him who waits*
کسی که صبر کند همه چیز برایش مهیا می‌شود
۲۴) بر نیاید ز مردگان آواز

عربی: لیس للمنیة لسان فینطق مرده زبان ندارد تا صحبت کند
انگلیسی: *Dead men tell no tales* مردگان افسانه نمی‌سرایند

۲۵) بشنو و باور نکن
عربی: اسمع ولا تصدق دقیقاً مشابه مثل عربی
انگلیسی: *Belive not all that you see, nor half you hear*
همه آنچه را می‌بینی و نصف آنچه را می‌شنوی باور نکن
۳۶) به عذر و توبه توان رستن از عذاب الیم
عربی: الاعتراف (الاعتراف) نصفالمعذره اعتراف به گناه نیمی از معذرت است
انگلیسی: *Confession of a fault makes half amend* مشابه مثل عربی

۲۷) (ز باران مگو همچو باران بیار):
(دو صد گفته چون نیم کردار نیست)
به عمل کار بر آید به سخنرانی نیست
عربی: الافعال ابلغ من الاقوال اعمال انسان‌ها گویاتر از سخنانشان است
انگلیسی: *Actions speak louder than words*

عمل رساتر از گتمها است

۲۸) به کلاغ گفتند بچه کی از همه خوشگلتر است گفت «بچه من»
(هر چند که بچه رشد باشد در چشم پدر بهشت باشد) (ایرج میرزا)
عربی: القرد فی عین امه عزال: بچه میمون در چشم مادرش آهوست
انگلیسی: *The monkey thinks his offspring is fearest*
میمون تصور می‌کند بچه خودش زیباترین است

۲۹) پایت را به اندازه گلیمت دراز کن
عربی: علی قدر بساطک مدر جلیک مشابه مثل فارسی
انگلیسی: *As long as the blanket, so far you may stretch* مشابه مثل فارسی و عربی

۳۰) تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد
عربی: للمرء مخبوة تحت لسانه = مرد در زیر زبانش پنهان است
انگلیسی: *What the heart thinks, the tonge clings*
آنچه قلب می‌اندیشد زبان بیان می‌کند
۳۲) ترس برادر مرگ است

عربی: ان الجبان حثفه من فوقه، آدم ترسو مرگش بالا سرش است
انگلیسی: *Cowards die often* ترسوها اغلب می‌میرند
۳۳) تونیکی می‌کن و در دجله انداز، که ایزد در بیابانت دهد باز
عربی: اصرف ما فی الجیب پاتیک ما فی الفیب
انگلیسی: *Forgive and forget* بخشش و فراموش کن
ایضاً: *Do good, and cast it into the sea*

۳۴) چاهی نکن بهر کسی اول خودت دوم کسی
عربی: من حفر حفرة وقع فیها کسی که چاهی بکند در آن می‌افتد
انگلیسی: *The arrow often hits the shooter* تیر معمولاً به تیرانداز می‌خورد

۳۵) چو فردا شود فکر فردا کنیم (از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن)
فردا که نیامدست فریاد مکن- خیام)
عربی: لاتتهوللفند: غصه فردا را نخورید
انگلیسی: *Take no thought for tomorrow* مشابه مثل فارسی

۳۶) چون طبل غازی، بلند آواز و میان تهی
عربی: الصوت العالی: من الجوف الخالی: صدای بلند از محفظه تو خالی
انگلیسی: *Empty vessels make the most sound*
ظروف خالی بیشترین صدا را دارند

۳۷) حساب، حساب، حساب، کاکا، برادر
عربی: تحابوا کالاء خوان و تعاملوا کالاء جانب: مثل برادر همدیگر را دوست بدارید و مثل بیگانگان معامله کنید
انگلیسی: *Be like brothers, and devide justly*
مثل برادر باشید و عادلانه تقسیم کنید



امريکا ۾ ڪلارڪ هوائی اڏي ڊپر ۾ بندوبست لوهه حال کي .

گوموده سگي به ناخاڻي
 توڳه د فليپين ۾ شمال کسي
 د زمينال ۾ سيمه کي چي نوي
 ڪيلومتره له مانيلاخڻه واپس
 لوي د محلي له زره خڻه دو
 وٽه اولهه ڀيري راپورته سنوي
 دغه د وڏ اولهه ڀيري د جنسي
 چين ترخو پوري ورسيد ي
 اوسيروسته ترهغه د (لاوا)
 درياپ چاري سو
 دغه اورغورمحول شهر ورسي
 وروسته د جاپان د مونت اوترن
 د اورغورمحول خڻه پيل شول
 د اورغورمحول دغه سيمه
 په اسيا کي د متحده ايالاتو
 پوي سترې نظامس اڏي ته
 نڙ دي پورته ده ۹ په دي توڳه
 امريڪاي مامورن وٽول نظامس
 پروسونل د ڪلارڪ هوائی اڏي
 راپورته اڏي ته دي اولهه اصلان
 وکر چي ڏسڻ لڏي ته پيل سر
 سونل سره ٽول شي اڏي دي د
 انتقال زمينه دي برابره شي .
 پايد وٽل شي چي پوازي د -
 ڪلارڪ هوائی اڏي کي شمس
 ر سزوه تنه د خڻ ماتي پروسونل
 په گڏ وڻ ڪارڪوي . د دغسي
 اڏي ويندي په يوه تلوپيوني
 وٽا کي وٽل چي د سيمي
 د خوشي کولو لپاره لائيند ا -
 پروسونل شوي اڏي ڪلارڪ له
 هوائی اڏي خڻه ٽولي اوتڪي
 السونل شوي . دي به مانيلاخ
 کي د وٽا ٽولي وٽي اوسيروستو پيل
 ويندي وٽل چي ڪڏي شي
 د مونت پتتا تيو اورغورمحول د
 اوسروپي .
 په دغه سيمه کي دلومر ي
 محل لپاره د اڀريل په مياشت
 کي د اورغورمحول ٺهڻي نشانسي
 وليدل شوي اوسيروستو پيل
 سته له هغه خڻه لڙ خه لوهه ڀيري
 او پوي باندي راپورته پيلدي
 د زامبل اڀالت گورنر وٽل چي
 ده هڻه وکر ترخه د وٽا ڪن خواته
 وٽل دي شي ۹ خڻه اڏي ته
 ڪله ي د ڪارونشواي ڪري
 پايد وٽل شي چي د مونت
 پتتا تيو وروستي چا وڏه به
 ۱۳۸۰ ڪال کي وه . همدغه
 راز به فليپين کي پوي پتتا
 ڙوندي وٽا ٽونه همد ا و س
 فعاليت کوي اڏي ته سوه به
 شارهو کي مره وٽا ٽونه شته
 پغلپين کي د وروستو
 محل لپاره په ڪال ۱۹۶۵ کي
 د وٽا ٽونه پوه ستره چا وڏي نه
 منج ته رانله . د دي خبري
 معني د اڏي چي د (شال)
 وٽان چي له مانيلاخ خڻه



په عڪس کي مومونر ليدل ڪمزي چي تراپرو لاندي پت شوي دي

د مونت پتتا وٽا نشان به داس حال کي ليدل ڪمزي چي لوگي اور پري تري پورته شوي دي .

په فليپين کي د

اور غور محول فعاليت

په فليپين کي پوي پتتا ڙوندي وٽا ٽونه همد اوس فعاليت کوي اڏي ته سوه پيل شوه خواتي ميره وٽا ٽونه شته

اور غور محول فعاليت کوي اڏي ته سوه پيل شوه خواتي ميره وٽا ٽونه شته
 ڪلارڪ هوائی اڏي کي شمس ر سزوه تنه د خڻ ماتي پروسونل شوي اڏي ڪلارڪ له هوائی اڏي خڻه ٽولي اوتڪي السونل شوي . دي به مانيلاخ کي د وٽا ٽولي وٽي اوسيروستو پيل ويندي وٽل چي ڪڏي شي د مونت پتتا تيو اورغورمحول د اوسروپي . په دغه سيمه کي دلومر ي محل لپاره د اڀريل په مياشت کي د اورغورمحول ٺهڻي نشانسي وليدل شوي اوسيروستو پيل سته له هغه خڻه لڙ خه لوهه ڀيري او پوي باندي راپورته پيلدي د زامبل اڀالت گورنر وٽل چي ده هڻه وکر ترخه د وٽا ڪن خواته وٽل دي شي ۹ خڻه اڏي ته ڪله ي د ڪارونشواي ڪري پايد وٽل شي چي د مونت پتتا تيو وروستي چا وڏه به ۱۳۸۰ ڪال کي وه . همدغه راز به فليپين کي پوي پتتا ڙوندي وٽا ٽونه همد ا و س فعاليت کوي اڏي ته سوه به شارهو کي مره وٽا ٽونه شته پغلپين کي د وروستو محل لپاره په ڪال ۱۹۶۵ کي د وٽا ٽونه پوه ستره چا وڏي نه منج ته رانله . د دي خبري معني د اڏي چي د (شال) وٽان چي له مانيلاخ خڻه

خوابي پيل وٽي دغه راز امريڪاي مقاماتو د هسته پسي وسلو غونڊ پيل به ڪلارڪ کس رد ڪرل هڻه پولي اڃا به والارو د اڃا به ڪري وه چي ڪه چيو دي لڙ وڏ رجوتو د خسي سه مواد له هسته ي مواد و سره پوڄاي شي نود تشنهغ امکانات شته ڪه خه هم دغروني اورغورمحول سترې فاجعسي منع ته راپري اڏي ته تاريخ به تيو د وڏ وٽي ي خورا ستر مد نيوتونه له منجه وري خدو داسي ويل ڪنهي چي به فليپين کي د وٽا ٽولي لاسر په ڪارونشول اڏي خلكو ڙونه ي وڏو روه .

اتيا ڪيلومتره وٽن لري پيله فعاليت پيل وکر اڏي ته سوه تنه ي وٽل . په هر حال ڪله چي مونت پتتا تيو به اورغورمحول پيل وکر له اڀرو خڻه پڪ د وڏ چي سلفر هم ورسره گڏ وهواته پورته شوه . سائينس پوهان به دي عقيد ه دي چي دغه وٽا ٽونه سته له شينر وسوه ڪالو بيا پيله فعاليت پيل وکر اڏي ڪار امکانات له پخواخه موجود وٽا ٽونه چي وٽا ٽونه په فعاليت پيل وکر د ڪلارڪ اڏي پيلو . هر وکر پته ڪري هغه مواد وٽي د وٽا ٽونه له خولي خڻه حريان وموننده د سانتي گراد ۱۸۰ درجي تود وڃه د رلوده اهر خڻه ي چي مخي ته راتل هغه وٽل ڪول . دغره له خڻه خه ناخه شلوزره تشوونه ڪاوچي ٽول له سيمي خڻه وٽل د وٽل شول . د فليپين خلكو امريڪا شيان ملامت ڪرل چي دي خلك

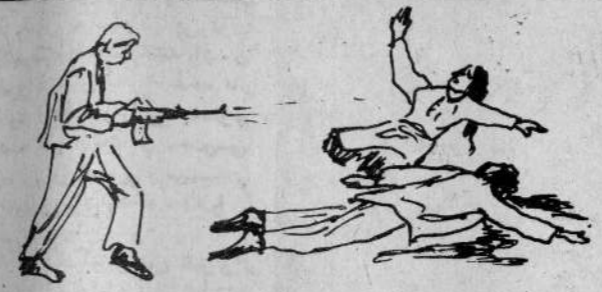
اور غور محول فعاليت کوي اڏي ته سوه پيل شوه خواتي ميره وٽا ٽونه شته

درد هلیزهای مجاکم چی خبر است

تپه کتله: لطیفه سیدی
بجای عروسی در توقیف



مسائل طلاق و تفریق و کهر
از خانه شوهر و فسخ نامز-
دی همه و همه ارتباط میگرد
به تصمیم عجولانه فامیلهای در
مورد فرزندان شان که هنوز
سن قانونی ازدواج و پانامیز-
دی را تکمیل ننموده اند که
حاقبت این تصامیم درد سرها
چیت بی حرمتی هایی را ازجا-
تیب فرزندان شان نسبت به
حشمت و موقف اجتماعی فامیل
ها به بار میآورد.
انوس گل دختر پانزده ساله
با فتنه متاخمه هفتم شهری پسر ی
به نام خان محمد سر باز دار-
یکی از قطعات قوای مسلح با
رضایت فامیل و مخالفت خودش
نامزد می شود و چون دختر
با نامزد خودش روی خوش -
نشان نمیدهد، با پسر همسایه
خود ارتباط دوستی قائم میکند
چون پسر همسایه شان در یک
حوالی با انوس گل زند و کسی



شامزده مری بدزن برادر و مسه مری برای برادرش

ولحظه بی بعد صحنه بی را-
پذیرا می شوند که به کام نستی
ایمانرا فرو میرود.
عبدا لعزیز افسر یکی از-
قطعات و خانمش عین العزرا
در شب پنجم ماه سرطان به قتل
میرسند.
صدای فیر کلا شوکتوف -
همسایه هارا وحشتزده میسازد

همه به سوب منزل عبدالعزیز
سرازمی می شوند، در هموسن
لحظه برادر عبدالعزیز ناشیب
را در حالت فرار از دیوار منزل
میرسند. نظر به تحقیق محار-
نوال مو غف و قضیه طوری
بود که نامیب قاتل عبدالعزیز
و خانمش صرافه میان شان به
اصطلاح "شکر زنجی" موجود
آمده بود و همسایه هایش نوسز
نشد که قاتل شخص نهاییست
ولگرد وید معاشر است و به همین
دلیل ابتداء با سلاح دست
داشته اثر سه فیر مری به جا-
تیب برادر و شانزده فیر مری را
به سره گردن و سینه و بطن
خانم برادرش فرو میریزد و وحشت
ناکتر اینکه اغفال برادرش السی
سپیده دم با چشمان اشک آلود
به چمد های بهجان و درخون
غلطیده پدر و مادر مینگرند.
آیا تصور میتوانیذ آنان چی
شبی را صبح کرده باشند؟

بناهای از قلم ادم کشته

تاشای سخته های پربا چهره
فلم های تلویزیونی حضا بالآخر
از قوه برداشت ذهنی اطفال
است و اغفال صرافه متکی به
قتل کشتار و زود و خیزد های -
وحشتناکند استند و اطفال راهبه
آن یاد داشته است تا در کوچسه
و بازار از اکت های هیرو هسا
وید معاشرن قلمها استفاده برنده
تا سفته پیامد های نسل
هنجار و ما میس کنند و پسر را
در قبال داد و بهایه یکس
از این گونه حوادث را به حمت
یک واقعه حقیقی بدیم که
در سینت خانه واقع در ناحیه
نیم شهر بخ داده است:
محمد هساین پسر پانزده سا-
له در یکی از ریز های مانگ شته
با پسر همسایه خود که در کوچه

شور سرسراکل کرد



بعضا مرد هابه حدی در-
مورد خانم هایشان خوشا
صلاحیت میدنند که حتی باید
فرو بردن و بهرون آوردن نفس
زن باید به حکم و اراده آنها
باشد و کوچکترین اشتباه زن
برای چنین مردان گناه عظیم
پنداشته می شود.

با ناشایسته ترین عملی از
طرف یکی از مردان باشند و-
ناحیه دهم شهر کابل که از ذکر
نامش خود داری میکم خانیش
را به اسم صفرای
دستان خود موخایش را قطع
یا بهتر بگویم کل میباید.
که نه تنها یک مرتبه بل سمرتبه
است که به چنین عملی توسل
کرد پنده است.
البته بعد از کل کردن مور
های خانمش عقده های دلی
را در هر تارموهای زن محسوس
رغ شده معاینه شاید سوال
خلق شود که چرا و به چه علت
علت هانا اشتباهات که چسک
خانم در امور منزل بوده است
که به این دلیل نمیتوان متقین
شد شاید شوهرش تکلیف روانی
و یا عصبی داشته باشد درجا
لیکه چنین نیست شوهرش گاملا
شخص نوربال و سر حال است.
موهای این زن به چاره سمانتی
پهاند شده بود که باید بدین مو-
هایش تا شرعی برای دست
داد

اینجا خانه فساد است

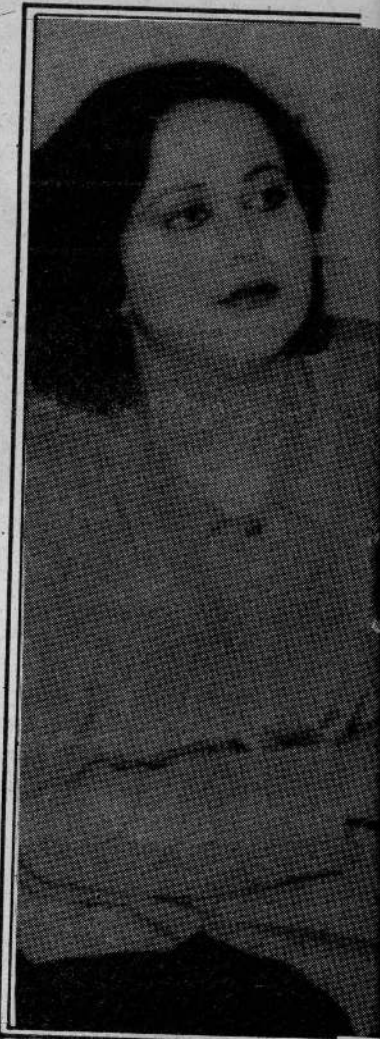
سردار محمد شخصی که همه
روزه منزلش محل تجمع مردان
عیاش و لگرو معتاد است.
این مرد فساد پشه کسبت
که خانم و خواهر برایش مطرح
بحث نیست صرف چشمانش به
طرف دستانی خیره میشود که
به سوش پول پرتاب می کنند.
حوالی ظهر یکی از روز های
ماه گذشته که ازدحام مردان
عیاش و فساد پشه فضای اتاق
های کیف منزلش را به کلبه
نفرت انگیزی مبدل ساخته بود
در بازه منزلش درق الباب می
شود و چون سردار محمد مصر-
وف گفت و گو و قیمت گذا ری با-
لای متاع های متحرک خود بود
به قول از مسولین مبارزه با

نشانی گفته و...

شوه های مختلفی پسرای
فرهنگن اشخاص از جانب در-
دان و راهگیزان به کار بسته
می شود و خانواده ها به این
شوه توجه کنند و زن و دختر
چوانی در یکی از خانه ها در
کارت نو میروند به بهانایشان
خواستگاری دختر جوان خانه
است و از صاحب خانه آپ
اهامیدنی طلب میکنند در این
لحظه نوت هزار افغانیکسی
نشانی شده را زیر تلویزیون
شان میگذارند بعد از وده و
وهید های بعدی راه خانه شان
را در پیش میگردند لحظه پسرای
بعد موتر تکسی بی در کنار -
در بازه این منزل میایستد و را-
نده به مادر خانواده میگوید
که او را شوهرش فرستاده و گفته
است که تلویزیون و قالین
ویدیو و بعضی چیز هارا به



نویسنده: خلیل نیکمن



عملیات سلطان جنگ رادر دیده انعام داده است

سرطان انسانی در نزد سلطنت سلطان جنگ انعام داده است. این عملیات که در تاریخ ۱۳۰۰ خورشیدی در تهران انجام شد، به منظور مبارزه با بیماری‌های خطرناک بود. در این عملیات، پزشکان و متخصصان با همکاری دستگاه‌های مدرن، موفق شدند تا به تعداد زیادی از بیماران مبتلا به بیماری‌های مختلف، از جمله سل، تیفوس و سایر بیماری‌های عفونی، جان نجات دهند. این عملیات، که به «عملیات سلطان جنگ» معروف است، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اقدامات دولتی در زمینه بهداشت عمومی در آن زمان محسوب می‌گردد.

سرطان انسانی در نزد سلطنت سلطان جنگ انعام داده است. این عملیات که در تاریخ ۱۳۰۰ خورشیدی در تهران انجام شد، به منظور مبارزه با بیماری‌های خطرناک بود. در این عملیات، پزشکان و متخصصان با همکاری دستگاه‌های مدرن، موفق شدند تا به تعداد زیادی از بیماران مبتلا به بیماری‌های مختلف، از جمله سل، تیفوس و سایر بیماری‌های عفونی، جان نجات دهند. این عملیات، که به «عملیات سلطان جنگ» معروف است، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اقدامات دولتی در زمینه بهداشت عمومی در آن زمان محسوب می‌گردد.

بشمه در صفحه (۸۵)



تولید ملی میگویند



ملالی طریف در مورد شهلا حیات

شهلا خواستش مهر برنامه رابایشانی باز می پذیرد

ادبی و ...
شهلا حیات به ایسن عقیده است که باید به بهننده تلو بزبون و شنونده رادبو احترام گذاشت و مسایل را طوری عنوان کرد که مفهوم اشرا این نباشد که تنها او - مهاند و پس به بل که نتیجه اشرا این باشد که شنونده و بهننده احساس نماید که گوینده به خاطر آنها این مسایل را به خوا - نشر گرفته و به اطلاع آنها میرساند.

شهلا حیات گوینده ایست مهربان و صمیمی. یکی از خصوصیات برجسته و قابل احترام او این است که هیچگاه نمیخواسته تا حرفی که باعث رنجش خاطر طرف میشود در میان بیاورد. خوانش هر برنامه که برایش سپرده میشود با پشیمانی بازو بدون هر نوع خسته کسی میدهد.

موفقیت و بهروزی بهشتر کار گوینده کی شهلا در - خوانش مطالب سیاسی و اخباری است تا مخاطب

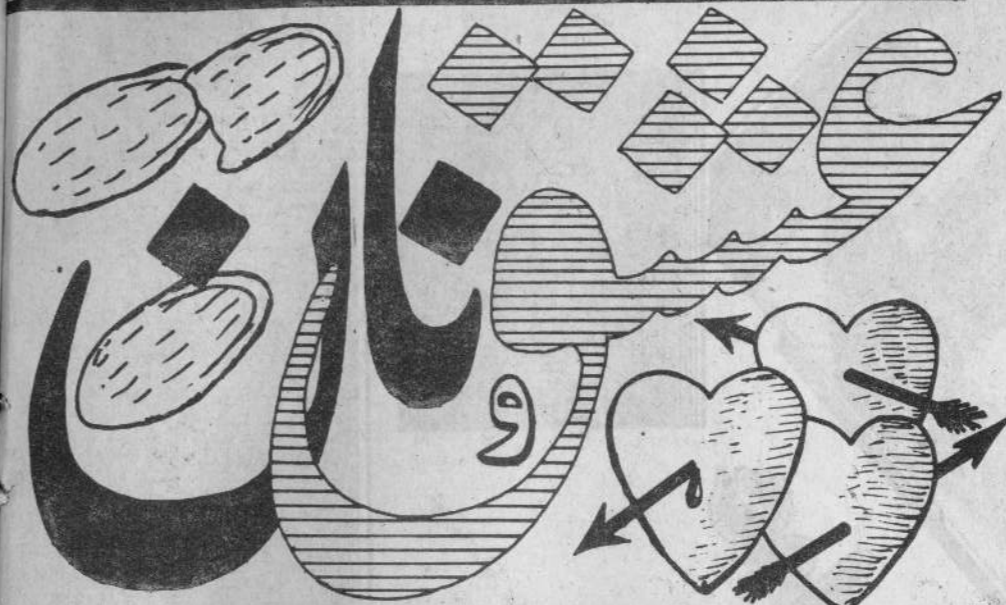
ملالی پیرکنده ملی و سنگلی در کار رانمی سپرد

ملالی در روابط اجتماعی خود دختر است مودب و بسا نزاکت و نهایت خوش بخت خود ضنا با بدله گوئی که دارد میشود ساعت ها را بدون کوه - چاکترین احساس خسته گسینی با او سپری کرده ملالی در کار گوینده کی تازه گام است و هنوز مدت زیادی از همکاری اش در رادیو و تلو بزبون - نهمگذرد اما او توانسته با

شهلا حیات در مورد ملالی طریف

حکارت و علاقمندی مضمیلی زود بده های پیشرفت را ببیناید. ملالی پیرکنده کی و سنگلی در کار را نمی پسندد دختر است انتقاد پذیر و به این عقیده که انتقاد بایست به شومه ایسراز شود که قصد توهین طرف زید - خل نباشد او مطالعه را یکی از اساسی ترین بخش برنامه زنده کی روزمره انسانها میداند.

داستان کوتاه



مردان اوگاست استریندبری نویسنده داستانهای کوتاه رمان و نمایشنامه در سال ۱۸۶۹ در استکهلم سوئد به دنیا آمد به سال ۱۹۱۶ از نیارفت دوران کودکی اش در دفتر گذشت پس از تحصیل در دانشگاه مشاغل زیادی را از جمله معلمی بازیگری استریندبری می آرزوی نویسنده گان برجسته دنیا است چنان که در حقش گفته اند: "او در تحلیل‌های قوی ای که او از زندگی معاصر ایجاد کرده است بر اساس تفکیرهای روانی و شخصی و فلسفه خاص است"

ندارد ((و بعد در لوتیزا که راضی شده بود گفت:))
((به نظرم هر دوی شما مصمم هستید از دواج کنید و تردیدی ندارم که شما واقعا عاشق هم دیگر هستید - بنظر من این من باید بالاخره رضایت بدهم؛ اما فقط به این شرط تا مرد لوتیزا میبوی که سعی کنی در نهایت از یاد بگیری. گوستانف از خوشحالی می سز شد و احساس را با بوسیدن دست پسر مرد نشان داد. او چند روز خوشحال بود و لوتیزای او هم چقدر هنگامی که برای اولین بار برای قدم زدن بهرون می رفتند احساس غریب کردند. گوستانف عصرها همراه نمونه های چاپی که تصویفشان را مقابله کرده بود به دیدن لوتیزای رفت و این تاثیر خاصی روی آقا جان می گذاشت. اما یک روز عصر آنها برای تنوع به تئاتر رفتند و با گادی به خانه برگشتند و خرج تفریح آن روز عصرشان ۱۰ کرون شد. بعد گوستانف بعضی وقت ها عصرها به جای تدریس به خانه زن جوان می رفت تا با هم بهسرون بروند و کسی قدم بزنند.

چون روزی در سوئدشان نرسد یک میشد و آنها مجبور شدند اثاثه های را که برای آماده کردن اپارتمانشان لازم داشتند بخرند. و دستخواب فشنده از چوب چهارمیز و هاتشک ای فنیسی محکم و لحافهای نرم و پازیر فرو خریدند. سپس به مغازه لوازم منزل فروشی رفتند و از آنجا یک چراغ بهایاب قرمز به یک مجسمه چینی به یک دست ظرف کامل به میز قد اخوری پارچه های بلور و عالی و قاشق پنجه و کارد انتخاب کردند که بخرند. موقع انتخاب و سایل اشیز خانه هم از راهنمایی ها و کمک های مان (مادر لوتیزا) بهره مند شدند. در این موقع گوستانف خیلی عصبانی بود و در به دنبال خانه می گفت. پرکاره کارها و در سو کردن اثاثه خانه نظارت می کردند اینک گوستانف در آمد اضافه دیگری نداشتم اما می توانست پس از دواج به راحتی آن را بچران کند. آنها تصمیم گرفتند به بهترین صرفه جویی را بکنند یعنی برای شروع زندگی فقط به دواتاق قناعت کنند. با این حال پاره

وقتی گوستانف فالک جوان و معان مشاور ادا ره هر سابه خواستگاری لوتیزا رفت اولین سوال پسر مرد محترم از او این بود که: "درآمد چقدر است؟" گوستانف گفت: "نمایه خانه تقریبا صد کرون اما لوتیزا ۱۰۰۰" پدر زن آینده گوستانف حرفش را قطع کرد و گفت: ((باقی اش مهم نیست. در آمدت کم است))
((آه اما لوتیزا این همه دیگر را دوست دارم. ما هر دو واقعا تصویفانرا گرفته ایم))
پلی احتمالا اما اجازه بده میبوی بهرسم اما کل درآمدتان سالانه هزار و دصد کرون میشود؟
گوستانف گفت: ((ما اولش درآمد پنگر با هم آشنا شدیم))
پدر لوتیزا مصرا نه دنبال حرفش را گرفت و پرسید: ((آیا علاوه بر حقوقی که از دولت می گیرید درآمد دیگری هم دارید؟))
خوب پلی فکر کنم بتوانم درآمد کافی داشته باشم و تازه می دانم علاقه متقابل ما به هم ۱۰۰۰))
پلی با کماله درست است اما اجازه بده بیا در ارقام صحبت کنم. خواستگار بهر صورت گفت: ((آه اما من می توانم با اضافه کاری به از درآمد کافی پول بدست آورم))
((چه کاری و چقدر؟))
گوستانف گفت: خوب می توانم زبان فرانسه بی درسی بد هم و کتاب ترجمه کنم. می توانم نمونه های چاپی را تصحیح کنم. پسر مرد در حالی که قلم در دستش بود پرسید: "چقدر ترجمه می کنی؟" (من می توانم تقریبا یکم چقدر را اما فعلا یک کتاب فرانسه بی ترجمه می کنم که از هر ورقش ۱۰ کرون حق الزحمه می گیرم. تمام آن چند ورق است؟"
"به نظرم تقریبا ۲۴ ورق."
((بسیار خوب! این هم دصد و پنجاه کرون حق الزحمه دیگر چه؟))
((آه من دانم مطمئن نیستم))
((چی مطمئن نیستی؟ آن وقت میخواهی از دواج بکنی؟ جوان هکیه تصورات عجیبی از ازدواج داری میدانی که بعد از ازدواج چه دارم و میبوی و میبوی خوراک و پوشاک شان را تامین و آنها را بزرگ کنی))
گوستانف اعتراضی نکرده گفت: ((اما میباید زود به دارنشوم. در زمانی مانقدر تا طبق همه پنگر هشتصد))
((میباید احتیالا پیش من کرد که به دنیا آمدن بچه ها هیچ خطری

به عمون دلایل هم گوستانف او را روی چوکی می نشاند و چوکی را به پشت میز می کشید. شوهر جوان بلر نام وجود در خدمت همسرش است. گوستانف وقتی از شقایب صد ف می خورد و نوشابه اش را می نوشد فکر می کند چه لذتی البته اوقلا بعدنی موقع تجرد هم زیاد غذا خورده است اما چه لذت و حظی برده است؟ هیچ (این مجرد ها چقدر رابله اند که ازدواج نمی کنند و صیغه رخود خواهند باید همان طور که به سگها مالایا بسته اند از آنها همبالات بگیرند اما لوتیزا به اندازه او سختگیر نیست و با مهربانی و ملاحظت تمام می گوید که شاید به چاره های که تجرد و اختیار کرده اند قابل ترحم باشند. به نظر او بدون شکار گرانها استطاعت داشتند از دواج می کردند. گوستانف احساس می کند قلبش کمی سردر آمد ما ست. معلما خوشبختی را نباید با پول سنجید نه نه اما اما... خوب مهم نیست بزودی یک عالم کار خواهد کرد و میبوی

توان کوچک را بهتر از پارتان بزرگ میشود با اسباب و اثاثیه زینت داد. این بود که اپارتمانی را در طبقه اول با دواتاق و آشپزخانه به ششصد کرون اجاره کردند البته در ابتدا لوتیزا گفت که بیشتر دوست دارد اپارتمان سه اتاقه آن هم در طبقه بالا داشته باشند اما این در برابر عشق واقعی آنها به یکدیگر چه اهمیتی داشت؟ بالاخره وسایل و اثاثیه در اتاقها جا گرفت. در اطاق خواب تخت خوابی با در کنار هم مثل گدایها با لحافهای ای رنگ و ملحفه های مثل برف سفید که جلوه بی شاد داشت تزین شد.
و در اتاق دیگری هم اتاق نشیمن بود و هم غذا خوری و هم مطالعه و بیانسوی در زار بود کرون لوتیزا قرار داشت. به علاوه میز تحریر از چوب چهارمیز و میز چوکی قد اخوری ایمنه بی با چار چوب طلا بی چوکی و قلمه کتاب نیز گرسی و از اشراف فضای این اتاق را در و چندان کرده بود.
مراسم عروسی شنبه شب برگزار شد و صبح یکشنبه زنج جوان تا دیر وقت خواب بودند. و بعد اول گوستانف از خواب بیدار شد.
زن جوان وزین با چهره بی راضی صمت خواب بود. شب خوب خوابیده بود و چون آن روز یکشنبه بود بهای صدا ی تلقی تلقی صبح زود گاههای بازار بیدار نشده بود. در همان موقع ناقوس شاد کلمه با صدای آمد که کسی از آفرینش زن مورد تجلیل میکرد.
گوستانف رفت تا باها سهایش را ببیند و سپس به آشپزخانه رفت تا سفارش ناهار را بدهد. چقدر ظروف جدید روی آشپزخانه برق می زد و درخشید (و همه آنها مال او بود. مال او همسرش گوستانف به آشپز گفت که به رستوران برود و غذا را سفارش بدهند تا برای شان بیاورند. آشپز همه چیز را می دانست چون گوستانف روز قبل دستورهای لازم را به او داده بود. فقط باید بماند آوری می کرد که وقتش رسیده است.)
گوستانف میز را خودش چید تا وقتی غذا از رستوران برسد به شقایبها و کار و پنجه و گلا س روی میز میبوی سفید و نوجید شد. دست گل عروس جایبش کنار لوتیزا است. و حق لوتیزا با لباس فشنگش وارد اتاق میشود پرتو آفتاب به او سلام می دهد. اما او هنوز کمی احساس خستگی می کند.



همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت. حالا فقط مهم کیک برایان خ و شمره با چاشنی مخصوص است. این تجملات برای لحظه می زندگ خطر را برای همسر جوان به صدا در می آورد و انگارانی از گوستانف می پرسد آیا می توانند با این ولخرجیها زنده می کنند؟ اما گوستانف به اوقوت قلب می دهد و از نگرانی های بی موردش می گاهد و می گوید: (یک روز که هزار روز نمی شود. آه میباید تا می تواند از زندگی لذت ببرد. آه چه زیباست زندگی.)
ساعت شش ناگادی، دو سبه زیبایی در جلوی خانه آنها می ایستد و عروس و داماد بیکر می شوند. لوتیزا همان طور که به راحتی به عقب تکیه داده است و وقتی از میان پارک می گذرند و به اسبابها می پیاده بر می خورند کاشکارا متحیرند و با نجات معظم می کنند. مسخوری شود. حتما آنها فکر می کنند که گوستانف خوب از دواج کرده و دخترش را باری گرفته است. حال آنکه آن چاره ها مجبورند بیاورند می کنند؛ اما سواره رفتن بدین زحمت آن هم در حالی که پشتی نرم گادی تکیه داده باشی چه صفایی دارد و این مظهر ازدواج دلنشینی است.
ما اول بهر شار از خوش می بود. آنها با انواع و اقسام مهمانیهای دعوت می شدند و داماد به تئاتر می رفتند. با این حال بهترین اوقات آنها اوقات بی بود که در خانه بودند. چه قدر وقتی گوستانف شبها لوتیزا را از خانه والدینش به خانه خود می آورد و در زیر سقف خانه شان طوری که دلشان میخواست زنده می می کردند. لذتبخش بود. وقتی به ابار تانیشان می رسیدند شام مختصری می خوردند و بعد روی میبل لیس می دادند. و تا دیر وقت با هم گپ می زدند. گوستانف طرفدار صرفه جویی بود البته در حرف یکروز عروس جوان و خانه دار ماهی دودی و کچالو درست کرد و چقدر هم خوشمزه اما گوستانف از آن ایراد گرفت. وقتی باز هفته دیگر نشست غذای ماهی دودی شد گوستانف از بازار یک جفت کیک خرید. و چون کیکها را یک کرون خرید میبوی از این معامله عالی به خود می بالود؛ اما لوتیزا از این کارش راضی نبود خود او یک بار همش تعدا کیک را زودتر خریده بود. وانگهی خورد. دن گوستانفک ولخرج بود با این حال خوب نبود سر این مسائل جزئی با شوهرش مخالفت کند.
بعد از دو ماه حال لوتیزا فالک

نامه بی اخرا به ما رسید که با
 حظی برخی کلمات آن لازم -
 دانستم آنرا نشر نسایم تا
 ازین سرگذشت جوانان درس
 بگیرند ؛
 به ادا ره محترم مجله
 وزین و دوست داشتی بها -
 وون ؛
 بعد از عرض سلام بتمسالم
 دست اندر کاران عزیز مجله
 سبب وون غم قلبم را به این شرح
 مینگارم امیدوارم که در صفحه
 سلام پسران به دختران آنرا
 نشر نمایند ؛
 این غم تازه مهبان قلب نا -
 توانم شده و سنگینی این غم

انقدر زیاد است که تمام لحظه
 های زنده کی ام را تلخ نموده
 است ؛
 فقط چند روز پیش همسری
 که او را ز یاد تر از جانم
 دوست داشتم همسری که
 تمام غمهای زنده گسرام
 بود بوسن خیانت نمود و من
 در دهلز محکمه ناحیه ۷ -
 سند رسوایی و طلاق او را -
 ایشاء نموده و بدستش دادم
 و بدست آوردن سند طلاق را
 برایش تهنیک گفتم ؛
 درین جا میخواهم که تمام
 خیانت ها و جفا های که او -

کرده بنویسم فقط میخواهم بنویسم
 بسم که او زن بسیار بی وفا
 و پر جفا بود او با وجود تمام
 فداکاری هایم او با وجود تمام
 انسانیت و شرافتم چرازنده گوی
 ام را خراب نمود و میخواهم
 برایش بنویسم که تو راستی دختر
 بد بودی تا اخلاق فلسفی
 بود پسکود آشتی تو راستی که نمی
 توانستی یک همسر خوب برای
 من شوی و در سینه ای تو قلب
 زخمی یک زن نه ؛ بلکه قلب
 شریف یک بدکار بود ز تیش است
 و میخواهم برای مادرش
 که ذلیل تر از خودش بود بگویم


که تو انسان نی بلکه یک وحشی
 بودی و از خداوند عالم آرزو -
 دادی که برای هیچ زنی چنین
 مادر و برای هیچ شوهری -
 چنین غمخویش را نصیب نگردا -
 ند ؛ همه سخنان تو بادم
 است که می گفتی برای ما مردم
 هیچ عیبی ندارد که زن
 به شوهر خیانت کند ه این
 گفتار از مقوله های خوشبسم
 بود که بر رخ کشید و من
 دانستم که این ها شرافت
 ندا زند ه این ها همه چیز
 رادر پله های پول وزن مس
 بقیه در صفحه (۸۴)

قصه خانه خود ما

لری اونسی کولای دختری
 مستقل چه هکله تمسالم
 زنسی ؛ که غم هم تراوسه
 ز روز به روزی که غم خبره نه ده
 یاده شوی مغزوه داس فکر
 کم چی زینا ورسته به ده خبره
 با پییزی اوزه به دختری
 راتلونکی ژوند به هکله یوک - ل
 بیا تصمیم نیسم ؛ مگر بکنسی
 تردی بزه پلستکی ماته
 رانغ ته کیزی چه زه بی
 خورا جدی کم او هغه
 زیاد درو با شمانو ژوند او راتلو -
 نکی ده ؛ به دی چه پوهیز
 چی که زه له پل چاسره واد بکنیم
 زیاد لوسپی مسره کوره نیسی
 به هغه کی مد اخله کوسی
 او بیره سخته ورنه اندی تبا -
 پییزی ؛ به دی مسره
 کی به هغوی غمیلی اپیکسی
 له ماسره وشلوی اونه تنجه
 کی داساله زیاد پرد و بکو چنانو
 باندی سخته اضری کوسی
 وان چی د هغوی راتلونکی

ژوند به هم لستونزو دک و ی
 له پلس خواز یاد پلار کوره نیسی
 ته هم زیاد بوهیم کل لپاره
 پا ده کول ه هغه هم له
 کم پردی سره مغزوا سخته
 هم دی ؛ که چیری زنده اخیره
 رابرسره کم زما د پلار کوره نیسی
 اوزما د غم کوره نی د پاره زما
 به خلاف لاسونه سره ورسکی
 اوزما به تصمیم کی خنوبکسه
 چی حتی له ستونزو سره
 به می سخاخ کزی ؛ اوس تو
 بیره ؛ به بیره دوه لاره کی واقع
 هم ؛ بوی خواته می دوه کوب
 چنانا اکره نی و لاره ده
 ایللی خواته می دیوان تو ب
 ژوند چی به سخل وار سره
 له ستونزو یوک دی ؛ که
 بوهیم چی به کم بوه نیسی
 پس کیز دم او تری مسره
 هم ؛
 به دی بول می کسه
 تا سخته و کوره تر کوستا سونظر به
 هم تر لاسه کم او ورسته یوک کل

بیا به دغی موضوع بانسی
 بیه فکر بکره او تصمیم ونسیم ؛
 گرانی خوری ؛
 ستاسوکسه ببولوستله ؛ به
 ریتها سره هم ستاسو
 ستونزده د توجه ورده ؛ زسوز
 به تولنه کی ستاسی به
 شان پیری بخی دغه
 کپا بونه زنی اود بول بی ول
 مجبوریتونه امله هفوته ظاره
 ز دی ؛ به هر حال مژ ته
 هم سخته ده چه تاته زنده نظر
 در کپو ؛ مگر پردی خبری کول
 لای دی او هغه داچیسی
 (کونده د خیل خان وانه
 لری))
 ته هم به موضوع بانسی
 بیه فکر بکره او شلور خواوی سی
 بوسنجه تر کونخه ای به کسری
 به داسی ستونزه کی راگه
 نیس چی به ماسره کله لاس تکوی
 مگر هخ هس به به لاس کسه
 و کس ؛ ستاد رختیا به
 اراکامایی به هیله ؛

باتی له ۳۴ خ کس

 جسم سل میلارد واره تر
 لغره روینانه دی او همدارنگه
 دوهم فضای جسم دی چی
 د بکنس له کزی شخه ن پرواتن
 لری ؛
 ستورویژندونکو دغه جقم
 د ایزاز نبوت تلسکوب به
 برسته د کازی له جزیره شخه
 و لید ؛ باید وویل نی چی
 دغه اجسام راد بوس نیس خبر
 وی او پوهان وایس چی د دغو
 نول ستوروی به منغ کی کدی
 لیدل کیزی ؛ دلوری بصل
 لیاره د شیتو کلو نوبه سرکی
 دغه نول ستوروی کشف شول
 ی یوزر او خلو -
 ستوری بیژندل
 وی دی ؛

کف شناسی علم وسع بوده و نظریه اهمیتیه که دارد توجه انسانها را در طول تاریخ به خود جلب نموده است.

یک تن از علمای قدیم توفیق انسانرا بر سایر حیوانات مریهون دست خوانده است و هم چنان دست به نام خد متکا ر بدن یاد گردیده است در عصر حاضر تعداد زیادی از علمای برجسته و نامدار در علم کف شناسی تبارز نموده اند و آثار زیادی در زمینه نوشته شده است.

محمد اکبر هوتکی آفغانا سن کشور که از سالها پیش اینسو دور از نام و شهرت در این مورد به مطالعات و تحقیقات پرداخته و اینک سی سال میشود که با کف شناسی سروکار دارد و او سالها ها و مقاله های مختلف خود پیش را در ژوندون هشتون ریخ و روز نامه کاروان به چاپ رسانده است و اکنون کارنامه علمی رسی آفغان فلم و رادیو تلویزیون میباشد ، سر صحبت را با او چنین آغاز میکنم .

لطفاً در باره خود رفته تان بگوید .

پاسخ : تحصیلات خصوصی به طور مکتب و مجموعی در علوم اجتماعی علم کف شناسی ، قیافه شناسی تعبیر خواب و پیشگویی کردن شناختن و فهمیدن طالع و همچنان تعویذات دارم و تلاش وسیع من برای کسب دانش بیشتر ادا به دارد و از مدت سی سال بدینسو من درین مورد به مطالعه و تحقیق پرداخته ام .

— محترم محمد اکبر هوتکی آیا کف شناسی علم است ؟

— کف شناسی سابقه طولانی دارد که از تجربه های سر نوشت و زنده گی مردم الهام گرفته شده است .

در تمدن قدیم چین باستان — هند کهن یونان و مصر مطالعات خطوط دست انسان رواج داشته است و بابه وجود آوردن کف شناسان ماهستر اصطلاح خرافات و جادو از روی این علم برداشته شد

در مورد کف شناسی میتوان گفت که این علم میتواند رهنمای خوبی برای انسان ها باشد . محترم محمد اکبر هوتکی بیشتر مراجعین شما را چه کسانی تشکیل میدهند ؟

— مراجعین مختلف از اشخاص زیادی به سن و سال متفاوت مراجعه می کنند اکثر آن ها دچار بحران شدید روحی میباشند و متبایق در مورد دانستن آینده ، رهنمایی از طریق کف شناسی و تعیین سن ، چانس و خوشبختی در زنده گی آینده ، بستگی روزگار و حالات روانی ناگوار میباشند که میتوان گفت نود فیصد مراجعین را انانی تشکیل می دهند که از لحاظ روانی تحت فشار شدید قرار دارند .

— لطف نموده در مورد عرصه های کار خویش روشنی بپا نند .

زید .

— الف : در مورد کف شناسی باید گفت که خطوط دست انسانها متفاوت میباشد که توسط آنها سرنوشت انسانرا میتوان از زمان تولد تا هنگام مرگ مشخص نمود .

هر خط دست از خود مشخصات به خصوصی دارد از روی آن میتوان حتی در مورد تشبیه هویت اشخاص استفاده کرد .

در کف شناسی تعیین عمر و



سال خوشبختی و اقبال — منطق و تبلی ه فسق و فجور و مصیبت و جنجال و خشونت و نرسندگی و سیاست و علاقمندی به موسیقی آموختن موسیقی ، سرد مزاجی ، زبانی ، بی پروایی ، سفرهای کوتاه و دراز بستگی و بندش روزگار را می بیند و در آن زنده گی اجتماعی بودن منزوی بودن ، ازدواج معتدد فردی ، تعداد اولاد و تعیین جنسیت آن دختر و یا پسر عیاشی و تعیین مرضی و تکالیف نسایی ، جراحات و عملیات خیالپا نی ، غالب بودن زن و یا شوهر ، بالایی یکدیگر زندگی و خود خواهی کاملاً امکان دارد . و همچنان باید افزود که ناخن های دست و پا ه کف پا و انگشتان از خود تا نهرات نیز دارای مثلثات نیز قهقی و کم قهقی ه نیک بختی ، تعداد اولاد ، فسق و فجور و مصیبت شدید و اصلیت عقل و دولت و وفات شوهر پیش از زن و یا برعکس آن سر دی مزاج و غیره نیز ارتباط مستقیم با این اعضا دارد .

ب : قیافه شناسی : میتوان از روی قیافه و مشخصات دانست که شخص دا رای چگونه شخصیتی است اشخاص کنجگاو و زحمت کش با استعداد های استعداد مرموز ، ج بون فراموشکار لجاجت فریبکار ، باحیا ، بسی حیا و سبک سر و غیره را —

میتوان از روی علم قیافه شنا سی تعیین نمود و شناخت — ناگفته نباید گذاشت که در علم قیافه شناسی موجودیت ابرو و پیش نیز تا نهر به خصوص دارد و در موضوعات قیافه شنا سی موضوع دهان ، گردن ، چهره و رنگه پوست نیز در نظر گرفته میشود و علاوه آن قد انسان و آواز خندیدن آن نیز تا نهرات به خصوص دارند . که به طور مثال میتوان قد را به چهار ردیف تقسیم بندی نمود :

قد بلند ، قد کوتاه ، قد درشتا و قد میانه که بهترین قد انسان به حساب انگشتان " ۱۲۰ " میباشد .

در ضمن در قیافه شناسی — آواز نیز مطرح بحث است آواز جر ، بلند و باریک ، آواز سست و ناخوش ، دلیل تکبر و حماقت و بد اصلی میباشد .

بده قهقهه سبب هیجای و تبسم دلیل حیای شخصی میباشد و ضمناً و قار و تکمین شخص را نشان میدهد .

ج : شناخت و فهمیدن طالع هر انسان از خود نسایم مشخص دارد و این نام بانام مادرش یکجا به حساب ابجد جمع و طرح ریزی میشود . حساب ابجد امر ضروری — محسوب میگردد طالع و سرنوشت انسان به حساب بعضی ستاره ها و صرح ریزی آن می توان دانست که به کدام عناصر

چهارگانه یعنی خاکی — بادی آتشی و آبی وابسته است . هر یک از این عناصر از خود خاصیت های جداگانه دارد — مثلاً بعضی عناصر با هم ضدیت دارند مانند باد با آتش در تضاد همیشه واقع است . در مورد شناختن و فهمیدن طالع مرد وزن همچنان از حساب ابجد کار گرفته میشود و ازجا نی به عناصر چهارگانه نیز تعلق دارد .

همچنان بروج به حساب — عناصر هر دسته های ذیل تقسیم می گردد .

حمل — اسد — قوس هر سه بروج آتشی اند .

ثور — سنبله — جدی هر سه بروج خاکی اند .

جوزا — میزان — دلو هر سه بروج بادی اند .

سرطان — عقرب — حوت هر سه بروج آبی اند .

همچنان باید علاوه نمود که بعضی بروج با بعضی دوستی و با بعضی دشمنی دارند و بعضی بروج با هم قیامی اند یعنی نه دوست و نه دشمنی که بدین ترتیب میباشد :

(۱) بروج حمل و اسد با هم دوست بدرجه میالغه .

(۲) ثور و عقرب دوست بدرجه میالغه .

(۳) جوزا و قوس و دلو با هم دوست بسیار .



دکتر محمد اکبر هوتکی

او این روزها میاند

صاحب این کتاب

(۴) سنبله و حوت دوست .

(۵) میزان و حمل دوست بدرجه اوسط .

(۶) ثور و سنبله دوست بدرجه میالغه .

(۷) جوزا و میزان دوست بسیار بدرجه اوسط .

(۸) سرطان و عقرب دوست به بدرجه میالغه .

(۹) اسد و قوس دوست بدرجه میالغه .

(۱۰) سنبله و جدی دوست به بدرجه اوسط .

(۱۱) اسد و حوت دوست به بدرجه میالغه .

(۱۲) حمل و سنبله دوست به بدرجه اوسط .

دوستی و دشمنی کواکب ستاره ها :

(۱) آفتاب و مریخ با هم دوست بدرجه خوب .

(۲) زهره و زحل با هم دوست به بدرجه خوب .

(۳) عطارد و افتاب دوست به بدرجه اوسط .

(۴) عطارد و مریخ دوست به بدرجه اوسط .

(۵) قمر و مریخ دوست به بدرجه اوسط .

(۶) شمس و زحل دشمن بدرجه اوسط .

(۷) مشتری و قمر دشمن .

(۸) عطارد و زهره با هم دشمن بدرجه اوسط .

که به این اساس دوستی دشمنی توافق روحی و غیره میسر شده و غیره خواص مرد وزن فهمیده شده میتواند .

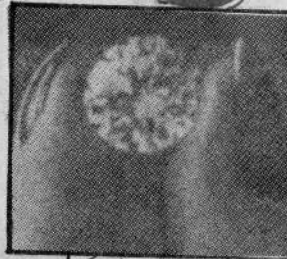
د : پیشگویی ها : هر سال و هر ماه از خود روزهای سه خصوصاً نخست وسط و آخری و اکبری دارد حساب هفته ها مشخصات به خصوصی دارند که تا نهرات مثبت و یا منفی را در سال میداشته باشد .

حتی اگر نوروز به یکی از روزهای هفته تصادف می کند در آن سال تا نهرات به خصوصی خود را میداشته باشد .

لازم به یاد آورست که حتی تا نهرات روزها در پوشیدن لباس مخصوص ها و گفت و بگو به در صفحه (۸۶)

آيا الكاسين نشانه پيوند جاودانه كى است؟

ورنگه آن ۱۰ اين سنگ سخت
 در سال ۱۴۷۵ به مغز يك
 گوهرشناس بلژيكي به نسام
 (لود ويكبركن) خطور كرد
 و او با تلاش نمودن اين سنگ
 قيمتى آن را بصورت گوهر
 درخشان درآورد .
 اين كه چرا الكاسين سنگ
 عشق و زناشويى شد و از چه
 موقع و به چه علت اينگشته
 و حلقه ازدواج اكثر زنان عالم -
 را نيم هاي كوچك و بزرگى
 از الكاسين زينت ميدهد به اين
 سوال و سوال هاي ديگر -
 (فراخوان گول) فرانسوي
 كه اكثر سال هاي عمر خود را
 در تجارت اين سنگ و زينت
 دادن هرجهميشتر صنعت الكاسين
 گذراننده پاسخ داده است
 كه ميخوانيد :
 وي ميگويد : در اروپا
 الكاسين را چنين توصيف ميشنيد
 (الكاسين ابدى است) و از آن
 جاك هرزن و مردى آرزودارند
 عشق و ازواجشان ابدى باشد



زمين است درخشش و كميابى
 اين سنگ باعث شده كه لوكن
 ترين و گرانبهاترين سنگ
 قيمتى جهان باشد .
 ارزتر الكاسين بستى به
 چهار اصل زيودارد :
 - پاكي ، وزن ، تراش

جواهره زينت دلخواه و ابدى
 زن است و با ارزش ترين و نيمه
 ترين جواهرات دنيار با سنگ
 الكاسين جلوه ميدهند اين
 سنگ بدون شك درخشان
 ترين ، سخت ترين و شفاف
 ترين سنگ معدنى در زير كره

لذ الكاسين را برايمشترى و حلقه
 ازدواج خود مينشانند البته
 در موفقيتهاي ديگر همه زن ها
 از ريفات اين سنگ و مرد ها
 از هده كه كردن آن لذت ميبرند .
 حتماً تعجب ميكيد كه چرا
 مرد ها از هده كه كردن الكاسين
 لذت ميبرند ؟
 پاسخ ساده است .
 هر مردى علاقه مند است به
 زن مورد علاقه اش الكاسين هده به
 كنه ؟ زيرا اين سنگ نشانه پي
 خواهد بود بر موفقيت او هم
 در زمينه عشق و هم در زمينه
 كار و ثروت و ميدها نم كه مردى
 آرزودار در عشق و در كار
 بجز در موفيق باشد و س از سه
 دست آوردن اين در موفقيت
 است كه احساس غرور و رضابت
 خاطر ميكند .
 هوي يا نكته داشتن الكاسين
 - معمولاً كس صابون در آب
 گرم حل ميكند و به كمك برس
 يا مسواك نرم سنگ را در آن
 ميشويند .

الكاسين سنگ سختى كه قلبهائى لطيف بخاطرش مى تپد

دغه زور سېرى چى دورخى پينځه وليشت تگلانې خوږى

داس نظر وړكړي چى ددغه
 داپتا كلن سېرى بدن له دغو
 خوږو سره عادت موندلسى
 او كولس يوازې په سلوكسى
 انټر كولمترول جذبوي .
 دغه د اكثر زياته كړه چى په
 خپل ديارلس كاله طبابت
 كى يې ددغه سېرى په شان
 دصغرا قوي كخوړه نه ده -
 ليدلسى .

يو امريكايى چى اته اپتا
 كلن دې دورخى دچركسى
 پينځه هشت هگى خوږى ؛ خو
 بيا هم تراوسه پورې دسى
 دوهنى كولمترول ندي لاس
 شوي .
 دنومانگند دطبيب ژورنال
 په حواله ، اروپوهانو دپنځه
 وشت دانى هگيو خوږول سو
 اجباري امر بللى دي .
 ددغه سېرى كورنې طبيب



خليد ونگى سوربه ورتنه لمر كشف شو

انگلستان دريوال كړ -
 مېنچ رسدخانى او كمېرهج
 يوهان په دې بهالې شول
 چى هوله د ونگى شى په
 نضا كى كشف كړي .
 دالمان خبري منابعو رپورټ
 وركړ چى ستوري پوزندونكسى
 وايى چى ددغه ستوري زناد -
 لمر نوا په پرته زياته ده .
 ددغو پوهانو له لى مخه
 يوه ووهل چى داستوري ته ورته
 پاتى په (۸۱) مخ كسى

دلندن دطبيعى تاريخ
 موزيم په دغووختوكى اعلان وكړ
 چى داوه سوو پينځوس گرامسو
 په وزن يوه تپك دپوهانیا كلن
 انگلسى سېرى په باغچه كسى
 له اسانه راوړلېده .
 پاتى په (۸۷) مخ كى

د انگلستان كى آسمانى تپك راوړلېده

تنظیم از توپا سروروی

سلاطین ملک یک مرد عجیب



در مملکت زنگنه در استبداد مملوک
 آدمهای آشفته که از نظر
 برخوردار و مکرر خود شخصانی
 دارند که مورد توجه قرار میگیرند
 علاوه بر اینها کسی را
 در خوشحال خان میبینند
 در نزد مسوولان اول روزها مییابند
 کافرانی را صاحب میکنند که در آن
 نوشته اند «از آن بوسی سعادت
 میبراهم» و یاد مکنند که در آن
 استبداد کفری خارق العاده
 کهاد کارهای خارق العاده
 میسود. اینها هم که در آن
 سالارملک را شنیدند که اینها
 در مورد ش میگویند که اینها
 بنیاد استبداد استبداد
 نمایان میگردند که اینها
 مانده اند به یاد اینها
 میگویند که در این مملکت
 در مملکتی که اینها در آن
 میباشند که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن

برابر چشمش باید دیدند.
 او از زمان روزها تا حال
 در همان مملکت واقع و اسلامی
 ایام صاحب مسکنی دارد حتی
 برای آن که آبیاری را در حدی
 از زمان پیشتر از خود و تا حال
 سالارملک پیشتر از چهل رخت
 در مملکت را بیاید و تا حال
 در مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن

سالارملک بعد از این
 تا برای به کفتری موزی بود
 شد و به اصطلاح شاهزاده بود
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن

سالارملک به کفتری موزی بود
 شد و به اصطلاح شاهزاده بود
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن

سالارملک به کفتری موزی بود
 شد و به اصطلاح شاهزاده بود
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن
 مملکتی که اینها در آن

پونتها بدرسورد "استعداد" برای پنا و از خوان فلس و نظری بودن یا اکتسابی بودن آن چی نظر دارید؟

لنا: کیفیت صدای اسر فطری و طبیعی است هکسه دارای حد اعلا ای هوسست میباشد اما همانگونه که بیشتر گفتم مهارت های مانسند ناپس آوا هطرزادای واره هسا شایسته گی گزینش کلمات و ترکیبها و تکلیف های نفس کشیدن که شخصی یادداشتن قریحه نسبتا خوب میتواند به سعرت آنها را فرا گیرد اکتسابی است مثلا توانمندی - تلطیف ماطفیس - بخشیدن به آواز هنگام سرایش یک پارچه آهنگ چیز نیست که صرف تنی چند از آوا زخوانان انگشت شمار به اجرای آن قادراند.

ماتعداد زیادی آواز خوانان راداریم که با وجود داشتن پس منظر خوب و عالی داشتن آموزش از لحاظ فنی یگانه کاستی کارشان ناتوانی در همین تلطیف ماطفیس بخشیدن است.

البته هدف و منظر دور من هرگز به این معنی نیست که آوازخوان باید هنگام اجرا کردن یک آهنگ نم انگیز هق حق نماید و اشک بریزد و یا به آواز بلند آنها ی که به کند - آخر اینها به هنر اصیب مبرسانند - آواز باید با تمام ظرافت انتقال داده شود هس مراتع کلیه رموز و دقیق آن مثلا وارد آوردن فضا و تکلیف خفیف یا قوی روی سیلابهای مشخص پایان هر مصرع و مد نظر داشتن دقیق و معنای سر و غیره...

این ها همه بخش از آن چیزی است که من آنرا "تاب" یا "ترو" میخوانم برای سرگرفتن آن باید صرف استعداد داشت هنرا از طریق آموزش درین ساحه چیزی به دست نی آید - پونتها: پاکداشتن شما به روی هرصه هدردهه چهل تام

فست اول این صحابه در شماره پیشتر به چاپ رسیده است



تکنیک کوتاه اما یک خط لا یتناهی

فضا و تحلیل هادر باره "آواز قابل پذیرش" را از رهنه تفهیر داده به خاطر اینکه آواز شما درست در نقطه مقابل آواز هنرمندان شناخته شده و بهروز بندی چون نور جهان هزیره بهایی وشفاد - بیکم فرار گرفت آنها همه آواز های سنگین و به اصطلاح پنجا بی بافت داشتند در حالیکه حنجره شما از یک نوع ملایمت و لطافت و افزون بر آن از داشتن یک موج بلند بر خوردار است ه آوا این را - چیزی جدا از یک تصادف در قن تاریخ میدانند هیا چگونه؟

لنا: پاسخ گفتن به چنین پرسشی بسیار دشوار است. فکر میکردم مردم بهیوسته خواستار یک دگرگونی و یک دگر گونی پذیر اند - آواز من بسا آن هنرمندان نام آور زمان شان یک تفاوت عجیب و غریب داشت - آنها اکثرا به گفته شما آواز سنگین مواج داشتند جالب اینکه آواز شما هیکم در همین تیج و تلاطم یک لبه نازک و تیز نم برده بی نوسر داشت - آهنگسازان نیز یک نیاز دگر گونی پذیر داشتند و به اینگونه مراد نظر گرفتند گویی وقت

حظه بی یافت ه باد نظر در اشت چنین حالتی هدر باره - معیار جدید " شما چی حرف های برای گفتن دارید؟ لنا: درست میگویی آواز گیتادت یک خاصیت استثنایی بنگالی داشت که بن آنرا خصیصه موزون سرایی بنگالین مینامیم آواز او تحت اثر و نفوذ آسوز - شهابی از جانب آهنگسازانی چون او بی نوسر و سچن دیو بر - من کاملا تغییر یافت - ستر انجام اده شوره ویژه سرا - پیش دست یافت که میتوان گفت به هیچ کس دیگر شهادت نسور - ساند - من نیز یگانه دلیل نسور - زوی او را به دست آوردن همین سبک مید انم - میدانید که دارای یک سبک ویژه و ه منحصربه فرد بودن چقدر با اهمیت است -

کنید اگر هگسار ایاز من بخواهند مثل " لنا " بخوانم هدرین صورت به من چی رهنمود های مید هید؟ لنا: قبل از هر چیزی به خاطر اینکه شما گفتید ه فرض کنیم "مانند لنا" آواز خوانی باید بگویم که این به مفهوم "مجبوریت" همانست - وقتی من تازه واردی بوش نبودم هبیش از حد به مطالعته در احوال و کارهای نورجهسان و کتدل لعل سهیگل مبرداختم و چیزی را که تلاش داشتم از آنها بهاموزم رموز اختلافات بهسار چیزی آواز خوانی هچگونه کسی ظرافت برش نرسوند آوا و موسیقی و تمبیر و تفسیر موسیقی آنها بودند - من جزئیات و فرمات کسی رامطا لعه کردم هاز جمله مثلا

اندک به راحتی آواز تمام خوا ننده های مشهور بنام رسیده و با مهارت تقلید کرده میتوانسد - اگر به آنها بگویی مانند لنا - منگوشکر بخوان - با هنر نایبی های شان یک قیامت بر ساسا میکنند و این کار اچنان موفقانه انجام مید هند که به شکل میتوان آن را از لثای اصلی تفکیک کرد اما قضیه صرف زبانی چنین است که آنها آهنگه مراهخوانند - و اگر آهنگساز پارچه دیگری راه آنها بد هدر در انصورت همه چیز از هم فرمیها شد - حتما متوجه شده اید کسی که به کاپی خوانی مصاب شده باشد ه این علیه بسا یک تقلید محض آغاز و یا یک تقلید خام همان پارچه پایا ن

درست است؟ لنا: بلی درست است. من به خاطر احترام زیادی که به نوحاد صاحب داشتم و دارم آن وقت چیزی به روی گفتی نتوانستم - اما در هتم در برابر این خواست اوبک جواب بلند و صریح داشتم و آن عبارت بود از یک بانه - پونتها: در باره تمبیر کما رید اشال شان چی میگویی؟ این ها باید چگونه کنند؟ او واقعا در معارضه مشخص با صد رفیع به جهان هنر آورده شد - به نظر شما تمبیر کما رچگونه باید راه اصلی خود را پیدا کند؟ لنا: فکر میکنم برای تمبیر کما ر دیکس مهارت بر شده است - او در همان یک شبار دو خط موازی محبوس شده است -

لنا: کیفیت آواز یک نعمت خداداد است اما سبک روش یک پدید شخصی است



این را که لفظ "پس" را چگونه ادامیکنند؟ به فتح "ه" یا به کسر "ه" - به هیونگونه تلفظ واژه " محبت " به فتح هسا کسره حرف " با " و چگونه کسی بشدد " ب " - درین حال بسا رمحاطا - نه به آموختن تنها چیزها بی مبرداختم که به صدای خودم به نحوی مناسبت داشتند باشند و به این ترتیب وقتی آواز خواندم همن لنا منگوشکر بودم هنه نورجهسان ونه کتدل لعل سهیگل - تقلید هیچ انسانی را به سرمنزل نسورساند هاسرو ز در هندوستان یک گروه جوانان آوازخوان تازه کاری پیدا شد و

مهد برد و همسار کوتاه دا نیدانم شما آگاهی دارید یا کمین هم زمانی میتوانستیم بدون استثناء از تمام آواز خوانان هندوستان تقلید موفقانه نمایم من قادر بودم به سهولت از خود یک کانتینر یا لایانورجهسان بسازم اما همینکه کمین خوران پارچه های تهیه شده شائرایسه خودم دادند هتصمیم گرفتیم از هیچ انسانی بهروی نکنیم ه با وجود آنکه اینجا و آنجا توسط برخی ها ازین خواسته شد تا مانند نورجهسان بخوانم - پونتها: اگر غلط نشنیده ه باشم ه نوحاد صاحب از شما خواسته بود ه مانند نورجهسان بخوانید ه آیا ای

گرچه من احساس میکنم که اگر او خود میخواست هدیگر کما ر باشد هیکلی یک قسم دیگر میخواند - و اما محمد رفیع ه با ایند بینم که رفیع ه رفیع بود ه هک همتن ه هیکمیکرانه کن ه مردم دنهسا هرگز او را فراموش نخواهند کرد - پونتها: اگر لطف نموده بگویی که شهرت برای شما همتی چه؟ لنا: والله این هم یک پرسشی دشوار است - چی بگویم؟ شهرت یک نعمت خدایی است که میتواند ه زمانی عظمت بیشتر نزد داشته باشد - شهرت ارزش خاص خود را دارد نکته بی بقمه در صفحه (۴۳)

بیماردهان علمی گندم ها

گزارشگر: دکتر وکتور ظاهری

قبلاً در مجله «سازون گزارش» به نسر رسیده بود و در باره «پروژه تحقیقات علمی» باری گندم مطالبی در آن درج شده بود. ما اصلاح کرتیم که پیش از آن پروژه کارهای دیگری نیز در این زمینه صورت گرفته که توجه شما را به گزارش در این باره جلب میسازیم.



گندم های میوات قناعت بخش است. ما تصمیم داریم این عمل را چندین بار تکرار کنیم. در صورتی که نتیجه ثابت باشد آنوقت نمونه های بعد دست آمده را تکثیر می نماییم تا به حیط تخم های اصلاح شده اران در زراعت سراسر کشور عملاً استفاده به عمل آید.

وقابل استفاده به ملاحظه رسید. ملاحظه شود که نمونه اصلی ۱۵۰ سانتی متر بود در حالی که از میوات ۱۲۲ سانتی متر رسید. پس در این مورد دیگر چه تصمیم دارید؟
- عملاً نتایج تحقیقات ما در زمینه کوتاه شدن قد مقدار حاصلات و مقایسه

و در ۱۰۰۰۰ راد ایس-تغییرات به وجود آمده بود. از نظر قد: اصلی: ۱۲۱ سانتی متر میوات: ۱۱۵ سانتی متر مدت خوشه کشیدن: اصلی: ۱۷۷ روز میوات: ۱۷۲ روز در شش ماه ۱۵۰۰۰ راد از نظر قد کوتاهی قابل ملاحظه

از جنجال نبود؟ و زیاد تراژیک و دشنام این دو هنرآفرین همسایگان به ستره می آید. روزی بالزاک اثر (راهله) را به خانه اش آورد و مطالبی ازین اثر را خواند. لئوسانده که کاسه صبرش لبریز شده بود فریاد زد: ((زود از اینجا بیرون برو مرد بی حیا!)) و لسی بالزاک بالمقابل او را به قهر مخاطب ساخته گفت: ((همسایار خوب... من میوم... اما اینرا فراموش نکنید که شما زن نادان و خرد فروش میسازید که تظاهر به عفت میکنید.))
اناجین برخاش هاماخ ان می شد که این دو هنرمند برآوازه برای همیشه از یک پیکر به دور شده اند بلکه هفته نه گذشته دوباره بالزاک باخنده های فحشه ظرافت های لئوسانده را استقبال میکرد.
لئوسانده جوانی را باهمیشگردانده در حلق لوی ناپلین پنا ناپلین سم نیز او را ستایش میکرد. ولی لئوسانده او را ابلهسی و افواگر بزرگ میدانست.
سالون خانه اش همیشه از نویسنده گان، شاعران، سیاه ستمداران وزیران و سفیران پر میبود. ولی او همه را به ریشخند میگردت به کسی که خیلی علاقمند بود بالزاک بود. او را جامع بقیه در صفحه (۶۹)

رسیده بود. او خانه لئوسانده را چنین معرفی میکند: ((هم بهشت است هم جهنم. درین خانه فرشته ها و ابلهسی ها بهلو بیملومی نشینند و بلند بگرانی میکنند. صرف چیزیکه همیشه بچامیانده خود لئوسانده است که همه را به سخره میگرد این اصعبه زمان دردوران زندگی خود که ۷۲ سال راد برگر-فت، شصت رومان، بیستونج نمایشنامه، دوازده مجموعه مقالات و بیست و پنج مجلد نامه ها به میراث گذاشت. در شفر پراشویبار صراحت خام زیبا با اولین آمدن خود در زمین شوهرش را طلاق داده گفت: (نمیوان قلم و شوهر را هر دو در اختیار داشت.))
بعد از آنکه شهرت از خانه او برآمد، در اولین روزها نویسنده نا-تدار آرزوی فرانسه (الفرورموسه) و آهنگ ساز برآوازه (تو-پن) به خانه اش راه یافت و این دو کس بود که از لئوسانده گل شرمسید پارس ساخته اند. باجمن نویسنده گان راه یافت و به شیوه و مانتیکی به نگارش پرداخت. ولی فراموش نمیکرد که سالون خانه اش را نباید از خوشبویی عطر نسترن، شامپاین و دود سگرت به دور نگهارد.
او با بالزاک آشنایی درین داشت ولی این دوستی خالصی

۱۰۰۰ آرزویه اکادمی علمی کشور سزدم. در آنجا دریافت که با وجود محدودیت های مالی و لا براتواری فعالیت های بزرگ و چشمگیر علمی به همت دانشمندان عالیقدر کشور در جریان است و لسم خواست تا از هنر بخش اکادمی علم کشور گزارش های مفصل و جداگانه تهیه بدان و صحبت های هم یاداشتمندان عرصه های مختلف انجام بدهم. و حال که نخستین مطلب را برای خواننده گان گرامی پیشکش مینمایم اندیشه آن تصمیم هنوز هم با قوت خود در ذهن باقیست.

به هرحال در نخستین دیدارم از این موسسه علمی وطن، به ریاست عمومی مرکز تحقیقات زراعت، بیولوژی و کیمیا مراجعه کردم در آنجا صحبتی داشتیم با رئیس عمومی این مرکز محترم دکتر سکندر حسینی که جریان گفت و شنود زیاده تقدیم میگردد.
- شافلی حسینی صاحب تاجاییکه در جریان صحبت با کارمند ان این موسسه آگاهی حاصل کردم در بخش های مختلف این مرکز، پروژه های علمی زیاد روی دست میسازند برای آینده گذاشته اند. تقاضا می کنم که لطفانه در زمینه تحقیقات اتومی که بالای گندم های محلی کشور در این مرکز صورت گرفته معلومات ارایه فرمایید.
- قبل از همه از تشریف

همچنان گندم های میوات در مقابل مرض (سرخس) که یک نوع مرض گندم است نسبت به گندم های اولس فوق العاده مقاومت نشان دادند.
قابل یاد آوری است که نظریه تطبیق اندازه شعاع نیز تغییرات وارده فرقی داشت. طوری که نمونه های بیمار شده با ۵۰۰۰ راد به تغییرات قابل یاد آوری است که نظریه تطبیق اندازه شعاع (میوات) در مساحت ۲۰۰ متر مربع زرع گردید که بعد از خسته شدن نتایج ذیل از آن به دست آمد:
نونه های که با شعاع بیمار شدند میوات از نظر قد درت نمونه به نونه های اولی قویتر بودند.
به همینگونه قد گندم های اصلی ۱۲۴ سانتی متر بود در حالی که از میوات به ۱۲۶ سانتی متر می رسید.

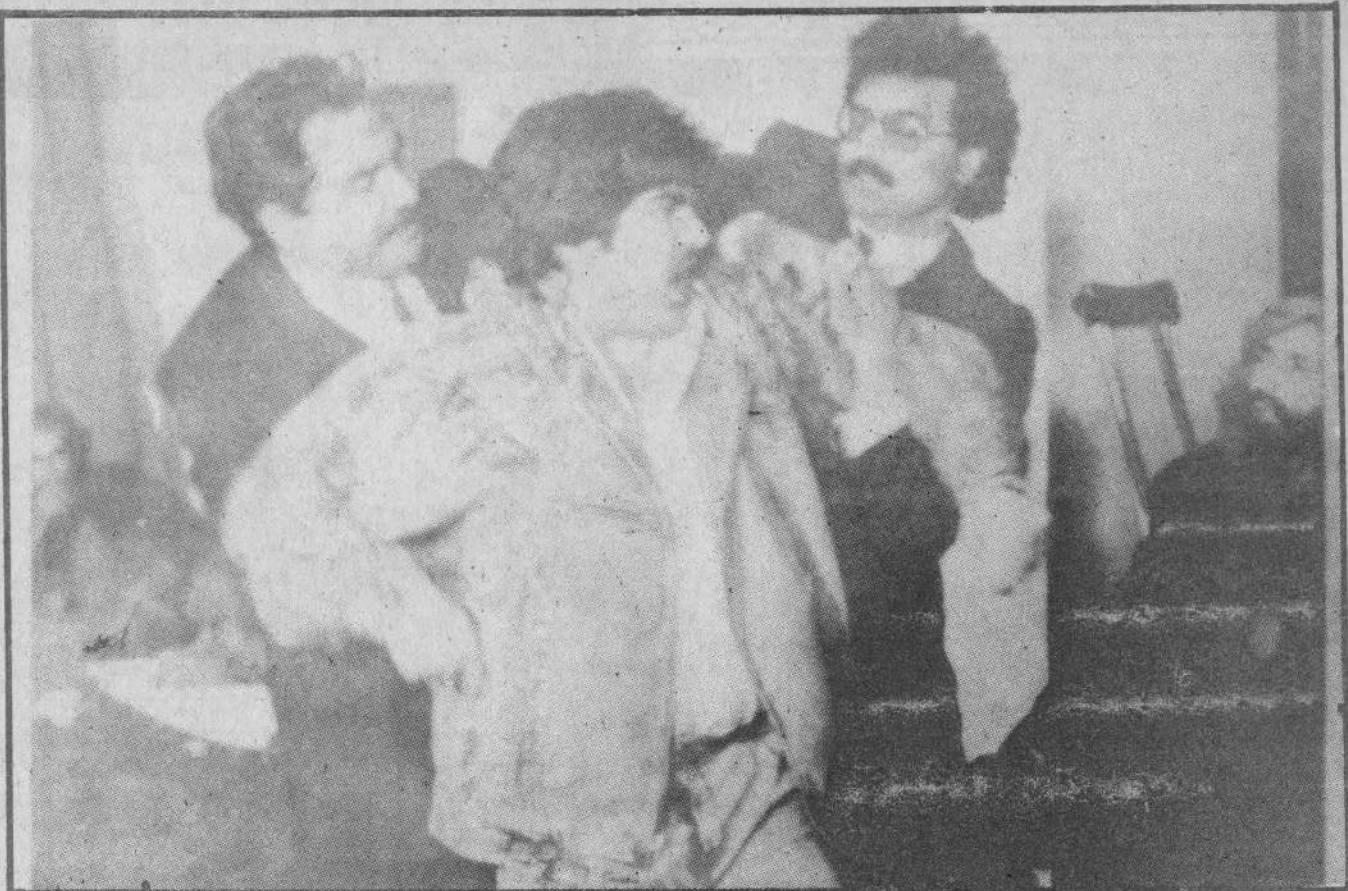
مورد مطالعه به خاطر کوتاهی شدن قد از یاد حاصل و ایجاد مقاومت در مقابل امراض نباتی بود. بعداً نونه های اصلی نمونه های معروض با شعاع (میوات) در مساحت ۲۰۰ متر مربع زرع گردید که بعد از خسته شدن نتایج ذیل از آن به دست آمد:
نونه های که با شعاع بیمار شدند میوات از نظر قد درت نمونه به نونه های اولی قویتر بودند.
به همینگونه قد گندم های اصلی ۱۲۴ سانتی متر بود در حالی که از میوات به ۱۲۶ سانتی متر می رسید.

میراث ادبی لئوسانده

مستد ابراهیم عطاش

آوازه این خانی که عصرش به جمال و کمال اوفتخار میگردت و تخیلات هنرآفرینان را به جنب و جوش می کشاند، بنام لئوسانده شهرت داشت.
او که در نیمه اول قرن نوزدهم در استان ادبیات لئوسانده درخشید در نیمه دوم قرن مذکور با آفرینش های خود ماجراهای بزرگی ایجاد نمود.
او که در یکی از شهرستانهای فرانسه چشم برزیده گسی کشود بهود در جوانی خود روزهای سقوط امپراطوری ناپلین اول و بعداً بحران های بی دری دران شارل رادیده و آنگاه کلو-بی فلیپ تاج فرانسه بر سر گذاشت. خانه لئوسانده به حرکت آمد و لئهوسانده زمان به پارسیان موده داد که دختری را به آنها ارمان کرده است که تصویرشان را هنرمندانه ترسیم خواهد کرد.
او به اولین آثار خود پولو فراوان بدست آورد و خانه در پاریس گرفت که نخبه های آنروز در آن به عیش و نوش و حشرت های پر جنجال سیاسی وادبی میزداخت.
در جمله کلتیکه به این خانه رفت و آمد داشت یکی هم د ونوره دیالزاک نویسنده برآوازه و نویسنده اثر کمدی انسانی بود که شهرتش به همه کشورهای اروپا و به آسیای اوقیانوس (امریکا)

رد پای کجا میروک؟



هنر نه پایست و صرف به
 ترمیف و نشان دادن خوا-
 دت بهر دازد به بل هنر اصل
 و تمهید پایست در پی انگیزه
 و عوامل حوادث و تحمیل
 منطقی آن ها بر خاصه
 دلایل رخداد آن ها را روشن
 بسازد زهرای تقلید محض
 و نمایش محض و وظیفه هنر-
 نیست

در هنر سمنما به بنا بر
 غصلت کارگروهی و غرضت
 حادثه پردازی و بسته کسی
 حوادث با هم ضرورت تسا

تمام نداد ها و صحنه ها روی
 پرده و در تپانی با هم قرار
 گیرند

به روشنی پیداست و که
 در روی پرده نه تنها کرکتر
 ها حرف میزنند بل رنگها
 اشعای شامل صحنه و حتی
 گاهی کترین حرکت نهز در
 ترمیف صحنه ها و زبان سمبول
 لیک خود را داشته هر یک
 در جای مفهوم بزرگ یا کوچک
 را آرایه مدها رد با وضاحت
 این که کرد و کش کرکتر ها ه گام
 به گام و تک تک قابل تا عمل

و وقت میباشند از همینجا -
 ست که در بررسی و نقد یک
 فلم پایست گره بندی و نمایش
 همه مرا حل و جزئیات را مورد
 بحث و نظر قرار داد

به تاریخ ۱۳ سرطان هتازه
 ترین محصول افغان فلم به نام
 "رد پای" در حضور عده سی
 از مقامات رسمی و علاقه مندان
 سمنما نمایش داده شد

رد پای از بلهارد بازی و
 صحت دو همشیک بشمول و -
 شروتنند در اتاقی آغاز می
 باید سپس کش میشود به

سوی چهر و جنایت و تجاوز و
 قتل و قتل دیگر باز هم اراده
 قتل سوم اما پیروزی قانو -
 نمند بر جنایتکار و در پایان
 سقوط بید رنگ فلم به دامن
 قانون

۱. رد پای یک فلم جنایی "قا-
 نونی" است و از آن جفا
 که فلنامه نویس خواسته است
 تا پیروزی قانون را برجناپست
 و جنایتکار باز تاب دهد
 پیداست که بیشتر به سطح
 حوادث افتاده است و تا
 به عمق آن ها و از همین سطح

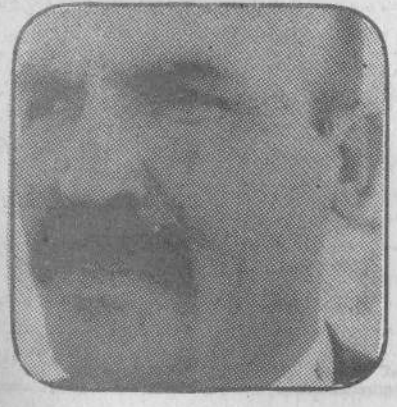
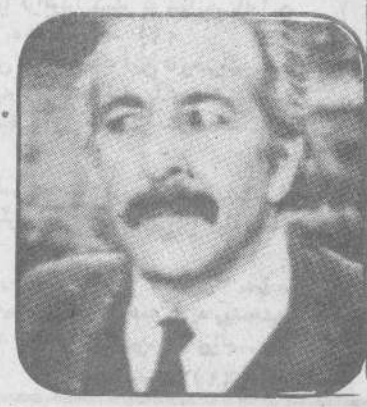
سنا هست - عظیم چسور
 کارگردان - فقیر نیس
 معاون کارگردان - قادر رفیع
 لیسردار - سید مجید حسینی
 منتاژور - قدیر رشیدی
 صدابردار - قاسم کریمی
 مایز - ۳۵ ملی خرساها و سفید
 هنرپیشه ها: قادر رفیع
 عبدالله آرام، جوانمیر
 خدیژی، فهید فیس، فهید
 هیراه و دیگران

عظیم چسور سنا هست
 در سنا روی فلم رد پای
 تصرف صورت گرفته است

فقیر نیس کارگردان
 البته فلم کمبود بهایی هم دارد

قادر رفیع معاون کارگردان
 با تجربه ناچیز مادم را ختم
 فلم های جنایی فکر میگرد
 فلم مو فقی باشد

جوانمیر خدیژی با نقایس و
 کمبود بهایی فنی و تخنیک
 دانگور و تیمگران و هنرپیشه
 های ماست "رد پای" یک فلم
 موفق است



یست که رد پای از قاعده
 کلی و جامع برداشت و تحلیل
 هنری به دور میماند

چشمید که شریک تجارتخانه
 نذیر خان است و زمینه از -
 دواج دختر جوانی به نام
 سلما را با او میجا میسازد
 و بهنند زرف کاو از همینجا
 در می باید که حتما "زیرکا -
 سه نهکاسه است" زهراسا
 در غیر آن پایست چشمید شریک
 یک و دوست خود را از میادرت
 و پیوستن به چنان عملی مانع
 میگردید و یادست کم برایش
 میفهماند که از دواج او در
 این بر ساله کی ه پایک دختر
 جوان هرگز مناسب شخصیت
 او نبوده بل عملیست نادرست
 و قبیح

تا این جا هیچگونه نهصت
 روشنی از کرکتر و شخصیت -
 چشمید به دست داده نشده
 است و نزد بهنند فلم ایمن
 پرسش ها ایجاد میگردد که:
 چشمید کی بوده؟
 چشمید با سلما چی پیوستید

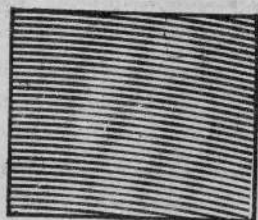
مشروع یا نامشروعی دارد؟
 نذیر خان که مرد شروتنند و
 متولیت و چرا حاضر است
 با دختری که هیچگونه وجهه
 مشترکی با هم ندا رند از دواج
 نمایند؟ و ...
 اشرف و پسر نذیر که در کد -
 شته با سلما رابطه نامشروع
 داشته و حتی غفت وی را به
 باد داده است و کرکتر منفی
 و هرزه چندانی ندا رد که
 دال بر مجرمیت قبلی او شده
 بتواند

نذیر خان به قتل میورسد
 پولیس به دنبال قاتل میگردد
 در ابتدا اشرف متهم قتل پدر
 خود قرار گرفته و زیر نظارت
 و شکجه قرار میگرد اما به
 زودی بهنگاهی او ثابت شده
 آزاد میشود پولیس در اشرف
 تحقیقات و به دست آوردن برگه
 به در یور نذیر خان مشکوک
 میگردد در یور با آگاهی
 از موضوع "بادستان خالی"
 از جنگ پولیس فرار میگردند
 سپس در ویرانه بی واقع در

در رون جنگل انتظار آمدن -
 چشمید را میبرد چشمید
 باز مرسد و پس از یک سخن
 "آوردی؟ آوردم" با کارد
 بر او حمله میکند و بعد از زد
 و خوردی در یور را از یاد می
 اندازد این جا نیز پرسشی
 ایجاد میشود که در یور
 از چشمید چی میخواسته؟
 چرا فرار نکرد؟
 حالا نیت سلما ست
 چشمید به خانه سلما میورد
 و از وی میخواهد که باید مظا
 بق دستور چشمید عمل کند
 سلما تمهید پر د و چشمید با
 آن که مورد شک و تعقیب
 پولیس قرار دارد اسرار هر
 دو قتل را که مرتکب گردیده
 است یک یک به سلما تعریف
 میکند اما آنها این قاعده
 نزد جانی ها وجود دارد؟
 فلم میبایست با صحنه گر
 نتار شدن چشمید و فرو -
 افتادن الیک به دستهای
 او پایان بیافت اما دیده
 میشود که فلم چند شات دیگر
 لطفاً صفحه برگردانید



دوپا یک فیلم جنایی 'قانونی' است



نیز به دنبال دارد که ایمن کار تکرار است بر تکرار و ناپه جا .

در فیلم رد پا هرگز مرکزی وجود ندارد ، یعنی این که فیلم در تمامیت خود عاری از قهرمان است . و باید پرسش این که پرورش چند کرکتر قهرمان نیز در داستان ها و سنا . رها ها ممکن است ، این رقم را نیز در رد پا در نمی یابیم . زیرا کلیت سنا رپوی فیلم در برآگندگی قرار دارد .

فلمبرداری نسبتاً خوب و بازی موفق چند تن از هنرمندان شناخته شده چون قادر فرخ ، اسدالله آرام و جوانشیر حیدری تاحدی فیلم را از خشکی محض بیرون آورده

است . باید گفت که آن گونه که سنمای متعهد و هنرمندانه در پی تحلیل و حلاجی حوا - دت و قضا یا از سطح به عمق گرایش دارد ، رد پا حرکتیست از سطح در سطح و در آنها - بت صرف نظر از نواقص و کاستیهای فنی و تخنکی چون سستی سوند " آواز " اجرای دیبا لوکها و غیره برداشتهای یاد کرده تا این جا ، رد پا تلاشیست قابل توجه و درنگ به این امیدواری که دست اندر کاران سنمای ماه در آینده با تجربه های بهشتی دست آوردهای بهتر و جالبی در زمینه فیلم های جنایی داشته باشند .



پایه از (۲۷) را که من میخواهم بنویسم این است که با همت مغلوب نتواند و دیگر از دست نبرد.

پونتا: یعنی که من خودم بودم. صفحه ۳ مجله را بر روی خانه شما (در پاریس) دیده بودم. بعد از انتظار مورتان کارسره ایستاده بودید و هرگز روان همینکه چشم شانیه شما می افتاد به پورتنگه می افتاد می آمدند همه پاهای تان خم میشدند و راه خود را در پیش می گرفتند. پیمان آنها حتی شکرانه گان نیز میدادند که به من یک کلمه سخن گفتن به شما تعظیم معنوی میکردند و می رفتند. در این باب چیزی بگویند!

لنا: هرگز به پیمان بگویم که چنین کاری مرا خوشحال میسازد. من کمالیافت و ما هسته کسی این همه حرمت فراوان از جانب مردم را دارم؟ حتی باور نکنند من این راه نمیدانم که مردم چرا چنین میکنند.

خوب در نظر داشته باشید. اکنون مثلاً غلام علی خان را ملاقات کنم بدون شک به پاهای من خم میشوم و از خم خواهم شد اما این پلکیده پدیده پذیرفته شده مربوط دنیای موسیقی و سناست. سبب در پیش در میان این عرصه است اما کاری که مردم در برابر من انجام میدهند، از کارهای بسیار فرق دارد. ما برای فلان میخوایم. ولذا اگر مردم چنین احساس بر خودی در برابر شخص خود چنان هم انجام میدهند من مغرب ناراحت نمیشوم.

پونتا: آیا این شایعه حقیقت ندارد که شما هنگام اجرای آهنگ آجاری مردیها برای فلم مد هوستی (آواز تانرا) ساخته بودید؟

لنا: دقیقه چنان نیست البته من آن زبان (یعنی) ۱۹۶۰ هنگامی که باید آهنگی بکنم به پلکیده پدیده برای فلم هوس سال بعد میخواستند یک پرانم آزاد افتد در حقیقت از سالیهای آغازین دهه پنجاه به بعد من به تکلیف سوزناک

هاد چارشدم. فکر میکنم یک کتله گلی مانع او از نوشتن نمیدانم اصطلاح طبع آن چه قسم است: انحراف پرده یعنی یا هیچ چیز.

بعد از حمله این تکلیف من بآب و حرارت و گلورد میخشد. بیشتر یافت من پاهای تریه های مشکل نتوانستم آهنگی بکنم به پلکیده پدیده دل ترا درست ثبت نام. به خاطر اینکه در آن وقت حتی درست گپ زده نمیتوانستم چه رسد به آواز خوانی هیچ داکتری مرا کمک کرده نتوانست گفتند که باید عملیات صورت گیرد این راهم خوب شدیم که عملیات او را با نصب میسازد. باید اعتراف کنم که زیاد ترجمید بودم. همه را که به نظرم می آمد باید برای همه آواز خوانی را ترک کنم از همه میسازم سرانجام تصمیم نهایی خود را گرفتم. باید نزدیک متخصص به خارج کشور بروم.

و سرانجام روزی از سفر برگشتم و آهنگی بکنم به پلکیده پدیده دل را ثبت کردم. یکبار متوجه شدم که شایعات عجیب و غریب در میان من پخش شده است که گویا لنا آواز اصلی خود را باختد است و آهسته آهسته همین آواز کنونی خود را نیز از دست خواهد داد.

تا آنجا که حتی از هر خم خوردن روابط من با شریکا داستانهای دنباله دار ساختند که گویا تنها به من از فرط حسادت برگ زهر در میان را خوراندند است. جالب اینکه آنها همه در روزنامه های مهم نشر شده و هرگز من و شریکا هیچان دروغ و هر خواننده هوس و دوست جدایی ناپذیر بودیم.

پونتا: شما اکثراً از آثار تان مرگ نابه هنگام پدرتان بالای زنده گی و سرنوشت خود یاد کرده اید و اینکه در سیزده ساله گی مجبور بودید اید تا نطق نان آور خانوادگی را به دو شی داشته باشید اما مجبور بودم همین حوادث شما را به

جهان فلم کفاند؟ و هر شی دیگر این است که اگر فرزند چنین نبود. از زندگی شما چه مسیری را میپوشود؟

لنا: هر چند پدرم به من موسیقی کلاسیک تدریس نمیکرد و هر دو مرا به یادداشتن به جهان هنر آواز خوانی تشویق میکردند اما هر دو به زحمت پاهای من به اصول اساسی جامعه بود. از جهان فلم و فلم بازی نفرت داشت و آزارهایی میداد و همین بسبب پدرش می آمد.



لنا منگیشکر در یک کلمه معنی موسیقی

آن وقت ها برای فاضل شدنم به جهان سونما احتیال میکردم و میلیون نیز وجودند است. پونتا: شما میخواهید بگویند که اگر ایشان زنده میبودند ما امروز اعجازی به نام لنا منگوشکر نمیداشتیم.

لنا: با بودن پدرم و کتاب و نهایی ترین کاری را که من میتوانستم اجرا کنم همراهی نبودن او در عرصه موسیقی کلاسیک میبود آن هم برای یک مدت معین. زیرا او پونتا: مرا به شوهر میداد.

پونتا: میگویند شما را در نهمین سنین چندانی به تماشا می فلم ها هم نمیبرد. هاوزد رکس شدن با معاملات تجارتی

فلسه هندی نیز خوش تان نیس آید. از جانب دیگر وقت زهداتان را به سفرهای خارجی سپری میکنید شما پیروز زندگی آهنگهای تان را از روی چی چیزی در میسازید؟

لنا: در پانزده چشمن موسیقی آنقدر مشکل هم نیست. وقتی یک پارچه موفق و مشهور شود من از طریق وسایل اطلاعاتی گوناگونی با خبر ساخته میشوم. مانند تماس های تلفنی به هم ها کارت ها و شاد باش ها و مراسم تهریکی از جانب کمیته های ثبت و ضبط مواجه شدن رویا و حضوری با مردم در برخی از محافل و مجالس و تقاضای اجرای کنسرتها به همین ترتیب جوایز و مدالیهای طلا و نقره. مثلاً وقتی آهنگ تمام تهریکی گنگا - ملس پیروزها میزند ای رانصب شد همه من از چندین جشن اطلاع داده شد.

تعداد نام ها که در آن شوفاژ و اجرا می آهنگ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته بود غیر قابل باور است.

پونتا: آیا شما به زندگی پس از مرگ و معاد دلبخوا و تولد دوباره عقیده دارید؟ آیا استعداد و تجربه کنونی تانرا شمره تلاشهای بیاض های زنده گی قبلی خود نمیدانید؟

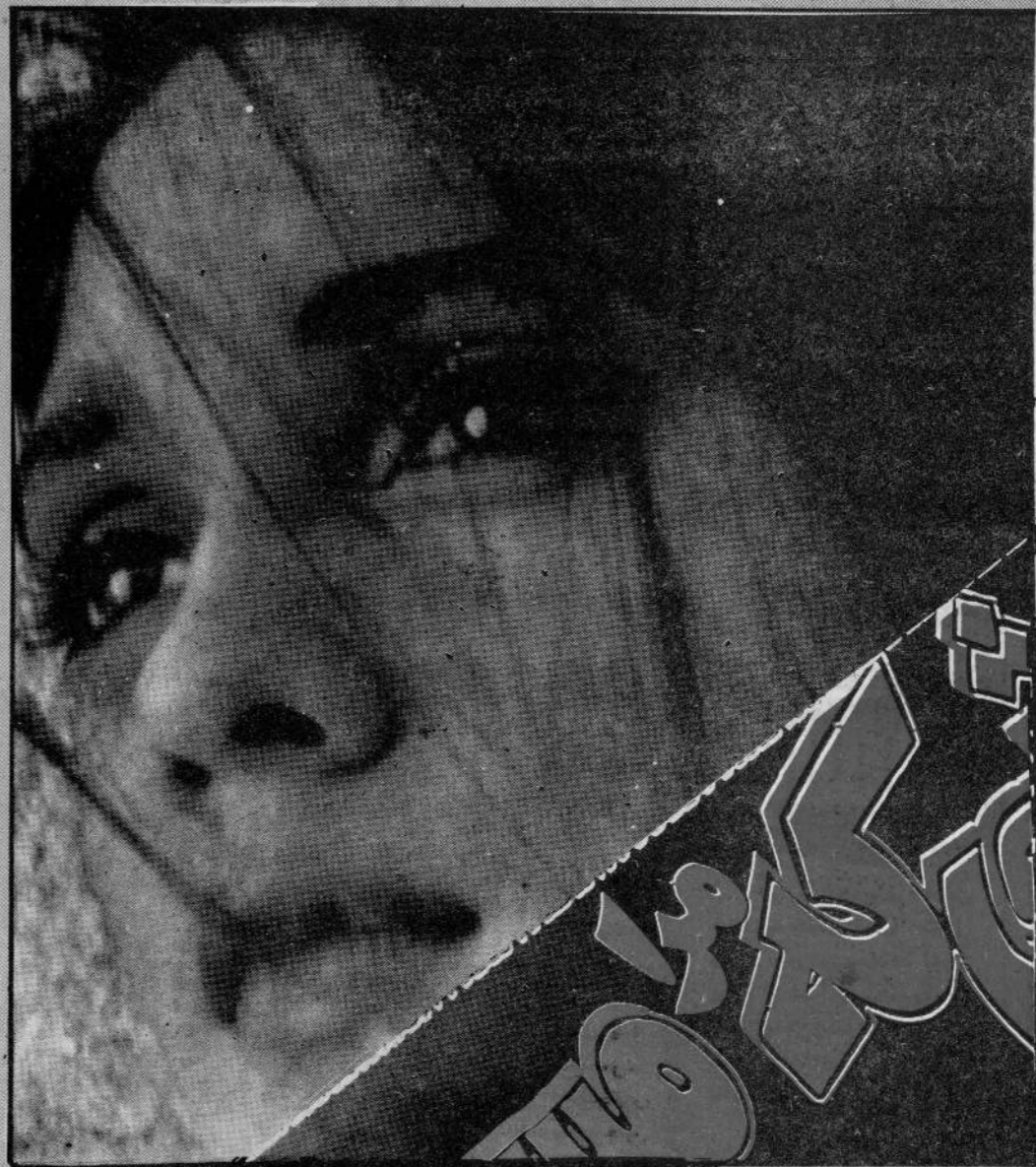
لنا: من به تمام معنی یک انسان مذموم هستم. از تنه دل به خداوند ایمان دارم و فکر میکنم شاید همینگونه که شما میگویند چنین چیزی حقیقت داشته باشد. زیرا هرگز نمیتواند چیزی از هیچ بوجود آید.

پونتا: در پایان لطیف کرده بگویند خود را در یک کلمه چگونه معرفی میکنید؟

لنا: یک کلمه؟ ... مگر من کلمه باز نمیشوم. (وس از خنده ها) خوب بنویسید: لتا در یک کلمه یعنی موسیقی.

از سلسله آشنای سوغات

ان وقت ها عشق و کشفی که از نگاه های مان منشاء سر گرفت ، بر ما سلطنت داشت نگاه های او طوری بود که احساس میکردم در تمام زندگی بنگاه های دل بسته کی عشقش من استم . همان بود که پس از روزگاری روزی برایم گفت : "دوست دارم" دران -



و سالی که من قرار داشتم منی هنگامیکه قلب یک دختر ر با نگاه یک مرد مهربان من جوابی جز این نداشتم که چشم راهبه زهن بدوزم و خاموش بمانم . روزهای اول عشق همزودی آرام مقام عشق و صمیمت ما را - پیوندی احاطه کرد و ما نامزد شدیم اما هرگز هر فرد ای کسی نمآید صمیمت وصفای دسروز

رادر رابطه ماندا شتد زنده کی پدیده هایی استند که با - سرگرفتن کمال و زیبایی میباشند

آشنای سوغات

اما عشق هر نگاهیکه به نقطه وصل میرسد رنگبازد و زجردهنده میشود . مخصوصا هنگامیکه عناصر خواستن و نیازهای زنده کی باهم جمع میشوند . آرام ه آرام ، ماد یگر تنهاها - شقی نبودیم که از نگاه های هم سیراب شویم و یا با کلمات عا - شقانه خود را سیر سازیم اوخوا - ست های داشت و من درمو - قمشتی بودم که باید بهخواست هایش پاسخ میدادم و نیازها - یش را جوابگو میبودم . شاید هر زنی برای مرد همین مقدار ارزش داشته باشد و خواست های عادی مانتکرار میشد و ادامه مییافت و سر انجام آنقدر رجدی شد که پیش از مراسم عروسی من مادردم ، وقتی با او مطرح ساختم که فرزند او را مهرورانی یکبار هم چیز تخمیر کرده صمیمتی نزد او باقی ماند و نه عشقی . میان ما ، خدا یا او چه میگفت ؟ برای من قابل تحمل نبود ، چگونه میتوانستم این حقیقت را تحمل کنم ؟ چگونه میتوانستم آرام باشم و نگرم ؟ چگونه میتوانستم درین رسوایی سباه پوش نباشم ؟ او میگفت : طفلی که در بدن داری ازمن نیست .

من گریه کردم به پاهای من افتادم و از او خواستم باور کند که پای خیانتی در میان نیست از او خواستم که بپذیرد این طفل خون اوست و اشتباه من ... گذشت روز ها روانم را شکنجه میکرد ، به خودم نفرین می فر - ستادم هجی کرده بودم چه گناه عظمی را در پای اعتقاد این پیوند خویشت انجام دادم ، صمیمتی که داشتم نمآند ، بود و من مثل یک زبون به پاهای او زانو زدم و و این بار هم - ندی را که ما با عشق من ساختم من بخاطر رهایی از رسوایی با گدایی آرزو کردم بگفتم : فقط مرا عقد کن و بعد رهام کن تا از رسوایی در امان شوم .

او بلاخره حاضر شد مسرا

عروس خود بستازده اما من میدانستم چی سرنوشت شوم در انتظار منست ها و بامن عروسی کرد ، نمی گویم ما باهم عروسی کردیم ، زیرا من این پیوند را از او گدایی کردم . اتفاقی کسه پیش آمد چون شدتا مادتمه دراز تری باهم بمانیم . درین مدت من صاحب چهار طفل شدم ، فکر میکردم کم کم بهانه ها می شود ، از فضای خانوادگی ما دور میشود ، آرام ه آرام من به زنده کی دل بسته شدم و او همدم بیشتر کردید . محسوس میکردم برای او خود را وقف کنم . اما باز هم پای یک عشق د بگرد زنده کی شوهر بدارد کردید اول فکر میکردم شاید دومین عشق او باشد ، اما بعد ها آگاه شدم که او با چندین دختر ، رابطه های داشت و برای آن ها وعده های برای زندگی مشترک داده است ، برخی ازین دختران همبکه آگاه شده اند که با مرد زندار و طفل دار طرف استند ، شاید دلشان به خیال یک موجود مثل خودشان سوخته و نه خواسته اند سرنوشت یک مادر و چند کودک را با یک آرزوی زود گذر و یک هوس زهرنا عشق به سبه بختی بکنند .

این بار فضای خانوادگی ما باز هم تیره شد ، او مرا با لست و کوب و شکنجه روانی از خانه بیرون کرد من به خانه پدر و مادرم پناه بردم به راستی اگر آن هارا نمیداشتم ، شاید امروز در شمار زنان روسی شهر ، یک شماره تازه میبودم ، چرا که در - کشور ما وقتی برای یک زن چنین بدبختی رخ میدهد هیچ جایی نیست که در آن جا به او پناه بدهند کاش پناهگاهی وجود - داشته باشد کومتی یک زن بد بدبخت مثل من از خانه شوهر راند میشود بتواند عزت و عفت خود را رانجانکند دارد .

برای زنی که شوهر دارد طفل دارد ، یک لحظه هم بدون طفل و شوهرش خوش نمگذرد ه آسای باو رکرد میتواند که من در آغوش مادرم و در پناه پدرم

را برایم مانند دوزخی احساس می کردم و یاد فرزندانی چه شکنجه بزرگ بود که مرا کوچک ساخت . شبها تانیمه ها خواب - بسم نمی آمد ه اشک همیشه به چشمانم خانه داشت . برای قلب عاشق پشه او باز نمیدانم چه اتفاقی افتاده که به خانه پدرم آمد و بهانه آورد که یکی از طفل های من مریض شده و باید به به خانه بروم ، این بار او با تضرع و نیاز به سوی من آمده بود . چقدر دلم خوش باورش شد ، فکر کردم او بلاخره به صداقت و پاکی من باور کرده و حسی اگر گاهی هم داشتم ، او به نام کودکمان مانرا بخشیده است ، دل یک زن اگر سهار هم سخت باشد باز هم همانقدر نرم است که کوچکترین عاطفه او را میتواند شکل دهد . من بسته لبا سها - یم را گرفته آمدم تا در دیدار از کودکمان دل خوشی کنم و گریه سرد هم .

بعد ازین حادثه ما صاحب فرزند دیگر نیز شدیم و مدتی را باز هم زیر یک سقف به سر کردیم . اما او عاداتا به هر دختری ابراز علاقه میکرد ، دخترانی که به خانه ما میسه مهمانی میآمدند عاشقش میشد و در باره او فکر میکرد و طبعها که درین مدت من از جانب او اهانت میشدم و مورد لسه و کوب قرار میگرفتم ه در خانه بی که پدر ه مادر را مورد لست و کوب قرار میدهد فرزندانشان بیمار و وحشتزده بار میآیند . آن ها از پدر میترسند و فردا بار - گرانی بردوش جامعه خواهند بود ه دلم به حال فرزندانی خیلی میسوزد که قربانی هو - سهای یک پدر میشوند ، من برای آن که هر نوع سوء ظن و تشو - یس شوهرم را برطرف کرده باشم از مدت ها است که در خانه استم و جایی نمبروم ه کارم را تسرک گفته ام و فقط خود را وقت کود - کان و خانواده ام ساخته ام ه تنها مصروفیتم کار برای آنها و عبادت برای خداست .

اما نمیدانم چرا همیشه دم دارد ه خداوند

با این حال که نه تفریح دارم و نه خوشی ، باز مراد چا رخادته ساخته است . شوهرم بار دیگر عاشق لبت د بگرشده مان دختر که زبانی چندانی هم ندارد میخواهد به سینه یک زن و قلب پنج کودک لگد کند و شهراره یک خانواده بدبخت را که بدون آن هم خوشی ندارند ، به سیر و زور رشته بدنام طلاق میسوزند . دهد . من باور میکنم مردی - مانند شوهر من که برای پنج فرزندش نتواند عاطفه بدهد و نتواند مهربان باشد ، برای هیچ دختر و هیچ زنی مهر - بان نخواهد ماند ، آدمهای مثل او بدبختی جاو دانسه دارند و بنا بر همین عقده می خواهند از تمام دختران و زنان خوشبخت محو بختی گدایی کنند ، ولی هر کسیکه با چنین مرد هوس باز همراه شود خودش بدبخت خواهد شد . شاید من ظلم بزرگ را تحمل کرده باشم و شاید هم قربانی سرنوشتی شوم که شوهرم برایم رقم میزند ، شاید فرزندانی نیز قربانی این عشق شوند ، اما دل من به حال زن دیگری میسوزد که در جای پای من در بستر دوزخی همسرم و در خانه کلان دیوارهای آزار و شکنجه میبزند پامیکند . من مانند دخترانیکه خوانندگان درین سلسله در سهاورن خوا - نده اند کشتزار سوخته دیگری استم که سوختنم را میبینم و پیش از آن که تمام هستی ام بسوزد آتش را احساس میکنم و من - میسوزم و بامن پنج کودک کم نسیز میسوزند و یکجا بامن شوهرم نیز میسوزد ، آن دختر بدبخت کسه میخواهد همسرا بنده شوهرم شود ، او نیز میسوزد این آتش این تنها یک کشتزار نه بلکه یک خورن را می سوزاند

ابراهیم و علامت رستخیز *
 مردم با بیل در آغوشت خوشی بسر -
 میبردند - و از شاخسار درخت نعمت سایه -
 بان موساختند و ولی در شب در پیچور -
 گمراهی دست و پا میزدند و بتها را بدست
 خود می تراشیدند و آنها را پروردگار خود
 میخواندند و بعنوان خدایان برپا میدادند -
 اشتند و بجای پروردگار جهانیان پرستش
 و نهایت میکردند .
 نمرود بن کئمان بن کوثر در شهر
 بابل زمام مملکت را بدست داشت و خسرو
 سرانه بر مردم حکومت میکرد : نمرود چون
 دستگاه عریض و نعمت بسیار و قدرت و -
 سطوت سرشار خود را دید و از میزان
 جهل و بخرید مردم آگاه شد و خویش را
 خدا نامید و قوم را میپرستید خدا خواند
 در زمین و مع تبا و محو فاسد ی
 در مملکت بابل (۱) ابراهیم متولد شد و
 خدا تعالی او را بره راست و حق هدا -
 یت فرموده تا با پاری صاحب فکر ناقص
 و شور و وحی الهی در یافت که خدا یکی
 است و آن خدای یگانه بر سر اسرجهان
 سیطره و احاطه دارد و آن بتها و تماثلهای
 که مردم آنها را میپرستند و میپرستند و
 در برابر اراده الهی عاجز و زبونند ازین
 رو تصمیم گرفت که مردم را بتوحید بخواند
 و قوم خود را از پرتگاه شرک و زلزلت برهیل
 کند .
 ابراهیم دلی لبریز از ایمان و سلوا از -
 اطمینان و یقین بقدرت آفریدگار داشت .
 ابراهیم در دعوت آزر ادب و ولایت بکار
 میبرد *
 ابراهیم بسوی پروردگار دعوت میکند و
 دعوت خود را بانگوشتر معبودات آن قوم
 آغاز مینماید .

قصص قرآنی
 زوآن بیاموز

سکها علی ابراهیم

آزر که جد مادری ابراهیم و ازیت پر -
 ستان و از تراشیدن گان و فرود آمدن گان بتها
 است و بنا بر این او حکم آنکه بعد از وفات
 پدر زود یکسری مردم با ابراهیم و سزاوارترین
 ایشان بنصیحت و اخلاص است و بسایید
 زودتر از همه براه راست هدایت و به تو -
 جهد دعوت شود . خاصه آنکه او خود از -
 صورتگران بت و دعوت کننده گان بهت -
 پرستی و کانون شرک و ضلالت و از این
 روهدایت او در حکم ریشه کن ساختن فساد
 و شرکگرایی است .
 ابراهیم دعوت و تبلیغ آزر را بتسفیحه
 و نندوشتر معبودات و شفقش خدایان او آغاز
 نکرد ، تا از دعوتش رهنده و آزر در ده
 و از شنیدن حجرتش کوب بر نهند و بلکه بسا
 نندوین سبک و اسلوب با او بگفتگویر -
 داخت و با لحن ملایم مودبانه با او
 شروع بمحاوره کرد و نخست از نبوت خود با او
 سخن گفت ، تا از این راه خاص او را بخود
 متوسم که بعد از الهی دچار شوی و در
 زمره یاران و اتباع شیطان در آئی .
 آزر بر عناد و کفر خود بیغزود و از -
 متابعت راهی ابراهیم با کرد . با تر شروی
 و در شخوش با او مواجه شد و او بشفقتش
 را نادیده انگاشت و از سر تحقیر و عناد
 بالحنی خاکی از تعجب و تهدید بد گفت : آیا
 تواز خدایان من روگردانی ، هر آینه اگر
 از این رویه برنگردی ترا بتهم خواهد ساخت
 و سنگسار خواهم کرد پس از شدت خشم من
 بهرهیز و آتش کینه و انتقام را بر منگیز و روز
 گاری در از این درو شود]
 ابراهیم بتها را در هم می شکند *
 ابراهیم چون انکار و عناد آزر را دید
 از صدایتش نومید شد و سخت بر او گران
 آمد که خیرخواهیش را با خشونت رد کند و
 و از دعوت حقش بهزاری جوید . ولی ایسن
 بهشامد تا گوار و بر خورد نانه چاره او را از
 ادامه دعوت بحق باز نداشت و از بهارزه

اشرك و قوم مشرك خود سمت ساخت ،
 بلکه اراده نهر و مندش مانند آهن آبدار
 در زیر ضربت پتکهای گران محکوم شد و
 تصمیم گرفت که با کمال سرسختی در برابر
 عقائد فاسد قوم به پیکار پردازد و هر چند
 در این راه پارتجبهای گران و آزارهای
 فراوان مواجه شود .
 یکی از امتیازات ابراهیم برهان
 قوی و حجت نیرومندی بود که در برابر خصم
 بکار میبرد ، برهان و قیاس را چنان با مهارت
 بمصراع موساخته و دایره استدلال -
 را چنان بتدریج تنگ و محدود میکرد ،
 که ناگهان بطور غافلگیر خصم را در دام -
 اقدام میکشید ، و راه فرار را زهر سو بر او
 مینمست .
 ابراهیم از قوم پرسید : معبود چهست
 و شما چه چیز را پرستش میکنید ؟

گفتند : ما از آنجست بتها را میپرستیم که
 پدرانمان را در پرستش آنها یافته ایم .
 ایشان اقرار کردند که بتها نمیشنوند
 و مالک نفع و ضرری نیستند ، ولی اقتدا میکنند -
 شتگان و تقلید از پیشینیان را مستمسک خود
 قرار دادند و قدمت و کهنگی عقائد خود را
 د لامل حقانیت آن شمردند ، و این ترتیب
 خویش را از روشنائی نظر صحیح و فکر سلیم
 محروم و محجوب ساختند .
 ابراهیم گفت : محقق مسلم است که -
 شما و پدرانتان در گمراهی آشکانه بودید .
 قوم چون در زیر بار حجتها ی نیرومندی
 ابراهیم بزانو درآمدند ، آغاز ماجراجویی
 کردند ، و فریاد برآوردند که ای ابراهیم
 آیا کار تو بجای رسیده که از شان و مقام
 خدایان مامیگانی ؟ آیا راستی بتها ی
 ما را نگوهر میتی ، یا آرزای باز چیه و شوخی
 در آمدی ؟
 ابراهیم گفت : من از روی جد سخن
 میگویم ، زیرا بر ایشما دینی محکم و استوار

شکست

اهلی

آورده ام و شمارا براه راست میخوانم .
 همانا که پروردگار سزاوار پرستش شما
 آفریننده آسمانها و زمین و مدبر شئون
 و قائم بر امور آنها است .
 اما این بتها مالک نفع و ضرر خود شان
 هم نیستند ، اینها یکمشت سنگهای سخت
 و چوبهای تراشیده و میخکوبند ، پس باید
 از پرستش آنها اجتناب کنید و خود را از خضوع
 در برابرشان برتر دارید ، و از فتنه شیطان
 و اغواء او بپزیدید و بدیده عقل و -
 بصیرت خود را بگشایید ، تا مگر هدایت
 یابید .
 گذشته از این حجتها ی قوی ، باید
 فکر کنید که من پیش از شما ازین بتها دوری
 گزیده و از پرستش آنها اجتناب کرده ام -
 و اگر ایشان قدرت بر سر برداشتن مرا در
 چار ضرر ساختن من ندارند ، پس چون
 حجتها ی نیرومندی ابراهیم در
 قلوبهم اثر نیفتاد ، و از دعوتش رخ برتاقتند

و ابراهیم دید که گوشهای ایشان کردلها
 شان محجوسست ، و همچنان بدامن او هام
 خود در آویخته اند ، و میپرستش بتها اصرا ر
 میورزند ، در کهن بتها شد ، و قسم یاد کرد
 که که خود را بتوجه آنها سازد ، تا بحسن
 و عیان در یابد که آنها قادر بر نفع و ضرر
 و دفع آزار از خود نیستند و قوم را از -
 عبادت نفعی و از ترس عبادتشان ضرری
 متوجه نخواهد شد .
 قوم ابراهیم را عادت چنان بود که
 هر سال عید و جشنی بر پا میکردند و ایام
 عید را در خارج شهر بسر میبردند و طعام
 فراوانی در معبد فراهم میساختند ، و تا
 چون بشهر باز آیند با کواچی صرف کنند و
 عقیده ایشان بر این بود که خدایان شان
 در طول غیبت ایشان آن غذا ها را برکت
 میدهند . هنگامیکه میخواستند از شهر
 بیرون روند از ابراهیم خواهش کردند که
 همرا هشان برود ، ولی ابراهیم دعوت -
 ایشان را نپذیرفت ، و تصمیم گرفت که تخت
 بتها شان را و از گون سازد ، و برای بهانه
 تمارش کرد ، و اگر چه بظاهر بیماری -
 نداشت ولی رو حتراسرده و ملول و دلش
 گرفته و محزون ، و از گمراهی قوم بسیار متاثر
 و غمگین بود .
 قوم از ترس آنکه مبادا بیماری ابراهیم
 بد یگران سرایت کند او را در شهر تنها -
 گذاشتند و با عسرت و شادمانی بخارج -
 شهر شتافتند .
 اینک شهر خلوت و آرام و معبد خاموش
 بخالی از ضجه و غوغاست و حتی خدمه و -
 سنده معبد نیز از شهر بیرون رفته اند .
 ابراهیم که شهر را خلوت و دشمنان
 را غافل یافت ، ازین فرصت استفاده کرد ،
 آهسته آهسته بسوی بتها روان شد و معبد
 در آمد و دورنمای آن صحنه و منظره بتها
 را تماشا کرد ، و طعامها را بدست کف پیش
 روی آنها گسترده اند ، پس ، از روی -
 ریشخند و تحقیر ببتها شوخیاش زد و گفت :
 غذا نمیخورید ؟
 پس چون سکوت مستمرا ایشان را دید ،
 بار دیگر لب با ستیزه گشود و گفت : چرا
 سخن نمیگوئید ؟
 بدیهی است که سنگها و چوبهای
 بوجان ، یا رای فهم و ادراک و قدرت -
 سخن گفتن ندارند .
 در این هنگام قسمتی از بتها را بباد سخت
 و قسمتی را با پایزمین زد و سرانجام چون
 شعله خشم و انتقام از دلش زبانه کشید ،
 تیری را برداشت و سرخ بتها رفت و سر
 دست بت بود که زیر ضربه های تیر پیش پای
 ابراهیم خاک مافتاد ، و قطعات سنگ
 و چوب بود که تلی را در معبد تشکیل میداد

بتها همه از ضربت تیر و قوت بازوی -
 قهرمان تو عهد بهره و نصیبی کامل گرفتند
 و تنها بت بزرگ بود که ازین ماجرا ایمن
 مانده بود ، زیرا ابراهیم او را باقی گذاشته
 بود تا پایه احتجاج پر شور و هیجان خود
 را بر دوش او استوار سازد ، و چون قوم از
 انجام مراسم عید بشهر باز آیند و از او سپر -
 سند که کدام کرا احترام معبد شان را هتک
 کرده و بتها شان را درهم شکسته ، او را -
 نشان دهد و سرانجام ، ایشان را با اعتراف
 و اقرار آورد که بتها سخن نمیگویند و عقل
 و اراده ندارند ، و قادر بر نفع و ضرر نیستند
 تا مگر پس از این اعتراف صریح بخود آیند و از
 گمراهی بازگردند .
 قوم بشهر باز آمدند و حال تباه
 خدایان خود را مشاهده کردند . هول
 آن منظره چنان عظیم بود که مدتی ایشان
 را مبهوت ساخت ، و پس از آنکه از حال
 بهت بخود آمدند و عیان اعصاب را بدست
 گرفتند ، در جستجوی مرتکبان عمل
 خطیر برآمدند ، و با هم میگفتند : چه
 کسی اینکار را بر سر خدایان ما آورد ؟ هیل
 تا که او از ستکارانست ؟
 در این میان یکتا گفت : ما جوانی
 را میشنیدیم که بتها را نام میبرد ، و نام
 آن جوان ابراهیم است ، او ما را از سر -
 ستارین بتها سرزشتش میکرد ، و ایشان را
 تحقیر و مضمون و پس چنین مینماید که او بر
 این کار جرات و روزی دهد ، و آنها را در هم
 شکسته است .
 ازین راه شکند ، بتها را شناختند ،
 و تصمیم گرفتند که او را بکفتری مناسب با
 گناهش برسانند .
 آتش خشم و انتقام در دلهای قوم زبانه
 کشید و فریاد زنان احضار او را خواستار
 شدند تا محاکمه و کیفرش را تماشا کنند .
 مسلم است که اجتماع قوم در یک سر
 زمین ، یکی از آرزوهای ابراهیم بود ، که
 مدتتها در انتظار آن بسر میبرد ، تا بر ملا
 ود حضور همه افراد قوم حجت خود را
 بر سلطان عقیده ایشان بیان کند .
 داستان ابراهیم بصیرت برق در همه
 محافل و مجالس و بر سر هر کوی و برزن منتشر
 شد ، و مردم دسته دسته برای تماشا ی
 ابراهیم و محاکمه و کیفر او فراهم شدند ،
 تا از دیدن شکجه و عذاب سوزخشم را
 در دلها فرو نشاندند .
 بیست قضات ، ابراهیم را در حضور
 جمعیت خصمانه حاضر کردند ، و محاکمه
 علنی او شروع شد .

کدام آفتاب ه از چه عرضی برآمد ؟
 که شب در سرای خراسان سرآید
 کدام آستان دست شیطان گرفته ؟
 که از خاک ما سوی خون سرآید
 چه ابری فراز آمد از قمر دوزخ ؟
 که پیکر سرو پارس اغکسرآید
 زمین ه از س آماج نهی آوران شد
 زهر خورشید خونا به نهفتن سرآید
 نه دهقان رامانده پلوان به خاطر
 نه از بهل ها ه یاد آهنگرآید
 چه ترکیده در ترکه تا کزاران ؟
 که از گرد شان دوده احسرآید
 کدام آتش آویزه لانه هاسد ؟
 که با باد پامینه دود سرآید
 کج افتد قد سازه شمشاد هارا
 ز بس باد چو چو چا و لگ سرآید
 ز بس سینه ها زخم ناخن بخوردند
 نفس چون گزاهگر خنجر آید
 ز بس هفتد نیکشان هنی کشیدند
 نسای غم از درزه هر در آید

چه سستی د دیده به رگهای پیمان ؟
 چه پستی ه که بر قامت باورآید
 چه دایه سهاست ؟ که هر کاتبش را
 هوس بر کله داری کفر آید
 چو با فر بهو بند شهر بشرا را
 به بام پیری دیمو امسو نگر آید
 نکون آمد این روز گاران که بینی
 زفن را هول بازی سنج سرآید
 نه سلطان سلامت رود نس سبهد
 چو سیلاب خون از چرلفکر آید
 شهبخونی شمشکن خیز و مگذار
 که گفتار تاخانه کفر آید
 چگر گنج لؤلؤ بهاید صدف را
 شنیدی مگره کز خرف گو هر آید ؟
 زمانه بس هرزه بارز بها لود
 دگر از کدامین زمج زبور آید ؟
 در این دور بی خورد خروار خروار
 چه از مننی های منگه آور آید ؟
 جهان راز یک چشم دیدن نهاید
 که کج خطی از بینش اهور آید

بغندد به رهش خود آن بی تمیزی
 که مگ نکرده به سر منبر آید
 هدف هتا به " جمل مرتب " نهی
 چه خیز دزد پلوان ه چه از دفر آید
 عروس سخن را ه چو سوزند مصحف
 دگر با چه آینه را بشکر آید ؟
 برین به شعوری برین پر شمعاری
 درخ از ور هر درخ آور آید
 نهیند به جز پیش پا هیچ چشمی
 درخت برین و ادی محفر آید
 به خشم خدا چشم گرداب خندد
 چو بر ناخدا کوری لنگر آید
 دگر از چه راهی ه رمان جویسی ؟
 چو رهزن به در بانسی داور آید
 بها ا سوره سبزآ بس بهار هم
 که آتش بر اندام آتشگر آید
 بهضم یارب چه روزی ه که روزی
 تنه از بس دشت خاکستر آید

کابل سرطان ۱۳۶۷

آسرهین

رشته خاسته

ورمی او غوتی

دلته د ژوند بسرلش ورمی
 چی د سبایه و زرد الوتلی
 د پوی تاندی ز غوتی خانی
 شکی غوتی تخنوی
 که د ابیلوتی و مسخری
 د لیسوانی به هوس
 او
 د گلخانگود شوی یا نیرتاشا
 د غور بدلی غوتی
 به بنایسته انگو
 د ی رابرتوتی خلائی وراثتی
 اوسری د عطر و لولیزه دالی
 نه راه شوی
 د ژوند ون بسرلش ورمی

د باقی بریال

دوه شعرونه

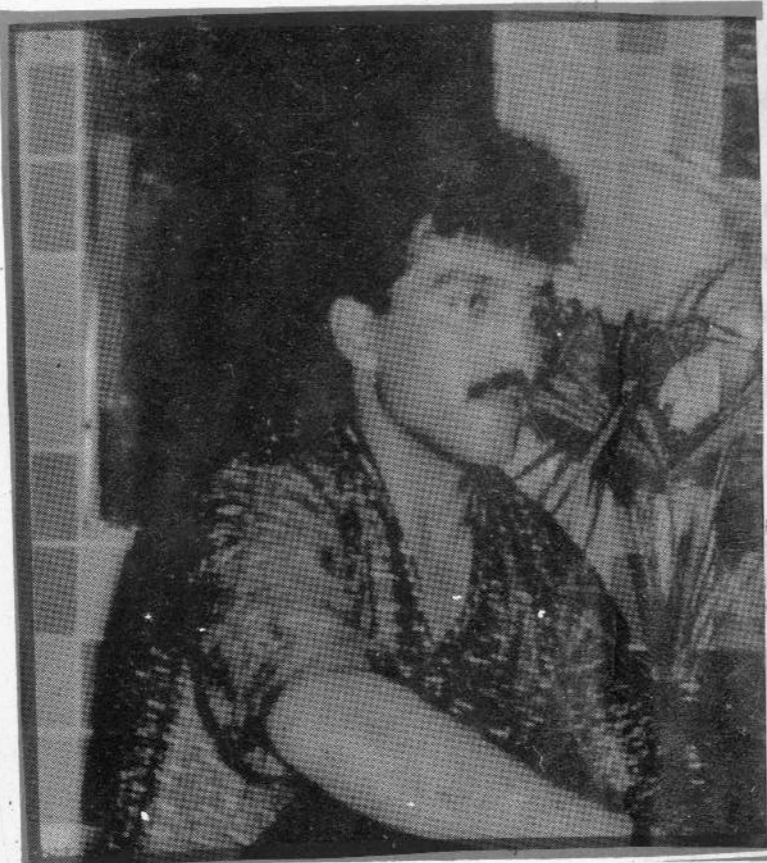
سکلا او گرمی

به زره ورتکوترانیکسی ارازونه
 بالسه تا اوم دمنی غزلونه
 له سکلا سره گرمی شمته ورکبا
 د خو زی ئی نخری اوسکیزونه
 اوچی ستاره به دیرنگن چمن کی
 لاس تر لاسه چیری اخلم قد بونه
 له هرچه نه بهگانه مشونه شاکوم
 دلته ههله راته خاندی سر بکونه
 راته ناخی تر نظره کلنونه
 اوردهن اینه می وی رویتانه
 ژوندون تبول د خوشالوانگاره می
 لهیدلی متخندلی می خمالونه
 جوړزنگ د شاعران هن په باغچکی
 ستاد غوندو د گلپانیا تخورونه
 ستاد غر په شایسته سکلونغموکسی
 د شپلی په شان دمنی پتارازونه
 چی زما دارمانویشی هراره
 رنگنه وی هاشیسی هغه وختونه
 د سکلا پردی ناپایه تنداروکسی
 پوختهله برنژدی غی سترکی ژورونه
 اوزاد شمرناری غوه پسرللی
 چی داستا په یاد پسرل سکلا رونه

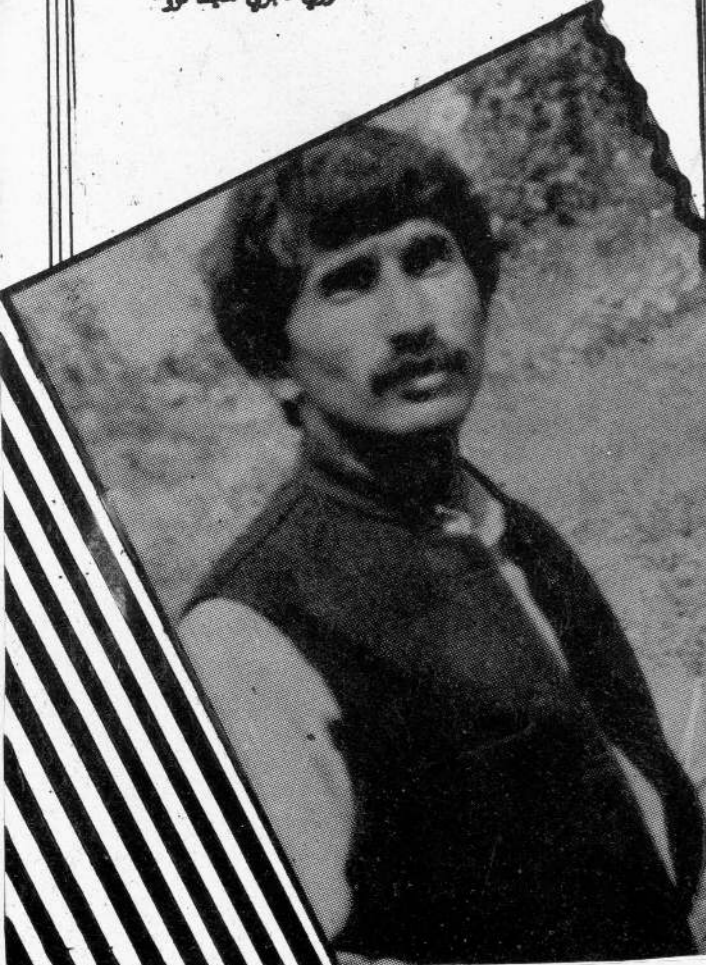
گل او غزل

پروگرام جو جو شو به دغه پروگرام کی د پښتو موسیقی سند رفاړ و ښایسته سند ری وپلی او په پروگرام کی د دغی فرهنگی ټولنیزو ټولنو کی په رسمی توگه د هنر څو ټولنو کی ته وپوښته له دغی هنری ټولنی په ترکیب کی د پښتو څو ټولنی سند رفاړی هم په ایشان مومند او شامند د سند رفاړی په توگه او کمین گل، تورپالی، فاروق او معروف د ساز ټولنو کی په توگه په هنری فعالیت بوخت دی د ټولنی مشر شامند محمد دی او د ټولنی راتلونکی نغزات امید لري د ټولنی د پری هیله کوو.

د خوشحال فرهنگی ټولنی د پښتو موسیقی د ادبیاتو او فرهنگ د روی او پرمختیا د هدف د ترسره کولو په خاطر د خپلو ټولو اهودندو په څنگه کی د موسیقی او په خاصه توگه د پښتو موسیقی د پښتو لاینه والی او د هی له پاره هلی علی کوی، چی لومړنی ټولنی یی د استاد اولمیر د کلین یی نمایندل رو اود ادی د جزا د میاشتی په اته رښته نیت په دغی فرهنگی ټولنی لاسه خواد افغانستان د لاسی ضایعوه بندارتون کی د گل او غزل ټولنیزو ټولنی لومړنی



ما اصفا می



ناروا آغاز کرده است او میگوید: «اولین آهنگی را که ثبت نمودم غزلی بود از حافظ شیوازی به این مطلع: «بامدعی مگویند، اسرار عشق رستی، کاهنگ آن را نیز خردم ساختم بود» (۱۰) تکرمیکم مکرر است، اترد رود د او بهای کیسون آرزو شای موسیقی را د ټولنو ټولنی چی چی آرزو، بتویم، زیا، سخن کگوشی برای شنیدن نش نیست چه سود از گفتن، صم در این بود گفت: «(آهنگهای زیادی در راهم و ټولنو ټولنی بی شری لسی چرا شده اما از طرف کمیسیون بجهه در صفحه (۸۷)

پهرم که: «پس چگونه موسیقی جاز را انتخاب نمودید؟» گفت: «په خاطر کی که فراگرفتن اسامات موسیقی شرق خیلی ها مشکل است و آدم نمیتواند به آسانی حتی یک جزان را بیاموزد» (۱۰) «پس به نظر شما، موسیقی جاز از در کلیت موسیقی غرب به ساده کی قابل درک و فرا گیریست؟» لسی: «این طور هم نیست مگر نسبت به موسیقی شرقی تا حد و دی آسانتر است» (۱۰) فرید صم: «از سال ۱۳۶۵ به این سو در راهم ټولنو ټولنی

فرید صم یکی از جوانان نوا که در هنر موسیقی است که شاید او را در آهنگ (صافا می) دیده باشید. صم در مورد آغاز کارش میگوید: «دروسی استاد مشخص ندانم و نیز تحصیلات آکادمیک ننموده ام. من مانند دیگران، از کودکی با موسیقی علاقه داشتم. آهنگ های روانشاد استاد سراهنگ غلام علی واحد و لهر را خیلی دوست دارم و زیاد مینویسم و اکثر چیزی آموخته باشم. آن هم مرهون همراست» (۱۰) شنیدن سخنان صم برای من، چیزی شگفتی آور بود. «سبب گشت، تا از او

گروه های متعدد موسیقی که نام خدا شده است نشان خوبی زیاد شده است: خوب است که جوانان هنرمند با گروه های متعدد را بوجود آورند اما بهتراست در هر گوی آن به آموزش مسلکی نیز پرداخته و موسیقی را تا آنجا بیک لازم است طور فنی و علمی بیاموزند زیرا زمانیکه آنها این هنر را طور اساسی نه نعمت مشکل خواهد بود که فعالیت هد نمند داشته باشند. شاید چنین فعالیت ها بر جریان موسیقی کشور و لطمه وارد نماید از ما سلیمان برسیدم چهار روزی در دل دارم. خندیده گفت: میخواهم با خالد آرمان گیتاریست جوان کشورم که فعلا در خارج است ملاقات نمایم.

در ارکستر ستاره های آریانا شامل است ولی اغلبا در کار روح الله روین دیده میشود. یا به این سوال ماکه گیتار چند نوع است و او که ام یک را بکار میگیرد گفت: گیتار انواع مختلف دارد اما اساسی همه را گیتار کلاسیک تشکیل میدهد بعدا به اسامی پیشرفت علم و تکنیک (لست گیتار) و (جاز گیتار) به وجود آمد. من تا حد و دی به همه آنها بلدیت پیدا کرده ام اما بیشتر (لست گیتار) مورد علاقه من میباشد. یا سلیمان در مورد فعالیت

یا سلیمان هنرمند جوان نیست که با سرانگشتان گیتار را به صد او رسیده و نیمه دل انگیزی می شنوند. امروز جوانان زیادی در کشور اند که با هنر و باخشن گیتار آشنا شده و اکثر آنها کارشان را مد بین استاد توانا محمد حسین آرمان میدانند. یا سلیمان گیتار نوازی را در کورسی که چند سال پیش در ایر شده بود فرا گرفته و اکیسون



اوپیتار و سینوازد

مصاحبه از ملال سر



سنجی دست در برابر برادرش
گفت :
اگر دزد میبودم سلطان بودم
نی را با مملوونها شورتش نمیدزد
پدیده اگر از جمله لوازم خانگی
میبودم ، دوست داشتم بسک
چاروب یا شمشیر اکتره در
دست دخترها میباشند .
... اما روزی همه ما اینی برام
پس گفته بود که تو و برخی از
دوستان " همروزانه هسا
استیهد .

تلاش
مان
میگوید
او چگونه است



ملکه آواز

موزیک

یک زمانی بر سر بناهای دوست داران ورزش بوکس بود. در سال ۱۹۷۷ بعد از شکست تلخ محمد علی کلی با بوکسرخد حافظی کرد. چهار سال قبل تصمیم گرفت که در سال به این ورزش روی آورد. دلیل اساسی روی آوردن او به این رشته عضویت او در اتحادیه تشکیلاتی بود. بدین ترتیب با شکست خود روی توانست ۲۰ میلیون دلار بدست آورد و همان اغلب با این پول میتواند مدتی را مثل گذشته ها زندگی کند.

اما بازگشت ورزشکارانی چون نورمن، بوکس، مارن سپینساید و بی ایزد اشمن آن را بخود مصروف ساخته آنها از خود می پرسند که آیا برای این عده همه امکانات فریبگویی از بین رفته است یا خیر؟ چندین واقعه وجود دارد که ورزشکاران سابقه حتی در سن ۵۰ سالگی بعد از آنکه با جدیت زیاد به تمرینات ورزشی شروع کردند در نتیجه آن به نتایجی دست یافتند که حتی جوانان سن ۲۵ نتوانسته اند.

علما و دانشمندان امریکایی اظهار می کنند که هنگامی فریبکی بدن بصورت ۱۰۰ درصد آن تا سن پنجاه سالگی حفظ می گردد و نقطه آخری پیروی بدن بعد از سن ۴۰ سالگی تکلیف می گردد که کاهش یا بقیه در صفحه (۸۷)

های وی در یکی دو سال اخیر در این زمینه مورد ستایش ملامتند ان اقرار گرفته است. در این اواخر تلاش بخش داد تا جهر موتیپ هم این موزیک را به یاد هنر وستان زنده بسازد درین راه مدونا پیروز تر از گذشته ها شده است.

بعضا مدونا را تشویق می کنند که گویا او خصوصیت کلشنه زنانه را می شکند و مدونا او را به دلیل اینکه گویا تمام هوش استعداد خود را صرف ثروتمند شدن می کند مورد سرزنش قرار می دهد. هندیکسن از پروفسوران بوهنتون امریکا مدونا را به اندازه مورد ستایش قرار داد که حتی موضوع دکترای پروفسوری خود را هنرمند و نا انتخاب نمود.

گروهی از دانشمندان اخلاق اجتماع می مدونا و فعالیت هنری وی را مورد سرزنش قرار می دهند اما شامل بودن در خبرها می دست اول همیشه برای همه پردرد سراسر است.

چندی قبل چون نورمن قهرمان ششمین وزن بوکس جهان، پختا طرف بدست آوردن مقام قهرمانی در سن ۴۲ سالگی بیکبار بوکس وارد میدان بوکس گردید اما متاسفانه که جوان ۲۸ ساله هموطن او این آرزوی نورمن را برآورد نمود. بعد از این شکست وی دوباره به وظیفه اصلی خود یعنی مدبوکس ورزشی در تگزاس آمد. نام نورمن



کردند. مدونا بخاطر این موضوع سرودهای زیاد بلنسد کرد و سانسور (هنر) را مورد انتقاد قرار داد. این منسج قرارداد ان آهنگ جدیدی وی فروش کست جدیدی را به صورت سرسام آور بالا برد. وی خوب درک نموده که در قرن ویدئو نمایش بدن ارزش خاصی دارد. مدونا توجه خاصی به لباس دارد. هیچگاه با یک نوع لباس دوباره روضه حاضر نمی گردد. نوآوری

جارتی، مدونا با مهارت زیاد توجه تماشاچیان را بخود جلب می کند. اگر در کمرتن متوجه گردد که کتوجه اجتماع بطور لایس آن به وی نیست این مطلب تا اثبات منفی برآورد می گردد. وی پیوسته در مرکز سرودهای جهان هنر قرار داشته است. زمانه وی بدون (شیر و حیا) سقط چنین خود در مطبوعات امریکا یاد آوری کرد. بیکبار سرودهای زیاد دوباره ارتباط مدونا با هنر همیشه دوست داشتیمی جوانان امریکا (اوپن بیت) ایجاد گردید و بالاخره پختا طراز و اجش با هنر همیشه د پگر (شونایینا) بار دیگر نامش سرزبانها افتاد. بعد ها خواست تا با ازدواج د پگر به گمان خود ش خوشبختی را بیابد از ازدواج با مانکن زبانی امریکایی بنام تونی پختا طر (مرد کامل) نبودن وی صرف نظر کرد که این حادثه نیز نام مدونا را بیکبار پگر (اورد زبان پیوجوان در امریکا ساخته)

آهنگهای ویدئو مدونا اکثرآ سلکی ثبت گردیده است که تماشاچی را زیاد تحریک می کند. در یکی از آهنگهای اخیر خود بنام (عشق مرا برآورد بد) استعداد خود را بدست آوردن سرمایه ثابته ساخت نشن آهنگ را از طریق تلویزیون امریکا بدلیل بی نهایت سکس بودن آن منع

مدونا را همه به متابسه ستاره مشهور موزیک (پا پ) و سمبول سکس می شناسند. درباره اینکه وی یک تاجروزیده است خیلی کم اشخاص معلومات دارد. بعد از آنکه در سال ۱۹۸۲ اولین (ریکارده) وی به بازار عرضه گردید در مدت کم در حدود هشتاد میلیون ریکارده وی بفروش رسید که مدونا ازین بابت بیشتر از ۱۳۰ میلیون دلار بدست آورد.

عکس مدونا اغلب اوقات در پشتی مجلات نرخی دیده میشود. بیکبار هم یک فوتوی وی در یکی از مجلات مشهور در بین تاجران امریکایی با این شرح بچاپ رسید: (پا پ) استوارترین زن کاری امریکا در آند مدونا در سال ۱۹۹۰ به ۳۶ میلیون دلار رسید.

بسی از صاحبه های اخیر خود مدونا بچواب سوال گفت: برای وی لازم می افتد تا یک تعداد مسائل زیاد در تجارتی رانیز مستقلا حل و فصل نماید. این مطلب برای وی غیر منتظر نبود. وی در مورد میگوید: من ملاقات با مردمان (کاری) را خیلی دوست دارم. من وقتیکه با آنها روبرو میشوم میخواهم به اشکال مختلف آنها را سرگرم نمایم زیرا امید آنم که آنها هفتقه سختی را پشت سر گذر نمانند. آند آنها امید آنند که من آنها را سرگرم میسازم و به این دلیل مرادوست دارند. (۰۰۰) علاوه بر استعداد خارق العاده



من در ماه شوال سال ۲۸ هجری با هفتاد غزار سرباز شهر "تاشکند" را که دارای حصار بود محاصره کردم و بسکه شهر اخطار نمود که علیه "الجا" تهبو محمد قولوق "شورش کنند و او را به قتل برسانند؛ ولی از طرف سکه شمس اقدام برای شورش علیه حاکم تاشکند - نشد. من بعد از اینکه مطمئن شدم شهر "تاشکند" بوسیله دهلغز زیر زمینی راه بخارج ندارد بسر بازان خود دستور دادم که دو نغب حاضر کنند که یکی از طبرف شمال و دیگری از طرف جنوب منتهی به حصار شهر بود. من میدانستم هنگامی که ما مشغول حفر نغب هستیم و مخصوص در موقع شب مردان "الجاتیو" محمد قولوق "صدای کلنگه و بول نغیب زن هارا میشنوند و می فهمند که مشغول حفر نغیب می باشیم و هر کس که گوش خود را در موقع شب بزمین بچسباند می تواند صدای کلنگه زدن حفاران را بشنود "الجا" تهبو محمد قولوق "عده ای را مامور کرده بود که تا نغیب زن های ما سر از شهر بدر آورند آنها را به قتل برسانند و نغیب را ویران و کور کنند.

من فقط بطرف جلو توجه داشتم و از عقب آسوده خاطر بودم زیرا میدانستم که عقب من ه خصم وجود ندارد. در طرف فون من هم سربازانم می جنگند اما سر بازی که در طرف چپ من قرار گرفته بود کشته شد و پیش از این که سر بازه دیگری جای او را بگیرد یک صرت شدید تهر زن روی پای چپ من فرود آمد. ضربت طوری سخت بود که تصور کردم پای چپ من از بدن جدا گردیده و در همین موقع یکی از سربازان ما جای خالی را پر کرد و دیگر من از طرف چپ مورد تهدید قرار نگرفتم وقتی آن ضربت تهر زن روی پای - چپ من وارد آمد من فریاد زدم و ننا - لهدم ولذا هیچ يك از سربازان من نفهمیدند که من مجروح شده ام.

بعد از غلبه بر "تاشکند" چون سکه شهر از دستور من پیروی نکردند و علیه محاکم خود نشوریدند فرمان قتل عام وجبا اول را صادر کردم و گفتم تمام مردان شهر را به قتل برسانند و تمام پسران و دختران و زن های جوان را با سارت ببرند تا اینکه بعد طبق قانون جنگلین افسران و سربا - زان تقسیم شوند و سر بازی که دارای پله پسر یا يك دختر جوان گردیده مختار است او را غلام یا کنیز خود کند یا به قتل برساند یا در بازار بفروشد. جنگ "تا - شکند" هنگام عصر روز نوزدهم ماه شوال خاتمه یافت و از آن پس قتل عام و چساول

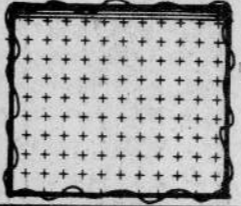
شروع شد و انوقت من در صد دبرامدم که بدانم که زخم پای چپ من چگونه است اما نتوانستم از اسب فرود بجایم و سربازانم در خارج شهر مرا از اسب فرود آوردند و به خیمه بردند و در آنجا نوکرانم چهار آئینه و مغفرا از من دور کردند و جراح آمد و زخم مرا معاینه کرد و گفت استخوان زانو بشدت مجروح شده و نباید راه بروی و نباید پیوسته دراز بکشی تا

اشکر کرد و درین رفیعی زیاد نسبت بسزن ها بوجود آمد تا آن موقع من بیش از دوزن نداشتم و در آن هفت سال دوزن دیگر گفتم ولی فهمیدم که باز خواسان زنهای باشم من که مسلمان هستم نمیتوانم پوش از - چهار زن بگیرم ولی شرع اسلام بمردها اجازه داده که علاوه بر چهار زن عقد هر قدر که میل داشته باشند جاریه انتخاب نمایند و من هم چاره های معیت



مینه

سوره



این که استخوان زانو بهبود یابد . ای که سر گذشت مرا میخوانی مگو که مردی چون من که فقیه هستم چگونه فرمان قتل عام سکه "تاشکند" را صادر کردم حکومت دارای قوانینی است که از اناژدنها وجود داشته و تا پایان دنیا وجود خواهد داشت و عوض نخواهد شد و یکی از آن - قوانین این است که مردم باید از حاکم بترسند و اگر از وی وحشت نداشته باشند او امرش را بموقع اجرائی گذارند و اگر - ارو او باش بر - سکه شهر مسلط میشوند و بجان و مال و ناموس آنها تعرض نمینمایند. من از این جهت فرمان قتل عام سکه "تا - شکند" را صادر کردم تا اینکه برای سکه بلاد دیگر مایه عبرت شود .

بهبود وضع زخمه می هموس و شورتس - شدن و پایان و رفاهت مردم درین نیز -

را انتخاب کردم . فرزندان و نوه های من آگاه باشید که آفت سلاطین عیش و نوش و زندهای زیبا است و هرگز خود را بدست عیش و نوش و زندهای زیبا نسپارید و برای يك مرد هفت - ای بیکاره زن کافی است و بیش از آن با - عه میشود که مرد تن پرور گردد و نتواند قدرت خویش را حفظ نماید .

فصل هفتم : بسوی مسلط الراس فردوسی و جنگ نشا - بل :

چنین گفت کای جوشن کار زار بر آسودی از جنگه يك روزگار کون کار پیش آمدت - سخت باش بهر کار پیر امن بخت باش

اشعار فرودس در گوشم طنین مها - نداخت و نمی توانستم آرام بگیرم . هفت سال خورده و خوابیده بودم و شمشیر و جوشن را کنار گذاشتم ولی موقع آن رسیدم که جوشن بپوشم و مغفر بر سر بگذارم و شمشیر بدست بگیرم و بسوی سرزمینی بروم که آنجا فردوسی سبزد و پنجاه سال قبل از من این اشعار را سروده بود . موم قع آن فرار رسیده بود که برای رسیدن به آرزوهای خود گام بردارم و جهان را مسخر نمایم و تسخیر جهان را از خراسان شروع کنم .

من با این که شتاب کردم که بزودی خود را به نیشاپور برسانم و نگذارم که دروازه نا را ببندند بر اثر رفت آمد کاروانهان ستانها ن جاده بقدری شلوغ بود که

بجنگد چون مرد تاد ر جنگه از موده نشود دارای لیاقت نمیکرد .

من بزرگترین هنر مرد را جنگیدن میدا - نس و گریه برای علم و صنعت و ادب قایل بارزش هستم ولی عقیده دارم که خداوند مرد را برای جنگیدن آفریده و مردی که نتواند بجنگد و از مرگ بيم داشته باشد از بنده گان خداست .

حاکم نیشاپور که دست بسته گرفتار شده بود گفت ای امیر جهانگشا سکه این شهر گناه ندازند و اگر من با نهاد ستور نمیدا - دم که دروازه هارا ببندند مقابل تو مقاو - مت نمی نمودند و تو می توانستی بسدوزن معطلی و زحمت وارد شهر شوی لذا من گناهکارم و مرابه قتل برسان ولی برجگان سکه این شهر ببخش و زن هارا اطفال - شان را با سارت مهربانانه بپرسیدم چند

بیتها انگشتر

سال از عمرت میگذرد . جواب داد شصت - سال سوال کردم آیا پسرداری جو ابداد دو پسر جوان من یکی مو سیم به شمشیر بهرام و دیگری با سم شوزاد بدست سرب - بازان تو کشته شدند .

امیر حسین گفت ای امیر جهانگشاست ! برای خود از تو ترحم نمیخواهم ولی پسر جان مردم این شهر ببخش و هر چه از - آنها تا کتون کشته عده کافی است و بگذار که دیگران زندمینانند . گفتم امیر حسین اگر بجای این که من فاتح شوم تو فاتح می شدی آیا بر حال سربازان من می - بخشیدی ؟ امیر حسین گفت پدران ما گفته اند که در جنگه باید خشونت و بی - رحمی داشت و بعد از پیروزی باید قوت بخروج داد و چون تو فاتح شستی قوت بخیر بده .

گفتم من نمی توانم از اصول جنگ منحرف شوم و طبق اصول جنگه سکه شهری که مقاومت می کنند باید قتل عام شوند . اگر من این روش را تغییر بدهم دیگر نمی توانم مبادرت بجنگه نمایم . چها - نسان باید بدانند که هر کس مقابل من پایدار بماند کشته خواهد شد و بعد

سال از عمرت میگذرد . جواب داد شصت - سال سوال کردم آیا پسرداری جو ابداد دو پسر جوان من یکی مو سیم به شمشیر بهرام و دیگری با سم شوزاد بدست سرب - بازان تو کشته شدند .

امیر حسین گفت ای امیر جهانگشاست ! برای خود از تو ترحم نمیخواهم ولی پسر جان مردم این شهر ببخش و هر چه از - آنها تا کتون کشته عده کافی است و بگذار که دیگران زندمینانند . گفتم امیر حسین اگر بجای این که من فاتح شوم تو فاتح می شدی آیا بر حال سربازان من می - بخشیدی ؟ امیر حسین گفت پدران ما گفته اند که در جنگه باید خشونت و بی - رحمی داشت و بعد از پیروزی باید قوت بخروج داد و چون تو فاتح شستی قوت بخیر بده .

گفتم من نمی توانم از اصول جنگ منحرف شوم و طبق اصول جنگه سکه شهری که مقاومت می کنند باید قتل عام شوند . اگر من این روش را تغییر بدهم دیگر نمی توانم مبادرت بجنگه نمایم . چها - نسان باید بدانند که هر کس مقابل من پایدار بماند کشته خواهد شد و بعد

از قتل عام نیشاپور شهرهای دیگر خرا - سان تکلیف خود را خواهند دانست و وقتی قشون من به پشت حصار آن شهر هار رسید دروازه ها را نخواهند بست بعد از این گفته جذا را احتضار کردم و هوا و گفتم سراز . بیکر امیر حسین جدا گفتم و حاکم نیشاپور به قتل رسید . قتل عام سکه شهر تا ظهر ادامه داشت و بعد از آن ه سر بازان من بر حسب اجازه های که من خود با آنها داشتم شروع به چساول کردند .

مدت يك ماه در نیشاپور بودم و دنباله کار ویران کردن حصار شهر را به پسر م جهانگیر واگذاشتم و خود عازر طوس - شدم در طوس کسی مقابل من پایدار نی نکرد و من قدم بشهر نهادم و آزار من به هیچکس نرسید .

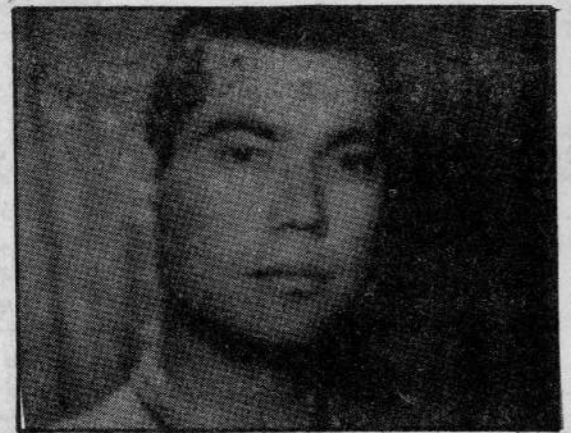
در بین دانشمندانی که نزد من آمدند مردی بود مقلب بامام اعظم و من بساا و مباحثه کردم و از او پرسیدم لاید تو نماز میخوانی ؟ امام اعظم گفت این از بد - بیبهاست است . گفتم در سوره " الحمد " یکی از صفاتی که برای خداوند ذکر شده " مالک يوم الدين " است آیا تو میدانی که معنای " مالک يوم الدين " چه میبا - شد .

او گفت یعنی " مالک روز دین " گفتم من را مردی عوام تصور کن و برام شرح بده که مالک روز دین چه معنا میدهد . امام اعظم گفت معنای این آیه از سوره " الحمد " روشن است و احتیاج بشرح و تفصیل ندارد . گفتم ولی من معنای آن را نمی فهمم و باید آن را برای من تفسیر کنی . امام اعظم از گفتار باز ماند آن وقت من باو گفتم در این آیه " دین بمعنای جزا می باشد یعنی خداوند صا - حب روز جزاست . روز جزا یعنی روزی که هر کس بفراتر از اعمال خود پاداش یا کیفر می بخند و آن روز که روز جزا میباشد نا - محدود است و شاید هرگز پایان نمی - رسد چون در این آیه کلمه " يوم " یعنی " روز " معنای زمان را میدهد نه معنای يك روز از طلوع تا غروب آفتاب را و چون روز جزا زمانی است نامحدود لاجرم آفتاب در آن زمان طلوع و غروب نمی کند و شاید آفتاب نباشد . هیچکس نمی تواند پیش بینی کند که " روز دین " یا " روز جزا " چه موقع فرا خواهد رسید و هر چه در این خصوص گفته شود جز آنچه در قران هست افسانه میباشد .

امام اعظم با حیرت سخنان مرا شنید و گفت ای امیر تهور تو این همه دانشی را

کلیج و دراندنیهاست

مصاحبه کننده (سیدی)



— برای موفقیت در مسابقه به چن نکاتی ارجح بهتر قایل هستید؟

— نخست بر همه باید با اعصاب قوی و متحرک وارد صحنه مسابقه شویم و متکی به خوب شدن باشم و از هدایت های ورزشکاران به شکام استفاده نشا — بسته نمایم فاکت مهم این که یک رژیم خاص غذایی را برای بدست آوردن انرژی بیشتر مراعات نمایم.

- در رشته اتلتیک خفیه چند نوع تکنیک وجود دارد؟
- اتلتیک خفیه تکنیک های خاص هر مربوط به خود را دارد — طو مثال در مسابقه های کوتاه (صد متر — دو صد متر) ورزشکار باید سرعت فوق العاده زها داشته باشد که میتوان از دوش سحرخی گامدار و سحرخی وقوی نوعی دوشی است که بنام "کلی سا" که از شکل "چارنسل اسپ" ماخوذ کرده است.
- دوش سحرخی جا به جا و — امثال آن در صورت جهاد نموده دن این تکنیک ها میتوان به موفقیت دست یافت و نیز هفت الی هشت نوع دیگر تکنیک در این ورزش وجود دارد که ذکر همه بی آن نظر به گنجایش صفحه مشکل میباشد.

صحبتی با عبدالفتاح «وفا» کپتان تیم اتلتیک خفیه کلیج هدایت

اعظمی نماید تا بتواند به مدالی عالی در رشته خودش برسد.

— چه گونه اشخاص به رشته اتلتیک خفیه پذیرفته می شوند؟

— به صورت عموم تمام ورزشکاران این رشته از نقطه نظر قوه فیزیکی و تناسب اندام و — جسامت قوی و بلند پر خوردار میباشند به ویژه در رشته — اتلتیک خفیه قد بلند و چسبیده عضلات قوی ضروری میباشد و نیز داشتن اعصاب و قلب قوی از شرایط لازم این رشته میباشد زیرا دوش هادر اتلتیک خفیه از نگاه طبی فشار مستقیم بالای قلب و اعصاب و عضلات دارد به خاطر یکه این ورزش تاج ورزشها نامیده می شود و ورزشکاران باید متصف به همین صفات باشند.

عبدالفتاح "وفا" کپتان تیم ملی اتلتیک خفیه کلیج هدایت و عضو تیم اتلتیک خفیه که در زمره ورزشکاران نخبه و مستعد حضور خفیه را تشبیه نموده است در مورد ورزشی که خودش مصروف آن است در پاسخ به این پرسش که آیا در رشته انتخابی خودش مواجه به پراپلی شده اند میگوید: — طبیعی است که هر ورزشکار در اوایل وقتی رشته مورد علاقه خود را انتخاب میکند تازه — نیکه با تمام احساسات و تخنیک ها و تکنیک های لازم آن رشته آشنایی کسب نماید به سلسله پراپلی های زودگذر مواجه می شود که راز موفقیت یک ورزشکار آن است تا همه مشکلات را با حوصله مندی و متانت متقبل شود و از هدایت و رهنمایی های تهرنر مر بسوط در جریان ورزش استفاده —

سرم گرفته و در رد و صد و هشتاد ساله به مقام درجه اول پیروز شده است.

شهره پیروزهای چشمگیر او، کلسیزی ازمدال هفت نشاها و اسنادی است که اینک نظم و ترتیب و نگهداری او را سحراب کوچک به دوش گرفته است.

پانزده مدال طلا و صدال نقره و سه نشان ستاره سرخ درجه یک نشان بهترین تهرنر و صدال سکاد به یک دیپلوم معمه نشان ماستر سهرتسی و در حدود بیست و چهار دیپلوم امتیازی و افتخاری.

سلم شاه بهتران بهست مراتبه جهت نمایشات و مسابقات ورزشی اش به کشورهای مختلف جهان منگولیا هندوستان اتحاد شوروی ایران بلغاریا کوریا هنگری چکوسلواکیا و آلمان سفرها داشته است.

برای اسپورت جززندگی شده بود و بدین استثناء روز یازده ساعت تمرین های مختلفی را انجام میداد همه روز صبح وقت از خیرخانه تامین هوا می رابه دوش می پیوسته و قهقه او قاتل رابه رهمان کشی که هنوز در ی و با بازی ورشته اصلی اش که پهلوانی بود سپری میکرد.

شش سال مکمل با رهنمایی ها و تشننگ عالی شاگردان زهای رابه شمرسانید و در حلقه های ورزشی کشورها خوب درخشد.

اواسط زمستان سال ۱۳۶۶ که سرما بهداد میکرد سلم شاه برای بهستو یکمین بار آماده شده بود تا جهت اشتراک در مسابقه دیگری با دوستان و همکارانش خارج از کشور برود.

همه روزه با شور و حرارت خارق العاده می تمرین میکرد و در روزهای ماهی بهر روزی تازه می را میدید.

آنانی که او را از نزدیک میشناختند بهش از تنگه در باره خودش بهند می شنید به فکر یک مدال دیگری بودند.

بقیه در صفحه (۹۳)

اسان و ورزش

فصل مانی

وسر انجام ...

سحراب کوچک با اشتیاق تمام الیم خانواده می اسراورق میزد هر بار با اشاره به عکس فرهاد میزد و میگفت: اینه پدرم. تا تصویهای پدر سحراب حقیقتاً زیاد جالب است بودند جایی در مسابقه دستش را به رسم برنده شدن بلند نموده بود. جایی در حال بدست آوردن کپ قهرمانی وزیانی هم هنگام درسیات مدال بود.

بیشتر تصویهای او را در صحنه های مهیج سپورت ها به ویژه در میدان پهلوانی نشان میداد. در آخرین روز این الیم بزرگ به جای عکس های بزرگ سپورتسی در پلیم و سندی که در کسج آن فوتی کوچک پدر سحراب دیده میشود گذاشته شده است. در آنجا میخوانیم: سلم شاه اقبال ماستر سپورت ترین تیم پهلوانی کلوب سپورتی اردو.

زنده می عجیب شنیدنی دارد. چهارده سال قبل شامل بوتهی زراعت بوتهتون کابل شد اما بنا بر معاند پری فاکولته راناستام گذاشته به خدمت مقدس سربازی رفت پس از آن بوتهی اگاد می تخنیک را خواند.

از دوران کودکیها پیش علاقه به سپورت بود و لوسی از ۱۳۵ به بعد برای تمرین های ورزشی اش برنامه معینی طرح کرد و به زودی به عضویت تیم ملی پهلوانی کشور پذیرفته شد. گوی در آن دوران همفنانس های خوب به رویش لپخند میزدند. پیغم شامل مسابقات میگردد و فلها برنده خود شد در بیشتر از سه مسابقه سابقه داخلی و خارجی



خلوريزه

چې کوربه او گيلن برسره نه وي
ماموره دي که هرغولري کوربه
په دي دوه خيز مامورين ل کوربه
که دانه وي که خوشي انوندي بطلون

د فلک ناد دي

✱ ✱ ✱

د لرگوار بکرو حاجت په خه وي
مامورين واره لرگي شول و اولک
هاپستي کولې بي وچي شوي په سپوره
د کڅ بي کورکي نه لگي درک
کولې خه چې وينه چچه شوه رگورکي
له روزگار نه ورته چو شولو خسک
چې ميوه او شونه خوب کي ليد اي نه شي
د دي ژوند دي په اړوسو مومي تلک
د الهي اژد هانبار په خوله کي ونسو
د سل گون متاع په اخلي اوس په لک
اي (اشپزه) د ايه ياد برسره ساته
خه ناد دي وي چې ونه کري فلک

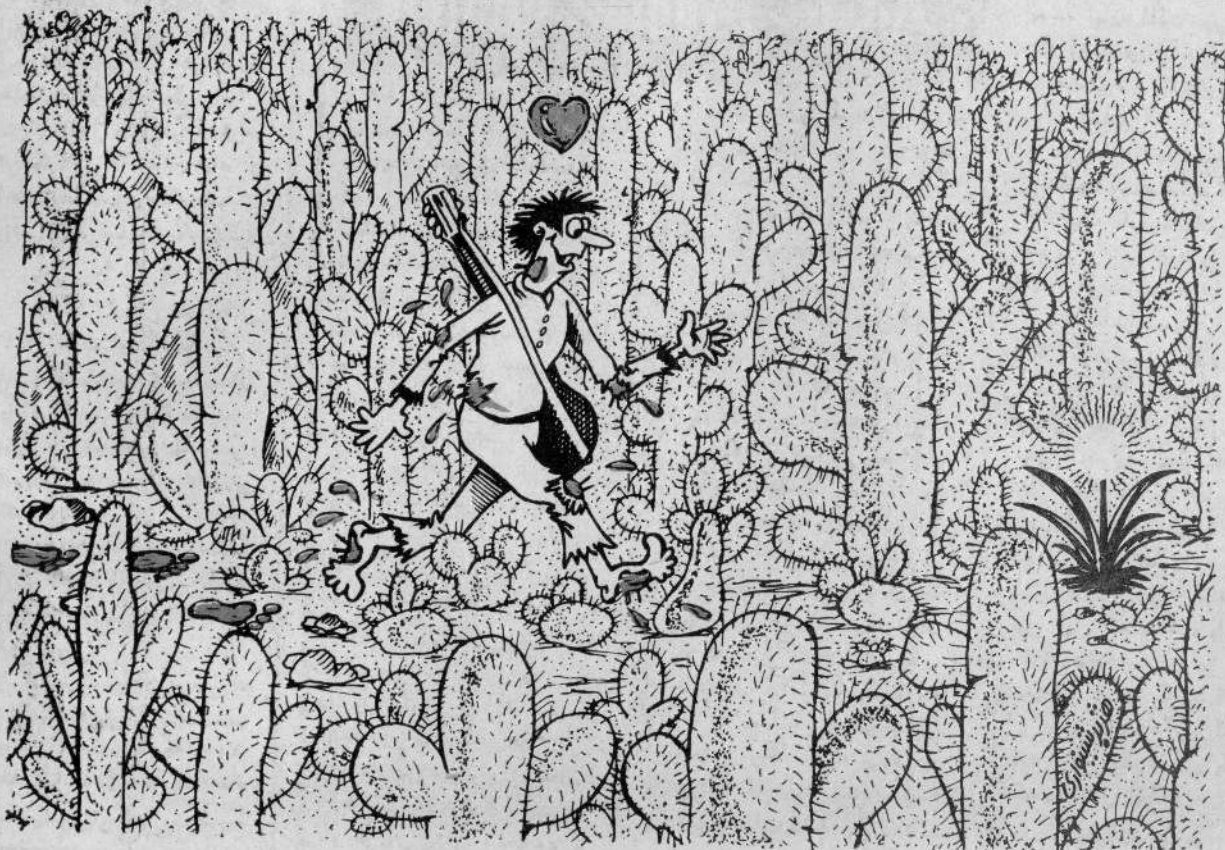
د لاجارې ماش

هغه ماش: تاجون

ماش (معاش)

نرجه دروني اود حيوياتو په
په کورنۍ کي ترنور کورنۍ
ده . د پورته تعريف له مخي
ويلاي شوچې ماش (معاش)
د عوايد و له يوه يوه کوچني
اندازه ده چې د بازار د پيسو
په دراندي دي د پي د افسان
(مه) ارزنت هم له لري .

که چيرته د معاش په نوم کسي
د (ع) توري ليري شي ، نو
يوازي ماش په ياتي شي . ماش
پخپله دري نوم دي چې په
پښتو کي (مه) ورته واي . د
ميوه دانه د خړدوله داني غځه



نوی مقدری

د کابل ښار د آزاد و نړخونو د کمپون یوسو پوځیو خبرلما ی د بنجاره هتی ته خپور کس چی کله د کابل په ښار کون یوس کچالوله دوه زرو واوینشل لوگند نه د پکړی په پست کس مفره شوه .

دموښکانه د مطایبی مریزونه

هر انبه د پنازیزې چی پب غرپ کس د هرش له پاره حمایتی سازیا نونه مرکونه شته . اودا کار د پوکراسی لسی مظهر پولسی خو موز هم په دې برخه کس وړمنی کم نه یو . ښکته همد ا اوس د لوړو مرکز وخوا سازیا نو ترخنگ د موز کاند حمایتی مرکونه هم علش اونکار فعالیت کوی . دغه مرکونه د مرگ مو د د اړو پلورنلی دې چی دمو ز کاند تکثیر اوجانفید و لپاره د (مرگ موش) په معای (زند م گ موش) په خلکو لپورې .

د خوله کولو اود اوزې او بجه د پوستکی اچولو طبابت اوس هم په پهنو سیموکسی بشپړ واک لری . که څه هم نن سباد پوستکی طبابت د پسونود قیمت کیدوله له کبله د متاخه تلویه حال کی دې خو بخوله کولو طریقته بجه په مزه اود ودې بجه حال کی ده . زمونږ د کلی چنار کاکا کوم وخت رانگی وهلی و اوله خولی کید لو او خوجوشانده ولسه

(نسخی) په اسام ناروغ سعد ستی د کت له پامه خملاره اودرې پر ستی بی بری واچولی د کت لاندې بی هم ورته سیکاره تازه کر ل اوده درې تنه د ناروغ بجه پښور کیده باندې خملاستل . خود خولو په وخت کی پر ستی له محاسه لپورې ته کړې ، او هوا بی ونه وهی . ناروغ چی هر غومره چیخس ووهلی او بیسی لاسونه بی واچول ترې ستی لاندې بی چاچیغوته غوز

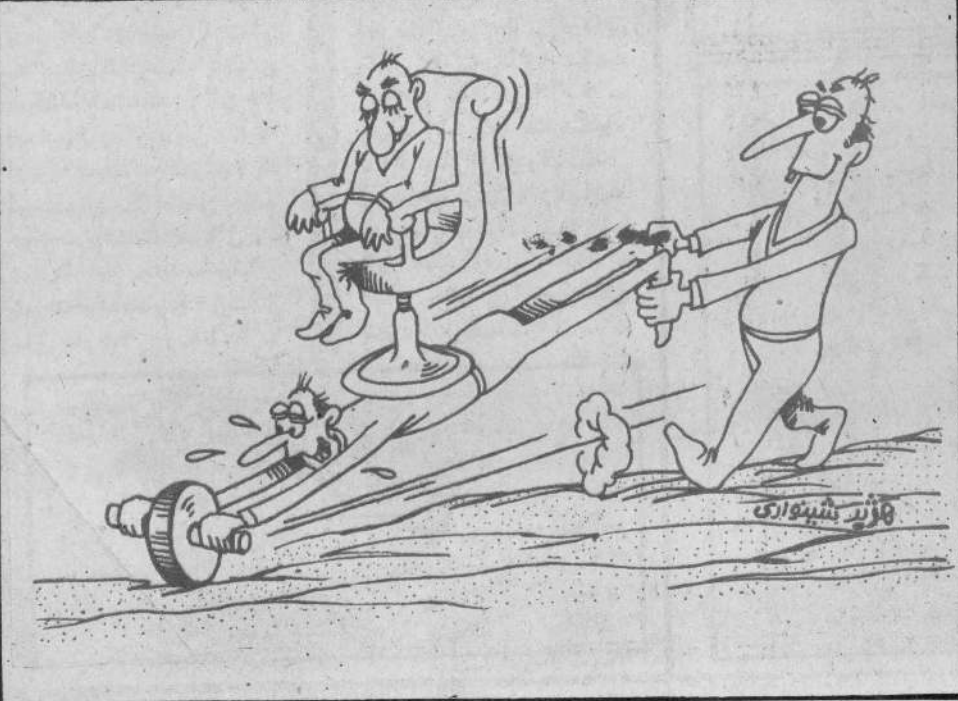
پورته کړې بود خواره کوتی ناروغ د شاپوستکی په لمنی پورې نیشی و اوله بیگانی خولسی سره یوهای ساه وړمنی وتلی وه . خو چنار کاکا توله پره د مرحوم په کورنی ورواچوله اود محناز ی بر سر بی وکل : دې خدای بخښل . ته ضرور د خولی په وخت کس د هر ستونخندې پورته شوې دې اوسه هوا ورتوشلی ده د خولی په وخت کی سره هوا سرې شخن کوی او زوی بی

بی علمه شیخی

خپلو وروسته جوم شوی و . له هماغه وروسته به چی په نسلی کورکی خوک ناروغه شو ، کس چنار کاکا به ورته د خوله کید لو سپارښتنه کوله . حتی کزدې چی د چا په لاس اوبسه هم ونی شول ، نود چنار کاکا به لار ښوونه بی دوه اودر ی پر ستی ورباندې اچولی کم وخت بی ترخنگ کانه ی باندې توده تبه رانگی وه اوجنار کاکا د خیل کانونو پتوب د حق ادا کولو په خاطر کورته د پوښتنی له پاره ووفلس و . د کور ورو چنار کاکا د

ونه نیو . له لیس پناغلس د قهقرو وروسته ناروغ آرام شواو د پسر مستول په پامه درې تنه وړمنی لپورې شول . ناروغ توله شپه آرام و . اوده له آرامی سره لوړې کورنه هم سباتر لمر خاته پورې آرام او بیغمه خوب وکړ . کله بی چی سماز ناروغ ته در پورته کید و غز وکړ ، ناروغ معان ونه ښوروه ، بیای تفری پورې همداسی پریشود خو په خپله راو پښی شی ، خو بی کلمی لوړ ما سپین پر ستی وړمنی

خو چی کله چنار کاکا مر نشو نوزه هغه وخت ماشوم م چی لوړو کلیو الو بصره وکل : (اخوازه کوتی په خوله کس وړان شو . که نود بیسی له خوز و خوک نه دې مر شوی .)



رهنمای معاملات شیرآقا

شیر آقا مرد هزاره‌هاست با روزی برای زنده گی هزاریل وچال را یاد دارد. در این روز - های آخر، در پهلوی کارهای تجارتی اش مغازه رهنمای معاملات نیز ساخته است. - شیرآقا با ساختن رهنمای معاملات گوشه از مغازه اش را با گذاشتن یک سمت کسوج تزیین نموده و روز تمام روزجای سبزه و شهرنوی جوهر دارش پاراست. همان که میگویند "پتو برای غذا شال است" رهنمای معاملات بهترین منبع درآمد و ثروتمند شدن شده است. بخاطر آنکه فیصدی کمیشن معاملات او بالا برود عادتاً کرایه خانه و فروش اپارتمانها را خیلی بلند میبرد. هر روز که یک تا دو هزار سه کرایه خانه افزوده می شود. و پنج تا ده به قیمت اپارتمان مثلاً سال گذشته یک اپارتمان در اطاقه راهشده در واژه هزار افغانی کرایه گرفت ولی حالا از برکت معاملات شیرآقا یک اپارتمان دو اطاقه سی و پنج هزار هم یافت نمیشود چال دیگر شیرآقا این بود که صاحبان پنج اطاقه هارا در وقت وزمان شان نام خدا در مقامات آب



فرار لویپوش

شخصی ارسطورا کبر آورده بود. آنقدر با وی حرف زد که عالم توانا را ناتوان ساخت. در آخر گفت: ای دانشمند! مگر از صحبت من اینقدر رحمت زده و به فکر فرو رفته ای که؟ ارسطو گفت: نمبه خود حیران هستم که فکری کم در حالس که دو پا برای فرار داریم و چرا از تو فرار نمی کنم!

ونان داز کار میکردند و ده ها عرضه و درخواست شان به - خاطر از یاد فامیل مصره - نیت امنیتی شان وضیره و غیره - نیت شعبات شاروالی و شهر - سازیمت تشویق نموده کم - به فروش خانه هایشان - ملهونتر شده در عوض خانه های دو اطاقه و سه اطاقه خریداری نمایند.

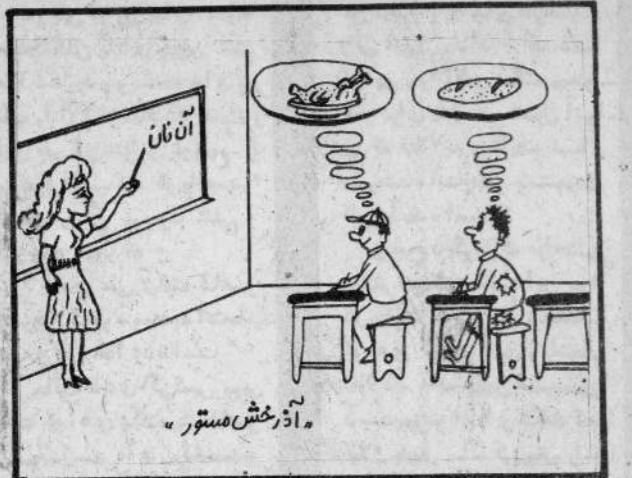
البته شیرآقا نخواست تمام اپارتمانها و صاحبان آن را - افشاء کند زیرا به نظر او نگاه کردن راز در رهنمای معاملات یکی از کارهای بزرگ در دوران جنگ است.

شیرآقا به این چالها اکتفا نکرده در فروش تلفون، موتر، فرش و ظرف بعضی خانه ها - نیز تشبثات معقول و غیره - منقول مینماید. حالا از برکت او یک اپارتمان پنج اطاقه - مکرر بهان گش به دود و پنجاه لک تا بیشتر از آن رسیده است خودش میگوید: تا زمانیکه خریداران ساده فروشنده - کان هوشماری در اطراف و اکناف میخانه می او وجود دارد شیرآقا در نماند.



فحاشیات چکر بر

روزی یک نرس با یک مریض که تحت مراقبت وی قرار داشت در دلدل میگرد. نرس رویه مریض کرده گفت: به همین زودی ها شما صحت یابید و خواهید شد و بعد از رفتن شما من در این جا چطور زنده گی کنم. مریض گفت: عزیزم هیچ تشو - نش ممکن من هرگز صحت یاب نخواهم شد زیرا داکتر معالجم من و ترا در حال بودن دادن دیده است. ار سالی عبدالصبور



میتاورهای طیبی

- بعضی از انسانها در زمستان زنده گی رویده اند.
- بعضیها ساختن خود را پیشه دیگران هدیه کرده اند.
- هیچ عاشقی در یاد معشوقه غریب نخواهد ماند.
- سرمایه هردلی تکتتهای اوست.
- زمان شریقی است که هر قطره آن طعمی دارد.
- عشقهای واقعی در رحال شکوفایی شوند.
- هیسران همسر در همدیگر زنده گی میکنند.
- بعضی از خلوتها جمعیت آفرین می شوند.
- اختیار برای کسی که توان انتخاب ندارد گذشته است.
- سکوت هزاربند ابهام است.
- عاشق و معشوق هر چه از هم بنوشند تشنه ترند.
- عاقل غافل نمی شود.
- خنده های زهر لب باور عشوه های پنهانی است.
- در صحن خلوتی از نگاهها برنده هوس پال میزند.
- در خلوت خویش هر کس سلطان کشور خیال است.
- بعضی از مرگها یک عسر طول می کشند.
- بعضیها از آن چه دوست دارند فرار می کنند.
- مسوولیت بهتر انسان است.
- انقلابیون هر برادر صحت ها گستاخ اند.
- گاهی خود خواهی چاه صاف کن خود کشی می شود.

نقاشی

شخصی به دیدن دوست نقاشی خود رفت و نقاشی در حال صحبت گفت: دلم میخواهد اول این اتاق را خوب سفید کنم و روی همه دیوارها نقاشی کنم. دوستش که خیلی شخص حماس بود گفت: بهتر است که اول نقاشی کنی و بعدا دیوارها را سفید کنی. هم به آن اضافه کنی.

خاتمی برای خریدن کلاه مغازه کلاه فروشی رفت و کلاهی را انتخاب کرده و بمغازه دار گفت: کلاه من این کلاه را می پسندم اما پری را که بدان نصب کرده اید دوست ندارم. مغازه دار بعد از ادا لیختندی گفت: خانم وقتیکه این کلاه را با همین پر به سر میگذارید حد اقل ده سال جوانتر معلوم میشوید. خانم جواب داد: در وقتیکه چنین است لحناف یک پر دیگر هم به آن اضافه کنی.

در یکی از روزهای شنبه صبحگاهان بالای چوکی لم داده بودم و صفحه های روزنامه را از نظر میگذراندیم در این جریان عنوانی توجهم را به خود جلب کرد که واقعا از دیدن آن مبهور شدم و آن چنین بود که :

معروف اردو دست به اعتصاب نه خوردن غذا زده است . در حالت عادی اگر کسی می گفت که آقای شگفته یک شاعر معروف است ما دم را خنده می گرفت . یک آدمی را تصور کنید که - هم او در ادب - بیشتر از پنج یا شش شمر بی محتوا نباشد و او را شاعر مشهور بگویند . مجموع آنها - کسی که از شاعری چنین افترا دهد کف میگذرد از ده تا دوازده تجاوز نمیکرد . اینکه چی وقت و چگونه او از شهرت برخوردار شده بود ؟ برای من - معمای اسرار آمیزی بود . به هر حال موضوعی که در لحظه کنونی مرا به شگفتی می آورد این بود که چی چیز آقای شگفته را - وادار ساخته تا به اعتصاب غذا دست بزند . شرح خبر مذکور چنین بود :

آقای محمد علی شگفته شاعر معروف زبان اردو در مقابل خانه صدراعظم - اعتصاب نه خوردن غذا دست زده است . او در مصاحبه می یازد خبرنگار را توضیح کرد که زمانی غذا نخواهد خورد که به همه جوانان هندوستان کار فراهم نگردد . او علاوه کرد که اگر اعتصاب به قیمت زنده گی او هم تمام شود ، به آن ادامه خواهد داد .

متن کامل موضوع هنوز هم به تخیل آدمی می افزود . نخستین چیزی که باید به زودی معلوم میشد این بود که چگونگی شگفته نتیجه گیری کرد و دریافت که هر جوان هندوستانی می تواند بگریزد . سوال در اینجا - است که اگر همه کار دریافت میگردند باز سبزی فروش را

کی میکرد و یا سایر کارهای را کی انجام میداد . گذشته از این چرا آقای شگفته میخواستند به شمول آنها - بی که قبلا به وظایف شان مقرر شده اند در جستجوی کار برآمده است ؟

موضوع دیگری که مرا حسی بیشتر کنجگاو ساخت این بود که چگونه آدمی مثل شگفته که هیچ گاهی کاری را انجام نداد ، به چنین عملی دست میزند . آقای شگفته که قبلا چهار ساله گییش را - تکمیل کرده بود ، هیچ گاهی در زنده گی این کاری را انجام نداده بود . مردم میگفتند که او در سن هجده ساله گییش خانه اش را ترک گفت و در - چه متجوی کار برآمد . آنچه را در این زمان انجام داده بود کسی از آن خبر نداشت مگر یک چیز آشکار بود که او هیچ گاهی بعد از آنکه او را در کانی دیدم ، پشت کدام کاری نگشته بود و در عوض راه خوب زنده گی کردن را یافته بود . او کسانی را همراهی می کرد که تمایل به شعر و شاعری نوع او را داشتند که به این طریق ماهوار بیست - رویه را از همه بی هواداران - نش جمع آوری میکرد . البته با گذشت زمان جمع او - همین مبلغ به وظیفه کامل او مبدل شد . او از ضربان قلبی مودانست که اگر به کاری هم گماشته شود ، نمیتوانست بیشتر از دو صد رویه را به دست آورد .

باری من برایش وظیفه می دادم و دریافت کردم ، مگر بعد از یک ماه کار به تقاعد سوقش دادند . دلش این بود که آنچه را میتواند از رفقایش جمع آوری کند چو تلافی اضافی برای به دست آوردن آن میکرد . به این ترتیب آرام آرام شیوه زنده گی او شکل دایمی را به خود گرفت . در هر ماه دو صد رویه را از دوستانش جمع آوری میکرد و علاوه بر آن اگر

کسی از او خوشش می آمد او را به سینما و یا نان شب نمیزد دعوت میکرد . گاهی هم بعضیها برایش یک جوره بوت و یا پتلون میخریدند . به این ترتیب آقای شگفته زنده گی آرام خود را ادا می میداد یگانه جهت نامناسب زنده گی او این بود که بعضا رفقای او را به سینما دعوت میکردند ؟ در - حالیکه او کسی میخواست و یا بعضا هم او را به نان شب دعوت میکردند . در حالیکه او به پتلون ضرورت داشت . شگفته هیچ گاهی در این مورد کدام احساس بدی ندا -

دست نخواهد زد . به هر حال علت موضوع باید دریابفت میگردید که چرا او به چنین کاری دست زده بود . در همین فکر بودم که ناخود آگاه با صدای بلند گفتم : " این خبر به کلی دروغ - است ."

خانم که برانروخته کسی یکبارگی ام را دیده بود و آن آنکه بدانند در مورد کدام خبر حرف میزنم ، خاسر نشان - ساخت . در حالیکه قیمت خیر راست و دروغ یکسان است ، پس چرا روزنامه ها خبرهای دروغ را به چاپ میر -

شت و آن را از پیشرفتها پیش به حساب میگرفت . بعضا او حالت فلهوفانه بی اختیار میگفت و یا خود میگفت : " آنچه را آدم آرزو دارد ، در زنده گی به دست آورده - نمیتواند . حتی اگر منبع عاید به دست خود آدم هم باشد زنده گی من بهتر از دیگران است . زیرا حد اقل در - خدمت کسی خود قرار ندارم . یک آدمی که چنین نقطه نظر داشته باشد به آسانی میتواند بدون خوردن غذا زنده گی کند . مگر اوقصداه اعتصاب نه خوردن غذا

کسی از او خوشش می آمد او را به سینما و یا نان شب نمیزد دعوت میکرد . گاهی هم بعضیها برایش یک جوره بوت و یا پتلون میخریدند . به این ترتیب آقای شگفته زنده گی آرام خود را ادا می میداد یگانه جهت نامناسب زنده گی او این بود که بعضا رفقای او را به سینما دعوت میکردند ؟ در - حالیکه او کسی میخواست و یا بعضا هم او را به نان شب دعوت میکردند . در حالیکه او به پتلون ضرورت داشت . شگفته هیچ گاهی در این مورد کدام احساس بدی ندا -

دست نخواهد زد . به هر حال علت موضوع باید دریابفت میگردید که چرا او به چنین کاری دست زده بود . در همین فکر بودم که ناخود آگاه با صدای بلند گفتم : " این خبر به کلی دروغ - است ."

خانم که برانروخته کسی یکبارگی ام را دیده بود و آن آنکه بدانند در مورد کدام خبر حرف میزنم ، خاسر نشان - ساخت . در حالیکه قیمت خیر راست و دروغ یکسان است ، پس چرا روزنامه ها خبرهای دروغ را به چاپ میر -

شت و آن را از پیشرفتها پیش به حساب میگرفت . بعضا او حالت فلهوفانه بی اختیار میگفت و یا خود میگفت : " آنچه را آدم آرزو دارد ، در زنده گی به دست آورده - نمیتواند . حتی اگر منبع عاید به دست خود آدم هم باشد زنده گی من بهتر از دیگران است . زیرا حد اقل در - خدمت کسی خود قرار ندارم . یک آدمی که چنین نقطه نظر داشته باشد به آسانی میتواند بدون خوردن غذا زنده گی کند . مگر اوقصداه اعتصاب نه خوردن غذا



خواندم او به خاطر آورد که این همان شگفته است که چندین بار به مناسبتهای مختلف در خانه ما نان مفت خورده است . من هم برایش گفتم که این همان شگفته است که جاکت پشمی مرا برای یک روز طلبی گرفته بود ، ولی آن را پس نداد و علقش را آمدن زمستان طاقت فرما وانمود کرد .

مگر حیف که آنچه به خانم گفتم تا نوری بالایش نکرده ؛ زیرا از گذشته از صمیم قلب شگفته را به مثابه رهبر حقیقی خود پذیرفته بود . به نظر من

شگفته خوب نظر بینداز و واقعا آماده است که زنده گی اش را در راه دریافت کار برای هر جوان هندوستانی قربان کند . و باز هم خانم با گرمی شعار را سر داد که : " محمد علی شگفته ! و پیش از آنکه آن را تکمیل کند من فریاد کشیدم : " زنده باد !"

در حالیکه حورت زده بودم دفعتا به خاطر آوردم که بهیچ وجه به یک آدم بیگانه زنده باد گفتم ام . به راستی که عقل احق بعد از وقوع حا -

" سکسینا " نیز مانند من از رفقای شگفته بود که برای پیشی بهست رویه میپرداخت . آقای " سکسینا " در چای خانه جوار سونک چای می نوشید از او پرسیدم : " چی میکنی ؟ " " من که با خانم بشاچره کر - ده می و در اینجا چای نوش جان میکنم ؟ " " نی اینطور نیست . خانم در خانه نیست او رفته تا مراتب احترام خود را به شگفته جان تقدیم دارد ."

دفعتا متوجه شدم که خبر آقای شگفته چقدر زود به اینجا رسیده است " سکسینا " نیز

زیر خیمه پایش را بالای پای دیگر انداخته و در آن شیشه نرورفته بود . در اطرافش پلاکاردهایی نصب بود که بالای هر کدام شعاری نوشته شده بود .

" قافله ای که خواستهایم برآورده نشود از اعتصاب دست نمی کشم . " " ما زمینه کار را فراهم کنید یا استعفی بدید !"

" ما حق خود را خواهیم گرفت " و غیره و غیره . در حدود بیست تا بیست و پنج زن در قطاری نو بست گرفته بودند تا چشمهایشان از دیدن این مرد بزرگ روشن شود . در لحظه ای که شگفته جان ما را دید از زنان خوا -

هش به عمل آورد تا او را بنگدازد . رند که برای بدنی استراحت کند .

تا که مابه نزدیکی او رسیدیم زنها محل را ترک گفتند و ما به ملاکت کردنش آغاز کردیم . باز به چی نورنگی دست

زده می ؟ تو در تمام زنده گی خود اقله یک کار را انجام نداده ای . مگر اکثرا برای دیگران کار میخواهی ! چی فکر میکنی که صدراعظم کارها را در جیب خود نگاه داشته است . وقتی که تو کار میخواهی او برایت میدهد ؟ کدام حزب برایت پول داده که به این کار دست میزنی ؟

برای شگفته مشکل بود ما را خاموش سازد و گفت : " رفقا برای من یک چانس بدید لطفا گوش کنید که من چی میگویم ."

من برایش گفتم که بگو چی میکنی ؟ تا به حال نتوانسته ای که اقله یک پول را بدست آری ؟

یکی برایت نان میدهد یکی برایت لباس میخرد یکی هم تو را به سینما میبرد و دیگری مشروبات الکولی برایت تمام رف میکند . صدقانه بگو که چرا از روی جعل دست به اعتصاب غذای زده ای ؟ " بقیه در صفحه ۸۴

کلیله و دمنه

نوشته : ولیپ سنگه مترجم : ذبیح الله اسماعیل

هر زن آرزو دارد تا دست پیرری بگیرد و مریدش شود مردم خو ناحق نمیگویند که اگر پسر مریدان زن داشته باشد هیچ گاهی از غذای خوب بی بهره نخواهد بود . خانم برایم گفت : " در - دنیا بعضی کسانی هستند که برای خود زنده گی میکنند ولی هستند کسانی که برای خوسی دیگران زنده گی خود را فدا میکنند . از طرف دیگر کسانی هم مانند تو وجود دارد . پسر در خانه بیکار نشسته مگر توبه خاطر دریافت کارها - پیش یک قدم هم از خانه بیرون نمیگذاری به افرادی مانند

دش به سرش می آید . خانم نصیحتش را ادامه داد که گفت : " امروز یک انسان دیگری راه مهمانگانی را تحقیق میکند . و زنده گی اش را به خاطر کشور قربان میسازد ! " مگر تا جاییکه من میدانستم کدام تشابهی بین مهمانگانی و آقای شگفته وجود نداشت اکنون که دانستم آقای شگفته در گذشته رفت و آمد های به خانه ما داشته تصمیم گرفتم تا خود را نزدش برسانم به این ترتیب راه ما به خانه آقای " سکسینا " رفت . آقای

مانند من کاملا گول خورده بود . او در حالیکه با من اندیشه اش را شریک میساخت گفت : " یا اینکه این شگفته که به اعتصاب غذای دست زده است شگفته مانیت و یا اینکه خبر دروغ است . " من پیش نهاد کردم که : " چرا به تحقیق موضوع نهر دازیم ! " بالاخره با استفاده از موتر سیکل " سکسینا " هر دو با هم یکجا پیش روی خانه صدراعظم رفتیم و دیدیم که همان شگفته ما نشسته است . او تنش را با روحی پویانیده و در

دستان مقناطیسی

دخترکی را نشان میدادند که قدرت آنرا داشت تا با حرکات دست خود (بدون تماس بر آنها) اجسام فلزی را به حرکت آورد و تصمم گرفت تا این تجربه را با لای اعضای فاسیل خود انجام دهد. با تعجب زیاد متوجه شد که اجسام فلزی در قدرت همبسی مختلف اعضای بدن مارتای پنج ساله جذب می گردید. این تاثير نسبتاً ضعیف در وجود پسر چهار ساله آنها نیز دیده شد.

در یکی دو دخترک متعلق صنف چهارم مکتب (تینا چانتوریا) از جمعی از پسران گرجستان، بعد از تماشای همچو پروگرام تلویزیونی خواست تا مطلب را با لای خود تجربه نماید. با کمال تعجب وی متوجه شد که قاشق، کاره و غیره اجسام فلزی بدستش وی جذب می گردید. بعداً جهت اثبات آن، آنرا نیز با قدرت خارق العاده جذب کرد. مادر دخترک میگوید که او پدرش هیچگاه متوجه کدام استعداد فوق العاده دخترشان نشده بودند.



نویسنده کتاب (عجایب حیرت انگیز) چنین اظهار می کند: عجایب مورد قبول همگان وجود دارد اما توضیح قابل فهم همگان وجود ندارد. این اظهار نظر کاملاً به زندگی فعلی ما مطابقت دارد در حال حاضر در اکثران روان شناس در جهان مابانداری های مختلف تلویزیونی را در پی می و غیره همه را به تعجب می اندازد دخترک پنج ساله (مارتا مارتا) اسکوتلند در هک و شورس و کرائین اتحاد شوروی توانایی این را دارد که با تماس دست خود درد سرد خود را رفع کند. ممکن است درباره ایوان کرده که هر طفل میتواند که با مالش (مان) درد سرکی را آرام سازد فاسیل این طفل مطلب فوق را تا دیروزت. بلکه طلب تصادفی فکری گردید بعداً متوجه شدند که با تماس دست دخترک در زندان نیز آرزو بر می آید و بعد از تماس عادی و صحبت با وی به جانب مقابل احساس خوشی و مسرت دست میدهند. یک روز تصادفاً پدر این فاسیل که متوجه نشد این پروگرام تلویزیونی بود در پروگرام

رژیم غذایی را دور سازید

از ازدواج فاسیلی نس باشد. از این بجاها میتوان بستند و این و سندی در ترنر اشاره کرد.

هر داشت من از مطالبی که در پاسخ به سوال قبل فرمودید، این است که از مایشات گروهی برای تشخیص بیماری های گروهی است و در ازدواجهای فاسیلی مسا نگران ابتلای فرزند به بیماری ژنی هستند و آرزوهای گروهی را در این مورد به نهاد نمی کنند. اما در پیوسته نامه های تلویزیونی توصیه شده است که مردم قبل از ازدواج خود

ببازرسی بررسی گروهی شوند و کسی بنحی که اغلب مراکز مشاوره ژنتیک نیز برای مشوره های قبل از ازدواج فاسیلی آریا- پسر گروهی توصیه می کنند. آیا به نظر شما این کار صحیح است؟

خیر اصلاح صحیح نیست. همانطور که قبلاً گفتم و شما نیز آن را به درستی با این سوال مطرح کردید، ازدواج فاسیلی مسا نس ابتلای فرزندان حاصل را به بیماری های تک ژنی مغلوب افزایش میدهد و تنها ی محبوبه تنها در افراد سالم ناقل آنهاست. مثلاً زوجینی که برای مشوره قبل از ازدواج یا قبل از حاملگی به مشاور ژنتیک مراجعه می کنند، بلکه حتی در افراد مبتلا

به بیماری های ژنی نیز با بررسی گروهی تشخیص نمی شوند. لذا بررسی گروهی نه تنها در این موارد قدرت تشخیص نداد، رده بلکه با دادن اطمینان کاذب به بچه در صحنه (۲۸)

اسباب بیماری های ژنتیکی



اقتباس از مجله زن روز چاپ جمهوری اسلامی ایران

آیا این نظر درست است که ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج دختر عموی با پسر عموی به بیماری های ژنتیکی، بیشتر از خطر در ازدواج های فاسیلی دیگر است؟

زن به وجود می آیند و به چهار گروه تقسیم می گردند:

- الف - بیماری های اتوزومال غالب.
- ب - بیماری های اتوزومال مغلوب.
- ج - بیماری های متصل به X غالب.
- د - بیماری های متصل به X مغلوب.

از میان این گروهها مجموع بیماری های اتوزومال مغلوب کاملاً متاه تر از ازدواجهای فاسیلی است و والدین مبتلای معمولاً سالم و ولی حامل ژن بیمار برای نهفته و مغلوب می باشند. به همین دلیل مهم ترین نگرانی مشاور ژنتیک در ازدواج های فاسیلی فاسیلی فرزندان حاصل از اینگونه ازدواجها بیماری های اتوزومال مغلوب است. مانند برخی از مغلوب لبتهای ذهنی و جسمی و نامتواسی.

بیماری های چند ژنی: این بیماریها تحت کنترل چندین ژن قرار دارند و بافتنی افراد به آنها نه تنها از وضعیت ژنتیکی آنهاست مبل به مقدار قابل ملاحظه ای متاه تر از عوامل محیطی نیز می باشند و به همین دلیل بهتر از دیگر انواع بیماری های ژنتیکی قابل پیشگیری می باشند. مانند برخی از معلولتهای ذهنی ضعیف.

بیماریها و ناهنجاریهای گروهی: این بیماریها بر اثر تغییر در تعداد و یا ساختمان کروموزومها به وجود می آیند و نسبت به موارد فوق به غیر نسبتاً کمی از بیماری های ژنتیکی را در بیماران تشکیل می دهند و بعداً آنها متاه تر

بهترین راه برای پیشگیری از تولد کودکان با نقایب ژنتیکی، آگاهی والدین و نسل جوان از چگونگی بروز این نقصها و انجام مشوره ها و اقدامات لازم قبل از تشکیل چنین و حتی قبل از ازدواج می باشد.

خوشبختانه اخیراً اطلاعات مردم در این زمینه تا حدی افزایش یافته است و ملی متاسفانه اعلام یک سری اطلاعات نادرست در بعضی از رسانه های گروهی از سوی افراد غیر متخصص و موجب ایجاد وحشت کاذب در میان مردم شده است و همین امر منجر به هجوم بی سبب خانوادها به مراکز محدود ژنتیک کشوریان شده است. لذا بر آن هستیم تا تعدادی از سوالاتی را که اغلب از سوی مردم مطرح می شود و متاسفانه پاسخهای نادرست قبلی به این پرسشها داده شده است، با یکدیگر از متخصصان ژنتیک کشوریان مطرح سازیم تا این شبهات روانه های بی مورد از ذهنان عمومی پاک گردد و جوانان بتوانند در مورد تشکیل خانواده به راحتی تصمیم گیری کنند.

مجله زن روز چاپ جمهوری اسلامی ایران این مساله را با یک دوگانه تخصصی مطرح نموده که در زمینه توصیه شما راه پاسخ های دوگانه نورسند تا مردم جلب بینایی. ضمن تشکر از اینکه دعوت ما را برای پاسخگویی به سوالات مردم در زمینه مسائل

مربوط به ژنتیک پذیرفته و خواهش می کنم به عنوان اولین سوال توضیح مختصری در مورد انواع بیماریهای ژنتیکی و نقش ازدواجهای فاسیلی در آنها بفرمایند. - بیماری های ژنتیکی شامل بیماریهای فاسیلی است که به طور کامل یا به درجاتی تحت متاه تر عوامل ژنتیکی به وجود می آیند. بیماری های ژنتیکی را می توان به سه دسته بزرگ تقسیم نمود:

۱- بیماری های تک ژنی: این بیماریها هزاران نونه و هر کدام تحت کنترل یک

زنده گی در مکروریا

وحیده از مکروریا می گوید:

زنده گی در اپارتان های مکروریا ها تقریباً زنده گی مدرن است و از چندین سال بدینسو مردم ما عادت کردندند چس گو نه درین اپارتان ها زیست نمایند اما گاهی عده از ساکنین آن بی مسولانه و بی توجه به این که در منزل پایین همسایه دیگری سکونت دارند کتا فت منازل شان را به پایین مهر میزند و آنها آنان گاهی به این اندیشیده اند که زنده گی در اپارتان مکروریا چنن نیست یا این که تا هنوز ندانسته اند چس گو نه خود را به چنن زندگی عیار سازند در هر صورت از مسولین مجله سبارون میخواهم گزارش جالبی از پرابلم های ساکنین این محل تهیه نمایند

اپارتان ها و دکان های زنده گی زینت یافته و تقریباً محل اساسی ترین فروش اجناس و سر لوجه داکتران و پرو نسران و سایر فروشنده گان همه سر لوجه های درشت لایراتوارهای شخصی نیز به چشم میخورند

لایراتوارها یکی همچو گاهی نمیتوانند نتیجه دست داشته خود را به طور دقیق برای مرضی بی بضاعت دهند و آنها وزارت صحت عامه ازین دست مسوولین لاین لایراتوارها آگاهی دارند که با اخذ بلندترین اجرت از مرضی و آن هم نتیجه بالمعکس را کف دست مرضی میکند این خواهش میکنم مسولین این سطور را بخوانند و یک بار اگر هم شود سری به این لایراتوارها بزنند و ببینند که این ها سند چنن کار را در دست دارند ؟

تالوه معلم لیسه امته فدوی وزارت تعلیم و تربیه در کنگره اول مصلحان که سال پارس تدویر یافت تصاصی منعی بسر محلی برای بود و باش زنده گی مصلحان اتخاذ کردند و حتی نام این محل را دهکده محلین نامیدند و ولی دو سال از آن کنگره و سرو صدا میگذرد تا امروز از هیچ دهکده خبری نیست و نمیدانم آیا این هم مانند نوشتن روی پنجه و گذاشتن روی آفتاب سوزان بودها خبر ؟

لایراتوار شخصی یعنی چه ؟

جواد از کارته ۴ کابل

در صومر - سرك جاده میونسد



از دهکده خبری نیست

میزان افزایش احتمال ابتلای کودکان حاصل از یک ازدواج فامیلی به یک بیماری ژنتیکی اتوزومال مغلوب نسبت به یک بیماری غیر فامیلی به عوامل متفاوتی مانند نسبت میزان خویشاوندی زوجین و سابقه آن بیماری در اقوام زوجین و شیوع آن بیماری در جامعه بستگی دارد و فامیلی توان گفت که ازدواج فامیلی نسبت به ازدواج غیر فامیلی احتمال و در صد ابتلای فرزندان حاصلی را به بیماریهای ژنی اتوزومال مغلوب چند برابر افزایش میدهد و بنابراین بطور کلی احتمال ابتلای فرزند یک زوج خویشاوند نزدیک به بیماریهای ژنتیکی در حدود درصد است

در یکی دیگر از برنامه های تلویزیونی یکی از متخصصین گفته است که خطر و شدت ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج دختر کاکا - پسر کاکا به بیماریهای ژنتیکی بیشتر از خطر ازدواج پسر کاکا - دختر کاکا است و این اعتقاد که تا شرفی ازدواج دختر کاکا - پسر کاکا بیشتر از تا شرفی دختر خاله - پسر خاله است و ممکن است ناشی

یکی از دکتوران گفته اند که ۹۰ درصد فرزندان حاصل از ازدواجهای خویشاوندی نزدیک دچار نقص ژنتیکی می شوند و در برنامه های دیگر یک دکتر دیگر گفته است که ۱۰۰ درصد فرزندان ناشی از ازدواجهای خویشاوندی دیر یا زود به نوعی نقص ژنتیکی مبتلا خواهند شد و نظر شما در مورد این در صدها و ایمنی ارقام چیست ؟

این ارقام اصلاً درست نیست و آشنایی با مبانی و اصول ژنتیک طبی کافی است که نادرمستی این ارقام بی برد الهیه شاید نیازی هم به آشنایی با مبانی و اصول ژنتیک نباشد بلکه تنها توجه به فرزندان اقوام و آشنایانی که ازدواج خویشاوندی نزدیک کرده اند کافی است که بی هیچم اغلب افراد حاصل از ازدواجهای خویشاوندی سالم می باشند البته برود داد - نستن ارقام فوق و ذکر این واقعیت که اغلب افراد حاصل از ازدواجهای خویشاوندی مبتلا به بیماریهای ژنتیکی نیستند نباید ما را از این واقعیتها قائل کند که اولاً ازدواج خویشاوندی شانس ابتلای فرزندان حاصل را به بیماریهای اتوزومال مغلوب چندین برابر می کند و ثانیاً اغلب مبتلایان به بیماریهای ژنتیکی اتوزومال مغلوب حاصل از ازدواجهای خویشاوندی می باشند

اسباب بیماریهای ۱۰۰

مجموعه از صفحه (۱۷)

دختر و پسر خویشاوندی که شاید در خواب این اطمنان کاذب با یکدیگر ازدواج نمیشوند موجب تبسم آنها به ازدواج یکدیگر می شود چون در موارد محتملی از اینگونه ازدواجها ممکن است فرزندان معلول به وجود آید لذا بررسی گروهی ژنتیکی را نباید در مواردی که افراد نگران بیماریهای غیر کروموزومی مثلاً بیماریهای تک ژنی هستند به کار گرفت

در موارد زیادی جوانان در واکنش به مطالبی که رادیو و یا تلویزیون در مورد مشوره ژنتیک و آزمایش کروموزوم قبل از ازدواج فامیلی توصیه کرده است به مراکز ژنتیک مراجعه می کنند و فقط به دلیل فوق تقاضای آزمایش کروموزوم می کنند در این موارد مشاورین ژنتیک می بایست طبق علم خود عمل کنند و به خاطر بی اطلاعی یا دلخوشی مردم اندام به بررسی کروموزوم آنها نکنند زیرا این اقدام علاوه بر تحمیل هزینه های کلان بی مورد به خانواده ها موجب اطمنان کاذب آنها به سلاتی فرزندانشان خواهد شد و نوشتن در مراکز ژنتیک را طولانی تر می کند

در یکی دیگر از برنامه های تلویزیونی

مباحث شهر

را توسعه دهید

سیا وون گون

خود را از دست ندهید
و این مسوولین با تشکر قیمت
مجله خواننده خود را واقعی
سازند.

قیام های سفید

را معرفی کنید

خفته هاشمی و کیهانطایی از
وزارت معارف و اوقاف
از مدت نسبت که مجله کمتر
مطالبی زیر عنوان "فرهنگ گناه"
های طبعی که خوشبختانه
در کشور با بیشتر یافت می شود
به نشر می رساند و با فایده هم
هیچ نشر نمی کند بلکه "ز"
قران بهایز راه صواب بسیار
آموزنده و طرف توجه است
آرزو دارم ادا به بیاید.

خبر محمد از نظارت و کنترل
پستی وزارت معارف و اوقاف
من علاقه زیاد به اشعار
دارم و نظیر این است که
اشعار کلاسیک صفحه جداگانه
و اشعار نهای با نوبه صفحه
جداگانه اقبال چاپ باید تا
در بخش صفحه مشخص خود را
داشته باشد در هر صورت
فعلات تنها قیمت مجله قابل
بحث است که خواننده گان مجله
به طور عام و محصلین و
معلمین و کارمندان دولت
استند. بلند رفتن قیمت مجله
مانند نرخ مواد اولیه دلچسپی

— صفحه زیر عنوان "بهرگرافی"
دانشندان و شخصیت های
برجسته کشور و حادثات زندگی
کسی شان ایجاد شود و ماه
نامه سیا وون در آینده به یک
سالنامه تبدیل شود و تا آنجا
نواده ها بتوانند از یک بار
خوانشگر را خواننده دایمی
آن شوند.

قیمت مجله قابل بحث است

عبد الحمید نبی زاده مسوول
شعبه جوانان کتابخانه عامه
— تناسب حافت مجله به
صورت دقیق و منظم در نظر
گرفته شود.
— به سلسله نشر گفت و شنود
های هنر تئاتر، موسیقی و
شطرنج گفت و شنودی نهی
در مورد نقاشی و خطاطی و
مناسبتی با پیش گامان این
رشته ها تهیه گردد.
— از آن جای که آگاهی دارم
تعداد زیاد خواننده گان
شماره اول سال اول سیا وون
را ندارند و امید شماره اول
تجدید چاپ شود.

بقیه از صفحه (۳۹)

بها لزا که می گفت (بالزاک ترکیب فرشته و شیطان است صفات
مردانگی دارد. ولی اخلاقش به حدی است که نمی توان
لحظه بمقابل آن تحمل کرد او ایجاد گر بزرگ و هنرمند بی مثال
است. ولی بی مبالاتی اش به هنرش لحظه مزیند من هم عاشق
او می شامم و هم دشمن او. لحظه می باشد که میخواهم او را در قلب
خود جای دهم و موقعی برسد که اگر تصاب او را بندازند جدا
کند من از تسلیخ اولادت خواهم برد (۱۰)
خانم روز سانه که مانند مهتاب شب چارده برد امن پاریس می بردن
خشیده با پیوسته شدن او مانند فانوسیک در اخرو شب رویه خاموشی
می رود آهسته آهسته آرام می صدا می خورد بد (۱۰)
دهه ششم قرن نوزدهم مصادف با روزهای پیری این خانم
که روزی غمزه را پیش در پاریس ولوله میباید اخت مصادف بود.
از آنسوی کرانه های اوقیانوس آوازه های دموکراسی امریکا
می رسد از ابراهام لیکن قصه می شناسیم و از ناز
و نوازش می شناسیم و کتاب (کلیه صورت) که رئیس
جمهور موقع مراسم سوگند ریاست جمهوری در جلوی انجمن
گذاشته گفته بود که به ستم های که درین کتاب درج است خانه
خواهد داد. روز سانه را تحریک می کرد تا باقی زندگی خود را
در آن دنیا بگذراند (امریکا) به سرساند. ولی در پاریس
او را جان زنجیر می کرده بود تا این آرزوی سرور
او روزهای پراشید پاریس را در سر سفیدی با چشمان پسر
اشک تماشا کرد. او پیری های پاریس را آهسته از خون جوانان
به چشم سرد به و این آتشگر بیت شکن روزی که سگرت برگ پسر
لب میگذشت چشم از جهان پوشید و آن سگرت به منم فرانسه
انتقال یافت.
سال مرگ این هنر آفرین ۱۸۷۶ بود و نویسنده پسر
الیزابت بارت پرونگ در وصفش گفته
(نخستین زن ناپخته همه ساله و همه قرون و اعمار)

بها لزا که می گفت

از این تصور اشتباه باغذ که مردان زنهای
اتو زویال بهیتر یا موثر تری از زنان دارند
با توجه به مطالب فوق هاین سوال پیش
می آید که چرا از یک رمانه مهم عمومی
یعنی تلویزیون چنین اطلاعات نادرستی
به مردم داده می شود؟ و ثمر این پند
آموزها چیست؟
— قسمت اول این سوال را مسوولین تلویزیون
بین و دیگران می توانند پاسخ دهند اما
در مورد قسمت دوم این سوال یعنی نشر
این پند آموزها همین نقطه به چند مورد که
مشخصا زیاد با آنها برخورد کرده ام
اشاره می کنم.
۱- نگرانی اضطراب و وحشت زبانی در
زوجین خوب خواننده حتی در آنهایی که
با رای چندین نوزند سالم و با هوای
هستند و دیگر قصد تولد مثل ندارند
پیش می آید.
۲- بعضی افراد اقدام به جدا شدن از
همسر خود نموده زیرا تصور می کنند مسا
بهانه می آورند که نوزندان آنها در این
ازدواج به احتمال ۶۰ درصد با حسی
۱۰۰ درصد ناقص خواهد شد.
۳- بعضی خانها اقدام به سقط جنین
های خود می نمایند زیرا تصور می کنند
چون با شوهر شان خوب خواننده نزدیک
هستند همچون آنها حتما ناقص و معلول
است.

ماترنا

درباره سر نوشت و سرگ

میگویند همانطوریکه ماما شوخک در نوشتن مطالب طنز و تکانی مدین و عصری استعداد خاصی دارد به همان اندازه دیو سه شناسی هم دارای معلومات گاه فی میفاید . بنابراین درین شماره در مورد بوسه که بازاریابی گرم است سوالات خود را ترتیب نموده و از ماما شوخک خواهش کردیم تا سوالات ما را جواب بگویند .

این مساو این ماما شوخک شوخی این تان .

س : بوسه چیست ؟ چه وقت و در کجا اختراع شد ؟

اولین بوسه در کجا و توسط کدام شخص صورت گرفت و - پیامت اولیه بوسه چی بود ؟

ج : گرچه دانشندان و پژوهشگران بوسه شناسی در مورد بوسه تعریف های مختلفی نموده اند که در تعریف نظر به وضع جغرافیایی و شرایط فرهنگ و کلتور هر جامعه فرق میکند اما جامع ترین تعریف بوسه که دیوان شعرا آن را هم تایید میکنند چنین است :



اولین روز و سینه
زبان را راجع

اما " اوید " نویسنده مصر - وف روم باستان درباره اختراع بوسه داستان جالبی دارد که خلاصه آن ذیلا تقدیم میشود .

" در شهر روم باستان سرد پهنه دوزی بود که زن زبانش را داشت مگر زن او اخلاق خوش نداشت و همیشه شوهرش را با زخم زبان هر حرفی و انتقادات نابجا بی جهت سرزنش میکرد . یک شب که پهنه دوز از زخم زبان زنش به ستوه آمد باختم فراوان از جایش برخاست دستهایش را محکم گرفت و لبهایش روی لبانش گذاشت تا دهانش را ببندد . اما نسل گهان زنیش عیوض شد و با کمال حیرت دید که خشمش بکلی از بین رفت .

رتبیکه مرد لبهاش را از زبان زنش برداشت حیرتش چندین برابر شد اخلاق زنش بکلی عوض شد . زن لجاجت و پرخاش گری نبود بلکه به یک زن محسوب و کم حرف و مهربان تغییر کرد . زن با ملامت و مهربانی از شوهرش التماس میکرد که تماس لبهایش را تکرار کند .

بدینوسیله اولین بار بوسه به وجود آمد .

از آن پس مرد پهنه دوز و زنی خود را از خوشبخت ترین زن و مرد دنیا احساس میکردند .

اما این خوشبختی طولی نکشید . پهنه دوز بجز این اختراع به دادگاه کشیده شد و سر انجام بحکم قاضی دادگاه به سیه حال انداخته شد . او هم مانند دیگر مخترعین و مبتکرین به ذلت و فقر و بدبختی جان سپرد .

س : بوسه در کشور ما چه وقت بوجود آمد و اولتر کدام طبقه از آن پیروی کردند ؟

ج : بوسه در کشور ما سابقه طولانی دارد اما نه به این مورد امروزی .

مثلا - دست بوسی پدر و مادر و دیگر بزرگان و استادان نمونه با رزی از احترام به بزرگان محسوب شده و بوسیدن روی کودکان در ردیف شفقت به کودکان به شمار می آید که از جایب اخلاق حسنه اسلامی مردم ما یاد میشود اما رهیوسی مروج فعلی با آن متفاوت است .

پیدا کرد .

اولتر روی بوسی یکدیگر بین زنان رایج شد ، و بعد بین جوانان و نوجوانان . سناریوی شیوع بوسه مت مگر با ایجاد تلویزیون و نمایش فیلمهای غریبی این مرض در بین کهن سالان شهری هم سرایت کرد اما اطرافیان بوسه سپدن روی یکدیگر را عمل مخصوص زنانی می بیند دارند .

گذشت بوسه پاسخ میدهد



ج : هدف آنها از بوسه جلب توجه جوانان است که طرز بوسه مخصوصا " بوسه های غریبی را درک نکرده اند به عقیده بعضی دکتریان طب در هر بوسه لب از ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ میکروب از یک وجود بوجود دیگر انتقال پذیر است . هرگاه آنها ضرر بوسه را نفهمیدند تا نام بوسه را در علم نخواستند گذاشت .

س : اگر بوسه نیل بود دخترها و زن ها چی میکردند ؟

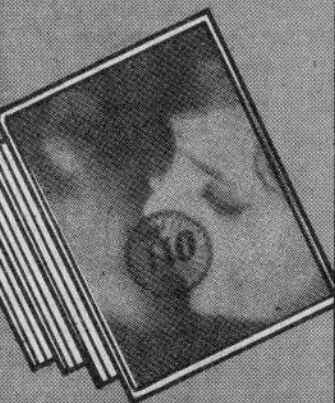
ج : در انصورت بمنظور تبارز - صحبت یک دیگر را به چند کلمات به دندان گزیدن نوازش میکردند .

س : چه کم که کس ما را بوسد اما مجاز میدانند که در صورت خود پیوسته لطف ما را بوسید ؟

ج : ترک عادت موجب مریض است کسی که به بوسیدن تان عادت کرده باشد محالست که آنرا ترک کند حتی به نوشتن لوحه هم .

ولی آسانترین وسیله دفع بوسه اینست که یک دیگمال را نزد خود داشته باشید هنگام مقابل شدن با شخصی که شما را بوسد آنرا بروی خود بکوبید او گمان میکند که شما بوزش کرده - اید از ترس بوزش میکوبد .

س : صریح انتقال است شما را کسی بوسد .



بوسه ای که در دست
بوسه ای که در دست
بوسه ای که در دست

هدیه میسرود و علت انتقال میکروب آن بوسه های چسبیده لب به لب آنهاست برای مدت طولانی میباشد که در غرب مروج است .

در کشور ما بوسه هم تنها بقی بوده فقط گونه ها چند با آنها هم تماس میکنند که بعضی مردم بنام بوسه های زنانه ای یاد میشود به آنها هم توصیه است من به خواهر زاده های عزیز اینست که توصیه ماما می عزیز شان را در حافظه شما سنجاق نمایند .

۱- اطفال را بوسید که بر - علاوه انتقال مرض با اصطلاح " گنده بغل " او به بوسه دادن عادت میکند .

۲- جوانان را بوسید که طراوت و رخسارشان از این مسرود روی شان لکه پیدا میکند .

۳- اگر محل داشته باشید تا بتوانید کهن سالان را بوسید . اگر مرض ایدس هم داشته باشید در صورت - فر با آنها کمک میکند .

س : بعضی ها تصور میکنند که بوسیدن روی رئیس مو " مسه چا پلوسی محسوب میگردد نظر شما چیست ؟

ج : به عقیده من بوسیدن روی رئیس به هیچ صورت چا پلوسی نیست زیرا در کتاب چهارب - ا لغرایب ما ماما شوخک دست بوسی - پای بوسی - چای -

س : درین روزها چرا با زار بوسه گرم است باهرکس صافه کنی روین را برای بوسیدن پیش میکند ، ولو عرق آلود هم باشد ؟

ج : چون تابستان است از برکت هوای گرم نه تنها بازار بوسه بلکه بازار احتکار ، تقلب اختلاس و تزویر و تظاهر سر رشتت و کسه بری همه چیز گرم است .

چون بوسه اقسام مختلف دارد از قبیل بوسه بی صدا - بوسه صد ادا - بوسه تعفند ان بوسه - تبسم داره - بوسه ناز داره - بوسه ست - بوسه داره - بوسه سیا - سی و بوسه های بوسه دزدی .

بنابراین بوسه ای که از روی - عرق آلود گرفته میشود بوسه تعفند دار میکنند .

س : میکنند یکی از عوامل صرا - بت مرض ایدس از طریق بوسه - سپدن میسر است شما به خوا - هر زاده های خود چه گفتی دارید ؟

ج : اگرچه خودم با مرض ایدس کدام پیوند و قرابت و خویشا - وندی ندارم ولی بعضی دکتر - ران طب که بان آشنایی دارند چنین میکنند . ولی تا جاییکه من معلومات دارم مرض ایدس مرض سرمایه دار نیست که بیشتر در - کشورهای سرمایه داری پیدا -

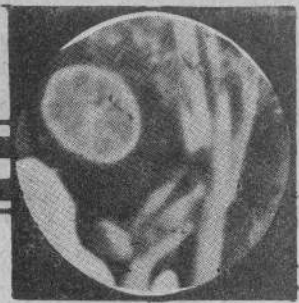


پکوره لوبیا



طرز تهیه :
لوبیا را جوش داده و از مابین تهرک بید پیاز را بپزد بپزه کرده و سبب نماید یک قاشق آرد بالای پیاز انداخته شور دهد تا خوب بپزد و بظبط شود و مدت پنج دقیقه گذاشته تا پنخته شود بالای این مواد لوبیاها هتخم ه دو قاشق آرد هتک و مچ سیاه هم به آن اضافه کنید و آن را خوب مخلوط نماید .
از مواد آماده شده به انداز سه کلچه های خورد گرفته در بین نان قاق میده شده الوده کنید بعد در روغن آن را سبب نموده و بعد از آن که آماده شد با سالاد نوش جان نمایید .

مواد لازم : روغن ه شیره پیاز ه تخم ه آرد ترمیده ه نمک ه مچ سیاه ه نان قاق میده شده و لوبیا .



غذای تخم کدو مفید و مقوی باشد

برای خود

دلمه بادنجان سیاه



طرز تهیه :
گوشت ه پیاز ه دو دانه مچ تازه ه نیم پاد نجان روس را از ماشین بکشید ه مغز پاد نجان هارا خالی نموده پاک بشوید و علیحده بگذا رید .
کوفته و مواد مخلوط شده آن را روی آتش زینا منقل بگذا رید تا آب خود را خشک کند پرنج را چند ساعت قبل تر کرد ه با گوشت مخلوط نموده بگذا رید تا با گوشت بجوشد تا این که به سر روغن آید بعد با قاشق خورد در بین بادنجان ها

- ۱- دو پاد گوشت سرخی .
- ۲- ده دانه پادنجان سیاه .
- ۳- سه پاد پادنجان روس .
- ۴- نیم خورد پرنج پاریک .
- ۵- یک قاشق نانخوری مچ سیاه .
- ۶- پنج دانه مچ تازه .
- ۷- شش دانه سر .
- ۸- نیم پاد روغن .
- ۹- نمک چیده کی یک گلاس .
- ۱۰- نمک به قدر ضرورت .
- ۱۱- دو دانه پیاز کلان .



ملت

شما میتوانی خودتان در منزلتان ماست سالم و صحتی و از آن تهیه کنید .
یک لیتر شیر را روی حرارت ملایم قرار بدهید تا جوش بیاید ولی نگذارید کف کند . ظرف را از روی حرارت بردارید و بگذارید تا درجه حرارت به ۱۰۵ تا ۱۱۰ درجه فارنهایت برسد . در این درجه یک قطره شیر را روی قسمت مچ دست بچکانید تا از مناسب بودن آن برای مایه کردن مطمئن شوید و یا اینکه انگشت کوچکتانرا داخل ظرف شیر فرو برید و تله ده بشمارید در صورتیکه سوزان نباشد آماده است . سپس دو قاشق غذا خوری ماست تازه به شیر اضافه کنید . آنگاه ظرف را بگذارید و حداقل برای پنج تا ده دقیقه آنرا از جای بترکان ندهید . بعد از آنرا با پارچه بی بسوزانید تا ماست کاملاً ببندد بعد از حد اقل ۱۲ ساعت ظرف ماست را در محل سرد بگذارید تا آماده خوردن شود .

گشنیز صرف کنید اما

اگر از بوی بد دهان رنج میبرید از گشنیز استفاده کنید . یکی از سبزی های مفید که در تابستان و هم در زمستان بسیار یافت میشود که مصرف غذایی و هم مصرف درایی دارد گشنیز است که مورد توجه دانشمندان قدیم بوده و برای امراض قلبی توصیه میشود ه تا با غذای خود کمی گشنیز صرف نمایند .
گشنیز از بالا رفتن بخار معده به طرف سر جلوگیری کرده و غذا را مدتی در معده متوقف میسازد و باید از این خاصیت برای معالجه اسهال و سرم شدن امعاء استفاده کرد . گشنیز گیاهی است علفی که اگر از بوی بد دهان رنج میبرید و ریش یافته دارد .
گشنیز نوع برگه دارد یکس در طول ساقه که منقسم به ریشته باریک است و دیگری در قاعده که منقسم به قطعاتی یا بریدگی های کم عمق میباشد ه گل های آن کوچک و چتری مانند به رنگ های سفید یا صورتی است چتر های نریس آن را زاید در پایه خود میباشد ه ولی چتر اصلی چنبر زاید ندارد .
شیره آن که به غلظت آن را تخم گشنیز میگویند گرد بوده و دارای دو خانه و دارای دو حبه به هم متصل میباشد .
۲ گشنیز دارای ۷/۵ در صد آب ۱۷ درصد پروتئین ۸۴

دلمه پیزید

ساخته در باره پختن دلمه معلومات دارید . ما برایتان در باره یک نوع دیگر دلمه که با سبزیجات فصلی آماده میشود معلومات میدهم . البته تناسب مقدار گوشت ه ترکاری ه سبزیجات روغن ه آب و نمک را شما متوجه نمید بر اساس تجارب آشپزی در نظر بگیرید .
کچالورا پوست کرده و مغز آنرا توسط یک کارد نوکساز بکاوید و بعداً درون آنرا با گوشت کوفته شده که دارای مچ و مساله میباشد پز سازید .
بادنجان روس نسبتاً سخت را نیز گرفته بعد از شستن توسط شکافتن یک قسمت آن بقالی سازید و درون آنرا با گوشت کوفته شده پز سازید .
کدو و مچ و بادنجان سیاه کوچک که برای ترشی استفاده میشود نیز به همین ترتیب خالی شده و با گوشت پز ساخته شود .
طرز پختن : میده های کچالو و روس و کدو را در روی دیگ

چوبک نمکی

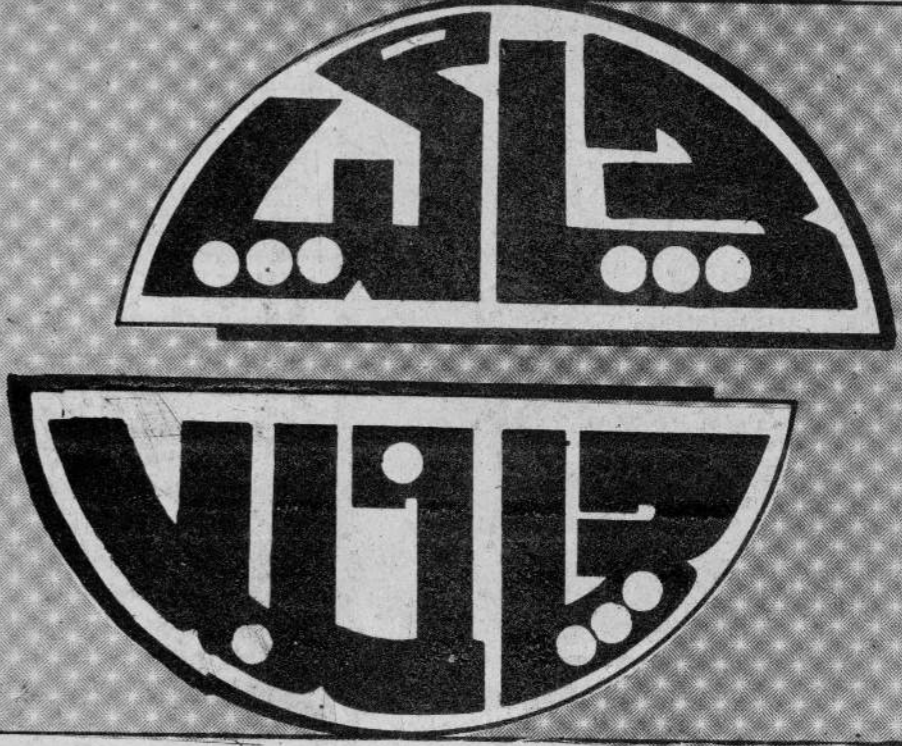
لازم :
دو گلاس آرد ترمیده ه یک دانه تخم ه چار قاشق نمک ه نخوری روغن یک قاشق چای خوری بولی هتک و مچ سیاه به قدر ضرورت .
طرز تهیه : ابتدا آرد و روغن و بولی و نمک را خوب مخلوط نمایید بعد از آن تخم را بالای آن بپاندازید و همراهِ آب شکر گرم خمیر کنید .
خمیر نه بسیار نرم و نه بسیار سخت باشد ه بعد از خمیر تهیه شده یک ضحاله گرفته آنرا از درجه های یک و دو ه سه ماشین بکشید و به اندازه یک پلست قطع نمایید بعد از آن از خانه ماشین بکوشی کشیده و به د طرف آن را مچ بدهید وقتی که تمام خمیرها تهیه شد در یک ظرف روغن به قدر ضرورت انداخته خمیرهای مذکور را سبب نماید اگر میخواهید زیاد نمک باشد وقتی که از گرم خمیر کتبه به شمار نه و نه بشمار سخت باشد ه بعد از خمیر تهیه

سری دیوی مراد به سینه‌ها کسانند



داشت خوش اند و منو کرد م
که میترام من هم در فلم های
انسانی کار کنم
- تا حال هنرمای خود
را چگونه ارزیابی می کنید ؟
- هنوز میترام چیزی
بگویم ولی به آینده امید
دارم. هر چه شاید بتوانم روزی
به بریفیت های بزرگی برسم
در فلم الماس سیاه نقش داده
دارم و توانستم خوب بازی کنم
و همین اولین آزمون مرا امید
دار به آینده میازد
نقشه در صفحه (۸۴)

سینما را محبت ملت بسرا می
خردم انتخاب نمای
- تا حال در کدام فلما ظاهر
نده اید ؟
- در فلم سایه نقش کوچکی
داشتم در سریال دکوید ی زوی
هم نقش دارم ولی اولین
فلم من الماس سیاه است که
تا هنوز زوی بردن نیامده است
- کدام فلم انسانی مورد توجه
نما قرار گرفته شما را به کسار
در سینما تشویق کرد ؟
- فلم 'مرار' سزوه برداخت
آن سخت مورد دلچسپی ام قرار
گرفت از نقش که عادلانه آن بیس



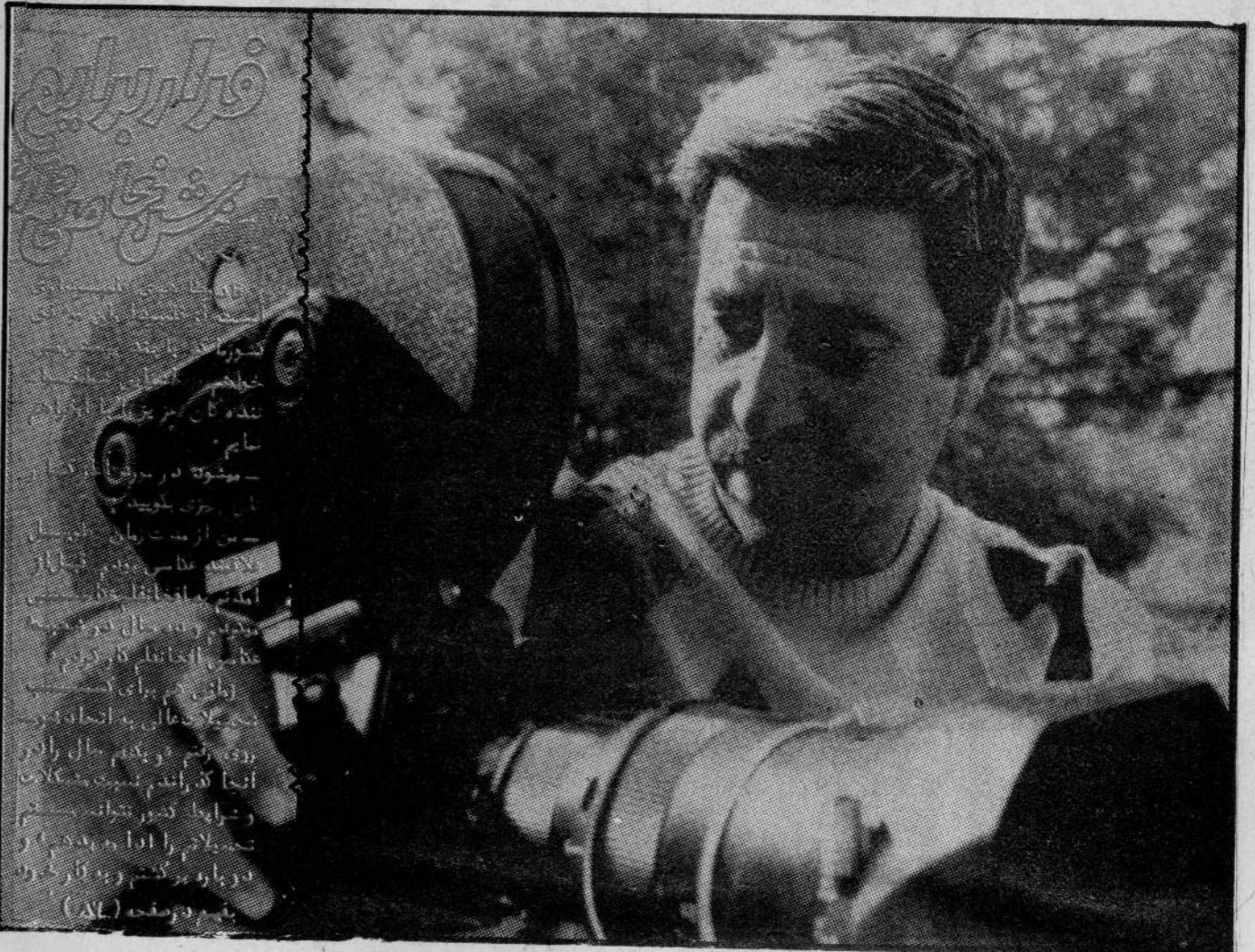
باد پتان چهره بشاسر لیا ن
پر خنده نسیمه سیاهی یک
مخاره سینمای راد برابسر
خود م، پایم آورد ختر سیاه
و خوش برخورد است یکسال
میشود که به سینما آورده تا
صفت هم مکتب درس خوانده
در رشته سینما تخصصیات سلنر
ندارد خواستم از زبان خود ش
بدانید که چگونه به سینما
رو آورده است ؟
- شوق و علاقه مراوان به فلم
های هنری داشتم مخصوصاً
فلم های سری دیوی را پس
کیور را زیاد دیدم و خواستم



فواد رامز با آهنگهای جدیدش به تاجکستان میرود

ما برایش موفقیت پس پایان آرزو
نمود ما امیدواریم اجرا یکسرتهای
مشهاره آورد های خوب بکنند و
برگردد
فراموش نباید نمود که فواد رامز
در این روزها کسرت جدید
تلویزیونی را روی دست
دارد که حاوی پنج پارچه
آهنگ جدید خواهد بود

سفری داشت ضمن بازگشت
به کشور مدت یکماه به دعوت
اتحادیه هنرمندان تاجکستان
شوروی کسرتی را در آن جا
اجرا نمود
قسمتیکه خبر شدیم درین روز
ها نیز فواد رامز از طرف
اتحادیه هنرمندان تاجکستان
اتحاد شوروی به منظور اجرای
کسرت دعوت گردید



فواد رامز
میرود تاجکستان
به کشور چکو تلوکوا کسا
چندی کشور که
هنرمندان جوان
تاجکستان
برای اجرای
کسرتی در آنجا
دعوت گردیدند
فواد رامز
از طرف اتحاد
شوروی تاجکستان
به منظور اجرای
کسرتی دعوت
گردید

تازه گامی دانش

خوردن صبحانه

نتایج یک پژوهش دانسته دار طبع نشان می دهد که صبحانه خوردن باعث افزای پش میزان چسبندگی خون و کندی جریان آن و در نتیجه سبکته های قلبی ناگهانی می شود.

مجله اخبار علمی در آخرین شماره خود نوشت تحقیقات دانه دا رخايم داکتر " ناتا کيفکيا " متخصص کار دیواروی در مرکز طبی پوهنتون نوسو فنلند و داکتر " مود محمد جمفري " متخصص کار دیواروی مرکز قلب شفاخانه " هنری فورده " در شهر " دیترویت " نشان داده است میزان پش شتون پتاسیوم جی " که در طول

ساعات شب در خون موجود در رگها کاهش می باید بلا فاصله بعد از بیدار شدن انسان تا ۳۰ درصد افزایش یافته و باعث چسبندگی و غلظت خون بشود.

به نوشته این نشریه درصو رتیکه شخص به صرف صبحانه بهادرت ورژن میزان " پروشمن پتاسیوم جی " در خون کاهش می باید ولذا خون با سهولت بیشتری در رگها و در قلب جریانی می باید.

تحقیقات انجام شده نشان داده است علت اینکه اکثر سبکته های قلبی در ساعات صبح بوقوع می پیوندد بلا بودن میزان " پروشمن پتاسیوم جی " در خون است.

اعضای ارکسترهای موسیقی و پیانو نوازین

نشریه ای طبی چرا پشمر از هر دو عضو ارکسترهای موسیقی یک نفر دچار اختلالات شده است . در این مقاله آمده است ۵۸ درصد اعضای ارکستر سفین سلطنتی دنمارک در پی آزمایشاتی که در پی اختلالات شنوایی تا حدود ۳۰ درصد این گروه محدود ۱۳۰۰ اشغال در شنوایی هنگام گفتگو عادی بسیار ناراحتی کرده اند . پس از هر برنامه اعضای ارکستر سفینوس دچار سردرد و سرگیجه و پشردن صدادر گوشان می شوند .



یک گروه محقق در بخش تولیدات حیوانی در استرالیا موفق شد پرورش جدیدی کشف کند که به کمک آن پشم گوسفندان را به جای چیدن با تزریق امول از بدن آنها جدا سازد.

این ماده تزریقی که به کمک متخصص ژنتیک و به صورت منتز تهیه میشود عامل رشد " ایپدوم " نام دارد که می توان آن را در غدد بزاقی موش ماده یاقت ظرف ۲۴ ساعت از تکثیر سلول های بی که رشته های پشم را تشکیل می دهند

چهار سازی با قطره های

جلوگیری می کند و ضعیف الهاف جدید تولید شده را به بهرون می راند . گرچه هنوز حیطه اثر بخش این دارو کاملاً مشخص نشده است لیکن در گوسفندان باردار باعث سقط جنین می شود.

این خبر حاکیست که ۴ تا ۶ هفته پس از تزریق ماده پشم ها از پوست گوسفند جدا و بدن او کاملاً برهنه می شود. استرالیا نزدیک به یکصد میلیون رأس گوسفند مرغوس دارد و

چیدن هر رأس آنها ۱/۲ دلار مصرف در بر دارد از نظر زمانی نیز با روش جاری چیدن پشم حداکثر ۱۲۰ رأس گوسفند در روز امکان پذیر است در حالیکه با روش جدید بهر لوزیک می توان آنرا به سه ۳۰۰ رأس افزایش داد.

حمام سونا و کاهشی فن

فعالیت در آب انتخاب فشار

فشار ملایمی که آب به بدن وارد می کند ، هم در تسهیل گردش خون ، و هم ماساژ آرام بدن موثر بود ، و درد های جسمی را رفع می کند . شکی نیست که ورزشهای طولانی برای سلامتی بدن مفید بود ، تراست . اما این ادعا در مورد بعضی هاستدقی نمی کند . مثلاً خانمهای حامله ، افراد مسن و اشخاصی که از آرتروز و یا آسمهای بدنی رنج می برند ، از این اثرات مفید بهره مند نیستند . پس چاره این گروه که تعدادشان کم هم نیست همین است ، توانمند باشند ؟ پاسخ این سؤال یک کلمه و آن "استخر" است .

آب ، فیصد وزن بدن را نگاه میدارد و فشار زیادی به فرد (از نظر وزن) وارد نمیشود . در حالیکه فواید بیشمار در ورزشهای طولانی نیز ، عاید وی می گردد . آب است که در بدن را فرامی گیرد و فشار ملایم و ثابتی را به آن وارد میکند . این فشار هم گردش خون را تحریک می کند و هم اینکه مویجهایی که نقش یک ماساژ ملایم را ایفا میکنند آرام و درد های جسمی را از آن مهزدایند .

لغو - لی ، که در نوبت بزرگ بقیه در صفحه (۸۵)

پوست جریان می یابد که بنویسید خود کار اضافی قلب را می طلبد خصوصاً تمرین یا ماساژ در این محیط خطرناک است چرا که وظیفه قلب در جریان گردش خون برای رساندن خون به عضلات و پوست دو برابر می شود ماساژ در سونا در یک ناحیه محدود بوده و به عرق اجازه تیخیر نمی دهد ، و بخاطر فشار گرما به میزان زیادی درجه حرارت بدن را بالا می برد و این به مصلحت افراد چه از نظر قلبی سالم و چه بیماران نیست که تحت چنین فشاری قرار بگیرند . بسیاری از افراد بلا فاصله پس از انجام تمرینات شدید وارد سونا یا حمام بخار میشوند این به صلاح آنها نیست چون به دنبال تمرین گرما ی زیادی درون بدن جمع می شود و برای اتلاف این گرما و سرد شدن بدن به یک محیط سرد نیاز است .

در سونا و حمام بخار گرما ی درونی بدن این افراد تا سطح خطرناکی بالا می رود . غوطه خوردن در آب سرد یا یخ در طی سونا در رشوهای اسکاندیناوی یک تمرین معروف است . فوراً عمیقاً خونی پوست منقبض شده و تمرین متوقف می شود که بسیار دلپذیر به نظر می رسد . این عمل نه تنها سودی ندارد بلکه احتمال بروز شوک را برای کسی که این کار را انجام می دهد ، بقیه در صفحه (۸۵)

شود . اگر از دست دادن آب به مدت چند روز متوالی ادامه یابد ذخایر بدن کاهش یافته تعادل کیمیاوی خون و اعصاب هم می خورد نتیجتاً مشکلاتی در قلب و سایر اعضا پیش می آید بنابراین اگر در آب مصرفی برای کم کردن وزن محدودیت ایجاد نکنید در معرض صدمات فوق خواهد بود .

برای حفظ سلامتی خود قبل از ورود به سونا یا حمام بخار خود را وزن کنید و بعد به اندازه وزنی که از دست می دهید آب بنوشید . خطر سونا های خشک بیشتر از حمامهای بخار یا مرطوب است . چرا که تمرین در سونا بیشتر بوده و بنابراین بدن در همان مدت آب بیشتری از دست می دهد . سوناها و حمامهای بخار به میزان بیشتری وزن را کاهش می دهند چرا که با افزایش تیخیر کالوری سوزانده میشود . این یک واقعیت است ولی تخمین ذخیره انرژی مشکل است و احتمالاً دقیق نیست . حتی اگر تیخیر رسونایا حمام بخار کالوری زیادی را بسوزاند کاهش وزن با این روش بخاطر از دست دادن زیاد آب عملی به نظر نمی رسد . حمام بخار و سونا به خصوص برای بیماران قلبی بخاطر فشاری که روی قلبشان تحویل می شود خطرناک است . در اکثر موارد خون به میزان قابل ملاحظه ای به طرف

ایست تمرین تا حد افراط مفید است یا مضر؟ مفهوم "تمرین مفراط سلامتی می آورد"

بمفیده ما تا به ثمرات این تمرین غیرفعال خالی از هرگونه جنبه های مفید است .

بدن انسان را مثل یک مخزن آب تجسم کنید . عرق ، از این آب که در نتیجه فعالیت جسمانی یا درجه حرارت بالا تیخیر شده و به حرکت در می آید ، تولید میشود . از دست دادن آب از این طریق ممکن است بیش از حد باشد .

فوتبالیست ها و سایر ورزشکارانی که ورزشهای سنگین انجام میدهند آب را که در یک روز کم از دست میدهند ، آنهم مقدار آلوده می دادند آب معادل ۶ پوند (۳ کیلوگرم) از وزن بدن است . چنانچه بسیاری از مردم هنوز فکری میکنند که در این موقعیت معادل ۳ کیلوگرم چربی از دست داده اند در حقیقت این کاهش وزن را می توانند با نوشیدن مایعات جایگزین کنند . ولی این جایجایی یا جلوگیری از تنظیم حرارت درونی بدن برای فرد وضعیت وخیمی را بوجود می آورد . به این ترتیب خستگی زیاد و نهایتاً ممکن است مرگ عارض

روز سه شنبه ۳۱ شهریور به ایستگاه فضایی "مهر" پوسنت . دو سرزمین مقیم ایستگاه "مهر" از سه فضا نورد استقبال کردند .

"سایوتی ام" سفر خود را آغاز کردند . مراسم پرتاب سفینه توسط تلویزیون شوروی مستقیماً از پایتونور پخش شد . "والنتینا تروشکوا" اولین زن فضا نورد جهان در مراسم پرتاب سفینه در پایگاه "پایتونور" حضور داشت .

یک زن فزیک دان انگلیسی با دو فضانورد شوروی به مدت هشت روز ارضی مأموریتی در فضا شدند . "هلن شرمین فزیک دان ۲۲ ساله نخستین انگلیسی است که به فضا سفر کرده است . این فضا نوردان با یک سفینه

سفر فزیک دان
از کالوسری به فضا
انگلیسی

به مناسبت روز ملی فرانسه



فرانسه

فرهنگ و زندگی

حتی يك كتاب هم نخوانده اند
 بهر كس فروش كتابها يرهناوم
 سود مند برای زندگي روزمره
 و فروش مجلات افزایش یافته
 است. همچنان داستانها ي
 كارتونی به سرعت از مغازه ها
 ناپدید میشوند. (۸۳) فیصد
 جوانان به خوانش داستانهای
 كارتونی مینگردانند.
 گوش دادن به موسیقی پدید
 همست در حال رشد (۵۰) -
 همچنان فرانسویان حداقل يك
 روز در میان موسیقی میشوند -
 در حالی كه جوانان همه روز به
 شنیدن جاز، روك و آهنگهای
 ذوق مینگردانند.

تلویزیون در همه جا حضور
 دارد. از دو فرانسوی يك نفر
 هر روز تلویزیون مینماید. دیدن
 تلویزیون به هیچوجه جای دیگر
 فعالیتهای فرهنگی را نكرفته -
 است. مثلاً، پهنده گان وفادار
 تلویزیون (آنانی كه بیشتر از ۳۰-
 ساعت در هفته در برابر پرده -
 كوچك به تماشا میشوند) حتماً
 قل سال ده كتاب میخوانند و -
 به دیدن جاهای تاریخی مینروند.

موزهها و " سنگهای كهن" بیشتر
 از يك چهارم فرانسویان را به
 خود جلب میکنند. يكی دیگر از
 نشانه های كسترش فعالیتهای
 فرهنگی افزایش هنرمندان آماتور
 است. (۱۴) فیصد فرانسویان
 نقاشی میکنند و (۱۸) فیصد -
 آبان نواختن يكی از آلات موسیقی
 را یاد دارند. راه اندازی مرا -
 سم بزرگ فرهنگی در سالهای اخیر
 چون " جشنواره موسیقی" -
 جشنواره كتاب و " درهای باز"

آبدات تاریخی و باستقبال
 مردم رو بهر شده اند. علی -
 الرغم تشویش چنانداران فرهنگ
 فاصله و هجراتیان گذشته های
 افتخار آمیز و وضع فرهنگی فرانسه
 چندان وخیم هم نیست. ازها د
 نسیمیم كه سه چهارم فرانسویان
 زندگي را بدون هنر تصور كرده
 نمیتوانند.

از (۲۵) فیصد به (۱۵) فیصد
 کاهش یافته است. (۵۵) فیصد
 فرانسویان اعتراف میکنند كه هیچ
 گاهي به تئاتر و نمایشگاه نرفته
 اند. شمار تماشای جهان سنان نیز
 پایین آمده است و سه چهارم -
 مردم هیچگاه به كسرت موسیقی
 كلاسیك و رقص نرفتند. -
 عرصه كتابخوانی روز: روز تنگ
 شده مینرود. مثلاً در سال -
 ۱۹۸۸ يك چهارم فرانسویان

آخرین آمار درباره ذوق
 های فرهنگی و فعالیتهای و -
 دلپسته گیمهای فرهنگی فرانسوی
 بان همراه با تحلیل همه جا -
 تها گرایشها و سایل جدید -
 زنده گي فرهنگی جامعه مرا -
 نماز سوی وزارت فرهنگ آن
 کشور و سال پار به نشر و
 تحلیل مینهاد اطلاعات سه پروژه
 تحقیقی جامعه شناختی در -
 سالهای (۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱) و -

۱۹۸۸ استوار است.
 تخمین نتیجه جالب متغیر -
 رفتار و خورد مصرف كننده گان
 فرهنگ در حال پدید ه های
 فرهنگست. از دید گاه آما -
 توران كلاسیك هنره فرهنگ و
 زنده گي هنری فرانسویان سمر
 نزولی دارد. دیگر از علاقه -
 مندانی دایمی و با برجای تئاتر
 اثری نیست. در طی پانزده -
 سال گذشته شمار تئاتر ریان

از (۲۵) فیصد به (۱۵) فیصد
 کاهش یافته است. (۵۵) فیصد
 فرانسویان اعتراف میکنند كه هیچ
 گاهي به تئاتر و نمایشگاه نرفته
 اند. شمار تماشای جهان سنان نیز
 پایین آمده است و سه چهارم -
 مردم هیچگاه به كسرت موسیقی
 كلاسیك و رقص نرفتند. -
 عرصه كتابخوانی روز: روز تنگ
 شده مینرود. مثلاً در سال -
 ۱۹۸۸ يك چهارم فرانسویان

بخش از منظومه بلند



لوی آراگون، از شهبهر
 ترین شاعران و نویسندگان
 معاصر فرانسه است.
 پس از ویکتور هوگو نخستین
 شاعریست که در زمان حیات
 به کتابهای درسی مکاتب راه
 یافت و اشعارش وسیله آموزش
 نوجوانان فرانسوی قرار گرفتند
 وی افزون بر شعر رمانهای
 جالبی نگاشته است. مجموعه
 آثار او و آثار مشترکش با خانمش
 "الزتری اولی" به پیش
 از ۴۵ جلد میرسد. آراگون
 نوآوری و مبارزه را در درخشان
 ترین جلوه های آن با هم
 گره زد.
 "الزا" "چشمان الزا"
 "دیوانه الزا" "دلبردیگی"
 "ناقوسهای شهر بال" "از شمار
 آثار آراگون اند."

الزا

این ناتوانی

بد تراز نماندست

هرگز بر نیاورد

بدتر از خطر چشمان است

و حق در احوالی میگذری

بگانه و گریزان

(سرت در جایی دیگر غلبت و رفتن دیگر)

□

رازه تا چقدر مستکن اند

عشق من]

(دست نیافتنی

تراز اولت)

عشق من]

تویی که ساعت دیوار را در شیشه خایم به صدا در می آوری

و از کامش نفسش بشن

گلوم میبرد و میشود

راز بزرگ را برایت میگویم:

سخن بروی لبهایم

تقریبست

در بیابان

و بنوعی برای دستانت

سخن بروی لبهایم

چونست که زور چتر تکاشهاست

خاکه - بشود

بدین گونه است که پیوسته فقط میگویم:

سرت در دست داری

ترا بلور شفاف جمله می و در اختیارند ام

تا آن را

برگرداند تا چیزی

راز بزرگ را برایت میگویم:

زبان - تویی

زبان - زین است

- نیازند ستایش و پاموس -

زبان - پیراهنست نه باید نام بیشتر را باز کرد

زبان - گویست لبی هدف خانه میخورد

زبان آنچه بیست که انحصار بسیار میگرد

باز

سرت در دست

زبان تویی

و حق در سینه میخوانی

(هنگامی که من پیدا میروم)

زبان تویی

چون تازی که گفتم را بعد رد

چس تا توانم - آه]

در شهبهر شکسته لبانی که این چنین است

چس تا توانم - آه]

در شهبهر شکسته لبانی که چون خون درون دهانم در دست است

'اوقات را همانا ام

(که چون آب ساد می روی آتش صدای ناگوار دار

□

انزورگ را برایت میگویم:

ارزانی که همنان تو است

نیتوانم سخن بگویم

از تو

نیتوانم سخن بگویم

از تو میترسم

میترسم از آنچه مرا شیشه نام تا پنجره ها همراه میزند

از حرکات میترسم

و از رازه ساین که نشود بر زبان آورد

میترسم

از زبان تند

از زبان صریح

□

راز بزرگ را برایت میگویم

ساده تر است

مردن

ایمانی بودن

پس بدین گونه است

عشق من]

که باز میبینم را به پیوسته ام - است

امریکا در آستانه قرن ۲۱

ایالات متحده آمریکا کشور است در شمال قاره آمریکا که از نظر جمعیت مسکونی و هم از نظر وسعت درجه چهارم را در دنیا به خود اختصاص داده است. مساحت این کشور ۹۶۳۱۲۳ کیلو متر مربع بوده و ۲۳۴۱۹۳۰۰۰ تن در آن زنده گی دارد.

ایالات متحده یک جمهوری فدرال است که مشتمل از پنجاه و دو ایالت می باشد. مردم این کشور از گروه های گوناگون قومی تشکیل گردیده که اکثریت آن را اروپائیان تشکیل می دهد. و متباقی آن سیاه پوستان، چینی ها، جاپانی ها و امریکاییان هندی اند.

از نظر اقتصادی ایالات متحده آمریکا از جمله بزرگترین کشورهای تولید کننده صنعتی جهان است. منابع سرشار منرال ها و مواد سوخت، این کشور را از جمله بزرگترین تولید کننده گاز طبیعی، سرب، مس، آلومینیم و سلفور و انرژی برقی و هسته ای ساخته است. به همین گونه تولیدات عمده این کشور را صنایع فولاد، موتور، مواد کیمیاوی، سامان آلات الکترونیکی و سایر مواد مصرفی تشکیل می دهد. با نسیست علاوه کرده که چهار فیصد نیروی کار در این کشور مصرف زراعت بوده و پانزده فیصد صادرات را تولیدات زراعتی تشکیل می دهد. زراعت در ایسن

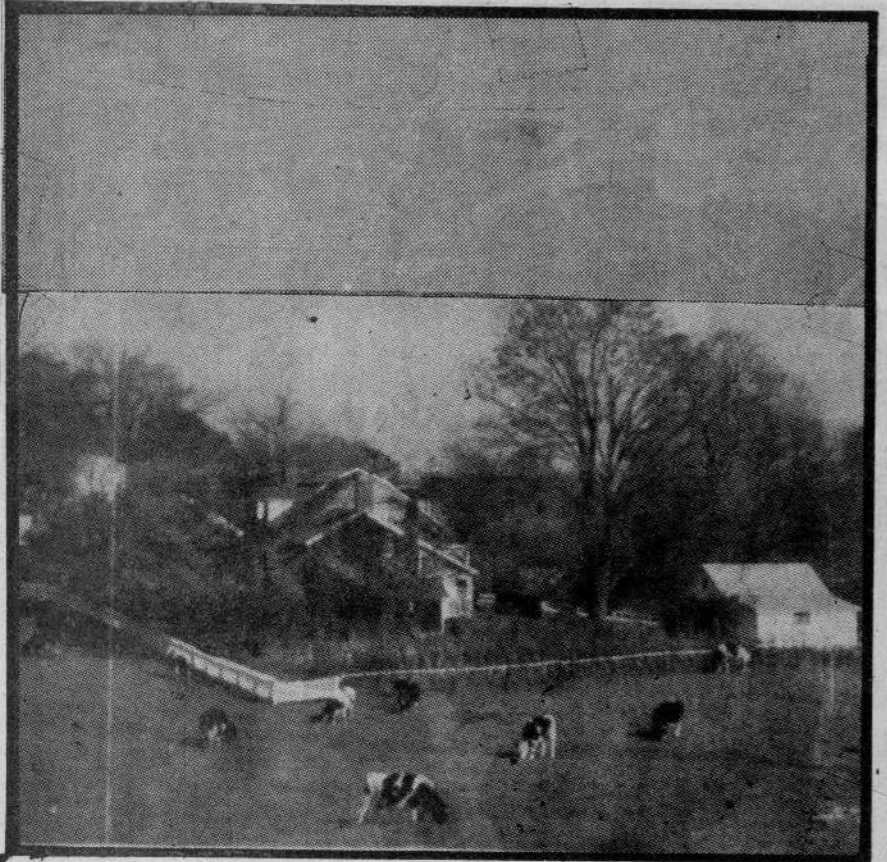
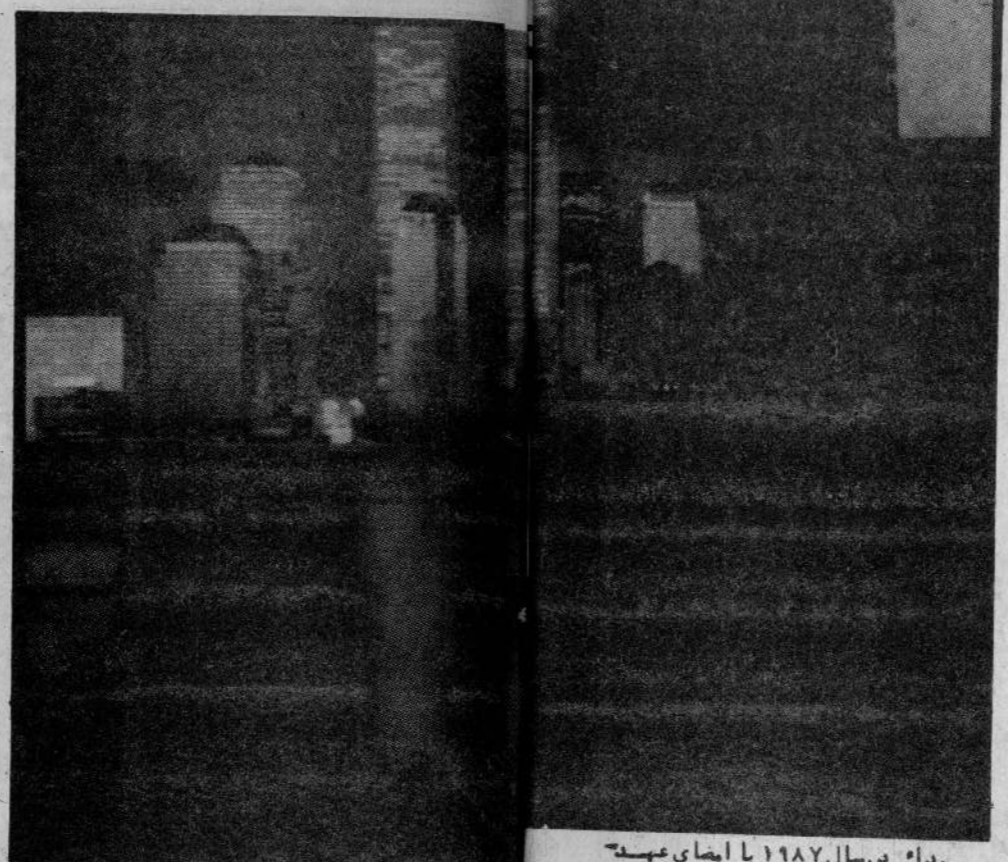
شور خلی ماشینی بوده از امراض زراعتی جدا کنترل به عمل می آید. با آنکه ایالات متحده هم از نظر تولید و هم از نظر صادرات یک کشور بزرگ است و مگر واردات نیز دارد. آمریکا نفت و مشتقات آن، مواد کیمیاوی، فلزات و ماشین آلات را به کشور وارد می کند.

امریکا که در سال ۱۴۹۲ توسط کولمبس کشف گردید و از سال ۱۵۶۵ به این طرف عمدتاً توسط فرانسوی ها، اسپانیولی ها و انگلیسی ها کزینتر مسکن در آن اختیار گردید. به هر حال در قرن هجدهم بین اسامیله های محلی بر سر پرداخت مالیات برخورد ها به وجود آمد. در سال ۱۸۶۱ کشور با جنگ داخلی مواجه شد. در مقابله با جنگ این بود که بعد از آن برده داری رافسخ ساخت و کشور به ترقیهای اقتصادی و صنعتی گام گذاشت. به همین ترتیب ایالات متحده آمریکا در هر دو جنگ جهانی سهم داشت و در سال ۱۹۴۵ رول خود را در به وجود آوردن سازمان ملل متحد به سر رسانید.

ایالات متحده بعد از سال ۱۹۱۳ با اتحاد شوروی روابط را محدود کرد. در اصله متراتیک تقویت کرد و هم با کشور چین روابط دیپلماتیک برقرار ساخت. روابط ایالات متحده با اتحاد شوروی

در سال ۱۹۸۲ با امضای عهدنامهی دوم در مورد سلاح هسته تقویت کرد. دید. البته علت دیگر بهبود روابط ایالات متحده و اتحاد شوروی همانا اتحادیه های جدید اتحاد شوروی تحت رهبری میخائیل گرباچف رئیس جمهور آن کشور است. رئیس جمهور ایالات متحده امریکا آقای جورج بوش است و انگلیسی زبان رسمی این کشور را تشکیل می دهد. کلتور مردم ایالات متحده در سطح بلندی قرار دارد. در قرن بیستم ادبیات آمریکا بیشتر ترانوا را فرا گرفته است که نویسندگان همای معروفی دارد. این نویسندگان عبارت اند: ولیم فاولکنر، جان استین بیک، هنری میلر، توماس ولف، نورمن میلر، ساول بیلو، جان اپریک و توماس پنیکون.

ایالات متحده آمریکا در حال در همه عرصه های ساینس و تکنالژی پیشرفت چشمگیر داشته و زنده گی در آن کشور کامیوتر از گذشته است. یعنی همه چیز در همه موارد توسعه یافته. امروز هر امریکایی اداره و رهبری میشود. امروز هر امریکایی شخصی از زنده گی شخصی یا رسمی خودش را توسعه میدهد. کمیونتر کنترل و اداره می کند. امریکایی ها با پیشرفت تمدن خیلی ها عجیب به سوی قرن (۲۱) گام می گذارند.



بمناسبت روز ملی ایتالیا

ایتالیا سرزمین هنر

ایتالیا کشوری است که در جنوب اروپا موقعیت دارد. سرزمین ایتالیا باستانی است. بعضی نقاط آن در شمال کوهستان نیست.

در این کشور هنوز هم زراعت از اهمیت خود برخوردار بوده، نباتات زراعتی عمده آن را گندم، جواری، انکوروز، تنون تشکیل می دهد.

صنعت نیز به سهم خود پیشرفت کرده و مخصوصاً بعد از جنگ دوم جهانی به این طرف به سکتور صنایع توجه بیشتر شده است. صنایع عمده این کشور را نساجی، ماشین، موتور، مواد کیمیاوی تشکیل می دهد که همراه با آنها میوه و سبزیجات از صادرات آن است. صنایع منرالها در این کشور آنقدر زیاد نیست و از همین سبب ایتالیا وابسته به کشورهای دیگر است. در کشور ایتالیا به خاطر رشد و انکشاف انرژی هسته ای وجود دارد و هم توربینهای عمده عایدات این کشور را تشکیل می دهد.

شیره هنر در ایتالیا بعد از سقوط امپراطوری روم اساس گذاشته شد. با

های باستانی هنر در این کشور ادامه دارد و مگر به تدریج تحت تاثیر مسیحیت قرار گرفت. سبک رمانسک در قرن ۱۱ و ۱۲ راهش را به طرف سبک گوتیک باز کرد و مگر هنر حقیقی ایتالی در قرن ۱۳ و ۱۴ هنگامی رشد کرد که اساس رنسانس گذاشته شد و شیوه های آزاد مخصوصاً در فلورانس و ونیس و روم به وجود آمد. علمبرداران رنسانس عبارت بودند از: لئوناردو، میکلانژ و دیگران بعد از قرن هفدهم هنر ایتالیا حرکت خود را به استثنای ونیس، از دست داد و مگر در آغاز قرن بیستم تحت تاثیر فوسو چرچم، دوباره احیا گردید. نقاشان برجسته و مدرن ایتالیا عبارت از: جلفانی و چرچکواند.

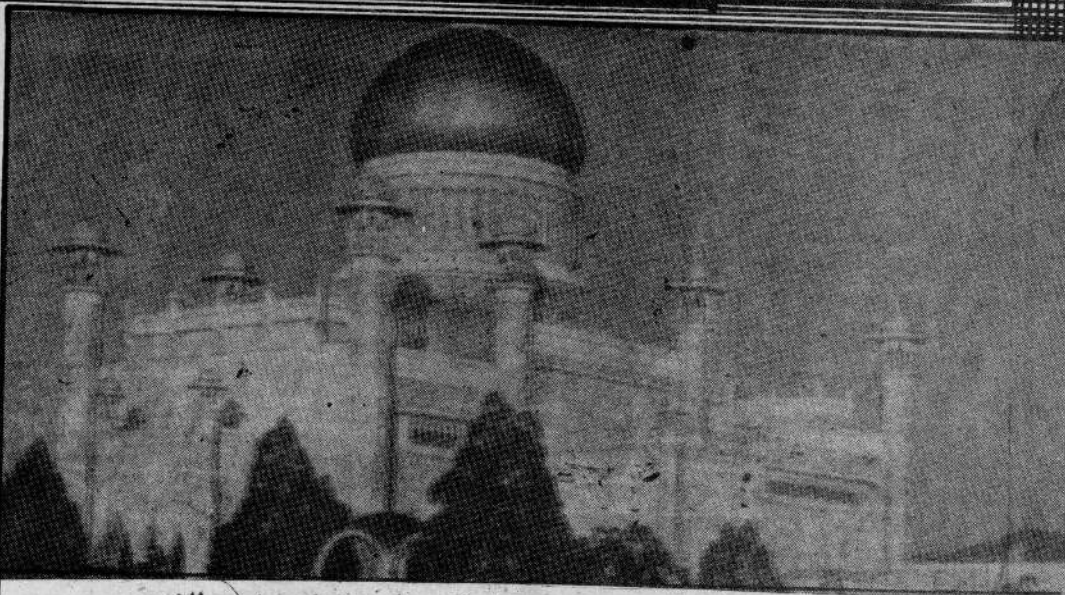
در ایتالیا زبان لاتین، زبان ادبی این کشور را تا قرن سیزدهم تشکیل می داد و آن درست زمانی بود که شاعران در ورسار فیردی یک اولیه تقلید از ایتالیایی اصلی آغاز کردند. عشق شاعران فلورنتین را در قرن چهاردهم، دانسته تمقیب کرد و رشد تدریجی زبان ایتالی را به ایتالیایی و ماشینی و تاسو در رنسانس به او جگر رسانید.

ترجمه: فادریمان

پروژه و تمندترین کشور



مجموعه ثروت پادشاه برونی ۳۰ میلیارد دلار تخمین شد



مسجد اعمار شده از جانب برونی در پایتخت کشور با محراب طلائی

جنوری سال ۱۹۸۴ آزاد ی -
 خود را اعلان نمود ، سلطان -
 برونی بالای تمام مناطق کشور
 حاکمیت داشته که همزمان پست
 های صدارت و وزارت دفاع را
 نیز بدست داده ، اکثریت آنها -
 لی کشور را مسلمانان تشکیل
 میدهد . اقارب نزدیک خود را
 نیز از یاد نبرده یک برادرش -
 محمد بالکلیخ وزیر خارجه و دیگرش
 وزیر مالیه کشور تخمین کرده -
 اند . این کشور عذتاً توسط
 فرمانبهای شاه اداره می گردد .
 در رابطه با قاطع بودن شاهناید
 تردد داشته . در سال ۱۹۸۸
 رهبری کشور حزب بزرگ کشور
 را بنام " حزب دموکراتیک ملی "
 بر دلیل اینکه میخواهد تاسیه
 حاکمیت ملی لطمه وارد نماید
 غیر قانونی اعلان نمود . قوای -
 مسلح کشور با بهترین و مدرن
 ترین اسلحه جهان مجهز می
 باشد .

مستمر خدمات اجتماعی -
 برونی از جمله بهترین ها در -
 جهان بشمار میرود . مالیات -
 فواید در کشور وجود ندارد -
 خدمات صحتی و تعلیمی و تفریحی
 با سطح عالی آن رایگان است .
 پول نقدی از خزانه پادشاه
 پرداخت میشود . از هر -
 چهار نفر اهالی برونی سه نفر
 آن موز شخصی دارد . برای
 جوانانیکه علائقند تحصیل در
 خارج از کشور هستند هرگونه
 زمینه مهیا می باشد در کشور
 یک تشنجات سیاسی وجود
 یافته در صفحه (۸۵)

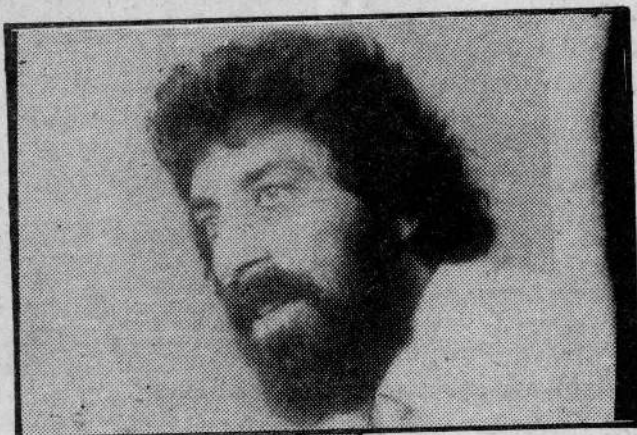
انجلس برسد . برای یک فرد
 امریکایی عادی بخاطر بدست
 آوردن همین پول ضرور است
 تا یک میلیون سال کار نماید .
 شاه حسن در حال حاضر بزرگ
 گترین کلکسیون موز را در جهان
 دارا می باشد هر علاوه موز
 شخصی موز هوی در کاراج خود
 در حدود ۳۵۰ موز مختلف
 النوع دارد . بدین ترتیب
 میتواند همروزها موز جدید
 رخت و آید نماید . اما بد بختی
 در این جاست که در کف
 کوه کمی صرف صد کیلو موز
 سرک موز نورمال دارد .
 از سال ۱۸۸۸ الی ۱۹۸۴ -
 برونی تحت سلطه پرتغالی کبیر
 قرار داشت هه تاریخ اول -

فته در هر ساعت ۲۲۹ دالسر
 به خزانه این کشور کوچک افزین
 می گردد . مجموعه ثروت پاد -
 شاه برونی را ۳۰ میلیارد دالسر
 محاسبه کرده اند . در حالیکه
 داری پادشاه می توان -
 سمودی به ۲۰ میلیارد دالسر
 می رسد .
 نظر به ارقام ارائه شده جمله
 تجارتی " فسور بس " چاپ
 امریکا داری پادشاه برونی
 بیشتر از ثروت کهنی مفسور
 جهان " جنرال موز " می باشد
 این جمله نوشته است که باو -
 لهای پادشاه برونی " حسن -
 بالکلیخ " میتوان کاروان موز
 این کهنی را خریداری کرد که
 طول آن از نیویارک تا تونس -

برونی کشور کوچک است که
 در سواحل شمالی جزایر
 کالیمانتان و سواحل بحیره چین
 جنوبی موقعیت داشته که همز -
 مان با کشور مالیزیا نیز هم سر -
 حد می باشد ، بعد از آنکه
 در آغاز قرن حاضر منابع بزرگ
 نفتی این کشور کشف و استخراج
 آن آغاز یافت هه یکی از ثرو -
 تندترین کشورهای جهان
 تبدیل گشت در آمد سرانصلا نه
 ۲۴۰ هزار نفر اتباع آن در حد -
 ود ۲۰ هزار دالرسی رسد . این
 رقم دو هزار دالسر بیشتر از ای -
 لات متحده امریکا می باشد
 ۹۹ فیصد درآمد ملی آن را -
 صادرات نفت و گاز تشکیل میدهد
 هد . قرار محاسبات انجام یافته

سلام سنگی دهند

ترجمه از: ...



شیره (پاناروما) (ژورنال
مطبوعات آزاد روزگوشه)
چاپ هفت در شماره ماه می
۱۹۹۰ خود تصویرنگه می
از سلام سنگی هنرینسه
ساخته شده. افغانی رابه
چاپ رسیده است که همراه
بان گفت و شنودی دوشهمزه
سمورا با سلام سنگی به انگلیسی
نظر به نشر رسیده است.

پس از شناسایی مختصر زنده می
افغانی و برخی جوانب هنری،
معیار چینی می نویسد:

وقتی سنگی راهنگام راه
رفتن بان قد و قامت، موهای
پنج بیج و پریشان، ریش
انبوه و چشمها، نافذ دیدم
تمام تصوراتی که در شماره
پنجاهم خون گرم داشتیم
در نظرم زنده شد.

یک ستاره فلم ؟
از افغانستان ؟ جاهلیت ؟
گفت و شنود ادامه دارد. سنگی
از تاریخ ۲۰ ساله هنرینسه
از صنعت فلم اردستان
کاران این عرصه حرف میزند
و میگوید هر جایی که تصادفی
از مردم است و برق باشد در آن
جای تئاتر و سینما هست
و پس از فراز سرفراز دلچسپی
و گزاشیدن از دیدن نخستین
فلم شروع شد. ۰۰۰ طی ۱۸
سال سابق در حدود ۱۸ تا
۲۰ فلم داشته ام. در افغان
نخستین همه ساله ۶-۷ وگاهی
تا یک فلم که محتوای آنها غالباً
مانند فلمهای سایر کشورهاست
(رقص، موسیقی، زد و خورد
و درامه) ساخته میشود. سنگی
در برابر یکی از پرسشها با-
وانمود ساختن اینکه (من
صرف یک هنرینسه هستم)
از ابراز نظر در برامین آمد-
بولوئی هادر هنر، حوادث
سیاسی ده سال و تصریح موضع
گویی های هنرینسان
خود داری کرد.

و پس از صحبت های
درباره فلم های خودش گفت:
در افغانستان مانند هند
هنرها و کترکهای مینی تعین
شده نیستند و به گونه مثال
از نقش های متفاوت خود از بره
سریاز، بیگانه، و از نوعی
تاریخی اثر در برخی از برنامه
های تلویزیون حرف زد. در
فلم های ما صرف
هنگامی کار میکنم که سانسور

سنگی

بانی له (۸۷) خ کی
شوی دی اوخومره آرزوسته
لسری ...

نن پوه شوچی توله لری
دده له پاره نه دمله دی امله
دغیر له شوکی کونفوی اوایی
هیچ نه م ... پوه کونفوی
دوره م ... لیری نه بلکسه
حتی ده چی لکه مافزود ی
به په دی نری کی ... لیری هور
کی ولو پوه دی، د نوری طرف
تجزی ثابت کر په چه
موجود مواد به تولوستوروی یو
شان دی، لوهین دلیسل
نه لری چی دملبارد و
ستور په منغ کی به ملیون
هاور دژوند خاوند نه وید
هوری بشرد غور لخورکی کپته
شووسری کپته و اچاره اوپوه
شوچی هیچ شی نه دی. اما
ناخایه خیلو مافزود ته متوجه شو
هنه مافزه چی دی پایسه
نری به راز پوه شولسو بهیا
انسان د قدرت به شوکی کپته-
ست، بلکه همان بی دکاپاتسو
کاشف وگانه ... همان یسی
د قدرت به لیر تپاک ولید
لوری لیدل چی نری به خیرل
تول عقلت ددی خاور یسی
رنگی اوگونگی مادی به وسیده
پژوندل شوی اوپژوندل کپتی ی
ایادانه نیسی چی دانسان
عظمت او ارزنت تر تبولولوی او-
ارزنتتاک دی ؟

دروغ ننگتن، ضربه از پشت
نزدن و هیچ کارید نکردن
سنگی میگوید فلم های
چون نشانیات، انجور و بندگتی
در افغانستان محبوبیت زیاد
کسب نموده بخاطری کسه
در آنجا زنده کی حقیقی تصویر
شده بود فلمهای تجارتسی
نیز بهنده گان خود را دارد.
اینا اشاره به فلم (راو صاحب)
از ساخته های او بوده است
آفاده نمود که تراشیدن سویی
سرمیوه زن در یکی از صحنه
ها تا شناچیان افغانی را به
تفکر واداشت. و متوجه تفاوت
بزرگ فرهنگ در رابطه با
شیوه برخورد با این مساله
در هر دو کشور ساخت باری سنگی
با خود داری از ابراهیم قدیم شخص
و سکوت اش در برابر ذکر نام
هنرینسه و فلم مشخص از دوستی
و احساس صمیمانه خود نسبت
به همه آنها یاد کرد و گفت:
اگرچه حال همه آنها را میسنجم
آنها سرسرا حرارت نماند
استفحال کردند و از تصویر
های مشترکشان با استابه به بچن
و نصیرالدین شاه، دیوانه
راج بهر دهل کباب به وان برخورد
های صمیمانه آنها به قدر
دانی یاد کرد!

بهستم و ترجیح میدهم در نقش
هنرمند باشم، وی افزود در افغان-
نستان مکتب آموزشی هنر
و تخیل فلم وجود ندارد کار
مردان این بنام رسیده. ما
انستیتوت (پوه) را خوانده
اند. در جایی هم تذکر میدهند
که تکنیک طی ۱۲ سال گذشته
به خاطر جنگه حال، استثنای
داشته است. در کابل صرف
یک لابراتوار تهیه فلم های
سیاه و سفید وجود دارد. فلم
های رنگه به منظور تهیه
و تکمیل به خارج فرستاده
میشوند.
سنگی از شرکت فلم
هادرستیوال های جهانی
و از سفرهایش به مسکو، چکو-
سلواکیا و کوبا، از محبوبیت
فلم های هنری، ایرانی، امر-
یکایی و روس در سینما و تلویزیون
ن کشور با تکیه بر این تکیه که
بهنده افغانی به یک داستان
خوب ارزش بیشتر میدهند
و تفاوتی میان معیار ات
هنری نقش هادر کترکسر
مثبت و منفی در هر دو کشور حر-
فغانی داشت.
آرد رساچه زنده میسی
شخصی اش گفته است کسه
همواره متکی به اصل میباشد

قصه خانه خودما

کنند فقط پول همه چستز شان است.

سخن را بعد از آن کشیدم من خواهم بنویسم که همسری را که در یک شب پر از ستاره گرفته بودم در روز روشن دورا طلاق کردم و برای او بی وفا من نویسم که خوب بنویسم با آن که من بدون تو هم میتوانم خوب تر و بهتر زنده کسی کم من میتوانم درین تلسب محبت کسی دیگر را که به صد هار مرتبه بهتر و خوشتر از تو باشد پرورش دهمم زنده کی هیچگاه ختم نمی شود تا وقتی که انسان خوب



بچه از صفحه ۲۵

سری دیوی

شما که علاقمند فلم هندی هستید چه فکر میکنید فلم هندی چه تاثيري بالايي بيننده افغانی دارد ؟ فلم هندی برای جوانان میتواند هم گمراه کننده باشد و هم تربیت دهنده ، اگر بیننده آگاه باشد خوب

دش ختم نمود .
توسه های و فابودی شو .
آنقدر بی وفا بودی که من در هیچ کتابی نخوانده و نشنیده بودم تو که نتوانستی خانه مرا آباد سازی خانه هیچ کس دیگر را نمی توانی آباد بسازی تو در هر یا زود در لجن زار کثافات فرق و نابودی می شوی تسو بهار بی وفا بودی و برای تمام حیوانات که میخواهند همسر گزیده نصیحت بسازند و تو می گم که اگر شاهم مثل من بدون شناخت قبلی زن بگویی بعد از زود به زود ترین فرصت به سر نوشت بنده گرفتار می شوی اگر مثل من اشتباه کنی عوض همسر کنی می گویند و آنوقت پشیمانی هیچ سودی ندارد آنوقت مثل من شیشه های شقایب قلبتان از هم می پاشد و ما بوس می شویم .

ورزشی فلم را در نکتد مسلمانا تاثير جنبه هاي مثبت بالاي او بيشتراست و در عكس قضايت بيننده چيزي را مي آموزد كه نبايد از فلم هندی بياموزد .
فلم هاي افغانی از نظر شما چطور است ؟
سزده هاي خوبي براي فلم هاي افغانی در نظر گرفتيم ميشود ولي سينمايي ماهنو ز به پخته گي نه رسیده فلم هاي خوب افغانی در حال تکميل شدن هستند مانند گماشته و الماسه سياه که ميتواند براي جامعه مفيد واقع شوند .
در مورد زنده گي شخصی تان چه گفته ميتوانيد .
من نخواهم زياد بگويم .
صرف همينکه عروسي کرده ام و در دختر دارم .

ارتليک حقيقه ...

د بهلوم ورزشی و سهیل های ورزشی و تعداد زیادی از نشان های ورزشی را در مسابقات مختلف به دست آورده ام .
نمیباشد که در این زمینه از همکاری استاد خوجم محترم عبدالکریم عزیز کپتان تهم انا تلیک حقیقه بسیار است .

بچه

بچه از صفحه (۶۵)

این بار آقای شکفته در کپهای من مداخله کرد و گفت :
" من میباید که این شما مردم هستند که همه بی کار هارا برایم انجام میدهند مگر به خاطر دارید که همه بی این کار هارا شما به خاطر بر آورده شدن آرزو های خود انجام میدهند ؟
شما برایم یک جوزه بوت میخرید در حالیکه من به پلانون نیاز دارم شما این کار را به خاطر طری انجام میدهند که بسا خداوند عهد میکند که اگر از تقای نصیبتان شود به کدام آدم به چاره بوت خواهید خرید . باز شما مرا به نان چاشت دعوت میکنید که اقلا در آن وقت من میخواهم سینما بروم .
چنین هم اتفاق افتاده از خاطر شما سه بار نان چاشت خورده ام و یا عین فلم را چهار یا پنج مرتبه به خاطر خوشی شما تماشا کرده ام ."
" سکسنا " پرسید :
مگر همه بی این کپها به اعتصاب نه خوردن غذا چی رابطه دارد ؟
" البته که رابطه دارد من خود که ام آدم بی زبان نیستم . من هم میدانم که هیچ صدر اعظم در هندوستان نتوانسته که به همه بی مردم کار را در یافت کند و مگر آنچه را من میدانم شما مردم نمیدانید . من میدانم که هیچ صدراعظم آدم احمق مثل من را نمیکند ارد که با مرگش نام شهید را کسای کند . از همین سبب است که او خدمتگاران

را خواهد فرستاد تا به اعتصاب خاتمه دهم و از بر آورده شدن خواسته های مرا متفق خواهد ساخت . رفقا ! به من باور داد .
شده باشید . هر لحظه بی که نفر او با پیشنهادش نزد ام آمد به زودی آن راهروا هم پذیرفت در همین لحظه من بالا پیش صداکردم که :
" باز چی ؟ "

" دوست عزیز بعد نفسر مذکور يك گلاس گلان آب نارنج را به من تعارف خواهد کرد . البته میدانم که این شیوه قبول شده پایان دادن به اعتصاب نه خوردن غذاست ."
" مگر آقای شکفته من هنوز هم نفهمیده ام که چرا دست به اعتصاب نه خوردن غذا زده ای ؟ "
" این خوبسار کپ ما ده است . امروز خواستم يك گلاس آب نارنج بنوشم از این سبب دست به اعتصاب نه خوردن غذا زدم . فهمیدم که هیچ کدام از رفقای مطابق میل من رفتار نمیکنند و آن را برایم نمی خرد ، بنا به خود فکر کردم باید آرزویم را به این طریق آورده سازم .
شنیدن این حقایق من دای به لبهایم نقش بست .
شگفتی که :
کر همین اکنون از طرف ما به نرسیدن يك گلاس آب موه دعوت شوی ، چطور ؟ "
شکفته به یکنباره گوی بر جایش ایستاده شد چهلکپهایش را درست کرد و روی جایی را از خود دور داد و گفت :
" مهربانی کنده ، در صورتیکه هدفم قبلا بر آورده شود پس چرا اینجا بیبوده وقت ضایع کردی ."
و تیکه با آقای شکفته به طرف دو کان آب موه میرفت یک فکر بر سر آمد که چرا از این مردم که در مقابل خانه صدراعظم بوت کلب و مسا محل رام لولا تجمع میکنند کسی نمی پرسد که چرا جمع شده اند و خواسته های تان چیست .

برونزی ترومند ترین کشور

حمام سونا

بقیه از صفحه (۷۷)

تشدید می‌کند. پاکیزه کردن پوست از فواید دیگر برای سلامتی است که به سونا و حمام بخارنسبت داده می‌شود. این نظر منطقی است که ترمیم مو بتواند مواد زائد را از رشد عرق‌دور کند ولی در تون سونا و حمام بخارنسبت که پوست را بطور قوی پاک کنند.

فکالتی در آب

بقیه از صفحه (۷۷)

برنامه ورزشهای آبی را پیاده کرده یک ساعت فعالیت در آب را معادل دو ساعت فعالیت در خشکی می‌داند و معتقد است که در این یک ساعت معادل دو ساعت فعالیت در خشکی به اصطلاح از بدن کاری کشد. دلیل این ادعا هم مقایسه است که در آب ۱۲ برابر خشکی در برابر بدن قرار دارد. بنابراین عقیده عامه ترمیم و فعالیت ورزشی نه‌ب‌نه آماده‌گی قبلی دارد.

بقیه از صفحه (۸۲)

تخصص داد.

در سال گذشته سلطان برونی خواست تا در جشن تولد ۵۰ سالگی خود برای تحفه بدهد. وی مدانست که دخترکش تا چه اندازه علاقه‌مند افسانه‌های قدیمی بخصوص افسانه "السادر سرزمین جادو" شدیده. علاقه دارد سلطان خواست تا در این سالگرد دخترش تحفه افسانوی بدهد. بر اساس امر شاه انجمن سران و دبیران و وزیده انگلستان بخاطر اعمار قصر افسانوی دست بکار شدند در مدت خیلی کم تمام "پرسونل" شامل افسانه تهیه گردیده و محلها ر شده اصلا تقاضی با همان محل افسانوی نداشت. تمام مصارف جشن تولد دختر سلطان بر روی به میلیون دلار می‌رسد روزنامه انگلیسی در مورد نوشت که در جهان میلیونر ها زیاد اند اما هیچ یک از آنها دست به هیچو اعمالی نمی‌زند. جرات اینکار را صرف سلطان برونی دارد و پس.

قصر جدیدی با شکل بهتر آن اعمار کرد. بر علاوه سلطان برونی بهترین ویلاهای را در آمریکا انگلستان و سوئیس و غیره کشورها دارد. وی از همه کشورهای دنیا علاقه‌مند استراحت در انگلستان می‌باشد. در حال کشور برونی نیز خالی از پر ایلماهای اقتصادی نیست. به دلیل پایین آمدن نفت در بازارهای جهانی برونی ضربه شدیدی را از این ناحیه متقبل گردید. در سال ۱۹۹۰ از فروش نفت صرف ۶۴ درصد بودجه اسما را کشور تأمین کرد. در حالیکه در سال ۱۹۷۶ این رقم را ۸۸ درصد تشکیل می‌دهد. سلطان برونی نیز این مطلب را مدتی است که درک نموده است. به همین دلیل در سال ۱۹۸۷ پلان جدید اقتصادی را روی دست گرفت. برای حل این پلان شاه کشور امر نمود تا در ظرف چند سال محدود بخش دیگر صنعت کشور را به سوی عالی ارتقا دهند. برای اینکار دولت برونی ۲ میلیارد دلار

نداشته باشد اختلافات مذهبی و نژادی دیده نمود بناه شکایت در هیچو مسایل نیز وجود نخواهد داشت. جوانان کشور بعضا شایسته می‌کنند که گویا در پایتخت کشور زنده گی خیلی خسته کن است. اما برای اکثر اهالی کشور این پر ایلما خیلی به سه‌روزه کی حل می‌گردد. در روزهای رخصتی آنها ذریعه طیاره و یا کشتی جهت تفریح بکشورهای همسایه سنگاپور و یا با تلوک می‌روند. اما پادشاه کشور ضرورت ندارد تا جهت تفریح قصر مجلل خود را ترک گوید. همین قصر با عظمت که در کتاب "پرنکار" های گونس نیست گسرد. پده است دارای ۱۷۸۸ اتاق بوده که مساحت عمومی آنرا ۲۰۵ هزار متر مربع تشکیل می‌دهد. بر علاوه در قصر کور گاراج برای صدها عراد موتور وجود دارد. سلطان بعد از آنکه با خانم دوس خود از دوایج کرد لازم دید تا مساحت قصر را زیاد کند. به همین دلیل

ومن بتوانم به کمک هموطنان خود بشتابم و بتوانم این تکلیف لوی جدید را در افغانستان عزیزم را بیج بسازم من تاسرهای دایمی یا مومسات خیره این جا دارم تا زمینه های را مساعد بسازم که کیک های طبی را برای مردم افغانستان جلب نمایم و مصدر خدمتی به همسپهان خود گردم هیچ وقت در افغانستان به زور کسی نمی‌تواند بالای مردم حکومت کند تاریخ این را به اثبات رسانیده است از زمان اسکندر تا انگلیس ها و بعد شوروی این به اثبات رسیده است مسئله افغانستان هیچ‌گاهی به زور و نظامی گیری و شیوه های جنگی حل نمی‌شود بلکه یگانه راه حل مسئله از طریق سیاسی است.

عملیات سرطان جگر

مجرور چون جنک در کشور ما است؟ جواب: متاه سفانه در افغانستان جنک جریان دارد تا زمانیکه قوای خارجی در کشور وجود داشت جنک موجه بود محالاً هیچ مضمومی ندارد و من منحیت بین افغان شخصیت متاه تراستم که جنک درام دارد و برادران مایکدیگر را به قتل می‌رسانند. این یگانه آرزوی من است که صلح در افغانستان بویايند

بوده اند. جواب: تاکنون چندین عملیات تو مو رهای مغزی و نومورهای سایر نقاط وجود انسان را موفقانه انجام داده ام. و چون درین نوع تدایر که ها و رشته های عصبی قطع نمی‌شود بصورت مطمئن امکانات فلج و یا خونریزی مغزی وجود ندارد در حالیکه در تدایر های قبلی چنین امراض (۹۵) فیصد امکانات فلج قسمی وجود انسان - عملیات های مغزی متصور بود. سوال: قسمی که اطلاع دارید در افغانستان جنک جریان دارد و مجرور چون زیاد اند نظر شما در مورد جنک در افغانستان چیست و آیا امکان کم شدن آنها

شیر و نان

از صفحه (۸۸) زن و بچه اش را می‌بندد. اما هر وقت می‌دانشت آنها با هم تنها باشند روشی فریب دهنده بکشنه به اندازه روزنامه می‌رست آنها تادم در خانه او راهبرای می‌کردند و او با خفت تمام از آنها جدا می‌شد. شایسته بیست سال طول می‌کشید تا کشف بتواند همه قرضهایش را تمام و کمال بپردازد و بعد چه ۹۰ ایازان به بعد دیگر می‌توانست خرج زن و بچه اش را بدهد. نه احتمالاً نه و اگر در این بین پدرش می‌مرد آنها بی‌خانه می‌شدند. به همین دلیل او با پدرش از زن سنگدلش متنون هم باشد که پدرش را با همی از هم جدا کرد. او - پلن زندگی او را تمام ساخت و زن رحم است. چاربا با زن به راحتی قوت خود را به دست می‌آورد. اما فقط آدمی است که با درج برودش آرزوست آری، گریه آرزوست که در این زنگی همه می‌تواند محاسنی کیک و سوسوس زمنی تهیه کند.

درف و دست (از صفحه ۲۳)

۱ زراعت و امور روزمره روزهای - هفت تن نیز از خود خاصیت به خصوصی دارند .

از جمله سالهای جا لب یکی هم سال کبسه می باشد در - سالهای کبسه واقعاتی رخ میدهد که اکثر آن در ذهن انسان هم خطور نمیکند مانند زلزله ها ، بادها ، طوفانها ، ظهور آتش فشانها ، قتل و وفات رجال برجسته تولدات انسانی و حیوانی عجیب و غریب و امثال آن . به طور مثال سال جاری " ۱۳۲۰ " از جمله سالهای کبسه می باشد در سال جاری روزهای نیک زیادتر بوده و امیدواری درخشانی به مردم پیشبینی می گردد . البته امیدواری آرامش ادامه خواهد داد .

تمهذات : پس از دانستن - احوال شخص و مشخص شدن ستاره و طالع او تمهذ داده میشود که نوشتن آن نیز از - خود وقت و زمان مناسب دارد و نوشتن تمهذ اکثر آن از مشك و زعفران و سیاهی رنگ سرخ و آبی کار گرفته میشود .

شرط اساسی در تمهذات - تشخیص درست شخص است در هر مورد کسانی که حسن مراجعه نموده اند تشخیص از طرف من تثبیت شده و بعد از نوشتن تمهذات نتیجه مثبت داده و مورد تأیید قرار گرفته است چگونگی همه اینها از قرآن مجید گرفته شده حتی در قرآن مجید از تسخیر مهارت توسط انسانها تذکر داده شده است پس علاج بشر هم ممکن است .

و قرآن مجید هنرهای و هنرهای جامع برای همه بشر است .

- محترم هوتکی صاحب در - اخیر اگر گفتنی برای خواننده - کان مجله داشته باشد .

- میخواهم بگویم که کک های من اختتامی نبوده بلکه برای همگان است آنچه خداوند بزرگ برام اعطا فرموده است من حتی الوسع می گویم در خلدت مردم باشم .

هارا میتوانند نام ببرید ؟

- فلم های مستند نهاد ساخته ام و فلم مستندی ساختم از - پرواز مشترک کهنانی افغان شوروی که ارزش تاریخی و فرهنگی هنگی دارد ، این فلم را خودم دایرکت و فلمبرداری کردم چون این فلم رنگ بود لذا امکان شستن آن در کابل موجود نبود ولی وقتی برای شستن به اتحاد شوروی رفت دیگر سراغی از آن ندا .

فلمی همین اکنون روید است از فعالیت های صدیق افغان ، این فلم را در حدود سی دقیقه دایرکت و فلمبرداری کرده ام و به شکل سیاه و سفید تهیه میشود .

- کدام جهات کار صدیق افغان را در فلم انعکاس داده اید ؟

- کشف معادلات و فورمولها و پیشگویی های او به اساس ریاضی فلسفی به سطح کشور و جهان .

- خوب در مورد زنده کسی شخصی تان هم چیزی بگویند .

- عروسی کرده ام پنج طفل دارم پسر بزرگ پانزده سال دارد و تا حال هیچکس - علاقه بی به پیشه پدر ندارد .

- خوب از شما يك جهشک صفاست و کمالگاری برای تان آرزو میکنم .

مسافره پرنده های مهاجر سفره آرمان و فلم های تمام است مانند الماس سیاه خاکستر که کار فلمبرداری آن تمام شده است .

- کدام فلم تانرا از نگاه فلم برداری برتری میدهند ؟

تمام کارهایم را دوست دارم اولین کار که فلم " فرار " بود هیچ فلم دیگری برام جایش را گرفته نمیتواند ، در آن با اعلامی ز یاد و انرژی - بیشتر کار کرده ام .

فلمبرداری پرنده های مهاجر که در فستیوال سال ۱۳۱۶ - مسکو شرکت کرده بود مورد توجه قرار گرفت و نقدی نیز بالای آن صورت گرفت .

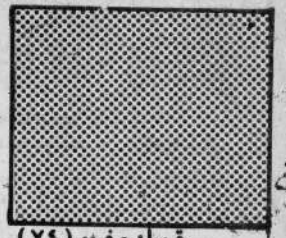
- تفاوت فلمبرداری فلم های مستند و هنری در چیست ؟

- فلم هنری به طور دقیق قیلا صحنه آرایی میشود و فلمبردار حتی ده بار يك صحنه را تيك میکند اما در فلم مستند زمان ارزش خاص دارد فلمبردار باید صحنه را طوری فلمبرداری کند که لحظه فوت نشود .

- چه وقت در يك فلم هنری تصویر زیبا بدست می آید ؟

- تصویر سینما هر قدر بهال باشد به همان اندازه زیباتر است .

- از فلم های مستند تان کدام



قرار بر ریش (بهم از صفحه ۷۴)

در افغان فلم ادامه دادیم . شما که تحصیلات مسلکی ندارید چگونه کار را آموختید ؟

- مکتب تخنیک عالی را در سال ۱۳۵۱ به پایان رسانیده ام من گفتم که قیلا عکاسی نمیکردم تنها فلمبرداری هم عکاسی است در مدت یکم سال که در قیلا شوروی بودم به استنادان مجرب کار کردم و قیلا در افغان فلم مشاوره میداد . شتم از او نیز تجارسی آموختم .

- پس اولین کار سینمایی تان کدام است ؟

- اولین کار سینمایی فلم رنگ افغانی بنام فرار است که انجمن لطیف مرا زیاد کمک کرد .

- کدام فلم های دیگر سینمایی را کار کرده اید ؟

- اکثر فلم های رنگ سینمایی را فلمبرداری کرده ام مانند مرد هاره قول اس و صبور سباز

گشیز را اگر روی زخم های جلدی بگذارید از شدت حرارت آن میگذرد . باعث التهاب آن میشود ، کوبیده تخم گشیز با نمک و مویح حافظ گوشت و - سالن و سایر قدا ها در برابر عفونت است . با تخم باید گفته شود که گشیز با همه این خصوصیات اگر زیاد خوردن شود باعث سمومیت و گنگسی میگردد . هرگز در خوردن آن زیاده روی نکنید ، اگر در اثر خوردن آن مسموم شدید به هر نوعی که شده استفسار کرده و بعد مقدار ری تخم مرغ را در شهر حل نماید و صرف کنید برگ گشیز مسومیت کتر دارد .

شمره گشیز هم میگویند شمره گشیز که از خوردن ساقه و برگ آن به دست می آید دارای انواع ویتامین ها بوده و سود آن از تخم و خود گشیز زیادتر است . دود کردن تخم گشیز مجرای تنفسی را ضد عفونی میسازد ، سردردی را تسکین میدهد و زخم های جلدی و بواسیر را درمان میکند ، برای کسانی که نسبت به آن حساسیت دارند خوب نیست ، برگ گشیز ممکن التهاب صفا و معده بوده و تشنگی را بر طرف میکند ، کسو که عطشی کاذب دارد میتواند از - خاصیت استفاده نماید . برگ

گشیز (بهم از صفحه ۷۲)

گشیز تفویح کننده قلب و مغز میباشد ، عرقان را از بدن میبرد و تشنه را کم میسازد .

بهست در صد تخم گشیز - بهترین دوا برای امراض معده و قولنج است ، جوهر گشیز از راه ادرار دفع میشود و مجرای آن را ضد عفونی میکند و زخم سوزاک و سایر زخم های مجاری ادرار را درمان مینماید ، برای معالجه اسهال خونی که با دوا های دیگر معالجه نشود بهترین دوا آب گشیز است که به آن

عمری لرورسی زیات شویډي
د اد خلقت د جیو رازولـ
خڅه یواز دې
د فضا بوله (سرحد) چیري
د ی ؟

زمونیز سسره نړی

پاتې له (۱۰) مخ کی

که یوه سفینه د نورو په
سرعت حرکت وکړي (باید پوه
شوچې هېڅ یو جسم له اجرامو
خڅه د دې وس ته لري چې د نورو
په سرعت حرکت وکړي لږکه
په هغه صورت کې تجربـه
کوي او تاسی په لور بدل شي)
یوازې دوه سره کاله لانج دې
چې وکولای شي له عمک خڅه
نمان د شمسی نظام سرحد ته
ورسي او دغه شمسی نظام له
لر او ستورو قرونو او میلیارډي
اجرامو سره د هغه کهکشان
یوه برخه ده چې منځی یوه
برخه هرښه د انسان په
پراخه غټ کې د شید په رڼک
وینو

د یوه لږ نورې نورې دورې ن
په واسطه لیدلی زموږ خڅه
یولسیون نورې کاله واین لري.
په بل عبارت دغه کهکشان
زموږ د لیدنی ده نظره د فضا
په سرحد کې واقع دې پرداسی
حال کې چې پوهنیز وفضاحـ
او موز ته لري او د هغه کهکشان
ترشا نور کهکشانونه هم وجو د
لري.
باید پوهنیز وچې زموږ
کهکشان د خلوښتو ملبار د نه
حد وده وکی ستوري لري چې
زموږ د لرغون پراړیوې او دا
سی محاسبه شوي چې د دغو
خلوښتو ملبار د ستورو وزن ۱۶۰
ملبار لږکی له لر خڅه زیات
دې او تاسی باید پوهنیز وچې
زموږ کهکشان د ژرندي د تنځي
په شان په خپل شاوخوا اخرن
او د هري خرڅیدنې وخت
دوه سره ملیونه نورې کاله دې
اما د تود و ستورو وڅه چې
د دغو کهکشانونو کوسی د ی
داسی وه

او دغه کهکشان له خپلو
ملبار د ونو ستورو سره د هغو
زرگونو کهکشانونو له دې خڅه
دې چې په یی باید نړی کس
په سرعت سره په حرکت کې دې
شمسی نظام ته تر یو لویډي
کهکشان ۸۰۰ زره نورې کاله
زموږ سره واین لري او تر یو لوی
لیري کهکشان چې پشـ

پاتې پورتنی لنډي پاشا
ري پسردي چې پوهنیز و پلټو
نکی او پسردي انسان د دغه
پراخی نړی په لوی والی کس
خپره قدر لري.
زموږ د ملکی کره د نرسې
د عظمت په وړاندې حتی د لگر
د ونو د هغو زوږه هم کوچنی
ده چې منځی د لمر په رڼا
کې په کرته کې وینو. اما دغه
کوچنی او گړه لږکه د انسان
لرونکی ده او انسان د ملبار لور
نکی ۰۰ مافزه د ژوند تر یو لوی
حیاتی بد پده ده او دغه
بد پده کولای شي ستونزې
او مجهول شیان کشف کړي
هغس چې کشف کړي هغس
هم دې
ایا زموږ نړی په لوی کوسو په
کهکشان کې انسان وجود لري.
ولی وجود لري ؟
څنگه امکان لري داسی پوهنیز و
چې لور تر لوی ۲۵ فیصد نه عمک غو
نډی شرا پلورې متفکر موجودات
وجود ولري ؟
ولی پسر د نوره همان غوښتونکی
و چې تصویر یی کاوه هرڅه
دده له پاره دې اوهغه
څه چې تاسی دې دده د هغو
نه اختلېو په خاطر اینډول
شویډي امان پوه شوچې څه
پاتې په (۸۲) مخ کی

هر ستوري په پیل کې د یو
لوی دې په مخصوص لښو وزن
سره ، بعدغه وخت کې یو
رنگ سور دې ، ستوري وروږ و
تغییب کوي او وزارت یی
زیاتوي هرڅومره چې انقبـ
غز یا تنځي او د ستوري مخصوص
وزن لږ کوي رنگ یی هم
تغییر کوي ، یعنی لمره نه
وړسته ، روښانه سور وروسته
سپین ته ژر دې زهر او پاشین
شی . او دې وخت کې یی
حرارت خپل وروستی حد ته
رسیږي او پورته د ستوري رنگ
زهره روښانه سور کوي .
ترڅو سره رنگ ته ورسې او پاش
سور شي .
زموږ لر او سرد توریجن
سور رنگ په حال کې دې او
د سرد و خواته یی چې البته
دغه دوران ملیونه کلونه
په مرکب نیس .
پلټونکی او پسردي انسان

پاتې له (۲۴) مخ کی په افغانستان ...

د داکتر رابرت هاجمین
په نظره ، چې په دغو هیواد
نې یو کار پوه دې له شپږ
وخت کلوراپه دخوا د لور
په پیل دې چې یو تیک له
اسانه را لویږي . دغه اسان
نویسک یی له شکه له مینځ
غځولای او غلور نه لور
پاتې سره کاله هر لوی .



ملیونا

په دین ترتیب دده مینود
کپړای ووزشکاران سابقه
زختی برای کسانیک ووزش پکند
هنوز هم فرصت باقیست آنها
میتوانند که میلیونها دالی
پدست آرند کاین دالرطیما
جای برده باری از دست رفته
را برسی کند .

په ازموده (۵۰)
متن ان خپلی آرام انجام میگرد
برده باری وتحمل اعظمی در
سین ۲۰ سالگی د پده مینود
کعبه از تکمیل ۲۰ سالگی
این خصوصیت انسان کاوش
س باید ولی خپلی کم ا نمیکند
در سالی

صفا، صفا... په ازموده (۵۱)

از تاسی پاس مینود ، که په
نظر من در این مورد مثال ها
زیاد است و من نمیخواهم پاس
کسی طرف قرار بگیرم مگر تقاضا
از کمیسیون اینست که کسی
پاسوریت قضاوت نمایند
و نگذارند که انگهای بی سر
و بی لای اجازه نشر یابند (۱)
آزود ارم . فرید صمبها
صمیمیتی کبه موسیقی دارند
عشق بیشتر بویزند و انگهای
خوبتری به هنر دستهای
مرضه پدارند

تاریخچه په ازموده (۲۰)

بگدا رد یا نهضت خانم و
دخترش هغس پاینده را اگر
په پند هفتاد سلطه بعد
باز هم دوازه ان خانم صدق آلیاب
میشود و همان و آنده مایه و
میگوید که او و سایل را که گویا
کس توسط مو ترا و پوده است
گهر او زده و باید کسی از خانه
انها به دفتر پولیس مراجعه
کند به این ترتیب خانم و
دختر جوان ان مرد نظیر و د
س موده ، ما این قضیه را هفتاد
م اما نفس این حادثه متواتر
هعداری باید به خانواده ها
که از هر نوع نشانی کسری و
احقاد به دزدان اجتناب ورزند

عشق و عشق

بیت از سینه (۲۱)

به طرز عجیب بد شد . آیا سرما خورد و سرد ؟
یا شاید به خاطر استفاد ما ز ظروف فلزی آشپز
خانه ، سمی شد بود . با کتری که با -
لاسرش آمده بود ، فقط خندید و گفت : که
مسلمان تشنجی عجیبی بود . چون حال
زن جوان وخیم بود ، شاید هم کافند
د یواری ها آرسنیک داشت . گوشتاف
تکه ای از کافند یواری را پیش پیک
کمیاد آن برد و از او خواست که آن را در قفسه
آزمایش کند . گزارش کمیاد آن حاکی از آن
بود که کافند یواری ها حاوی هیچ ماده
مضری نیست .

درد همسر گوشتاف کاهش نیافت . به
همین دلیل هم خود گوشتاف شروع به
تحقیق کرد . که مطالعاتش در کتاب
طبی منجم با طبیعتش نسبت به
نوع بیماری همسرش شد . بعد همسرش
را با پاپ گن باشویی می کرد و یک ماه بعد
افلام کردند که حالش کاملاً رضایتبخش
است .

و این خیلی ناگهانی بود ، یعنی
انتظار نداشتند به این زودی باشکند .
با این حال چقدر ریاضت در شدن شویین
بود مسلمانا چه پس بود . شکی در این نحوه
فقط باید فکری راجع به امش می کردند .
در این میان لوئیزا شوهرش را کنار کشید
و به او یاد آوری کرد که از بوقی که با هم
از دواج کرده اند ، درآمدی غیر از حقوق
قشند داشته است و چنان که پیدا است
اصلاً کفاف زندگیشان را نمی دهد خوب
درست است . آنها تا آن موقع تا اندازی
در رفاه زندگی کرده بودند و حالا باید
روشان را تضرع می دادند و بعد دیگر
همه چیز مطابق میلشان می شد .

روز بعد گوشتاف به دیدن دوستی
که وکیل بود رفت و از او خواهرش کرد که
سندی را برایش نوشته کند ، و برایش
توضیح داد که می خواهد با آن ، پولی را
که احتیاج دارد قرض کند و برخی از مخارج
اجتناب ناید بپردازد . این نزد یک
تامین کند .

و دوست وکیل او هم تصدیق کنان
گفت : (پولی از دواج و راه انداختن امور
خانواده ، مشغله پرخرجی است . خود
من که تا حالا نتوانسته ام از هدهه اش سر
بیاورم)

گوشتاف از درخواستی که کرده بود -
حیالیت کشید و وقتی دست خالی به
خانه برتست ، به او خبر دادند که در دلت
بیگانه به در خانه اش آمده بودند و سراغ او را
می گرفتند .

گوشتاف هم فکر کرد محتاجند تا
از دستاخیان امران نظامی بپوشد
ایه آمد بود نه پولی گفتند (نه ایها می توانستند
افسر باشند) و او گفت : (او پس حتماً
از دستان سابق در ایستاده اند) -
(شاید شنیده اند که از دواج کرده ام و
آمده اند مرا ببینند) (فقط مستخدم
بود کاپریا رفت : (نه آنها ایستاد پس
نمودند ، استکملی بودند و -
دستهاشان بود . گوشتاف گفت : (-

گوشتاف دیگر برای به دست آوردن -
بوی راحتی نداشت . اکنون خوار بار فروش
مردی که اسب کرایه میداد نسیه میدادند
چون آنها هم می خواستند به زن و بچه ها
پشان نان بدهند .

و بالاخره روزی که فرامی رسد . گوشتاف -
ف مجبور است اجرت پرستار همسرش را تامین
کند و وقتی دختر نوزادش در مجلسی
است ، صدایش می زند تا طلبکارها پیش
را آرام کند . صدایشهای جدید خبلی
برایش سنگین است و تقریباً زرفسار
از یاد آورده است . درست است که او موفق
شده سفارش ترجمه بگیرد . اما چگونه می -
تواند وقتی هر لحظه باید دنبال کاری برود
ترجمه کند . به این حال وضع است که
او به بد رزیش متصل میشود . پیوسرود
بمسردی او را بد برامینود می گوید : (این
بار به تو کمک می کم ، اما فقط یک بار چون
درآمد خود من به زور کفاف زندگی ام را می
دهد . و تو هم بچه من نیستی) گوشتاف
ف باید برای مادریه غداهای لذت
کباب و مواد گرانقیمت تهیه کند باید اجرت
پرستار را نیز بدهد .

خوشبختانه همسرش بزودی روی دیبا -
پش ایستاده مثل دختر بی بار یک و قلمی
میشود و رنگ پریشی چهره اش جایی
خود را بمسرخ می دهد . اما پدر لوئیزا
به طور جدی با دادا تن صحبت میکند .

(لطف کنید و دیگر بچه دار نشوید -
مگر اینکه بخواهید بد بخت بشوید) (خا -
نواده کوچک گوشتاف همچنان برای مدت
کوتاه د بگری به زندگی خوش بر پایه عشق
قرضهای روز افزون ، ادامه داد . اما
بالاخره یک روز روشکستی در خانه شان را
به صد آورید . خبر دادند که اسباب
و اثاثیه منزلشان توقیف شده است و بعد
پیوسرود آمد و لوئیزا را چه اش بر آورد . وقتی
انها با گادی می رفتند پیوسرود با اسرگی
فکر کرد دخترش را به جوانی داده که حالا
پس از یک سال با بی ابروی بی فرستاده -
است . البته لوئیزا حاضر بود با کمال میل
بمب گوشتاف بماند ؛ اما چیزی برایشان
باقی نمانده بود تا با آن زندگی کند و -
انها گوشتاف را در حالی که مامورین ضبط
اموال چوب بدست کد داشتند ابارتاشرا
از قبل و تخت خواب و ظروف سفالی و قاشق و سنج
و ظروف آشپزخانه خالی می کردند . نگاه
می کرد ، پشت سرگردانند و رفتند تا اینکه
ابارتاش خالی خالی شد .

اینک زندگی واقعی گوشتاف شروع شده
بود گوشتاف موفق شد شغلی به عنوان
مصحح در روزنامه صبح برای خودش بدست
ویا کند . به همین دلیل هم مجبور بود
هر شب چند ساعتی را بابت میزبانی کار کند .
و چون در واقع روشکستی او را اعلام نکرده
بودند ، اجازه داشت مقامش را هم در اد -
اره دولتی حفظ کند . اگرچه دیگر نمی توان
نست امیدی به ترفیع داشته باشد ، بعدر
زنش موافقت کرده بود که او روزهای یکشنبه
بقیه در صفحه (۸۵)

عجیب است . خیلی عجیب است) اما
بی شک آنها برمی گشتند .
دو باره شوهر جوان برای خرید پیوسر
رفت و توت زمینی به قیمت ارزان خریده
و سپس پیوسرود آن به همسرش گفت ؛
(فکرش را بکن ، توت زمینی خریدیم یک
کرون و نیم ، آن هم این موقع سال)
همسرش گفت : (آه ، اما گوشتاف
ممنون ، ما می توانیم از این مخارج چیزها
بر آیم)
(هم نیست ، قبلاً برنامه اش را
ریخته ام ، کمی اضافه کاری می کم)
(اما قرضه ایان چه ؟)
(قرضه ؟ چطور مگر ؟ یک وام کلان
می گیرم و همه را یک جاسی دم)
لوئیزا اعتراض کنان گفت : (آه ، اما
مگر خود این هم یک قرضه بگرنیست) -
(خوب باشد ، مهم نیست . می دانسی
که خودش یک مهلت دو باره است -
اصلاً چرا ما راجع به این چیزها بحث
می کم ؟ چه توت زمینی است ؟)
آن روز لوئیزا وقتی بی از خواب بعد از
ظهور بیداری میل ، بیدار شد ، از اینکه
دو باره می خواست راجع به موضوع قس
ضمانت صحبت کند ، از شوهرش بماند
ت خواست گفت : که باید از راست شوهرش
از چیزهای کارسجور است بگوید ، صعبانی
نشود . صعبانی ؟ نه ، البته که نمیشود .
اما موضوع چیست ؟ آیا پولی برای خرج -
خانه می خواهد ؟
لوئیزا گفت : (هنوز پول خوارسار
را نداده ام ، قصاب مارا تهدید میکند
و آن مرد هم که اسب کرایه می دهد اضرار
دارد که حسابان را تصفیه کنم)
و گوشتاف گفت : (همین ؟ همه را فردا
یک جا تا تران آخرش می دم ، اصلاً بیجا
به یک چیز دیگر فکر کنم ، دوست داری
با گادی بیوم بارک ؟ چه ؟ بهتر
است با گادی بیوم . خیلی خوب تر است
اما هم هست ، بر با ترا میوسرود)
و به بارک رفتند و در اتاق خصوصی رستوران
شام خوردند . ضمن اینکه سرگرمی خوبی
هم بود . چون آنها می در سالن عمومی
رستوران غذا می خوردند . فکر کردند که
آن دو عاشق و معشوق شاد و پر نشاط هستند
و این فکر باعث تفریح گوشتاف شد ؛ اما
لوئیزا اصرارده بود . به خصوصی و قس
صورت حساب فزاد بد . چون پسا آن
پول می توانستند در خانه فدای بیشتر
بخورند .
چند ماه گذشت و حالا نوبت تدارک
واقعی ، تهیه گواره ، لباس بچه و غیره

از کجا فرا گرفته ای و آستادان تو کسی بودند که تو را این چنین پروراندند؟ گفتم من چند استاد در ماوراء النهر داشتم ولی بزرگترین استاد من قرآن بود من قرآن را خواندم و حفظ کردم ولی نه آن طور که دیگران میخوانند و حفظ میکنند. من هنگام خواندن و حفظ کردن قرآن کوشیدم که از هیچ آیه نفهمیده نگذرم و معنای تمام آیات قرآن را درالنگتم. امام اعظم گفت: ای امیر بزرگوار آیا ممکن است مرا بشاگردی خود بپذیری و منی را تعلیم بدی؟ گفتم من فرصت تعلیم ندارم و زندگی من تا پایان عمر زندگی یک مرد جنگی است و من وقتی را با او قاتم در جنگها نخواهد گذشت اما اعظم گفت افسوس که تو فرصت نداری مرا تعلیم بدی و گرنه من با کمال خشنودی شاگردی تو را می پذیرفتم.



همه دستار بر سر داشتند که سر پویش عمومی سکنه شهرهای خراسان است آن عده ه مقابل اسب من توقف کردند و یکی از آنها که ریش سفید بود با صدای بلند شروع به خواندن شعر کرد و اشعاری بدین مضمون خواند: ای امیری که خورشید و ماه و فلک در اختیار تو است و جز با اراده تو گردش نمیکنند قدم تیره بشوید مبارک باد و ما سکنه مکه این شهر تا آنجا که توانائی داشته باشیم ازین برای تو گوازی می کنیم.

وقتی که اشعارش تمام شد از وی پرسیدم امیر این شهر رکوست آن مرد گفت این شهر را امیر ندارد گفتم چگونه ممکن است شهری امیر نداشته باشد و بدون امیر چگونه امنیت و این شهر حفظ میشود و احکام شرع و عرف را کجا اجرا میکند؟ امیر بزرگوار مادراین شهر امیر ندارد هم و احکام شرع و عرف را خود ما اجرا میکنیم گفتم من وضعت چیز شما را شنیده بودم ولی تصور نمی کردم که بشوید امیر و حاکم نداشته باشید با وجود آن مرد گفت ای امیر بزرگوار برای اینکه بدانی شهر ما امیر و حاکم ندارد خوب است قدم رتبه نمائی و وارد شهر شوی و وضع شهر ما را ببینی.

در آن موقع به یک کارگاه نماجی رسیدم و دیدم که درون کارگاه چهار نفر مشغول پارچه بافتن هستند. حسین بن اسحاق گفت ای امیر هرگز هاشی که مردم این شهر جمع آورسی نمایند صرف بافتن این پارچه کرکی که مو سوم به برك است می شود. آنگاه دستور داد که طاقه از آن پارچه را برای من آورند تا ببینم و پارچه مزبور که با کرک بافته می شد از پارچه های ابریشمین چین که بخصوص در سرسره قد فراوان است نرم تر و لطیف تر بود و من تا آن روز پارچه ای بان لطافت و نرمی ندیده بودم از حسین بن اسحاق پرسیدم که بهای یک طاقه از این پارچه چقدر است جواب داد نیم دینار. بهای پارچه بسیار ارزان بود و هنگامیکه خواستم از کارگاه هاج شوم دست در جیب کردم که بهر يك از نماجان که در آنجا

غریمت به جنوب خراسان

من می دانستم که زور مند ترین حریف من در خراسان علی - سوف الدین بود. امیر سبزواری بود که به قتل رسید. بعد از وی در خاك خراسان کسی وجود نداشت که آن اندازه قدرت داشته باشد که در جنوب خراسان چند امیر بودند که هر کدام يك متشون داشتند و من می خواستم آن ها را نیز مطیع خود کنم من میدانستم که خبر قتل عام سبزواری و بران شدن آن شهر با اطلاع تمام شهرهای خراسان رسیده و امرای آن سرزمین حساب کار خود را کرده اند معینا بهتر این بود که از جنوب خراسان اطلاع حاصل نمایم. چند روز بعد نزدیک شهر پشور - ریه رسیدم که می گفتم تمام سکنه آن دان نشنند هستند همینکه سواد شهر نمایان شد دیدم که عده ای پهاد بسوی من می آیند و معلوم شد که از سکنه شهر هستند من حدس زدم که آنان از بزرگان شهر می باشند و آمدند تا مرا مورد استقبال قرار دهند.

ولی وقتی بنزدیک من رسیدند مشاهده نمودم که همه از نوع روستائیان می باشند و جامه همه آنها کرباسی است و چون هوا خنک سرد شده بود قباها از پشم روی آن پوشیده اند تمام جامه ها آبسی و تمام قباها خاکستری بود و گویی که در شهر آنها غیر از کرباسی رنگ و پارچه پشمین خاکستری پارچه دیگر وجود ندارد.

کار میکردند چند - که زود بهم ولسی همد يك از آنها عطیه مرا نذر فرستاد و گفتند ای امیر بزرگوار دیدار جمال تو ما را کافی است و ما پانجه از راه کار بدست می آوریم قانع هستیم بهش از آن احتیاج نداریم.

از کارگاه خارج شدم و بعد از طی ده قدم به یک دکان بقالی رسیدم و مشاهده کردم که زنی مشغول خریدن چیزی است و مرد بقال قبل از این که دست چترازد - بهر دگت "هل للمطقتین الفرح اذا كسبت لوجه الناس يستوفون" من از شنیدن کلام مزبور که آیات سوره "المطقتین" در قرآن بود متعجب شدم چون انتظار نداشتم که آن مرد بقال قرآن بداند و آیات گفتم ای نیک مرد ه آنها که در کودکی آموزگار من بودند نمیتوانستند مثل تو و با من خوی قرآن را مخفی کنند ولی تسو برای چه در این موقع این آیات را بخواندی بقال گفت ای امیر الامراء هر وقت که من بخوام دست چترازد بهم این آیات را میخوانم تا این که خدا را ناظر بدانم و کم نفروشم.

من با اتفاق شیخ از خانه خارج شدم و مشاهده نمودم که دکاندارها جامه خود را عوضی کنند و هر کسی که جامه را عوضی کرد و لباس بهتر می پوشید را مسجد را پیش میگرفت بدین این که در دکان خود را ببندد زیرا در شهر پشور - ریه سارق وجود نداشت تا این که کسی از سرقت اجناس دکان خود بهم داشته باشد.

از یک دکاندار که جامه پوشیده و از تن کان خود خارج می شد تا مسجد بروم پرسیدم برای چه جامه خود را عوض کردی و او به رنگ این آیه از قرآن را که یکی از آیات سوره اعراب است برای من خواند: "یا نبی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلووا و شربوا و لا تسرفوا انه لا یحب السرفه" "به شیخ حسین بن اسحاق گفتم من تا امروز هرگز ندیده ام که حافظ قرآن هستم و اینک می بینم که تمام سکنه این شهر "حافظ القرآن" هستند بعد از آن مرد پرسیدم آیا معنای این آیه را میدانی؟ او گفت خداوند میگوید ای فرزندان آدم هنگامی که می خواستید عبادت کنید زینت خود را مسود بپوشید و بنوشید اما اسراف نکنید زیرا خداوند کسانی را که اسراف می کنند دوست ندارد.

یوگا

۲- بلند شوید و به حالت اولی برگردید • دستها را
تکان دهید و استراحت کنید •
هدف عمده :

سینه • بازوها و شانه را تقویت مینماید •

- ۲ -

فوتوی شماره (۳۷)



فصل هفدهم

تمرینات زیبایی اندام برای تمام بدن

در سلسله تمرینات فیزیکی یوگا تمرینات بسیار موثر و مفیدی برای زیبایی اندام وجود دارد که زیبایی اندام را به سطح خیلی عالی تاء مینماید • برای هر قسمت بدن یک یا چند تمرین وجود دارد و آن چه که در زمینه مورد توجه بیشتر قرار میگیرد این است که هر پوز به صورت کل بالای تمام قسمت های بدن اثر میگذارد درست مانند فیته را بری که با وارد ساختن قوه در یک طرف آن تمام قسمت های آن به اهتزاز در میاید • بنابراین یک پوز شاید بالای یک قسمت مشخص بدن متمرکز باشد ولی تاء ثیر آن را بالای تمام قسمت های بدن نمیتوان نسا دیده گرفت • درین فصل تمریناتی پیشکش میگردد که در تقویت و زیبایی اندام شما از سرتابه پا کنگ شایانی خواهد کرد •

تمرین قسمت علیای بدن

هدایات :

- ۱- بالای دستها وزانهای تان انکاء کنید طوری که دستهای تان در حدود دو انچ بیشتر از عرض شانه ها از هم فاصله داشته باشد •
- ۲- ساقهای پاها صوری قرار داشته باشد که در قسمت بجلک ها یکدیگر را قطع نمایند • طوری به پیشرو خم شوید که وزن بدن تان بالای زانوهای تان قرار داشته باشد • تنفس کنید •
- ۳- نفس بیرون بکشید • کمر و سر را راست نگه دارید و آهسته آهسته بدن تان را به طرف پایین بیاورید • و این حالت آرنجهای تان باید به طرف بیرون قرار داشته باشد •

- ۴- هنگامیکه بدن تا نیمی از ارتفاع قبلی بدن و سطح فرس رسیده این حالت را برای (۱۰) ثانیه حفظ کنید • نگذارید که قسمت بالای تنه تان بر سطح فرس تماس کند •
- ۵- بصورت کل یکبار به سطح فرس بچسبید • حالات شمارش چهار استراحت کنید •
- ۶- نفس بکشید • بدن را با فشار بر فرس بچسبانید و بعد تا نیم ارتفاع قبلی بر خیزید • این حالت را باز هم تا (۱۰) ثانیه نگه دارید •

تبصره :

صعی کنید در جریان اجرای این تمرین کمر را راست نگه دارید •

تمرین خرد ساختن بطن

هدایات :

- ۱- پشت بر زمین هموار دراز بکشید و هوله را زیر قسمت سفلی کمرتان قرار دهید • دستهای تان را در حالی که انگشتان تان با هم بسته باشند زیر سیر قرار دهید •
- ۲- ساقهای تان در قسمت بجلک ها یکدیگر را قطع کنید • زانو ها را فات و پاها را بلند کنید • قسمت سفلی کمر را خوب بر فرس بچسبانید • تنفس کنید •
- ۳- نفس بکشید و درین زمان قسمت علیای تنه و لگن خاصره را از فرس بلند کنید طوری که آرنجهای تان به زانوهای تان بچسبید •
- ۴- تنفس عمیق اجرا کنید و این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید •
- ۵- آهسته آهسته به حالت اول برگردید و استراحت کنید •

فروشگاه ولی حاجی

ناب ترین فلمهای ویدیویی گلچین
 پشتو، دری، هندی، عربی و غربی آماده
 فروش دارد، همچنین فلمبرداری متعلق
 خوشی شما را با شرایط سهل میپذیرد.
 آدرس، چارراهی انصاری، شهر نو



گفردنی بسین
 تازه رسیده
 کفشهای متنوع
 و زیاده از حد
 در فروشگاه
 کفشهای متنوع
 و زیاده از حد
 در فروشگاه



آریانا مارکیت

تازه به فعالیت آغاز نموده

آریانا مارکیت که تازه به فعالیت تجارتي آغاز نموده، اجناس از قبیل لوازم منزل و

لوازم آرایش، لباس، مردانه، زنانه، طفلانه، ظروف بچگي

تلویزیون و غیره اجناس را طور عمده و پرچون برای مشتریان

محترم عرضه میدارد.

آدرس: ایستگاه و افغانان تعمیر سابقه افغان اعلا



هفت سال...

سالم شاه به خاطر فکستوی چندمهره متون فقرات و فلج قسم هر دو را که از کم برای یکسال در هفاخانه داخل بستری ماند.

یکسال هفاخانه هم صوری شد اما سالم شاه چیزی را که از دست داده بود به دست آورد نتوانست.

سالم شاه مدتهای را در چکوسلواکیا و هندوستان نیز به خاطر تداوی خود (به پول شخصی) سرگردان هفاخانه ها بود اما او که هم اکنون نیز در هفاخانه ویزاگرخان تحت تداوی منظم قرار دارد در رویدادها و از دل شکسته گی و ناامیدی چیزی وجود ندارد.

در سال ۱۳۶۰ از دواج نموده و خان سردار در روزها روی منزلش می براید و آنجا که درستان نورمحمد در فغان و آب خانوادها مختصرش راتحیه میکند از زنده گی شکایت ندارد و به روی همه تأییدات امیدوارانه لبخند میزند.

در اوقات فراغت به افکار راحت و همت بلند به کسورس لسان انگلیسی میبرد و میگوید هنوز جوانه این آرزو را و صحت که باردیگر جهت تداوی بد خاطر از کشور برود.

که بزودی زینت بخش سینه این ورزشکار افغانی خواهد شد

دیگر به شروع مسابقه صرف پوست و چهار ساعت با قفس مانده است.

روز و شنبه دو بار در هم دو ۱۱۶ بود و عقربه های ساعت دو باره ظاهر نشان میدادند و ناگهانی در مورد سلم شاه مسافرت و اشتراک در مسابقه همه چیز در گریب شد.

در محل تهرین (کمیته ملی-المهملک) ناگهان سرور صدای عجیبی به راه افتاد که همه از یکدیگر میپرسیدند: سلم شاه؟ آیا باز افکار شده است؟

تعدادی از حاضرین به سوی سلم شاه که در وسط میدان بهوش افتاده بود و تعدادی دیگر نیز دستهاچامه اینصورت نمودند و دیدند...

باید اکثر ابروهای سلم شاه جراحت برانگنده بی به هم می آمیختند هر کس چیزی میگفت و کسی که از گفتن مانده بود سلم شاه بود...

داکترهای معالج در اتاقی کفرانس در حالیکه به عکسهای بیمارشان اشاره میکردند نظرنهایی شان را راهی کردند: در اثر ضربه وارد درجه شان تهرینات صوری و ورزشکار ر...

ایستادگی چیست؟

اموزان مقایسه کردند ۱۰ آنها در هزار باره نمره کثرتی آورده بودند (۰ یا کمتر) ولی در امتحانات مکتب نمرات خوبی داشتند اعضای یکی از این دو گروه را به طور تصادفی انتخاب کرده بودند و گروه دیگر از لحاظ نسبت مطابق با گروه مورد بررسی بود. در مورد اینکه چرا تعداد پسرهای که استعداد فوق العاده از خود نشان میدهند پیش از ختران است و پایی و گلشنین معتقدند که پسرهاد ریاض به شتهای کفران محدود دارند نتیجه بهتری نشان میدهند. آنها به تحقیقی دیگر از بعضی محققان اشاره می کنند که دختران در شتهای که زمان در آنها دخالت نداشته باشد نتایج مشابهی بزران به دست آورده اند. این دو محقق در پایان اظهار می دارند:

(وابستگی دختران بزمان، بسا که نتیجه تأثیرات ناشناخته خانوادگی و مدرسه ای باشند.)

به گفته وایلی و گلشنین امید از دانش آموزان هر گروه چیدست بودند و درصد چیدستی در بین پسران هر گروه ۱۶ نفر بود. تحقیقات نشان می دهند که به طور کلی ۱۵ نیمی از چه ها و نوجوانان چیدست هستند. ولی چیدستی ثابت که تا بزرگسالی ادامه پیدا کند حدود هفت نیمی است.

یک سوم دانش آموزان گروه مورد بررسی و گروههای مقایسه آزری یا کم داشتند معنی این آمار چندان روشن نیست. چون آمار از نیمی کسانی که در کل جامعه آزری دارند در دست نیست.

چیت دوستی
و ایستادگی
فوق العاده
با هم رابطه دارند

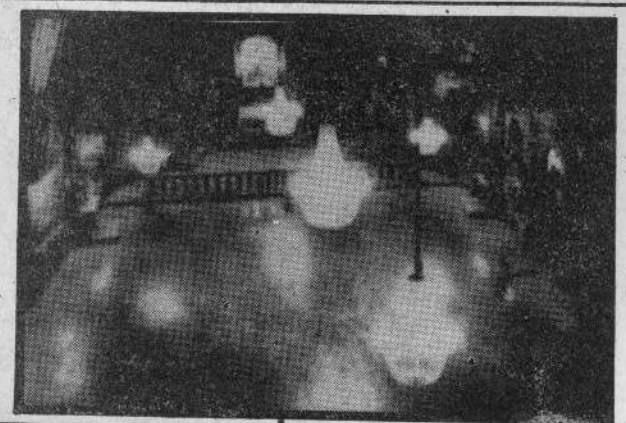


پاراست دست و مثلاً اسباب بازی را با دست راست میگیرند یا چپ؟ بدنیوسلیه میتوان از میزان صحت یا نادرستی نتیجه گیریهای مزبور آگاهی به دست آورد و بالاخر احتمالاً تا بیدی قطعی بر نظر به وراثتی بودن چیت دستی پاراست دستی در اختیار داشته است.

چیت دستی را نیز حدی زد. بهتره (P.G. Hepper) روانشنا- میزاد انگاه کویینز (در نیویارک) و همکارانش ۲۲۶ جنین را سونوگرافی کردند و متوجه شدند که ۱۶۸ نیمی از آنها انگشت شصت دست راستشان را می کشند و فقط ۱۲ جنین با ۱/۱ نیمی از آنها انگشت دست چپ خود را می کشند. به گفته هور (ماشواهد روشنی در مورد چیت دستی پاراست دستی جنین به دست آورده است) وی می افزاید که این نتایج بر نظریه وراثتی بودن چیت دستی نسبت به نظریه اکسای بودن آن تأکید بیشتری میکند زیرا نظریه دیگری هم وجود دارد و آن این است که طفل به دست پدر یا مادر نگاه میکند و کارکردن با دست چپ پاراست را فرا می گیرد. اگر تجربیات مزبور را قواعد لالت بر چیت دستی پاراست دستی بچه هادرر- هم داشته باشند، این نظریه (آموزش اکسای چیت دستی) قطعاً رد میشود. جنه های چیت دستی به بعد از تولد و در دوران نوزادی بیشتر سرشان را به سمت چپ برمی گردانند و گفته هور این یکی از علائم اولیه چیت دستی است. محققان مزبور در مورد تا وضعیت بچه های آرزایش شده را تعقیب کنند تا ببینند که آنها در آینده چیت دستی میشوند.

شاهری از کودکان در هفاخانه نوزادی سرهایشان را به سوی چیت دستی می گردانند که این یکی از نشانه های چیت دستی است.

تحقیقات نشان میدهند که به طور کلی نیمی از کودکان و نوجوانان چیت دستی هستند. ولی (چیت دستی ثابت) که تا بزرگسالی هم ادامه پیدا کند تنها حدود هفت نیمی است. چیت دستی چیت دستی چیت دستی تولد و در دوران نوزادی، بیشتر سرشان را به سمت چپ برمی گردانند که به گفته دانشمندان این یکی از علائم اولیه چیت دستی است. برای بچه ای که فراراست به دنیا بیاید چه لباسی تهیه کنیم؟ دخترانه یا پسرانه؟ امروز با امواج صوتی غیرمسموم



آزاد یاد به عمل آمد چنانچه در سال ۱۹۲۵ هشت صد هزارتن از آن دیدن کردند. از قرن سیزدهم تا قرن بیستم هنگامیکه استفاد ما زمین مذکور صورت گرفته، همه اش بر مبنای میتودهای استفاد از عماد استوار بوده است. به این ترتیب مقدار نمک حاصله از آن در جریان هفتصد سال به بیست و پنج میلیون تن میرسد. به هر حال از بخش معدن کهن که توجه تورستها

زیرزمینی آن بیابانزنده گی سمنوی عقاید رسوم و عفته های مردم آن میباشند از همین سبب متخصصان یونکو در سال ۱۹۲۰ معدن کهن کویرا در دست انتخارات کلتوری جهان شامل ساختند. باید گفت که تا چند سال اول جهانی بیشتر دانشمندان و هنرمندان از آن دیدن میکردند بعد از جنگ دوم جهانی در تعداد تورستها که به خاطر دیدن معدن مذکور می آمدند

در اینجا وجود دارد البته در اروپا دیگر ساحه بی وجود ندارد که از نظر موجودیت سامان آلات چنین غنی باشد. یکی از گرانیهاترین آنها وسیله بی است که به قرن هفدهم مربوط میشود و وسایل کدن کاری چرافعا و وسایل ترانسپورتی و قهره خیلی دلچسپهاست. معدن وینسکا از نظر هنری نیز غنای لازم را دارد. این معنی که عباد نگاه

دلچسپ می باشد. این معدن توجه تورستها را به خود جلب کرده و حتی در اروپا از جمله کهنترین معادن به شمار می آید. از قرن سیزدهم میلادی به این سواز معدن مذکور استفاد به عمل آمده است. معدن مذکور حاوی یک کیلوگرم تاریخچه نماد نپولند است. وسایل و سامان آلات ابتدایی تمدن که برای استفاد از معدن به کاربرد میشوند.

معدن نمک

در نولند ناحیه ی کهنای هلمسکا یاد می شود که دارای معدن نمک است که از نظر تاریخی خیلی

آریا پامیر لمتد

یک نام بزرگ تولیدی اجناس فلز

با خریداری اجناس فلزی مستحکم و بادوام تولید موسسه تخصصی آریا پامیر لمتد به زیبایی

در فاقر و منازل شما همیشه ترمی افزاید.

اگر میخواهید اتاق های نماز از زیبایی خاص بخشیده آدرس زیر

یادداشت کنید . فابریکه : عقب باغ پابر تیفون ۴۲۷۳۲

فروشگاه : حصه دوم جاده میوند تیفون ۲۴۸۳۷

فروشگاه : سالنک وات منزل اول آریا ناماگیت تیفون ۲۳۷۴۷



فروشگاه جواد

این فروشگاه نمیکترین پتلو نهایی کادوبای مردان ، درشی های طفلان ، جپر کادوبای مردان ، جکت دامن ، اقسام بوت زنانه ، سبیر مردانه و نسب ، نسب لباس های مورد روز را تازه وارد و قیمت نازل برای مشتریان عرض میدارد .

آدرس : فاریاب ، ماگیت زرغون میدان تیفون ۲۳۹۱۲



سوپرا تلویزیونی که از روی داشتن اترا بدل دا اعتماد ه
 سوپرا تلویزیون مقبول مطابق خواست شما با با چه تعداد اجناس از این
 ۱- دارای دوش پشه بوده کشفه اولی بویلاوه محافظت شیشه اصلی تصویر رابطه مجسم
 و تصویر را بهتر نکمیدارد
 ۲- بطور اتوماتیک در ولتاژ های ۱۶۰ تا ۲۶۰ ولت عیار گردیده و فعال میشود
 ۳- به سیستم Pal B/G Secam BGDK بوده و ازین نظر دارای امتیاز
 خوب است
 ۴- در ۳۰ کانال کار میکند
 ۵- قیمت آن نسبت به همه تلویزیون های جاپانی نازل بوده و خیلی اقتصادی است
 شما میتوانید از دوستان تان اگر ازین تلویزیون داشته باشند اطمینان خاطر حاصل کنید
 تلویزیون سوپرا را از فروشگاه مسکا مقابل شاروالی بل پهلوی فروشگاه دیپلایت بدست
 آورید . تعداد آن کم است . فراموش نکنید سوپرا بادوش پشه و محافظت شیشه دارای صوت
 کنترل



تایرتیوپ لیس

شما که بخاطر تایر های جدید انتظار می کشید به مطمئن ترین تایر را جستجو می نمودید حال می توانید
 مطمئن شوید این تایر ها که از شهر ترین کمپنی تازه وارد گردیده در خدمت شما قرار دارد .
 این تایر های تیوپس ضد پنچری و دفع کننده فشار ضربه میباشد . تایر های تازه وارد از سایر تایر ها ارزانتر
 بوده و به اقتصاد شما کمک میکند . این تایر ها چندین برابر تایر های بادی عمر دارد مطابق استاندارد بین المللی
 ساخته شده . ازین تایر ها برای کراچی های خاک ریز و کراچی های حمل و نقل اموال و ماشین های سیار استفاده میشود .
 این تایر ها برای شهر ها و قصبات کشور یک محصول مطمئن است
 ازین تایر استفاده نماید و برابر همیشه از پنچر شدن و هواگیری راحت باشید .
 آدرس فروش :- کابل حصه اول جاده نادرینتون محمدی مارکیت دوکان غلام رضا
 سالنگ واپ چهارراهی قوای مرکز سرای حاجی محمد عطا دوکان محمد رضا ، ریبا
 تلفون ۳۴۹۸۱



عمال بیخوابی و رفع آن

(۵) سردرد شدید (۶) بیماری های عفونی و غیره.

رفع بیخوابی: (۱) یک ساعت قبل از صرف طعام در هوای آزاد گردش کردن. (۲) برطرف کردن هوای نامساعد و مرصدهای زیاد از اتاق خواب. (۳) مطالعه کتاب فحش بخش قبل از خواب (۴) بیرون کردن تمام افکار ناراحت کننده مازسر. ارسالی: عبدالمجید مشفق

از میان د معامل بیخوابی میتوان ازین عوامل نام برد: (۱) ناراحتی فکری (۲) سرو مدای زیاد در اطراف محل خواب (۳) هیجانات روحی (۴) ترس (۵) هوای نامساعد اتاق خواب (۶) خوردن غذای نامناسب قبل از خفتن و بالاخره مبتلا به یکی از بیماری های زیر: (۱) بیماری های معدده ووده (۲) سل ریه (سرفه-تپ) (۳) پرخونی یا کمخونی مغز (۴) درد های همی

محترم محمد قبی (اسمه پوشا) مطلب راجع به روز مادر، روز پدر برای ما رسید، یعنی پنجم - شش ماه بعد از روزها در آینده اگر این گونه مطالب میداشته باشید، لطفاً آنرا - شش ماه قبل بفرستید.

از شما تشکر! رنگه پوشا باشید. - همکار خوشذوق مرحوم کیوم اصغری از خصه دوم خیرخانه از دستگارت زیبایی تان تشکر ولی ندانستم، که نوروزکدام سال را تبریک گفته اید؟ به هر صورت از شما یک عالم ممنون! ماهم عید سال آینده را از صبح (دل) برای تان تعین عرض میدارم.

- همکار خوب میثاقیه دوستدارا بهتر است خود شما تشرف آورده، سرگذشت تان را برای ما قصه کنید؟ زیرا خواندن کی بود مانند نشنیدن.

- محترم با صبره حامد زاده از نامه طولیل تان پسک نکته ریک حکایت کوتاه را انتخاب کرده ام:

- تحمل بهترین صفت است اما زنده گی آن قدر کوتاه است که مجال تحمل را نمیدهد. - همکار عزیز کاره سلجوقی از لیمه استقلال.

ما منتظر مطالب جالبی و بلاستیک بیچ تان هستیم - محترم بهران ابدالی.

از شما نامرزیهای را ما - لعه کردیم، شما هم بکشید همیشه اشعار زیباراهه مطا - لعه گوید (منتظر اشعار د پگرتان هستیم. - همکار خوب شازیه نوا.

سروده (رخت سفر) نان بالاخره برای ما رسید از این که امکان نشر شمیر جوانان را نداریم، خدا کند که رخت همگاری تان را از مجله برنجینید.

محترم احمد جانید شعری از خیرخانه.

به پاسخ سوال تان نزد یک بین عرض میدارم. ازین که تیل نیست گزارشگران ما نمیتوانند توسط پایسکل، به خارج رفته هنرمندان و روزشکاران مشهور دنیا را ملاقات و همرایشان مباحثه نمایند از شما تشکر.

از برای یک

پروانه عاشق چرا شمع السلت

عشق پروانه به شمع که الهام بسیاری از شعرا مشرق زمین است، یک توضیح علمی بسوار ساده دارد. قاعدتاً پروانه ها هنگام پرواز در روز از نور خورشید به عنوان رهنما استفاده میکنند، پس پرواز آنها طوری است که همیشه اشعه خورشید یا زاویه ثابت و یکواخت به چشمشان برخورد مینماید. البته چون فاصله خورشید با پرواز بسوار زیاد و تقریباً در حکم بی نهایت است، حشره وون آن که مشکلی برایش

عشق پروانه به شمع که الهام بسیاری از شعرا مشرق زمین است، یک توضیح علمی بسوار ساده دارد. قاعدتاً پروانه ها هنگام پرواز در روز از نور خورشید به عنوان رهنما استفاده میکنند، پس پرواز آنها طوری است که همیشه اشعه خورشید یا زاویه ثابت و یکواخت به چشمشان برخورد مینماید. البته چون فاصله خورشید با پرواز بسوار زیاد و تقریباً در حکم بی نهایت است، حشره وون آن که مشکلی برایش

پیشاید با حفظ زاویه ثابت رُسمورد لخواه پرواز نند. اما در شب وقتی که پروانه میکوشد از یک منبع نور محلی مانند شمع یا چراغ برق استفاده کند دچار اشکال میشود. زیرا فقط در یک صورت میتواند طبق فریزه زاویه مسو پرواز خود را نسبت به اشعه نور ثابت نگهدارد و آن انتخاب مسو را مریچی است که به تدویج کاهش یافته و شعله شمع یا چراغ برو ختم میگردد. ارسالی: عبدالقاسم سنکمن

- همکاران خوب مجله نجایی و صوفیا نجایی از نور محمد ناصینجا. از سخنان طلایی، دیوان نشر میکیم. منتظر سخنجان العالی تان هستیم. - در تن نحیف میتواند اندیشه های هنرگی مسکن میگردد. - یک ساعت زنده گی با افتخار و شکوه به یک قرن گمنام زیستن می ارزد. - دوستدار مجله مرسم غیبی کارمند وزارت آب و برق! میکوشم تمام نظریات شمارا یک صد و یک فیصد عملی سازم. - محترم سلطانه از زنگر زبانی! این هم از نامه شما: - اگر میخواهی به دروغ نگردی بدی، همیشه راست بگو. هر وقت تصمیم گرفتید، درهای تردید را ببندید. - همکار دایمی عشیق الله سخن زاده.

شما حال این نهاد کردید ما قبل از پیشنهاد تان آنرا - زنگر گرفتیم و اینک صفحه سلام بچه ها و سلام دخترها همانست که میخواهید از شما تشکر. منتظر نظریات سازنده تان هستیم. - محترم علی محمد احمد یار محصل بولیتخنیک کابل! ای کاش لطف و مهر بانی کرده تذکر میدادید که این فنل زبانه تراوید، نه هنر کیمت!

- دوستدار مجله فوزه سادات از لیمه محمود هوتکی: اگر از نزدیک بین پاسخهای جالب را انتظار دارم در نامه های آینده، تان لطفاً سوالات جالب بطرحید. محترم مریم عبیدی کارمند وزارت آب و برق.

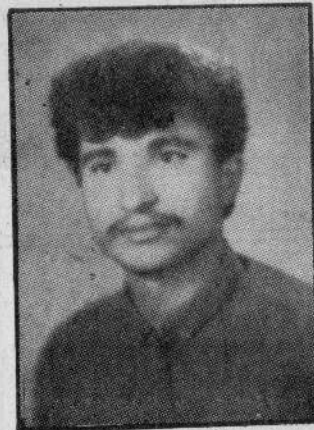
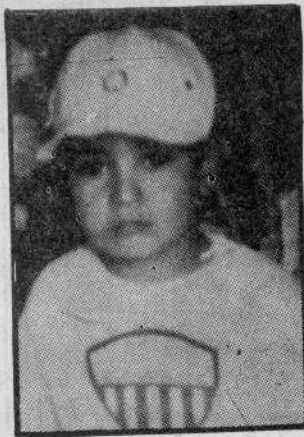
شعر بهاریه تان درستان برای ما رسید. نزدیک بین به شما مشوره میدهد که بعد از خواندن این سطور لطفاً آستین هارا بالا بزنید. مطالب زیستانی نوشته بفرستید، آن گاه بدین بهانه بی نشر خواهد شد. - همکار عزیز هنر فرم حاصل انستیتوت طب کابل. فال تان را به فالبین مجله سپردیم، فال ببینید که نشر میشود یا خیر.

۴ ۸ ۴

چرا هنگام صحبت تلفونی هار میگزیند؟

چرا هنگام صحبت تلفونی
(هلو) میگویند ؟

نخستین کسی که به
فرستادن یک پیام تلفونی
توفیق حاصل کرد ، یک مرد
مجارستانی به نام شیواد اینوش
کاش (در زبان مجاری (هالو)
یعنی آه میشنوی ؟ گفت . و
همین کلمه بود که به تدریج
به (هالو) و بالاخره به
(الو) تبدیل گردید . برای
همیشه در صحبت تلفونی به
کار رفت
ارسالی : حیات الله زر
ش دولت زنی



فرهاد جان علاقمند
مجله سپا و ون

قیام الدین غوثی از جنگلک
کابل از همکاران خوب و
دایمی سپا و ون

— همکاران دایمی ظاهره
قلندری و ناهید قلندری از شهر
بلخمری !

دوستان عزیز ! قابل
تشکر نیست . این وظیفه
دورهین است . به همه حال
از این نامه تان این نکته ها
را برمیگزینم .

— نفرت و کینه هرگز به
وسیله خود شرف نمی شود بلکه
باعشق زوده میشود .
(پورا)

— از دشمنی که با توجه و
ستیز میکند ، هرگز هراس
مکن از دوستانی که به تو
تعلق میکنند سخت رحمت
کن
(ژانبل اوپرگون)

و در همین صفحه قلماطلس
در مورد خواب داریم . از
شما به اندازه گله های تان
تفکر و خواب شما خوش
هنگام همیشه کی محبوب الله
کوهستانی از ولایت پروان ازین
که از راه دوری ، نامه ارسال
کرده اید ، اینک از آن یک
بیت را انتخاب کرده ، نشر
میکم .

از وطن گنتم مسافر
بی دایره راه بین
سگم و روانه ند این
بی وقاری راه بین
همکاران ایی مجله عادل
نروپ از شهر مزار شرف
افسوس افسوس ، شما که استعداد
خوبی در مورد شعر دارید
سازمانکات خوبی در شعرید .
شعر ندارم . به هر حال
استعداد تان قابل آفرین
پاد است ، آفتاب زنده کسی
تان همیشه در وطن بهاد
همکارحتی ضروری مجله
لیلا سمات از بوختن بلخ
از نامه ها پتان دورهین به
اندازه سلیقه تان تشکر
میکند مگر شرط آن که نامه
های آینده ، تان خالصی
از وطن و وطنز باشد .

از دور

— محترم عبدالله باختروال
محصل تخنیک نفت و گاز
مزار شرف

گله های تان سر چقم دور
بین . اما به سر گله های سرخ
وسپز تان قسم که ما همیشه در
این صفحه از شما یاد کرده
ام . ولی این که شما متواتر
شماره هارا تعقیب نکرده اید
گناه نود یک بین و دورهین
نست همین لحظه بالای میز
دورهین سه نامه شما چار
زبانو نوشته است که در یکی
آن گله در یکی آن عکس و
در سوس هم مطلبی در مورد
" خواب " نوشته اید . و پس
تا ه سف باید عرض به دارم که
این مطلب تان در همین شماره
قابل چاپ نیست . زیرا در
صورت نشر صفحه خواب السود
مشود یعنی در همین شماره

همکار خوب ما ناخوشه
چین از سوالی اند خور بی
امید واریم در نامه های آینده
تان چیزی برای جیدن وجود
داشته باشد .

— محترم روحگل افشار
از بلخمری !

دورهین به سرزند یک
بین قسم خورد که نامه تان
نرسیده . و اگر رسیده ، مطلب
تان تکراری بوده ، در غیر آن
ما به اساس نیت از تمام عزیزان
و دوستان مجله را که لطف
کرده مطلب میفرستند ، به نشر
میوسانیم ، اگر باورند ارسال
استحان شرط است .

محترم محمد حسین هنر
بازار حصه دم خیر خانه ولایت
چوزجان نامه تان جالب بود
آدرمر تان جالب بود ، سو
الات تان هم جالب بود .
ولی افسوس افسوس که دورهین
خط خوانای تان را خواننده
نتوانست .

بازگشایی

وقاحت گفت مرا با شاه
و اشتیاقات بیارید
ردالت گفت مرا با خلمست
فضیلت افشارید
خیالت گفت نتاج امانت بر
سرس نهید
ظلمت گفت از جور عدالت بر در
سرام باورید
تکرر گفت برآیه زهر تراصع
سها کسی کیند
حق درین میان گفت : مرا برهنه
گدا رید و سوزای بی برهن
میته بد من از ره کسی
شرمسار نیست
ارسالی :
رحمت الله رضایان بلخمری

حل کنید و جایزه بگیرید

گردآوری و تنظیم از لطیفه (سیدی)

سایه‌ها

شا



پندرسش

ها

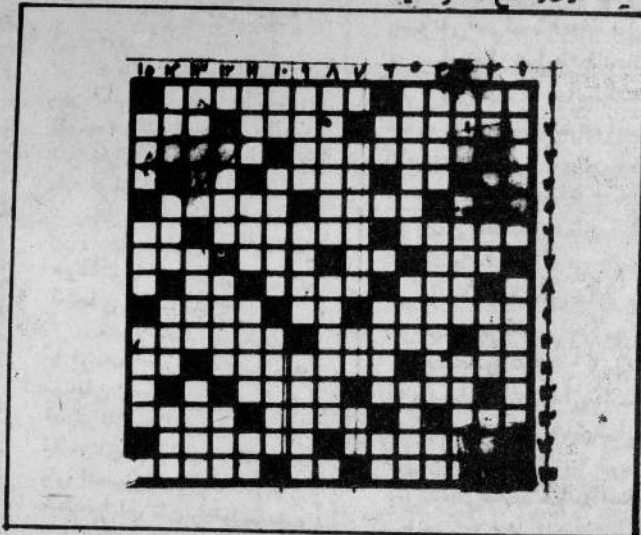
میروی :

- ۱- کاشف گردش زمین - ترک کردن است و در جنگ آتش بس را گویند .
- ۲- همان عشق است - ایضا پاهوروت - پایتخت اروپا می عمله ایست دز حساب .
- ۳- ضعیف و ناتوان - برای مهت می خوانند - آرزوست و کمال مطلوب .
- ۴- مردی سوار بر اسب مجله ایست در شهر کهنه چهار و اشیا .
- ۵- خوکان را عرب گویند قرض که در ازترین شب سال .
- ۶- از بازمانده گان هتلمی که زندانی شد - السنه جمع آنست - حرف دهم الفبای آلمانی .
- ۷- بنای عشق درهندستان پایه حیات مقدار عمر .
- ۸- امر خارق العاده ایکه از کسی دیده شود - مقنا طیس .
- ۹- حمام آن معروف است نصیب و بهره و هم قسمت کننده را گویند - می آموزاند
- ۱۰- حرص و طبع - در را

به ان اشترین می گویند - منزل برای آنست .

- ۱۱- مادر اصطلاهی - اگر "ها" مبداعت نام یکس از اشد مار فروغ فرخزاد میشد .
 - ساده است و خلاف مرکب حرارت غیر عادی بدن .
 - ۱۲- مقصود و خواسته شده از قهرمانان شاهنامه - و سهله کار همزم شکن .
 - ۱۳- مداین جمع آنست پایتخت چکوسلواکیا - علف و نبات .
 - ۱۴- اولین پادشاه افغان - نستان - از مالک عربی دارایی و کالا - از انطرف خورشید است .
 - ۱۵- خو گرفتن - از فلزات پشت آب آن بیل بگیر .
- افقی :

- ۱- میله آن معروف است علم طبقه بندی اجسام حیه .
- ۲- داستان وقسه را گویند که رچه - خونها .
- ۳- اولی تنهات و دومی درگاه را گویند "دوکلمه" خر بظه که دران پولس میزند



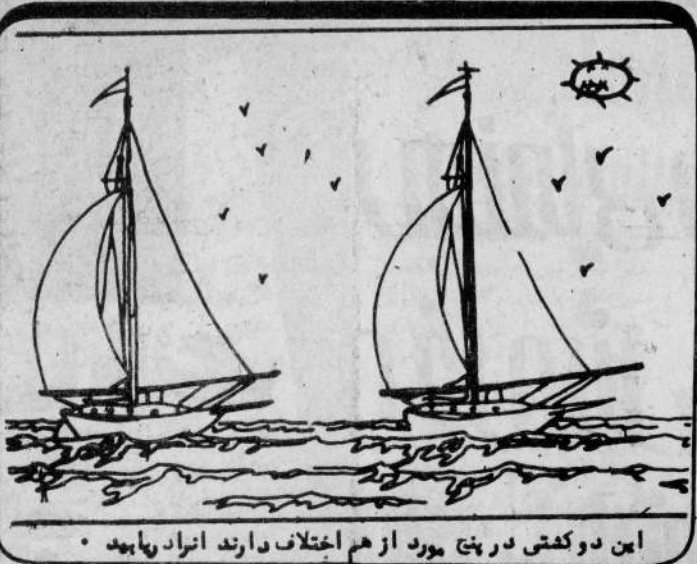
- ۴- شما به لسان بیگانه فیلسوف حیوانات - روم و پندیده گی - نصف رندی .
- ۵- همنش صابون - جدا جدا نیست - قساد است و فنا .
- ۶- بلبل داستان آنست با تکرار حرف آخر - قناعت کرد است .
- از خسرات ناقل مکتوب در - پختو .
- ۷- رسوا کردن و دریدن پرده رحمت الله علیه - گرم نیست بصحت و اندرز .
- ۸- تیز ورنده - همنشمن آستر - تکرار یک حرف .
- ۹- از پیشاوند ها است خندان و خنده روز را گویند .
- ۱۰- شخص سوم بفرد - شوخ در روز با چراغ بدنالش بود نجات یافته است و تخلص یکی از هنرمندان گروه گل سخ .
- ۱۱- داستان و افسانه پها میریکه پسرش چاه زمزم را پدید آورد - عشق به لسان بیگانه .
- ۱۲- مرهون و گروگنداشته شده - هر چیز گمتر ندسی را گویند .
- ۱۳- وظیفه معده - رفیق و دوست در اردو - مکرر .
- ۱۴- خلفای آن معروف است تکرار آن را گناه پنداشته اند .
- ۱۵- جمع شهره تخم مسکه و امثال آنرا گویند - ازجا - لات دریا - هم صحبت رای در کلیله و دمنه .

طرح جدول از : بیگانه

پایخ بدهید و جایزه بگیرید

شماره مطالعه فراوانی

- خربکس اثر کدام نویسنده است و محتوای آن از کدام موضوع بحث می کند ؟
- شب چراغ اثر کدام نویسنده است ؟
- نویسنده کتاب و موش ها کوش دارند کشت و مطالب آن روی کدام موضوع مچرخد ؟
- جلوه های زیبایی در هنر مربوط به کدام نویسنده کشور است و پیرامون کدام موضوعات معلومات آرایه میدارد ؟
- مر بای مچ مجموعه طنزی کدام طنز نویس کشور است ؟
- داستان درز دیوار روی کدام موضوع نگاشته شده است و در ضمن نویسنده آن کیست ؟
- و افتاب نمیرود مجموعه شعری کدام شاعر معاصر کشور است ؟
- گزارنده مجموعه قصه های اسطوره شهادت به دری مر- بوط به کدام شاعر کشور است ؟



این دو کشتی در پنج مورد از هم اختلاف دارند انفرادی بایند .



در میان این پرده
کدام پرده پانزدهم است
که بر سر این شخص
دیدار شود ؟

مصراع اشعار
شاعر تو انا مولانا
بلخ را تکمیل نمایند

- تو هنوز ناپیدی توجمال -
خوندیدی
سحری چو برای
- حق ترا از جهت
آوردت
فتنه و ثور قیامت نکسی به -
چس کسسی
- بالله که شهر به تو مراحس می -
شود
..... و بهایانم ارزوست
- چو غلام به طریقه
ترجمانی
به نهان از او بهرم به شما -
جواب گویم
- فلك زهر به آورد شب -
و روز
من شکراند و شکراند و شکراند
شکر

اداره مجله سبادون برای برنده گان این صفحه
جایزه های عالی در نظر دارد .
در هر شماره برای سه برنده تحلیف متمناز داده میشود جایزه
های این شماره کتابچه های پس انداز بانک ملی فغان
در نظر گرفته شده که ریاست بانک ملی با صمیمیت
ببسترش مقرر داده است .



برنده این شماره



محترم ژهلا نوری محصل سال اول پوهنشی حقوق و علوم سیاسی
پوهنتون نابل ، که همیشه با مجله دوست داشتی خوشش -
سباوون همکاری دارد ، باحل جدول سرگرمیهای مجله تو -
نست جایزه می این صفحه را که یک جلد کتابچه پس انداز
بانک ملی است نصیب کرد . که ما با صمیمیت این تحفه را
به وی تقدیم نمود و اظهار سپاس مینماییم .



رهنمایی در خرید و فروش خانه زمین آپارتمان و موتور

رهنمای مساعلات

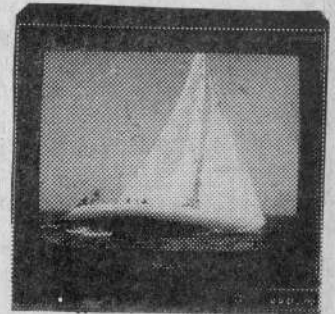
روح الله تقیری

آدرس:

شهر نو چارراهی حاجی یعقوب
متصل مسجد جامع شیرپور
تلفون ۳۲۵۲۹

فروشگاه فلیس دلیات

فروشگاه دلیات شیک ترین اجناس
را از مشهورترین کمپنی های جهان با تنوع و دورد
نوده و بهار شتر باغ عرضه میگردند.



توزیع کننده فلیس اتوماتیک ریپورت کنترل دلد - سایز های مختلف با یکسال
گارانتی، دیر دوکت شارپ چاپر مدل VC-M730E اتوماتیک دلد از قیمت عالی سیستم
ریپورت کنترل دلد، اقام رادیو کت، اتوموبیل اتوماتیک فلیس، بادبک سرسبز، توزیع کننده اسفنج و پرده
۱۱۵۲۰ انچه سیاه سفید رنگت اتحاد شمدر. آدرس: مقابل نایب الدی کابل محمد جان خان ۱۱

دستورات محبت



ما نرسد و شیرینی خوار و غیره می فرستیم تا دل در دستورات محبت بگذارد.
 ما نرسد... دستورات محبت با محبت خایم در شرط... نهمین میوه غذا خوب
 رعایت... در بهمان...
 پنجشنبه دستورات محبت... ۱۱:۳۰... ۲ ظهر
 بخانه حضرت... در خدمت...
 کدکس... ۲۵۷۶۶

اگر قصد سفر دارید
 در بسته‌های خمیله آرام
 دستریج ۳۰۳ سفر
 کنید.

بازار کبچ بخیر بس شمارا
 از کابل به پمخری بستمنگان
 و مراد شریف مع الخیر میرساند
 آدرس:
 کابل - ساحه واقفانان و پل شکی

تلفون ۲۱۷۸۴

سفر
 بازار کبچ
 بخیر



ضرورت نیست هر کار را بجز در
خوش انجام دهید . در زندگی
کی باید این حقیقت را در نظر
بگیرید که خوبی و بدی ، زشتی
و زیبایی مانند روشنی و تاریکی
وجود پیدا می کند و لذا شما درین
میان به ارزش نیکی ها پی برید
درین روزها ملاقات مهمی در
پیش دارید که در سرنوشت
عشقیشان تاثیر دارد . از
خود مواظبت داشته باشید .

تور

میگویند برد و باری در آسمان
پس را باز میکند . توجه داشته
باشید ، مقاومت شما موجب میشود
که شما در برابر دشوار تر شدن
مشکلات زندگی پیروز شوید .
به عشق باورتان را نگهدارید
به زودی یکی از بزرگترین آرزو
هایتان برآورده میگردد .

چون

توانایی در دانایی است
ازین سبب سعی کنید در باره
آنچه که با آن سروکار دارید
گاهی داشته باشید . قضا
وت عجلانه برایتان درد سر
های زیاد خلق میکند مخصوص
صا از نظر وجدانی ناراحتی
هایی شما را سرگچه خواهد
ساخت . بگذارید شما را دوست
داشته باشند این احساس
خوبی است .



میگویند قول مردان چنان
دارد . سعی کنید به قول
خود ایستاده باشید همچنانکه
شما از آدم های دور و فریبگر
خوشتان نمی آید دیگران نیز
این صفت را در شما دوستی
ندارند . به ملاقات دوستی
مهرورید که برایتان خیلی خوب
شایند است . توجه کنید که
درین روز مواظب صحت تن
باشید .

سبزه

هر وقت نسبت به کسی بی
حرمتی روا میدارید در حقیقت
تخم کینه و نفرت را در دل او
زور می کنید . انسانیت مفهوم
بزرگیست که در آن احترام متقابل
بل جای ولایتی دارد از عجله
در تصمیم خود داری کنید
اگر تصمیم از دل و جگر
مناسب است که پیش از زمستان
عمل کنید .

عاقل آنچه را میداند میگوید
و نادان آنچه را نمیداند میگوید
ید ، ازین سبب از اطراف انسانی
که شما را با حرف های جور و
ناجور ناراحت می سازند آزرده
نباشید بلکه فکر کنید هر کس
نظر خود را در
نامه بی به شما میرسد که
میتواند در سرنوشت عشق شما
اثر بگذارد . به دیدار عزیزان
تان بروید چون آنها به شما
نیاز دارند .

اگر دوستی عمل است او را

نخور ، ضرورت نیست که محبت
و صمیمیت دوستان تا نرا مورد
استفاده سوء قرار دهید یا
تا مل در مورد سرنوشت خود بسا
اعضای خانواده تان تصمیم
بگیرید مخصوصا در تصمیم برای
ازدواج خود را با مشغولیت
های ناراحت کننده بیشتر ازین
ناراحت نسازید . موسیقی
میتواند شما را راحت نگه دارد

میگویند مصیبت دم دارد و
یک بدبختی به بدبختی دیگر
دست میدهد اما با این همه
سلسله بدبختی ها بس یار دراز
نیست شجاعت شما میتواند آنرا
کوتاه سازد اعتماد کنید و نسبت
به آنکه باور دارید مظنون نباشید
شاید . او نیز علاقمند و عاشق
شماست فقط باید او را درک
کنید .

بسیاری هادر جستجوی عشق
بودند اما خود را کم کردند
و آنچه را که میخواستند نیافتند
زیرا اراده شان قوی نبود . شما
میتوانید عاقلانه تر بیاندیشید
ممکن است درک شما احساساتی
باشد . در وستان خوب راد
روزهای بد آزمایش کنید .
کینه نسبت به عزیزان تان در
درا نگیرید .

میگویند نگذار زیانت گسوی
ترا قطع کنده انمان میتوانست
خیلی تند و خیلی زشت حرف
بزند اما زشت صحبت کردن
مفید نیست . با صمیمیت به
دیدار کسی بروید که همیشه
منتظر شماست . مواظب باشید
که در دام فریب و اغوی ذهن
خود نیفتید .

چرا از روی صمیمیت نمی پند
بیرید که او شما را دوست دارد .
اعتماد او را جلب کنید و خود
را از افکار باطل برهانید
انتظار تلخ است اما میتوانست
برای شما اهمیت آنچه را آرزو
دارید برجسته سازید آرزوی
او ناراحت نباشید به زودی
خوشحالی بزرگ به سراغ شما
میرسد .

موتورهای انصاری وات



آهسته آهسته حفظ کنید، هر وقت تکیه در موتور هستی.

ریانما فضا و آهسته و آهسته، ماسکوچ مدل ۱۹۹۰ احسار کم لایه؛

موتورهای ماسکوچ ۹۰ و موتورهای انصاری وات تازه وارد نمود است.

شما از نمایندگانی این موتورها در چهارراهی انصاری شهرنودین کنید
و موتوردهنده را با رنگ مورد پسند انتخاب کنید. همچنین موتورهای
انصاری موتورهایی مدل جدید ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ بنز تویوتا و یک هیای
مختلف النوع را بدستور دارد اشخاص و موسسات دولتی میتوانند با شرایط
سهل موتور مورد ضرورت خویش را دستیاب شوند.

که سر لا بار دیگر بخاطر داشته باشد.

تلفون ۲۰۵۲ چهارراه انصاری شهرنودین

ADKU
 مسلسل
 05
 350
 22 ص
 v4 1 n4



پیک شکر بزرگ
 در فروشگاه بزرگ

فروشگاه بزرگ
 افغان

معافلی خوشی تان در دستورا
 فروشگاه بزرگ افغان بزرگ
 نماینده خاطر آن همیشه شد
 همانند
 وقت را بزرگ کنید

شما می توانید در منزل مختلف فروشگاه بزرگ افغان را بپوشید
 و در صورتی که در خارج از کشور هستید می توانید به صورت آنلاین سفارش دهید

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**